

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# بلندای فقه شیعه

## جلد هفتم

(مقایسه و بررسی تطبیقی دو اندیشه‌ی فقهی شیعه)

حضرت آیت الله العظمیٰ مکارم شیرازی (مدظله العالی)

سرشناسه: نکونام، محمدرضا، ۱۳۲۷-  
عنوان و نام پدیدآور: بلندای فقه شیعه، مقایسه و بررسی تطبیقی  
دو اندیشه‌ی فقهی شیعه / محمدرضا نکونام.  
مشخصات نشر: اسلام‌شهر، صبح فردا، ۱۳۹۰.  
مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص.  
شابک: ج ۷: ۰-۰۶-۰۶۴۳۵-۶۰۰-۹۷۸  
شابک دوره: ۱-۰۹-۰۶۴۳۵-۶۰۰-۹۷۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
موضوع: فقه شیعه.  
موضوع: فقه جعفری -- قرن ۱۴.  
رده‌بندی کنگره: ۸ ب ۷۴ ن / ۷ / ۱۶۹ BP  
رده‌بندی دیوبندی: ۲۹۷/۳۲۴  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۱۰۹۷۹۸۹

## بلندای فقه شیعه - جلد هفتم

حضرت آیت‌الله العظمی محمدرضا نکونام (مد ظله العالی)



ناشر: صبح فردا

محل چاپ: نقش‌گستر

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰

---

تهران - اسلام‌شهر - نسیم‌شهر - وجیه‌آباد

دوازدهمتری جواهرزاده - پلاک ۳۶

کدپستی: ۳۷۶۹۱۳۸۵۷۵\* تلفکس: ۰۲۲۹۴۳۶۳۴۸۱

---

[www.nekoonam.com](http://www.nekoonam.com) [www.nekounam.ir](http://www.nekounam.ir)

---

ISBN : 978 - 600 - 6435 - 06 - 0

---

شابک دوره: 1 - 09 - 6435 - 600 - 978

---

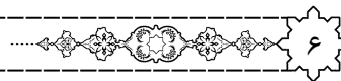
حق چاپ برای ناشر محفوظ است

# فهرست مطالب

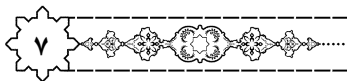
## بخش نهم

### روابط و حقوق اجتماعی

۱۵	..... روابط و حقوق اجتماعی
۱۵	..... علل عقب ماندگی مؤمنان
۱۸	..... جایز بودن مجسمه سازی
۱۹	..... پوشیدن لباس مخصوص مرد توسط زن و به عکس
۲۰	..... بازی با آلات قمار
۲۱	..... غنا در اسلام
۲۱	..... غنا در ادیان گذشته
۲۳	..... موسیقی رادیو و تلویزیون
۲۳	..... هزینهای که کارگر شراب فروشی به مسجد می دهد
۲۴	..... گذاشتن سییل
۲۵	..... تراشیدن ریش
۲۵	..... چوب بازی در مجالس عروسی
۲۵	..... آگاه ساختن مردم نسبت به شخص کلاه بردار
۲۶	..... بسنده بودن نداشتن علم بر انجام گناه در انتخاب شغل
۲۸	..... غنا، موسیقی و رقص در صورت مفید بودن برای مریض روانی
۲۸	..... ادامه تحصیل دختر در صورت جلوگیری اولیا
۲۹	..... صلهی ارحام و بستگان بی بند و بار
۳۱	..... معاشرت و صلهی رحم با بستگان لایالی



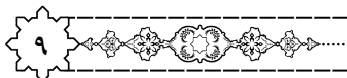
۳۱	نادرستی قطع رابطه‌ی کلی با بستگان
۳۲	جواب سلام همراه با کراهت نسبت به شخص مرتکب معصیت
۳۲	شیوه‌ی رفتار با فرد به ظاهر مسلمان، ولی اخلاص‌گر در احکام دین
۳۵	زدن کراوات
۳۹	<b>عزاداری</b>
۳۹	توب بازی بچه‌ها
۴۳	<b>کافران کتابی و غیر کتابی</b>
۴۱	حقوق کفار غیر کتابی
۴۴	برخورد با کفار تأمین داده شده در زمان طاغوت
۴۵	اموال بهایی‌زاده در صورت مسلمان شدن
۴۵	نظام اسلامی و اموال یهود و نصاری تأمین داده شده در زمان طاغوت
۴۶	اموال یهود و نصاری فراری بعد از انقلاب
۴۷	مصادره‌ی اموال و مراکز کفار فراری بعد از انقلاب
۴۸	جایز بودن تصرف اموال کافر حربی به دور از هتک حرمت اسلام
۴۸	اقسام بهایی‌ها و تأمین دولت اسلامی
۵۳	<b>ضمان</b>
۵۱	ضرر رساندن به همسایه
۵۲	خسارت حیوان
۵۴	مرگ ضامن
۵۴	ثبوت ضمان به سبب تقصیر
۵۸	دیگر مسایل ضمان
۷۱	<b>وکالت</b>
۶۹	وکالت؛ عقدی اذنی
۶۹	وکالت فضولی



۷۰	وکالت مشروط
۷۱	عمل کردن وکیل برخلاف مورد وکالت
۷۲	مواردی درستی گرفتن وکیل
۷۳	وکیل گرفتن در مرافعات
۷۶	وکیل گرفتن در حیاتت مباحات
۷۶	وکیل گرفتن پدر و جد طفل
۷۶	وکالت سفیه و مفلس
۷۸	دیگر مسایل وکالت
۸۵	<b>کفالت</b>
۸۳	شرایط درستی کفالت
۸۴	کفالت؛ عقد لازم
۸۵	وظیفه‌ی کفیل در صورت غایب بودن مکفول
۸۵	کفیل شدن برای کفیل
۸۶	مرگ کفیل یا مکفول
۸۶	دیگر مسایل کفالت
۹۳	<b>حواله</b>
۹۱	معنای حواله
۹۱	شرایط درستی حواله
۹۴	فسخ حواله
۹۵	معنای اعسار
۹۵	شرط خیار فسخ در حواله
۹۵	دیگر مسایل حواله
۹۹	<b>قرض و دین</b>
۹۹	شرایط قرض

- ۱۰۰ ..... ملاک قیمت زمان پرداخت بدهی در ادای دین
- ۱۰۱ ..... معنای دین و سبب آن
- ۱۰۱ ..... پرداخت بدهی و دین
- ۱۰۲ ..... بدهی مدت‌دار (مؤجل)
- ۱۰۴ ..... بدهی که شامل همه‌ی ترکه می‌شود
- ۱۰۵ ..... دیگر مسایل دین
- ۱۱۱ ..... **قرض ربایی**
- ۱۱۱ ..... اخذ کارمزد از وام‌گیرنده
- ۱۱۲ ..... تقاص ملک رهنی در صورت عدم پرداخت وجه رهن
- ۱۱۴ ..... اجازه‌ی استفاده‌ی بدون عوض از رهن در مقابل قرض و ربا
- ۱۱۹ ..... پرداخت اضافی قرض‌گیرنده بدون شرط و تبانی
- ۱۲۱ ..... **صلح**
- ۱۲۱ ..... معنای صلح و حکم عقد صلح
- ۱۲۲ ..... ایجاب و قبول و صیغه در صلح
- ۱۲۳ ..... صلح فضولی
- ۱۲۵ ..... صلح؛ عقد لازم
- ۱۲۷ ..... اختیار فسخ در صلح
- ۱۳۴ ..... مجهول بودن متعلق صلح
- ۱۳۵ ..... دیگر مسایل صلح
- ۱۴۳ ..... **ودیعه (امانت)**
- ۱۴۳ ..... ودیعه؛ عقد جایز
- ۱۴۳ ..... تلف شدن ودیعه نزد مستودع
- ۱۴۴ ..... تعدی و تفریط
- ۱۴۵ ..... شرایط امانت‌گذار و امانت‌گیرنده





۱۴۶	.....	امانت مالکی و امانت شرعی
۱۴۷	.....	دیگر مسایل ودیعه
۱۴۹	.....	هبه
۱۵۱	.....	صورت‌های مختلف رجوع هبه‌کننده به عین بخشیده شده
۱۵۷	.....	موارد جواز رجوع در هبه و عدم جواز آن
۱۶۰	.....	جواز رجوع در هبه در صورت بقای عین موهوبه
۱۶۱	.....	دیگر مسایل هبه
۱۶۳	.....	قسم و نذر
۱۶۵	.....	متعلق قسم
۱۶۵	.....	صیغه‌ی نذر
۱۶۷	.....	کفاره‌ی مخالفت با نذر
۱۶۸	.....	رجحان نداشتن عمل به نذر
۱۷۱	.....	تبدیل عین مورد نذر
۱۷۳	.....	تغییر مصرف در نذر
۱۷۵	.....	نذر بدون اجازه‌ی شوهر یا والدین
۱۷۶	.....	نهی والدین از متعلق نذر
۱۷۶	.....	دیگر مسایل نذر
۱۸۵	.....	امام‌زادگان
۱۸۷	.....	عهد
۱۸۹	.....	لقطه (پیدا شده)
۱۹۱	.....	مصرف لقطه برای مسجد
۱۹۴	.....	لقطه‌ی بی‌نشان
۱۹۵	.....	لقطه‌ای یافته شده توسط نابالغ
۱۹۶	.....	لقطه و ناامیدی از پیدا شدن صاحب آن

۱۹۹	لقطه‌ی حیوان
۲۰۲	دیگر مسایل لقطه
۲۰۳	<b>غصب</b>
۲۰۵	آگاهی یا ناآگاهی از غصب بودن چیزی
۲۰۸	بدل حیلوله و نمای آن
۲۰۸	غصب مال از غاصب
۲۰۹	احکام مثلی
۲۱۱	باقی بودن عین غصب شده
۲۱۳	دیگر مسایل غصب
۲۱۹	<b>وقف و حبس</b>
۲۲۱	معنای وقف و وقف معاطاتی
۲۲۳	درستی وقف
۲۳۰	اعتبار قبض در تحقق وقف
۲۳۳	وقف بر نفس
۲۳۴	وقف خاص
۲۳۵	وقف بر فرزند
۲۴۲	مصرف وقف
۲۴۵	تغییر مصرف وقف
۲۵۲	تبدیل و تغییر وقف
۲۶۴	تولیت وقف
۲۷۳	<b>احکام وقف</b>
۳۰۴	وجوب حفظ وقف
۳۰۶	خارج شدن مورد وقف از بهره‌برداری
۳۲۷	افراز وقف

۳۲۹	وقف مشاع
۳۲۹	راه ثبوت وقف
۳۳۳	حبس ملک
۳۳۶	دیگر مسایل وقف
۳۵۵	کفارات
۳۵۵	اقسام کفارات
۳۵۷	بسنده بودن پرداخت پول به مسکین در کفاره
۳۵۸	کفایت فقیر واحد در پرداخت کفاری نقدی
۳۵۸	پرداخت پول به جای طعام
۳۵۹	روا بودن انجام معامله بر کفاره‌ی گرفته شده
۳۶۰	پرداخت وجه طعام در کفاره
۳۶۰	عدم لزوم تعدد کفاره بر تعدد افطار
۳۶۰	لزوم اجازه‌ی حاکم شرع در مصارف مظالم
۳۶۱	کفایت پول بدل از بدهی کفاره
۳۶۲	کفایت پرداخت نقدی کفاره به صورت یک مرتبه
۳۶۵	موارد وجوب کفاره
۳۶۵	پرداخت کفاره به قدر امکان یا استغفار



بخش نهم

روابط و حقوق اجتماعی



## روابط و حقوق اجتماعی

### □ علل عقب ماندگی مؤمنان

س ۲۶۴۱- در همه جا صحبت از این است که چرا کفار و کسانی که با دین سر و کار ندارند و آلوده به حرامند از امور دنیایی و مادی و سلامتی بدن برخوردارند، ولی افراد مؤمن و پرهیزکار از این جهت‌ها عقب مانده‌اند؟

«گلبایگانی»: این مطلب کلیت ندارد و شهرت بی‌اساس است؛ زیرا که اگر آمارگیری دقیق و نسبت سنجی کامل شود پی به غلط بودن این شهرت خواهید برد. علاوه بر این که اگر خداوند متعال به بعضی از آن‌ها رفاه و آسایش داده، فقط دنیای بی‌ارزش است که اولیای خدا به آن اعتنائی ندارند و اگر دنیای بی‌ارزش را به مؤمنین نداده، آخرت دایم و با ارزش را داده است.

\* \* \*

«نکونام»: هر چند می‌توان گفت چنین مقایسه‌ای - برخورداری کفار و افراد آلوده به حرام از سلامتی و امور مادی بیشتر نسبت به افراد مؤمن و پرهیزکار - در همه جا و به هر شکل، کلیت ندارد، باید دانست که دنیا و زندگی عادی دنیایی و مادی نیز قانون طبیعی خود را داراست که رعایت و عدم رعایت آن می‌تواند آثار خاصی را بر حیات و زندگی فرد و جامعه داشته باشد.

بسیاری از مشکلات مادی و دنیایی که برای جوامع اسلامی و زندگی مردمان عادی مؤمن پیش می‌آید به جهت قوت ایمان آن‌ها نیست، بلکه به جهت اهمال، جهل و نادانی یا انواع گرفتاری‌های استثماری یا استعماری است که نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت و زندگی روزمره‌ی آنان دارد. بنابراین، هر دسته و گروهی از مردم که مشکلات و گرفتاری‌هایی؛ مانند: جهل، فقر، استثمار یا استعمار را بر خود پذیرفته‌اند، به طور حتم نابسامانی‌های فراوانی را در زندگی دنیایی خویش دارند؛ خواه مؤمن باشند یا کافر، و با دوری از این گرفتاری‌ها و رهایی از آن‌ها به‌طور قهری زندگی مناسب و موزونی برای آنان فراهم می‌گردد؛ هرچند همین ایمان صوری و ظاهری نیز در تأمین سلامت روحی، روانی و مزاجی، آثار شایسته و آرامش و مقاومت‌هایی را همراه دارد که افراد دور از ایمان آن را ندارند.

پس بسیاری از ناملايمات جوامع دینی به جهت عوارض خارجی - جهل و استثمار زدگی - است؛ نه به جهت اهل ایمان بودن و بسیاری از آسایش‌های اهل کفر و شرک، به خاطر وجود امکانات علمی و روش‌های درست اجتماعی آن‌هاست؛ نه به خاطر کفر و شرک آن‌ها. ناگفته نماند که بسیاری از نابسامانی‌های جوامع اسلامی از جانب معاندان دین و دیانت تحمیل شده است و با اغراض خاص و انگیزه‌های از پیش تعیین شده دنبال می‌شود.

بنابراین، هرچند دنیا نسبت به آخرت به مراتب فروتر است، بی‌ارزش نیست و مواهب و امکانات فراوان موجود در دست اهل کفر و شرک، به خاطر رفع جهل و نادانی و فقر مادی و عقب‌ماندگی آن‌هاست که اگر مؤمنان نیز این‌گونه عمل کنند، از موقعیت بالاتر و بهتری نسبت به آن‌ها برخوردار خواهند بود.



مؤمنان اگر از جوامع خود رفع جهل و فقر نکنند و تن به ذلت و خواری دهند، نباید منت آن را بر خدای متعال و ایمان خود گذارند و خواهش آخرتی دوچندان برای کوتاهی‌های دنیوی خود داشته باشند. البته، این گونه نیست که تنها امکانات رفاهی، سعادت اخروی فرد و جامعه را تأمین نماید؛ همان‌طور که صرف مشکلات دنیوی نیز سبب حرمان یا سعادت اخروی نمی‌گردد؛ هرچند هر یک از مواهب و مشکلات دنیوی نیز می‌تواند در جهت سعادت یا حرمان اخروی، مقتضیات خاص خود را داشته باشد.



س ۲۶۴۲ - در مورد شخصی که بهایی است و خود را مسلمان معرفی نموده و مردم را منحرف می‌کند، چه باید کرد؟

ج - لازم است مردم را متوجه نمود که شخص مزبور را بشناسند و مردم ساده‌لوح فریب او را نخورند و از دین، منحرف نشوند.



س ۲۶۴۳ - ما هو مصداق الدخول في الدنيا الذي إذا فعله العالم ينبغي أن لا يؤمن على دين العباد؟

- چه معیاری است که با آن بتوان تشخیص داد کسی اهل دنیا شده؛ به گونه‌ای که اگر عالمی آن را داشته باشد، دیگر نتوان بر دین بندگان ایمن بود؟

ج - کل ما یوجب تقدیم الدنیا علی الآخرة بحیث ینجرّ إلى ترک الواجب و فعل المحرّم الموجب لخلاف العدالة.

- هر چیزی که سبب پیشی داشتن دنیا بر آخرت گردد؛ به گونه‌ای که به ترک واجب و انجام فعل حرام بینجامد که لازمه‌ی آن نداشتن عدالت باشد.



س ۲۶۴۴ - یکی از قوانینی که از زمان رژیم منحوس طاغوت در دانشگاه‌ها اجرا می‌شود این است که مدت معینی جهت اتمام تحصیلات دانشگاهی در نظر گرفته شده و برای دوره‌ی لیسانس حداکثر شش سال تعیین شده که چنانچه دانشجو پس از شش سال موفق به اخذ مدرک نشد اخراج می‌گردد، حال با توجه به حدیث شریف نبوی: اطلبوا العلم من المهد إلى اللحد، آیا طبق شرع مقدس اسلام جایز است کسی را مجبور به اتمام یک دوره‌ی تحصیلی در یک مدت معین بنمایند؟ و اگر کسی به قهر و اجبار و به علت وجود پاره‌ای از ناراحتی‌های خانوادگی و بیماری گواهی شده به وسیله‌ی پزشک نتواند خود را با مدت زمان تعیین شده تطبیق دهد و علاقمند به فراگیری علم و دانش نیز می‌باشد، آیا شرعا جایز است به حکم قانون مذکور از دانشگاه اخراج و از تحصیل علم و دانش محروم شود؟

ج - این قرارداد برای محصلین، مربوط به متصدیان امور دانشگاه است و منافاتی با حدیث شریف ندارد و رعایت مقررات عرفیه برای حفظ نظم در امور و عدم تضييع حقوق دیگران خوب است و دانشجو می‌تواند در محل دیگر تحصیل کند.



س ۲۶۴۵ - شخصی زمین مورد نزاعی دارد و می‌داند که اگر رشوه ندهد به حق خود نمی‌رسد، آیا وی می‌تواند رشوه دهد یا خیر؟

ج - در صورتی که انقاز حق از غاصب موقوف بر دادن وجه باشد می‌تواند بدهد، ولی آن وجه بر گیرنده حرام است.



### □ جایز بودن مجسمه سازی

مسأله ۲۶۴۶ - «گلپایگانی»: ساختن مجسمه و خضوع در مقابل آن حرام است و نیایش و احترام در برابر مجسمه‌ها و نصب آنها در معابر و میادین حرام است.

«نکونام»: ساختن مجسمه‌ی کوچک یا بزرگ برای بازی بچه‌ها یا قرار دادن در میدان‌ها و خیابان‌ها برای بزرگداشت و احترام نهادن به شخصیت و عظمت افراد اشکال ندارد.

خضوع و احترام در مقابل مجسمه یا عکس، اگر به اعتبار ادای احترام به فرد واقعی آن باشد و وی نیز سزاوار احترام است، اشکال ندارد. حرمت مجسمه سازی، مربوط به زمانی است که مردم آن را به دید خدایان ببینند و از آن به جهت کفر، شرک، ترویج باطل یا دیگر اغراض سوء، استفاده کنند و در غیر این صورت، در زمان و محیطی هم چون محیط و زمان ماکه از عکس یا مجسمه به صرف عنوان مجسمه و عکس، بدون توجه به افراد و اشیای واقعی آن استفاده‌ی معقول و متعارفی می‌شود، دلیلی بر اشکال یا حرمت آن وجود ندارد و مدارک موجود نسبت به حرمت مجسمه سازی و مانند آن، ناظر بر همان زمان برای استفاده‌ی کفر، شرک و زمینه‌های بت پرستی است.



#### □ پوشیدن لباس مخصوص مرد توسط زن و به عکس

مسأله ۲۶۴۷- «گلیپگانی»: پوشیدن لباس مخصوص به مردها بر زن‌ها و لباس مخصوص به زن‌ها بر مردها حرام است.



«نکونام»: پوشیدن لباس مخصوص مرد توسط زن و به عکس در صورتی اشکال دارد که قصد جدی در نوع استفاده از لباس باشد، ولی اگر نوع استفاده به طور طبیعی است و جدی نباشد و برای شوخی یا فیلم، سینما و بازی استفاده شود، اشکالی ندارد و دلیلی بر حرمت آن نداریم و دلیل تنها بر حرمت همان مورد یاد شده - قصد جدی در نوع استفاده - وجود دارد و شمول دلیل نسبت به موارد دیگر قاصر است.

البته، تمامی این بحث به بیان یاد شده تا جایی است که این امر، مشکلات

جانبی، مانند: اشاعه‌ی فحشا، تمسخر، تحریف حقایق یا اهانت و سستی عقاید را در بر نداشته باشد، که در این صورت، دیگر، مشکلات و دلایل مربوط به خود را دارد.



س ۲۶۴۸ - عده‌ای از مردم به منظور برطرف شدن گرفتاری‌ها یا پیدا شدن گمشده و مانند آن به دعانویس مراجعه می‌کنند و از وی تقاضای دعا یا فال یا سحر می‌کنند و او نیز خبرهایی می‌دهد که گاه درست می‌باشد، آیا چنین کاری مشروع است یا خیر؟

ج - نوشتن دعاهاى مأثوره برای برطرف شدن گرفتاری‌ها مانع ندارد، ولی توسل به فال و سحر و خبر دادن از خفایای امور اشخاص که راضی به افشای آن نیستند، جایز نیست.



س ۲۶۴۹ - آیا نگهداری چیزهایی مانند پاسور (ورق بازی)، فیلم غیر مجاز، ویدئو، شیشه‌ی محتوی مشروب الکلی در منزل شخصی، فعل حرام محسوب می‌شود و مرتکب قابل تعزیر و کیفر دنیوی است یا این که موارد یاد شده تعزیر ندارد؟

ج - از بین بردن آلات قمار و چیزی که منفعت معتدبه آن منحصر به حرام باشد واجب است و ترک آن معصیت کبیره است و کیفر آن تعزیر است و بستگی به نظر حاکم شرع جامع الشرایط دارد.



### □ بازی با آلات قمار

س ۲۶۵۰ - آیا بازی کردن با آلات قمار در صورتی که منظور برد و باخت نباشد و تنها برای تفریح و سرگرمی انجام گیرد، جایز است؟

«گلپایگانی»: بازی با آلات قمار مثل نرد و شطرنج و پاسور حرام است؛ اگرچه قصد برد و باخت نداشته باشد.



«نکونام»: بازی بدون برد و باخت با آلاتی که در عرف خاص، مخصوص قمار نمی‌باشد، مانند: توپ، اشکال ندارد، ولی بازی با آلاتی که در عرف خاص، مخصوص قمار است، مانند: پاسور بدون برد و باخت نیز حرام است.



### □ غنا در اسلام

س ۲۶۵۱ - مراد از موسیقی که در اسلام حرام شده چیست و آیا نوعی موسیقی وجود دارد که از نظر اسلام حرام نباشد؟

«گلیپگانی»: غنا که حرام است آوازی است مشتمل بر ترجیع و تطریب و مناسب با مجالس لهو و لعب، و صداهای دیگر که این خصوصیت را نداشته باشد حرام نیست.



«نکونام»: دلیلی بر حرمت اصل غنا در اسلام نداریم و باید موارد حرام مجالس صوت و صدا را مشخص نمود و این گونه نیست که همه صداهای و لحن‌های طبیعی و فنی نیز حرام باشد. برای تشخیص و جداسازی هر یک، باید مبادی و مبانی خاصی در نظر گرفته شود تا جامعه اسلامی گرفتار حرام و محروم از حلال آن نگردد و این گونه هم نیست که ترجیع و تطریب در غنا حرام باشد، چنانچه هر لهو و لعبی حرام نمی‌باشد. بنابراین تشخیص این گونه امور در توان عرف خاص است؛ چرا که واگذاری آن به عرف عام نیز این مشکل را به‌طور تمام و کمال برطرف نمی‌سازد.



### □ غنا در ادیان گذشته

س ۲۶۵۲ - آیا پیش از اسلام و در زمان‌های پیامبران گذشته؛ یعنی حضرت نوح و حضرت ابراهیم و حضرت موسی و حضرت عیسی علیهم‌السلام موسیقی وجود داشته

است یا نه، و در صورتی که آن آلات در آن زمان بوده حرام بوده است یا خیر؟ «گلپایگانی»: حرمت تمام چیزهایی که در شرع مقدس اسلام حرام است در ادیان سابقه معلوم نیست. بلی، بعضی محرمات مانند شرب خمر و زنا و لواط و کم فروشی و قضای به جور در شرایع سابقه نیز حرام بوده و ممکن است بعض احکام و محرمات شریعت اسلام در ادیان گذشته سابقه نداشته باشد و مسلمانان در مقام عمل مکلفند از آنچه در شرع اسلام حرمت آن ثابت است اجتناب کنند؛ خواه در شرایع سابقه حرام شده باشد یا در تشریح حرمت آن دین اسلام مؤسس باشد و راجع به موسیقی و غنا معلوم است که قبل از اسلام وجود داشته، اما در خصوص غنا، حکم چگونه بوده، فعلا تفصیلا در نظر ندارم و فرضا اگر در ادیان پیش حلال شمرده شده باشد، منافی با حرمت آن در شرع اسلام نیست.

\* \* \*

«نکونام»: آواز، موسیقی، غنا و تمامی انواع و اقسام لهُو و لعب، از حلال و حرام، در همه‌ی زمان‌ها به‌طور خاص و مناسب با زمان‌های خود بوده است؛ هرچند آواز و موسیقی در هر زمانی، انواع مختلف، کیفیت‌های متفاوت و گسترش یا محدودیت‌های خاص خود را داشته است. حلال یا حرام این گونه امور، محدود به زمانی خاص نیست؛ اگرچه تمامی ادیان در این زمینه، وضعیّت واحدی نیز نداشته‌اند. گذشته از آن که افزوده‌های گروهی و جهل آلود نیز در تمامی ادیان گذشته وجود داشته است.

□ □ □ □

س ۲۶۵۳ - این جانب از جهت بیکاری و ناچاری و به علت این که نمی‌توانم کار سنگین انجام دهم، سیگارهای خارجی را از شهرستانی می‌خرم و به شهرستان دیگر می‌برم تا لقمه نانی برای زن و فرزندانم تهیه کنم، آیا این کسب از نظر

شرع مقدس اسلام مباح است یا خیر؟

«گلبایگانی»: نظر به این که دولت اسلامی از قاچاق فروشی نهی کرده شما باید قاچاق فروشی نکنید و از مقررات دولت متابعت نمایید.

\* \* \*

«نکونام»: معامله‌ی جنس قاچاق در صورتی که معامله‌ی آن در شرع به طور اقتضایی مباح و ملکیت آور باشد، درست است و انتقال ملکیت حاصل می‌گردد؛ هرچند دولت اسلامی از آن منع کند و انجام آن خلاف مقررات و قانون باشد.

□ □ □ □

#### □ موسیقی رادیو و تلویزیون

س ۲۶۵۴ - گفته می‌شود موسیقی حرام است. منظور از موسیقی چیست و چه نوع صدای موسیقی حرام هست؟ گاه از رادیو صدایی مانند زنگوله می‌شنویم و عرف، چنین صدایی را مناسب مجالس لهو و لعب می‌داند اما این صدا سبب برانگیخته شدن شهوت نمی‌شود، آیا بر آن موسیقی حرام صدق می‌کند؟

«گلبایگانی»: هر صوتی که یقین دارید که غنا و مناسب مجالس لهو و لعب است حرام است.

\* \* \*

«نکونام»: پخش شدن موسیقی و صدا از رادیو و تلویزیون، دلیل بر صحّت و شرعی بودن آن نیست و باید از موارد حرام آن پرهیز شود؛ هرچند نمی‌توان گفت که همه‌ی آن اشکال دارد.

□ □ □ □

#### □ هزینه‌ای که کارگر شراب فروشی به مسجد می‌دهد

س ۲۶۵۵ - شخصی در حال فقر از آبادی خود مهاجرت نموده و در مغازه‌ای شراب فروشی که صاحب آن یهودی است مشغول به کار شده و از درآمد آن

دارایی بسیاری به هم زده است، آیا می‌توان کمک وی به ساختمان مسجد را پذیرفت یا خیر؟

«گلیپگانی»: پول حمالی شراب حرام است ولکن اگر حرام بودن عین پولی که برای مسجد داده است معلوم نباشد و احتمال داده شود که خصوص این پول را از طریق حلال تهیه نموده است، اشکالی ندارد؛ اگرچه بهتر است از پول مشتبه نیز اجتناب شود؛ به‌ویژه در ساختمان مسجد.

\* \* \*

«نکونام»: کسی که طریق مشروعی برای «درآمد» ندارد، نباید از درآمد وی در مسجد استفاده شود.

□ □ □ □

#### □ گذاشتن سبیل

س ۲۶۵۶ - آیا در دین مقدس اسلام و در فرمایش پیغمبر اکرم ﷺ گذاشتن سبیل حرام گردیده و زدن شارب بالا برای شخص مسلمان واجب است یا خیر؟

«گلیپگانی»: اخبار کثیره از پیغمبر اسلام ﷺ و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام در مذمت شارب گذاشتن و مدح شارب زدن وارد شده و اگر کسی به عنوان استحباب و رجحان آن شارب خود را بلند بگذارد، بدعت در دین گذاشته و حرام است.

\* \* \*

«نکونام»: «شارب» آب خوره‌ی بالای لب را گویند، که اگر عرف از گذاشتن آن شبیه شدن به یهودیان برداشت شود، حرام است؛ اما در زمان ما چنین چیزی برداشت نمی‌شود و دلیلی بر حرمت ندارد و روایاتی که گذاشتن شارب را نکوهش کرده به شباهت یافتن به یهودیان ناظر است؛ هرچند دلیلی بر استحباب شرعی شارب گذاشتن وجود ندارد و چنین نیست که اعتقاد به رجحان عرفی آن نیز سبب بدعت در دین گردد.

□ □ □ □



### □ تراشیدن ریش

س ۲۶۵۷ - ریش تا چه اندازه می تواند کوتاه باشد؟  
 «گلپایگانی»: به قدری باشد که عرفاً بگویند ریش دارد، کافی است.

\* \* \*

«نکونام»: می توان با وسیله ای ریش خود را زد که مانند تیغ ته تراش نباشد و از رو بزند؛ ولی باید صدق عرفی ریش بنماید.

□ □ □ □

س ۲۶۵۸ - حضور در مجالس عروسی که در آن ساز و طبل و رقص و خوانندگی می باشد به اسم این که با یک دیگر خویش هستیم و مجبوریم جایز است یا نه؟  
 ج - در مجالس لهو و لعب شرکت کردن و بودن حرام است و خویشاوندی مجوز آن نیست.

□ □ □ □

### □ چوب بازی در مجالس عروسی

س ۲۶۵۹ - نوعی بازی در مجالس عروسی معمول است به نام چوب بازی که دو نفر مقابل یک دیگر می نشینند و با هرچه می توانند به پای یک دیگر می زنند و چه بسا به شکستن پای یکی از آنان می انجامد، این بازی چه حکمی دارد؟  
 «گلپایگانی»: این نوع چوب بازی از اقسام لهو و لعب و حرام است.

\* \* \*

«نکونام»: چوب بازی از انواع بازی های ورزشی است و در صورتی که نسبت به مخاطرات آن پیش گیری شود، اشکال ندارد.

□ □ □ □

### □ آگاه ساختن مردم نسبت به شخص کلاه بردار

س ۲۶۶۰ - اگر شخصی امضای افراد را روی چک و سفته جعل کرده و پول هایی از این زمینه به دست آورده و زمین و اتومبیل را با حقه بازی به چندین فرد فروخته

است، آیا می‌شود وی را برای احقاق حق یا بیدار کردن مردم به آنان شناساند یا خیر؟

«گلبایگانی»: اشاعه‌ی فاحشه حرام است ولی نصیحت کردن خود این شخص برای این که دست از کار خلاف بردارد و راهنمایی دیگران در وقت مشورت در خصوص خطا و لغزشی که آن شخص دارد، مانع ندارد و هم‌چنین اگر کسی برای احقاق حق خود از آن شخص طلب شهادت نماید، باید اقامه‌ی شهادت نمود.

\* \* \*

«نکونام»: در صورتی که چنین شخصی با کارهای خلاف خود سبب آزار و زیان دیگران می‌گردد، باید تا آن‌جا که ممکن است از آن جلوگیری شود که بیش از این حد، اشاعه‌ی فحشا خواهد بود.

□ □ □ □

س ۲۶۶۱ - آیا انفاق از راه درآمد نوازندگی درست است یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر پولی که انفاق می‌کنند عین پولی باشد که از بابت نوازندگی گرفته باشند، صحیح نیست.

\* \* \*

«نکونام»: چنانچه نوازندگی وی حرام نباشد، اشکال ندارد؛ هرچند عین مزدی را که می‌گیرد انفاق کند.

□ □ □ □

□ بسنده بودن نداشتن علم بر انجام گناه در انتخاب شغل

س ۲۶۶۲ - دختری هستم که سال پیش دیپلم گرفته‌ام و به علت این که فکر می‌کردم معلم شدن برای زن اشکال داشته باشد، آن را نپذیرفتم اما از آن هنگام تاکنون، به شدت تحت فشار پدر و مادر و بستگان قرار گرفته‌ام، از این رو وظیفه‌ی من چیست؟

«گلبایگانی»: اگر بدانید وارد شدن در تعلیم، موجب ارتکاب معصیت یا ترک

واجبات نیست، تدریس دروس مشروعه اشکالی ندارد؛ مخصوصاً اگر بتوانید اطفال را به عقاید حقه‌ی دینی و احکام شرعی راهنمایی نمایید.

\* \* \*

«نکونام»: وارد شدن معلّم در امر تدریس، نیازی به علم به عدم انجام ندادن گناه یا رها کردن واجبی ندارد و ممکن است تحصیل چنین علمی در ابتدای کار ممکن نیز نباشد و تنها همین که علم به انجام نداشته باشد یا با خود چنین قصد کند که در صورت عدم امکان تدریس، بدون انجام دادن گناهی از آن منصرف شود، کافی است.

□ □ □ □

س ۲۶۶۳ - آیا پدر و مادر به عنوان تربیت می‌توانند به پسران و دختران خود امر کنند که پاشوی منزل را جاروب کنند و لباس‌های خود را بشویند یا نان بخرند بدون آن که مزدی به آن‌ها بدهند؟  
ج - مانع ندارد.

□ □ □ □

س ۲۶۶۴ - شغل این جانب بازرسی و معاینه‌ی گوشت می‌باشد که در کشتارگاه باید انجام وظیفه نمایم و از نظر قانون حق دارم گوشت و جگر و سایر اعضای دامی که مریض باشد را ضبط و معدوم نمایم. البته، چون توقیف گوشت حیوان مریض برای حفظ سلامتی مردم است به نظر خودم این کار خداپسندانه است، آیا حکم آن چنین است؟

ج - اگر واقعاً یقین دارید که گوشت و سایر اعضای حیوان مریض مضر و خطرناک است و اگر به صاحب دام بگویید خودش از فروش خودداری نمی‌کند و وسیله‌ی جلوگیری از فروش آن منحصر به از بین بردن گوشت باشد، ممکن است از باب نهی از منکر یا به حکم حاکم شرعی، آن را از بین ببرید.

□ □ □ □

### □ غنا، موسیقی و رقص در صورت مفید بودن برای مریض روانی

س ۲۶۶۵ - چنانچه در مورد بیمار روانی که کارهای خطرناکی از او صادر می شود تشخیص داده شود که تنبک و دهل و دایره زدن و رقصیدن او برای وی فایده دارد و مسکن است، آیا انجام آن برای وی جایز می باشد؟

«گلبایگانی»: در صورت انحصار تداوی، منع او از این عمل لازم نیست.

\* \* \*

«نکونام»: استفاده از غنا، رقص و آلات موسیقی اگر مفید باشد، اشکال ندارد. البته، در صورتی که گناهان جانبی و اشاعه‌ی فحشا یا بدآموزی نسبت به دیگران یا ترویج باطل را به دنبال نداشته باشد که در غیر این صورت، باید از آن جلوگیری شود و چنانچه مراکز عمومی یا درمانی بخواهند زمینه‌ی تسکین و آرامش یا مداوایی با نوار و فیلم داشته باشد، در صورتی که تشخیص کارشناس درست باشد، اشکال ندارد، اما در غیر این صورت، ممکن است زیانبار نیز باشد.

پس فرق است میان آن که کسی خود آن را استفاده کند یا به واسطه‌ی نوار و فیلم باشد یا آن که دیگران بخواهند او را با این کار سرگرم دارند، که در هر صورت باید تمامی ویژگی‌های کیفی و کمی آن هم چون مصرف فلفل، زعفران، عطر، گلاب، گردو یا دارو مورد بررسی قرار گیرد.

□ □ □ □

### □ ادامه تحصیل دختر در صورت جلوگیری اولیا

س ۲۶۶۶ - دخترم می خواهد در دانش سرای مقدماتی ثبت نام کند و می دانم که این کار برای او مفسده‌ی اخلاقی و انحراف دینی دارد و به عفت و عصمت وی لطمه وارد می آید و نصیحت مرا نیز نمی پذیرد، خواهشمندم نظر خود را بیان فرمایید؟

«گلبایگانی»: با روش آموزش و پرورش که در این مملکت است که سعی دارند شخصیت اسلامی افراد را با تعلیم و تربیت تغییر دهند، مطلب همان

است که خودتان تشخیص داده‌اید، ادامه‌ی این وضع، معرض فساد است و منع شما بجا و به مورد است و حتی الامکان او را نصیحت کنید، شاید نصیحت مشفقانه‌ی شما در او اثر نماید.

\* \* \*

«نکونام»: ادامه تحصیل دختر تا جایی که ممکن است مناسب و لازم می‌باشد و اولیا تنها با احتمال و بدبینی به دلیل محیط فاسد نباید از ادامه‌ی تحصیل وی جلوگیری کنند، ولی در هر صورت باید در طول تحصیل، مراقبت‌های لازم را انجام دهند.

□ □ □ □

س ۲۶۶۷ - سال پیش فردی بهایی دبستانی ساخت و آن را در اختیار اداره‌ی فرهنگ گذاشت و دبستان قبلی محل ما را منحل کرد، آیا فرستادن کودکان به این دبستان جایز است یا نه؟

ج - فرستادن اطفال در چنین محلی که موجب تقویت فرقه‌ی ضاله‌ی مضله‌ی است، جایز نیست و بسیار جای تأسف است که فرهنگ کشور اسلامی چنین ننگی را به خود انتساب دهد. نعوذ بالله من سوء الخاتمه. به فرهنگ اطلاع دهید، اگر اقدام در رفع این ننگ نمود، فبها، والا اطلاع دهید تا از مرکز اقدام شود.

□ □ □ □

س ۲۶۶۸ - آیا جایز است به منزل اشخاصی که خمس و زکات نمی‌دهند رفت و با آنان معاشرت نمود یا نه؟

ج - جهت ارشاد و هدایت آنان مجازید که وارد منزل آنان شوید.

□ □ □ □

□ صله‌ی ارحام و بستگان بی‌بند و بار

س ۲۶۶۹ - صله‌ی رحم و رفت و آمد با همسایه‌ی مسلمان که قرآن مجید و شارع مقدس و پیشوایان عظیم الشان امر و سفارش به آن فرموده‌اند با وضع

بی بند و باری و پرده‌داری و بی‌اعتنایی و سرکشی که بعضی‌ها دارند و آنچه نصیحت و کناره‌گیری می‌شود اثر نمی‌بخشد، چه حکمی دارد و آیا در چنین شرایطی باید به کلی قطع رابطه کرد یا برای نمونه، سالی یک مرتبه، معاشرت با ایشان لازم است؟

«گلپایگانی»: صله‌ی رحم منحصر به رفت و آمد نیست. اگر این طریق معاشرت موجب فساد است به طریق دیگر از قبیل مکاتبه و احسان صله نمایید، و ضمناً از موعظه و نصیحت تا ممکن است خودداری نکنید که بزرگ‌ترین صله و احسان در حق آن‌ها باز داشتن آن‌ها از معصیت است.

\* \* \*

«نکونام»: صله از وصل، در مقابل قطع، به معنای پیوستن و جمع شدن است. بنابراین، صله‌ی رجم به معنای ارتباط با آنان و به طور عام، همان معاشرت و مخالطت با آنان است، ولی منحصر به این نیست و هرگونه رابطه و ارتباطی را شامل می‌شود که با وجود مانع از یک طریق، از طریق ممکن دیگر لازم است این رابطه برقرار گردد و نباید قطع شود. البته، این طور نیست که ایجاد یا حفظ رابطه در هر صورت و تحت هر شرایطی واجب باشد. بنابراین، از هر رابطه‌ای که زمینه‌ای برای تحقق معصیت باشد، باید خودداری نمود؛ هرچند نباید از مماشات، مسامحه، اهمال و آسان‌گیری در روابط دریغ داشت که ارتباطات فامیلی و صله‌ی ارحام، مشکلات خاص خود را دارد و ظرافت‌های ویژه‌ی خود را می‌طلبد.

پس قطع رابطه به طور کلی یا رابطه‌ی سالی یک مرتبه، هیچ کدام ملاک و مورد مشخصی ندارد؛ بلکه باید رابطه با ارحام، به نوعی برقرار گردد که آسیب دینی پیش نیاید و رنگ معصیت به خود نگیرد.

این نکته نیز خاطر نشان می‌گردد که صله - پیوستن - هرچند با احسان نیز ممکن است، ولی صله‌ی رحم به معنای احسان به آنان نیست؛ هرچند

احسان نیز خود نوعی از صله و پیوستن با آنان نیز خود صله و احسان است، ولی در هر صورت، صله به معنای وصل و پیوستن است؛ نه احسان.



#### □ معاشرت و صله‌ی رحم با بستگان لایبالی

س ۲۶۷۰ - بعضی از بستگان ما به کلی به نماز و روزه و دیگر واجبات توجه ندارند و موعظه و نصیحت هم در آنها اثر نمی‌کند، اکنون صله‌ی رحم با آنان چه حکمی دارد؟

«گلبایگانی»: اگر ترک صله موجب تنبه و ارتداع آنها از معصیت می‌شود، ترک نمایید و اگر به معاشرت و نصیحت، احتمال ارتداع آنان از معصیت بدهید، معاشرت و صله‌ی رحم نمایید تا آنان را وادار به اطاعت خداوند سبحان نمایید.



«نکونام»: البته، هیچ‌گونه ارتباط و معاشرتی نباید همراه آلودگی و معصیت باشد که در غیر این صورت، جایز نمی‌باشد؛ زیرا چنین نیست که صله‌ی رحم حتی با معصیت نیز واجب باشد.



#### □ نادرستی قطع رابطه‌ی کلی با بستگان

س ۲۶۷۱ - آیا قطع رابطه از ارحام و وابستگی که آشکارا گناه می‌کنند و تجاهر به فسق دارند جایز است یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر قطع مراوده موجب تنبه و ارتداع آنها از معصیت باشد، لازم است قطع مراوده نماید.



«نکونام»: البته این کم‌تر اتفاق می‌افتد که قطع رابطه به طور کلی سبب جلوگیری از معصیت شود و در صورت امکان، نباید به قطع رابطه‌ی کلی با ارحام بینجامد.



س ۲۶۷۲ - معاشرت انسان با اشخاصی که به احکام الهی و امور دینی اعتنایی ندارند، جایز است یا خیر؟

ج - اگر بدانند که با ترک معاشرت، آن‌ها از معصیت مرتدع می‌شوند، لازم است از باب نهی از منکر ترک معاشرت کند و اگر احتمال می‌دهد که با معاشرت و نصیحت و موعظه می‌تواند آنان را از معصیت باز دارد، معاشرت نماید.



□ جواب سلام همراه با کراهت نسبت به شخص مرتکب معصیت  
س ۲۶۷۳ - هرگاه شخصی که مرتکب معصیت است به انسان سلام کند، آیا می‌توان به خاطر اظهار تنفر از عمل او جواب سلام وی را نداد یا نه؟  
«گلبایگانی»: واجب است جواب سلام را بدهد.



«نکونام»: نمی‌تواند جواب سلام گناه‌کار را ندهد، ولی می‌تواند جواب را همراه کراهت ادا کند تا ناپسندی خود را نیز اعلام کرده باشد.



□ شیوه‌ی رفتار با فرد به ظاهر مسلمان، ولی اخلال‌گر در احکام دین  
س ۲۶۷۴ - تکلیف دیگران درباره‌ی کسی که به ظاهر خود را مسلمان دانسته ولی در دستورات اسلامی اخلال و افساد می‌کند چیست؟

«گلبایگانی»: حکم مسلمان را دارد؛ هرچند مفسد و گناه‌کار باشد ولی به هر نحو ممکن است باید او را نصیحت و موعظه کرد تا دست از اخلال و افساد بردارد.



«نکونام»: فرد به ظاهر مسلمان، ولی اخلال‌گر در احکام اسلامی، حکم مسلمان را دارد و اگر با نصیحت ممکن است دست از فساد انگیزی



بردارد، باید وی را نصیحت و موعظه کرد، ولی این گونه افراد به طور نوعی، موعظه پذیر نیستند و تغییر نمی پذیرند و باید در مقابل آنها تنها به موعظه بسنده نکرد و مراقبت های عملی را نیز تا حدی که ممکن است اعمال داشت.



س ۲۶۷۵ - شخصی در منزل شراب می خورد و گاه در همان منزل، از قرآنی که در خانه دارد تلاوت می کند، به او گفته می شود در برابر قرآن کریم معصیت نکن، و وی می گوید به کسی مربوط نیست، من هم شراب می خورم و هم قرآن می خوانم، حال آیا می شود قرآن را از او گرفت یا نه؟

ج - در فرض مرقوم، گرفتن قرآن مجید از او جایز نیست، همین قدر که او را نهی از منکر کنید و آیات قرآن را - در حرمت خمر - به او تذکر دهید، به تکلیف خود عمل کرده اید.



س ۲۶۷۶ - رفتن به منزل شخصی که نماز نمی خواند یا شراب می خورد، چه تکلیفی دارد؟

ج - کسی را که می دانید مرتکب معصیت می شود، اگر احتمال دهید به معاشرت با او و موعظه و نصیحت متنبه می شود و ترک معصیت می کند، معاشرت اشکال ندارد و اگر بدانید ترک معاشرت با او موجب تنفر و ارتداع او از معصیت می شود، معاشرت با او را ترک نمایید.



س ۲۶۷۷ - معاشرت با خویشاوندی که آلات لهو دارد جایز است یا نه؟

ج - اگر ترک معاشرت موجب تنبه و ارتداع او از معصیت شود، جایز، بلکه لازم است.



س ۲۶۷۸ - نشستن زن در مجلسی که داماد وی در آن است، ولی زن‌های بی‌حجابی نیز نشسته‌اند جایز است یا نه؟

ج - اگر می‌توانید آنان را نهی از منکر نمایید و اگر نمی‌توانید، خود شما در مجلس معصیت آن‌ها شرکت نکنید.



س ۲۶۷۹ - بنده برادری دارم شصت ساله که تاکنون نماز نخوانده و هروئین می‌فروشد و اهل مشروب و قمار است و هرچه تلاش کردم به راه راست هدایت نشد، حال آیا لازم است با او ترک معاشرت بکنم یا نه؟

ج - اگر ترک معاشرت موجب تنبه او شود، ترک آن لازم است و اگر اثر ندارد، به مقداری که ترک صله‌ی رحم نشود و خودتان از روش او متأثر نشوید، با او معاشرت نمایید.



س ۲۶۸۰ - اگر اقوام و خویشان نزدیک؛ مانند پسر، دختر، عروس، برادر زاده و خواهر زاده به دستورات مذهبی عمل نکنند و به اوامر و نواهی الهی توجهی نمایند، آیا می‌توان از آنان دوری و کناره‌گیری کرد یا نه؟ و آیا دوری از آنان قطع رحم شمرده می‌شود یا نه؟

ج - تا مایوس نشده‌اید، معاشرت کنید و نصیحت نمایید. امید است مؤثر واقع شود.



س ۲۶۸۱ - هم‌نشینی با کسی که کارخانه‌ی شراب دارد یا سینما می‌سازد یا در آنجا کار می‌کند، چگونه است؟

ج - ترک مجالست با اهل معصیت، اگر موجب تنبه و ترک معصیت آن‌ها بشود، واجب است و کمک و تعاون آن‌ها در معصیت، حرام است.



### □ زدن کراوات

س ۲۶۸۲ - زدن کراوات از نظر اسلام چه حکمی دارد؟

«گلبایگانی»: کراوات از شعار مذهبی نصارا است که با کمال تأسف بین مسلمین رایج گردیده است.

\* \* \*

«نکونام»: کراوات زدن در صورتی که در عرف تنها علامت تشخیص و تجدد به حساب آید و حکایتی از شعار مذهبی «نصاری» نداشته باشد - که در این زمان این گونه است - مانع شرعی ندارد و دلیلی بر منع آن نیست؛ هرچند این امور، به طور کلی نشانه‌ی داشتن تجدد و تشخیص نیست.

□ □ □ □

س ۲۶۸۳ - شخصی برای همسر خود انگشتر طلا می‌خرد و برای اندازه‌گیری آن را

در دست می‌کند، آیا این مقدار دست کردن حرمت دارد یا نه؟

«گلبایگانی»: در مورد سؤال، آن مقدار عیبی ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: استفاده از طلای زرد یا سفید برای مرد مکروه است و نه حرام؛ مگر آن که سبب ایجاد روحیه‌ی استکباری در جامعه شود.

□ □ □ □

س ۲۶۸۴ - آیا برای احقاق حق و ابطال باطل و جلوگیری از ظلم مراجعه به افراد

ظالم جایز است یا نه و هم‌چنین آیا برای جلوگیری از منکرات، میان انحصار راه

جلوگیری از منکر و ظلم یا احقاق حق و غیر آن تفاوتی هست یا نه و چنانچه

مراجعه منحصر به نزدیکان صالح آن افراد ظالم باشد چطور؟

ج - برای احقاق حق و ابطال باطل و نهی از منکر و امر به معروف در

صورتی که راه منحصر باشد، رجوع به آنها جایز است.

□ □ □ □



## عزاداری

س ۲۶۸۵ - مدتی است که منحرفان از ولایت اهل بیت علیهم السلام و طرفداران اسلام منهای روحانیت، بر علیه عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام به تبلیغ پرداخته و عزاداران حسینی را آزار می‌دهند. با توجه به اهمیت عزاداری و مجالس سوگواری به عنوان پشتوانه‌ی اسلام و انقلاب اسلامی، نظر حضرت عالی را برای رفع شبهات مخالفان و بیداری نسل جوان درباره‌ی این موضوع خواهانیم.

ج - به این سخنان ناآگاهانه یا مغرضانه ترتیب اثر ندهید و دست توسل از دامان حضرت سید الشهداء - ارواحنا لتراب مشهده الفداء - برندارید و شعار آگاهی‌بخش و حرکت‌آفرین اقامه‌ی عزاداری و سوگواری برای آن حضرت را هرچه باشکوه‌تر برقرار نمایید. امید است همگان از برکات آن بهره‌مند و از قیام و نهضت حسینی درس فداکاری و از خودگذشتگی در راه دین و حفظ احکام الهی و اعلا‌ی کلمة الله و محکوم کردن ظلم و استبداد و استکبار بیاموزند. سلام الله علی مولانا ابی عبد الله الحسین و علی اولاده و أصحابه الکرام و رحمة الله و برکاته.



س ۲۶۸۶ - آیا تعزیه خوانی، شبیه‌سازی، نوحه‌خوانی بر منبر درست است و نظر اسلام را راجع به این موارد توضیح دهید؟

«گلیپگانی»: روضه‌خوانی بر منبر که عبارت است از تعلیم احکام و مسایل و

بیان مواعظ و نصایح و امر به معروف و نهی از منکر و ذکر مصایب اهل بیت علیهم السلام راجح و موجب ثواب است و هم چنین نوحه خوانی و سینه زنی اگر مشتمل بر ارتکاب معصیت نباشد، اشکال ندارد و اما تعزیه خوانی اگر مشتمل بر استعمال صنج و شیپور نباشد و غنا و دروغ نخوانند و مرد لباس مختص به زن نپوشد اشکال ندارد و لکن بهتر آن است که تبدیل به مجلس روضه نمایند تا علاوه بر ثواب عزاداری از بیان احکام و مواعظ آن بزرگواران نیز بهره مند شوند.

\* \* \*

«نکونام»: روضه خوانی، مرثیه خوانی و تعزیه خوانی با حفظ شوون اسلامی و بدون آن که موجب تضعیف روحانیت شود اشکال ندارد و استفاده از آلات موسیقی در تعزیه مانعی ندارد؛ مگر آن که با آن آهنگ‌هایی نواخته شود که مخصوص اهل فساد است و سبک آنان شناخته می‌شود.

□ □ □ □

س ۲۶۸۷ - برخی از اعضای هیأت امنای حسینیه‌ها از همکاری با نهضت سواد آموزی خودداری نموده و حسینیه را به این عذر که مادران بچه‌های خود را همراه می‌آورند و حسینیه نجس می‌شود، آن را در اختیار نمی‌گذارند، آیا این عذر پذیرفته است؟ و بر فرض، آیا نجس کردن حسینیه حرام است؟ به ویژه که قصد این است که اگر نجس شد، بی درنگ آن را تطهیر نمایند؟

ج - مدرسه کردن حسینیه جایز نیست؛ چون این عمل برخلاف نظر واقف است و الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها. والله العالم.

□ □ □ □

س ۲۶۸۸ - آیا می‌شود صد مرتبه سلام و صد مرتبه لعن در زیارت عاشورا را در غیر محل زیارت و برای نمونه در میان راه گفت یا خیر؟

ج - در صورت فرصت، مستحب است در یک مجلس باشد ولی شرط کمال است نه صحت.

□ □ □ □

س ۲۶۸۹ - بانیان مجالس روضه خوانی باید بر چه مبنایی دستمزد مبلغان و وعاظ را بپردازند، آیا باید پیش از آن مقاطعه نمود یا نه؟

ج - وعظ و ارشاد و تعلیم و تربیت و آموزگاری و استادی و تدریس، چون در اسلام فضیلت بسیار دارد و از مشاغل مقدسه و از شئون مهم انبیا و اولیا - سلام الله علیهم اجمعین - می باشد، غالباً مسلمانان برای کسب ثواب و تقرب به درگاه الهی انجام می دادند و اجر مادی در آن ملاحظه نمی شد و کسانی که این مشاغل و امثال آن مانند طبابت را عهده دار می شدند آن را با اجر مادی معاوضه نمی کردند؛ هرچند از بیت المال، مخارج آنها تأمین می شد و گاهی خود مردم خدمت مناسبی می کردند ولی معامله این اعمال مقدس با پول در نظر نبود و از این جهت موجب قوت تأثیر کلام و مواعظ می شد، مع ذلک گرفتن مزد در برابر ذکر مصائب حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه ی اطهار، صلوات الله علیهم اجمعین و بیان مواعظ و نصایح و تعیین قبلی اشکال ندارد. بلی، اگر گرفتن وجه در برابر بیان احکام واجبه و ارشاد به اصول دین و عقاید باشد جایز نیست و بانیان مجالس در انتخاب هر واعظ و ناطقی که بیانات و تبلیغاتش مورد اعتماد باشد مختارند.



#### □ توپ بازی بچه ها

س ۲۶۹۰ - متداول است که بچه ها و بزرگ سالان در کوچه توپ بازی می کنند و مزاحم ساکنان خانه ها می شوند، و به تکرار توپ آنان به خانه می افتد، در این صورت، وظیفه ی ساکنان خانه چیست و تا چه حد مسؤولیت شرعی دارند؟  
«گلبایگانی»: جلوگیری از مزاحمت؛ به طوری که خود انسان مرتکب معصیت نشود، جایز است.



«نکونام»: مانع شدن از مزاحمت بچه‌ها نسبت به ساکنان خانه‌ها سخن درستی است و جلوگیری از مزاحمت آن‌ها نیز خود حقی برای همسایگان است، ولی در هر صورت، صاحب‌خانه نمی‌تواند توپ را در صورت درخواست بچه‌ها ندهد؛ بلکه یا باید خود، آن را بدهد یا به آن‌ها اجازه دهد که خود آن را بردارند و در صورت عدم تحویل، بچه‌ها می‌توانند برای گرفتن توپ خود، اقامه‌ی دعوا کنند.





## کافران کتابی و غیر کتابی

### □ حقوق کفار غیر کتابی

س ۲۶۹۱ - ۱) آیا اموال کافران غیر کتابی که در کشور اسلامی زندگی می‌کنند و اقدامی علیه حکومت اسلامی ندارند مانند بعضی از کمونیست‌ها و بهایی‌ها محترم است یا نه؟

۲) کافرانی که بعد از انقلاب به توهم اتهام به وابستگی به رژیم طاغوت به کشورهای غیر اسلامی فرار کرده و وابستگی آن‌ها ثابت نشده، آیا اموال به‌جای مانده از آن‌ها محترم است یا خیر؟

۳) اگر موجب فرار چنین کافرانی به خارج از کشور، ترس از هجوم و تعرض مردم بوده و نه وابستگی به طاغوت، آیا اموال به‌جای مانده از آنان محترم است یا خیر؟

«گلبایگانی»: کفاری که اهل کتاب نیستند، اگر دولت اسلامی آن‌ها را پناه بدهد و حفظ مال و جان آن‌ها را عهده بگیرد، اموال و نفوس آن‌ها محترم است و هر کدام را که دولت پناه ندهد و مسلم دیگری هم عهده‌دار مال و جان آن‌ها نشده باشد، مال و دم آن‌ها محترم نیست و هدر است و هم چنین اهل ذمه اگر به شرایط ذمه عمل ننمایند، احترام اموال و نفوس آن‌ها بستگی به پناه دادن و ندادن دولت یا مسلم دیگری دارد.

\* \* \*

«نکونام»: ۱) کفار غیر کتابی که در کشور اسلامی زندگی می‌کنند و تحت حمایت قانون و دولت اسلامی هستند، مال، آبرو و نفوذشان همچون دیگران محترم و محفوظ است.

۲) کفار غیر کتابی که بعد از انقلاب - به دلیل خوف و ترس - از کشور اسلامی فرار کرده‌اند، هم‌چون گروه پیشین - کفار تحت حمایت - مورد احترامند و باید همه‌ی اموال شخصی آنان به هزینه‌ی خودشان مورد حفاظت قرار گیرد.

۳) کفاری که دولت اسلامی به آن‌ها پناه نمی‌دهد، مورد حمایت نیستند و پناه دادن مسلمانی دیگر نیز کفایت نمی‌کند، مگر آن مسلمان مورد تأیید دولت اسلامی قرار گیرد، که در واقع به نوعی همان حمایت دولت - اگرچه به واسطه - است و فردی که دولت اسلامی وی را مورد حمایت قرار ندهد یا از او نفی حمایت کند، مسلمانی دیگر نمی‌تواند او را مورد حمایت قرار دهد؛ چرا که حمایت و پناه فردی کافران برای زمانی بوده است که نظام جامعه شکل دولتی و سازمانی به خود نگرفته است؛ اما امروزه احکام فردی نمی‌تواند بدون تأیید دولت اسلامی مورد اجرا قرار گیرد. اهل ذمه اگر با رضایت دولت اسلامی بر التزام نداشتن به شرایط ذمه - هم‌چون زمان ما - عمل به شرایط ذمه ننمایند، مورد احترامند؛ چون رضایت دولت اسلامی از عمل به شرایط ذمه کفایت می‌کند؛ چرا که در مواردی، مصالح عمومی، رضایت دولت مبنی بر داشتن شرایط ذمه را ایجاب می‌نماید.



س ۲۶۹۲ - آیا یهود و نصارای موجود را می‌توان اهل کتاب دانست یا نه؟  
ج - بلی، کسانی که معتقد به نبوت آن دو پیغمبر بزرگ باشند و تورات و انجیل را کتاب خود بدانند، اهل کتاب محسوبند.



## س ۲۶۹۳ - کافر ذمی کیست؟

ج - کافر ذمی کفار اهل کتابند؛ مثل یهود و نصارا که تحت شرایط مخصوصی در پناه اسلام قرار می‌گیرند تا جان و مال آنها محفوظ بماند. بلی، جایز است که به کافر غیر ذمی نیز به شرحی که در کتب مفصله‌ی فقهیه مذکور است، پناه داد.

□ □ □ □

## س ۲۶۹۴ - کفاری که در ایران وجود دارند، آیا کافر ذمی به شمار می‌آیند یا نه؟

ج - ذمی بودن آنها موقوف بر احراز شرایطی است که در کتب فقهیه مذکور است.

□ □ □ □

## س ۲۶۹۵ - کار کردن برای اهل کتاب و غیر آنان از دیگر گروه‌های مختلف چه حکمی دارد؟

ج - در این وقت که آتش جنگ بین اهل کتاب و مسلمان‌ها برقرار است، هر گونه عملی که موجب تقویت آنها باشد جایز نیست.

□ □ □ □

## س ۲۶۹۶ - معامله با کلیمی چه حکمی دارد؟

ج - اگر از معامله با آنان در حال جنگ با مسلمین نفعی عاید چند یهود شود که موجب تقویت آنها باشد، آن معامله حرام و باطل است.

□ □ □ □

## س ۲۶۹۷ - آیا اموال کفار حربی یا ذمی را می‌توان به هر طریقی؛ هر چند به دزدی،

از آنان گرفت یا گیرنده‌ی اموال آنها مدیون است؟

ج - اتلاف اموال کافر حربی جایز است و موجب ضمان نیست و اموال اهل ذمه، اگر به شرایط اهل ذمه عمل کنند، محترم، و اتلاف آن موجب ضمان است.

□ □ □ □

### □ برخورد با کفار تأمین داده شده در زمان طاغوت

س ۲۶۹۸ - تأمینی که در زمان شاه به کفار داده شده، طبق معیارهای اسلامی نبوده؛ به طوری که به بعضی از آنها حتی اجازه‌ی ایجاد کارخانه‌ی مشروب سازی و مغازه‌ی مشروب فروشی و دایر کردن مراکز فحشا نیز داده شده، حال آیا این تأمین به طور کلی اعتبار ندارد و آنها در حکم کافر حربی بوده، جان و مال آنها محترم نبوده و یا آن که فقط اموالی که از راه‌های حرام که منافات با حفظ شؤون جامعه‌ی اسلامی داشته به دست آورده‌اند احترام ندارد و یا آن که مطلقاً، تأمین آنان محفوظ بوده و اموال باقی مانده از آنان در مالکیت آنها می‌باشد؟

«گلیپگانی»: اموال اهل ذمه که محترم است، اگر به شرایط ذمه عمل کنند، اموالی است که به مذهب خودشان مالک می‌باشند؛ هرچند در مذهب اسلام، خلاف شرع باشد و مالک نباشد؛ نظیر خمر و خنزیر و ربا و اما اموالی که در مذهب خودشان مالک نباشند، نظیر مال مسروق، مال آنها نیست تا محترم باشد و اگر به دست مسلمان برسد، باید آن را به صاحب اصلی آن برساند؛ اگر می‌شناسد، و الا باید جهت صاحبش صدقه بدهد. والله العالم.

\* \* \*

«نکونام»: تأمینی که در زمان طاغوت به کفار داده شده است، چنانچه بر اساس قانون باشد و مخالفتی با معیارهای اسلامی نداشته باشد، به قوت خود باقی است و مواردی که معیار فردی دارد یا خلاف دین است، بی‌اثر است و نظام اسلامی عهده‌دار حفظ آن موارد نیست و اموالی که از راه نامشروع به دست آمده و باقی مانده است، همه باید در اختیار دولت اسلامی قرار گیرد تا به مقتضای شرع عمل شود؛ خواه از اموالی باشد که از افراد مانده است و باید به صاحبان آن بازگردد یا اموالی که جزو مظالم یا غیرمشروع است و باید به مصارف شرعی برسد، و نمی‌توان به عنوان

دولت اسلامی همه‌ی آن اموال را تصاحب نمود، بلکه دولت اسلامی می‌تواند عهده‌دار یا ناظر رسیدگی و مصرف آن باشد.



### □ اموال بهایی‌زاده در صورت مسلمان شدن

س ۲۶۹۹ - اگر بهایی زاده مسلمان شود، آیا تمام اموال او حتی مالی که در زمان کفر از راه حرام به دست آورده مال خود او و محترم می‌باشد یا فقط اموالی را که از طریق حلال به دست آورده مالک می‌شود؟

«گلبایگانی»: چنان‌چه مالی را قبلاً غصب کرده و عین آن موجود باشد، باید به صاحبش برگرداند.



«نکونام»: «بهای زاده» اگر مسلمان شود، همه‌ی اموالی که از طریق حرام به دست آورده است، اگر از اموال مردم و از آن افرادی مشخص باشد، باید به آن‌ها رد شود یا مصالحه گردد، و بقیه جزو اموال وی به شمار می‌رود.



### □ نظام اسلامی و اموال یهود و نصاری تأمین داده شده در زمان طاغوت

س ۲۷۰۰ - یهود و نصارا که در زمان شاه در ایران زندگی می‌کرده‌اند، آیا کافر ذمی و یا مستأمن بوده‌اند و در هر دو صورت، تحقق ذمه یا تأمین از ناحیه‌ی چه کسی می‌تواند برای آنان فراهم شود؟

«گلبایگانی»: اگر اهل ذمه به شبهه‌ی امان در بین مسلمین وارد شوند، در امانند و اگر کسی از مسلمین آن‌ها را پناه بدهد نیز در امانند و هم‌چنین نسبت به اموال آن‌ها.



«نکونام»: یهود و نصارا که در زمان طاغوت در ایران زندگی می‌کرده‌اند و مورد حمایت قانونی بوده‌اند، بعد از طاغوت نیز مورد حمایت قانون

هستند، اگرچه به شرایط ذمه عمل نکنند. البته، در صورتی که به شرایط ذمه عمل نکرده، بنا به مصلحت - هم چون زمان ما - مورد رضایت دولت باشد، که پناه فردی بدون تأیید دولت اسلامی یا با مخالفت آن کفایت نمی‌کند و در مواردی ممکن است در جهت تضعیف یا تخریب نظام اسلامی باشد که در این صورت، دیگر هیچ ملاک شرعی ندارد.



#### □ اموال یهود و نصارای فراری بعد از انقلاب

س ۲۷۰۱ - در فرض یاد شده در مسأله‌ی پیش، اگر جان و مال آن‌ها به جهتی (ذمه یا تأمین) محفوظ باشد، اگر بعد از پیروزی انقلاب از کشور گریخته باشند و معلوم نباشد اموال خود را از چه راهی کسب نموده‌اند، آیا می‌توان صرف فرار را دلیل بر خروج از ذمه یا تأمین دانست و احکام کافر حربی را بر آن بار نمود یا خیر؟

«گلیپگانی»: در حکم کافر حربی هستند؛ اگر دولت اسلامی اموال آن‌ها را تأمین ننموده باشد.



«نکونام»: تنها فرار افراد یاد شده، مصونیت اموال آن‌ها را در خطر قرار نمی‌دهد، مگر آن که حقوق مردم به عهده‌ی آنان باشد یا دولت اسلامی آن‌ها را به طور خاص از حمایت خود دور نماید که در این صورت با اثبات «کافر حربی» بودن آنان، اموالشان هدر است و مصونیتی ندارد.



س ۲۷۰۲ - آیا کافری که نه به او امان داده شده و نه در ذمه‌ی مسلمین است، حکم کافر حربی را دارد یا خیر؟

ج - اگر دولت اسلامی اموال او را تأمین ننموده باشد، حکم کافر حربی را دارد.



### □ مصادره‌ی اموال و مراکز کفار فراری بعد از انقلاب

س ۲۷۰۳ - محلی است که در زمان طاغوت شرکت فرش بوده و صاحب آن فردی کلیمی و جزو فراریان می‌باشد، نخست‌وزیری آن‌جا را انبار اموال منقول افراد مصادره شده قرار داده و بخشی از آن را به نهادها و بنیاد شهید و بهزیستی و بخش دیگر آن را به قیمت روز فروخته و قیمت آن را به حساب دولت واریز نموده، اما دادستانی هنوز محل انبار را مصادره نکرده است، حال نماز در آن محل چه حکمی دارد، و استفاده از فرش و موکت و دیگر وسایل موجود در آن جایز است یا خیر؟

«گلبایگانی»: از قضیه‌ی شخصیه اطلاع ندارم. به‌طور کلی اگر به شرایط ذمه عمل کنند و دولت اسلامی آن‌ها را با اموالشان در پناه گرفته، تصرف در اموال آن‌ها جایز نیست؛ ولی اگر به شرایط ذمه عمل نکنند و جان و مال آن‌ها را دولت اسلام در پناه نگرفته و به دارالحرب ملحق شده‌اند، مصادره‌ی اموال آن‌ها اشکال ندارد و تصرف در آن مباح و نماز صحیح است.

\* \* \*

«نکونام»: اموال و مراکزی از کفار که بعد از انقلاب بر اساس قانون و حکم شرعی مصادره گردیده و بنا به مصلحت به نهادهایی واگذار شده است، صحت شرعی دارد؛ اما آنچه به‌طور هرج و مرج تصاحب شده است، باید به‌طور قانونمند در اختیار دولت قرار گیرد و افراد نمی‌توانند آن را تصاحب کنند، مگر در مواردی که اموال آنان هدر باشد و تصاحب آن موجب هرج و مرج و تضعیف نظام نگردد.

□ □ □ □

### □ جایز بودن تصرف اموال کافر حربی به دور از هتک حرمت اسلام

س ۲۷۰۴ - آیا مسلمان می تواند اموال کافر حربی را به هر گونه که بخواهد؛ اعم از دزدی و غصب، تصاحب کند یا خیر؟

«گلیپگانی»: اگر موجب هتک اسلام نباشد، عیبی ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: جواز تصرف اموال کافر حربی توسط مسلمان حکمی شرعی است و دیگر عناوین غیر شرعی؛ مانند: دزدی و غصب بر آن صدق نمی کند؛ خواه این تصرف آشکار باشد یا پنهان و خواه با خصوصیتی همراه باشد یا نباشد. البته، گذشته از آن که این گونه تصرفات نباید موجب هتک حرمت اسلام شود، هم چنین نباید سبب هرج و مرج یا وارد شدن زیانی به افراد جامعه گردد.

□ □ □ □

### □ اقسام بهایی ها و تأمین دولت اسلامی

س ۲۷۰۵ - آیا جان و مال بهایی هایی که در زمان طاغوت فعالیت تبلیغاتی داشته و یا از اعضای اصلی محفل بوده اند و اکنون در زمان جمهوری اسلامی فعالیت دارند محفوظ است و به طور کلی آیا بهاییان فعلی در امان دولت اسلامی هستند؛ به طوری که تصرف در اموال آنان حرام باشد یا آن که در امان نیستند و برای مراعات بعضی از مسایل سیاسی با آنها مسامحه می شود؟

«گلیپگانی»: آن هایی که دولت اسلامی به آنها راه داده و به کشور اسلامی آمده اند و متعهد حفظ اموال آنها شده، تعهد دولت اسلامی محترم است و باید رعایت شود، ولی کسانی که از آنها در کشور خودشان هستند، این حکم را ندارند.

\* \* \*

«نکونام»: بهایی هایی که پیش از این مسلمان بوده اند مرتد هستند و مال آنان



باید به وارث منتقل گردد، و زن‌های آنان اگر مسلمانند، باید از آنان جدا شوند و در این جهات - مال و زن - پناه دولت کارگشا نیست و بهایی‌هایی که کافر بوده‌اند و سپس بهایی شده‌اند، در صورت پناه دادن دولت اسلامی تأمین دارند و در غیر این صورت، هم‌چون کفار حربی به شمار می‌روند و اموال آنان مصوئیتی ندارد.





## ضمان

### □ ضرر رساندن به همسایه

س ۲۷۰۶ - کسی در کنار مزرعه و باغستان دیگری ساختمانی بنا کرده که مقر آن پیش از بنای مزرعه و باغستان بوده و در حال حاضر در اثر مشروب نمودن مزرعه، به ساختمان رطوبت می‌رسد و احتمال می‌رود به آن آسیب برسد و صاحب مزرعه در آبیاری آن افراط کرده و بر طبق معمول رفتار ننموده و بنابر این، آیا صاحب بنا حق جلوگیری از آب دادن باغ را دارد یا نه، و بر فرض انهدام ساختمان، آیا صاحب مزرعه و باغ ضامن است یا نه؟

ج - در فرض سؤال، صاحب مزرعه باید کاری کند که رطوبت به ساختمان مذکور سرایت نکند و اگر جلوگیری نکند، خسارت وارده بر ساختمان را ضامن است؛ ولی صاحب ساختمان حق ممانعت از مشروب نمودن مزرعه را ندارد.



س ۲۷۰۷ - آب ناودان و برف پشت بام شخصی به ملک همسایه ریخته می‌شود و حال صاحب ملک مانع از جریان آن است و صاحب عمارت نیز مدعی است که از زمان گذشته برف و آب ناودان به ملک مزبور ریخته می‌شود و صاحب ملک مدعی است در صورت صاحب حق بودن، باید مدرک داشته باشد و طرف مزبور

هیچ گونه مدرکی در دست ندارد، آیا وی حق ریختن برف و آب ناودان را دارد یا خیر؟

ج - در صورتی که از سابق آب باران و برف را در ملک همسایه می ریخته و محتمل باشد که ذی حق است، نمی توانند او را منع کنند و اگر مقطوع باشد که ذی حق نیست، می توانند جلو او را بگیرند.



### □ خسارت حیوان

س ۲۷۰۸ - شخصی اسب چموش و سرکشی دارد و می داند اگر غفلت کند و مواظب اسب خود نشود، به حیوان یا انسانی آسیبی می زند و اسب چنین عادتت دارد، روزی اسب یک نفر را با لگد می زند و چشم چپ او معیوب می شود و صاحب اسب شیبه ی اسب را می شنود و فرار می کند و فعلاً مبلغ هفت هزار تومان به مصدوم جراحات وارد شده است، آیا شخص مصدوم می تواند از صاحب اسب دیه بگیرد یا خیر؟

ج - از موضوع شخصی اطلاع ندارم. به نحو کلی اسب در حالی که صاحبش با آن باشد، اگر جنایتی وارد کند، صاحب اسب ضامن است و هم چنین در مثل مورد سؤال، اگر با آن نباشد ولی در حفظ آن تقصیر کرده باشد، باید دیه ی چشم را بدهد.



س ۲۷۰۹ - بعضی اوقات گوسفند و مرغ های همسایگان به مزرعه می ریزند و گاه یک مرغ که پنج تومان ارزش دارد، صد تومان یا بیش تر ضرر به زراعت می رساند و تذکر به صاحب حیوانات نیز بی فایده است و آن را نمی پذیرد، آیا از بین بردن این گونه حیوانات جایز است یا خیر، و قراردادهایی که در روستاها برای جلوگیری از این گونه ضررها بسته می شود صحیح است یا خیر؟

ج - در روز باید صاحب زراعت، زراعت خود را حفظ نماید و اتلاف

حیوان مردم جایز نیست. بلی، اگر شب، حیوان شخص به زراعت مردم ضرر بزند، صاحب حیوان ضامن است و قرارداد؛ چنانچه در ضمن عقد لازمی مانند صلح به این صورت منعقد شود که حیوان هر کس وارد زراعت شد و ضرر زد صاحب حیوان فلان مبلغ بدهد یا صاحب زراعت مجاز در کشتن آن حیوان باشد، صحیح است.



س ۲۷۱۰ - بچه‌ای غیر مکلف الاغی را بیرون آورده و الاغ در میان راه با لگد بچه‌ای دیگر را زده است، آیا صاحب الاغ مسؤولیتی دارد یا نه؟  
ج - در صورتی که صاحب حیوان باعث نشده باشد، ضامن نیست.



س ۲۷۱۱ - گوسفند کسی زراعت این جانب را خورده و پایمال نموده و چند نفر اهل خبره بازدید کردند و شصت تومان از صاحب گوسفند گرفته به من دادند، آیا تصرف این جانب در آن پول صحیح و جایز است یا نه؟

ج - در صورتی که خسارت مستند به تقصیر صاحب گوسفند باشد، ضامن خسارت است و در این صورت، اگر مبلغ مزبور زاید بر خسارت نباشد، تصرف در آن جایز است و اگر احتمال زیادی باشد و اهل خبره واجد شرایط شرعی نباشند، به مصالحه و امراضات تمام کنند.



س ۲۷۱۲ - فرشی را به دلال داده‌اند تا آن را بفروشد و دلال فرش را به کسی می‌فروشد و در برابر آن، چکی بدون محل از خریدار می‌گیرد و به صاحب فرش می‌دهد، آیا دلال ضامن است یا نه؟

ج - در فرض مسأله، اگر صاحب فرش بدون معرفی دلال، صاحب چک را معتبر دانسته و راضی شده که فرش را به صاحب چک فروخته باشد، دلال ضامن نیست ولیکن اگر او را نمی‌شناخته و او را معتبر نمی‌دانسته و دلال

عهده گرفته که وجه را وصول نماید، دلال ضامن است و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۷۱۳ - شخصی چهار تخته قالی به رسم امانت نزد این جانب آورد تا آن را به فروش رسانم و یک تخته از آن برای دیگری بود که آورنده‌ی قالی گفت این امانت است و اگر از دویست تومان کم تر خواستند، نفروش، من سه تخته‌ی خود را به مدت فروختم و چک آن را به دستور وی در بازار کم نموده و به او دادم و از طرف صاحب فرش امانتی، نامه‌ای آمد که فرش او را به قیمت مناسبی بفروشم و فرش به همان خریدار سه تخته به مدت سه ماه فروخته شد و صورت آن را برای صاحبش فرستادم و در طی این سه ماه خریدار چهار تخته قالی ورشکست شد، حال تکلیف چیست؟

ج - در صورتی که واسطه تقصیر نکرده باشد، ضامن نیست؛ ولی اگر عین قالی‌ها نزد خریدار ورشکسته موجود باشد، صاحبان آن‌ها با رجوع به حاکم شرع و حکم به حجر و افلاس شخص نامبرده می‌توانند عین قالی‌ها را برگردانند و احق از سایر غرما می‌باشند.



#### □ مرگ ضامن

س ۲۷۱۴ - مرسوم است در مدارک معاملات ملکی یا خانه شرط ضمان کشف فساد تا پنجاه سال می‌کنند، چنانچه تعهد دهنده پیش از مدت مذکور بمیرد، آیا ضامن است یا نه؟

ج - بلی، ضامن است.



#### □ ثبوت ضمان به سبب تقصیر

س ۲۷۱۵ - چوپانی که مسؤول گله‌ی گوسفند است شبی غفلت نموده و به محل دیگری رفته و گوسفندان در پناهگاه بدون نگهبان ماندند و چند گرگ چند رأس

از آن را مجروح کرده یا از بین برده و بقیه جای فرار نداشته و از ترس روی هم ریخته و تا صبح صد رأس از آن مرده‌اند، آیا مالک گله که حقوق و لباس چوپان را داده حق مطالبه‌ی ضرر از چوپان را دارد یا خیر؟  
ج - در فرض مسأله، چوپان ضامن است.

□ □ □ □

س ۲۷۱۶ - گوسفندی که به چوپان سپرده شده در بیابان به حال مردن می‌افتد و چوپان با آن که متوجه می‌شود، آن را ذبح نمی‌کند و گوسفند می‌میرد، آیا وی ضامن است یا نه؟

ج - اگر اطمینان داشته که نمی‌میرد و ذبح نکرده، تقصیر محسوب نمی‌شود و چیزی بر او نیست و اگر با اطمینان به تلف شدن ذبح نکرده باشد، مقصر و ضامن است.

□ □ □ □

س ۲۷۱۷ - همسر شخصی املاک غیر قابل کشتی داشته و وی آن املاک را آباد نمود و درختان زیادی در آن املاک به عمل آورد و کشاورزی کرد و بعد همسر وی فوت نمود و دو پسر و سه دختر از او مانده است، آیا شوهر به درختانی که پرورش داده حقی دارد یا نه و در صورتی که حق داشته باشد، اجاره‌ی املاک را باید بدهد یا نه؟

ج - اگر نهال، ملک زوج بوده است و به زوجه انتقال نداده باشد، مال زوج است و در این صورت؛ چنانچه زن اجازه‌ی غرس را مجاناً نداده باشد یا بی‌اجازه‌ی زن غرس نموده باشد، زوج ضامن اجرت المثل است و اگر نزاع موضوعی است، محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است.

□ □ □ □

س ۲۷۱۸ - شخصی ماشین خود را در پارکینگ می‌گذارد، دیوار بر روی آن خراب می‌شود، آیا صاحب پارکینگ ضامن است یا خیر؟  
ج - اگر گاراژدار می‌دانسته دیوار در معرض خرابی است و اطلاع نداده،

ضامن است و الا ضامن نیست و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.

□ □ □ □

س ۲۷۱۹ - بتایی در ساختمانی روزمزدی کار کرده و خود به عنوان معمار معروف بوده، بعد از انجام کار بلافاصله کار معیوب شده و خسارت پیدا کرده، آیا خسارت وارد شده به عهده‌ی صاحب کار است یا به عهده‌ی بتا؟

ج - در فرض مسأله، اگر بتا بنا را ناقص ساخته و صاحب کار نمی‌دانسته که ناقص می‌سازد و مغرور شده باشد، بتا تفاوت بین ناقص و صحیح را ضامن است و اگر نزاع در موضوع باشد، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.

□ □ □ □

س ۲۷۲۰ - شخصی کالایی را خریده و فروشنده متعهد شده آن را به وسیله‌ی باربر به گاراژ بفرستد و وی نیز چنین می‌کند و کارمزد باربر را نیز می‌دهد و خریدار پس از بیست روز به فروشنده مراجعه نموده و اظهار می‌کند که کالای وی به گاراژ نرسیده و در این موقع فروشنده هویت باربر را نیز فراموش نموده، آیا خسارت کالا به عهده‌ی خریدار است یا به عهده‌ی فروشنده؟

ج - در فرض مسأله، اگر فروشنده از جهت یادداشت نکردن اسم باربر با اطمینان به او عرفاً تقصیر کرده، ضامن است و اگر تقصیر نکرده، ضامن نیست و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.

□ □ □ □

س ۲۷۲۱ - شخصی فرشی به فرش فروشی داده است که برای او بفروشد و با او قرار نکرده که آن را نقد بفروشد یا نسیه و در حال حاضر وی فرش را در دو قسط فروخته و سفته‌ی دو ماه وعده را به نام خود گرفته و فعلاً معلوم شده که خریدار فرش ورشکسته است، آیا فرش فروش که فرش را با این کیفیت فروخته، ضامن است یا نه؟

ج - در فرض مسأله در صورتی که بدون اذن و اجازه‌ی صاحب فرش



فروخته، آن که فروخته ضامن است و اگر با اذن و اجازه فروخته، ضامن نیست و در فرض مذکور که از نقد و نسیه اسم نبرده، محمول است بر متعارف بازار؛ مگر قرینه برخلاف باشد و در نزاع موضوعی مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۷۲۲ - تاجری که در قم ساکن است از تاجری که در مشهد است کالاهایی مختلف به موجب صورت و امضا درخواست نموده و آن تاجر تهیه کرده و وی آن را به قم ارسال نموده و در بین راه به سوختن یا غرق شدن تلف می‌شود، آیا ضمان این مال بر کدام یک از فرستنده و خواهنده و حامل می‌باشد؟

ج - در فرض مسأله، اگر تاجر مشهدی برای تاجر قمی اجناس را خریده و مأذون در ارسال بوده و در کیفیت ارسال تقصیر نکرده، ضرر به تاجر قمی وارد می‌شود و اگر حامل در حفظ مال تقصیر کرده، او ضامن است.



س ۲۷۲۳ - هرگاه شخصی با اتومبیل خود در روز و در خیابان گاو شخصی را بکشد و به اتومبیل نیز خسارت وارد شود، در صورتی که گاوهای زیادی هم وجود داشت، در این صورت آیا راننده قیمت گاو را ضامن است یا نه، و هم‌چنین خسارت وارد شده به ماشین به عهده‌ی صاحب گاو می‌آید یا نه؟

ج - در فرض سؤال، راننده‌ی ضامن قیمت گاو است و هرگاه بعد از برخورد زنده بماند به اندازه‌ای که بشود او را ذبح شرعی کرد و صاحب گاو در ذبح کوتاهی کند، راننده فقط تفاوت قیمت را ضامن است.



س ۲۷۲۴ - شخصی به عنوان سرایداری در پاساژی ساکن است و روزها افزوده بر مراقبت از پاساژ، کارهای عمومی محله را نیز عهده‌دار است، در این میان، یک قطعه فرش از فرش‌های یکی از حجرات مفقود می‌گردد، آیا سرایدار غرامت

فرش مفقود شده را ضامن است یا نه؟

ج - در مفروض سؤال، چنانچه سرایدار در حفظ و مراقبت اموال پاساژ کوتاهی نکرده یا در روز مراقبت به عهده‌ی او نبوده، بلکه هر کسی مراقب اموال خود بوده، سرایدار ضامن نیست و چنانچه مراقبت اموال مردم در روز نیز به عهده‌ی سرایدار بوده و در مراقبت و محافظت کوتاهی نموده، ضامن است و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، احتیاج به مرافعه‌ی شرعیه دارد.



#### دیگر مسایل ضمان

س ۲۷۲۵ - گرگی شکم میشی را پاره کرده و کسی آن را از صحرا به آبادی آورده تا صاحب آن پیدا شود و چون پیدا نشده و مشرف به موت بوده فردی به امر دیگری آن را ذبح کرده و از جهت این که گوشت آن اگر می ماند خراب و فاسد می شد، آن را به فقیران داده و سپس مالک آن پیدا می شود و قیمت آن را مطالبه می کند، در این میان، آیا ضامن آن آورنده‌ی گوسفند است یا امرکننده‌ی به ذبح یا کسی که گوسفند را ذبح نموده یا قسمت کننده‌ی گوشت آن.

ج - ضامن قیمت گوشت کسی است که آن را به فقیر داده است.



س ۲۷۲۶ - اگر دزد گوسفند دزدیده شده را بکشد، صاحب گوسفند قیمت گوسفند و گوشت هر یک را بخواهد می تواند از سارق بگیرد یا نه و اگر قیمت گوسفند از دزد گرفته شود، مالک گوشت آن کیست و اگر اشخاصی از آن گوشت خریده باشند، تکلیف آنها چیست؟

ج - در فرض سؤال، اگر عین گوشت گوسفند سرقت شده باقی است، باید به صاحب آن رد شود و صاحب گوسفند می تواند مطالبه‌ی ارزش؛ یعنی مابه التفاوت گوسفند زنده و ذبح شده را بگیرد و چنانچه صاحب مال با

سارق تراضی کنند و قیمت گوسفند را بگیرد، ذمه‌ی کسانی که گوشت آن را از سارق خریده و قیمتش را به او داده‌اند، بری می‌شود.



س ۲۷۲۷ - برای امور مستحب مانند روضه خوانی در مسجد با تأکید از بنده قبض گرفتند که هر ماهی دو تومان بپردازم، چنانچه وقت پرداخت متمکن نباشم و یا به مردم بده کار باشم، تکلیف چیست و آیا این عمل جایز است یا نه؟  
ج - مجرد قبض دادن ضمان آور نیست و بدون رضایت جایز نیست، از اشخاص وجه بگیرند؛ هرچند برای روضه خوانی و امور راجحه باشد.



س ۲۷۲۸ - شخصی برای خرید جنس عامل، برات به حواله‌ی عامل و وکیل خود فرستاده و وجه مزبور را به نام خود در بانگ گذاشته و سپس مقداری از آن را به طوری که مدعی است به قصد خرید جنس منظور از بانگ دریافت نموده و به مغازه‌ی خود برده و به حسب اتفاق تلف شده، آیا وجه مذکور که به قصد خرید جنس برای فرستنده برداشته شده، چون عین وجه فرستنده نبوده، تعیین پیدا نمی‌کند یا چون به قصد خرید جنس برای فرستنده برداشته معین می‌شود و در صورت تعیین، ضمان به عهده‌ی اوست یا نه؟

ج - اگر از صاحب پول اذن داشته که پول را به حساب خودش در بانگ بگذارد و هر وقت خواست آن را برای صاحبش از بانگ بگیرد و به همین قصد از بانگ گرفته باشد و بدون تقصیر و مسامحه‌ی او تلف شده باشد، ضامن نیست.



س ۲۷۲۹ - کسی شک دارد که آیا نزدیک به سی سال پیش به سن بلوغ رسیده بود یا نه؟ وی با حیوانات حلال گوشت و حرام گوشت جمع می‌شده و بعد از تکلیف نیز همین عمل را انجام می‌داده و برخی از صاحبان آن حیوانات مرده و برخی

نامعلوم هستند و اگر به صاحبان آنها بگویند فساد بزرگی ایجاد می‌شود، حال وظیفه‌ی وی که می‌خواهد توبه کند چیست؟

ج - در فرض سؤال، قیمت آن حیوان‌ها را ضمان است و باید به مالکین آنها بپردازد و هر کدام از مالکین آنها که فوت شده‌اند به ورثه‌ی او بدهد و لازم نیست به آنها بگوید این پول برای چه جهت است، بلکه به هر عنوانی قیمت را به آنها برساند، حتی اگر داخل در مال آنها بنماید؛ به طوری که خود آنها نفهمند کافی است و اما اگر خود حیوان‌ها زنده‌اند و از حیواناتی هستند که خوردن گوشت آنها متعارف است؛ مثل گاو و گوسفند و شتر، واجب است آنها را ذبح نموده بعد بسوزاند و اگر مثل اسب والاغ باشد، باید ببرند در شهر دیگر بفروشند؛ بنابراین، اگر آن حیوان زنده باشد، می‌تواند به عنوان خرید از مالکین گرفته و قیمت را به آنها بدهد و بعد به وظیفه‌ای که گفته شد عمل بنماید بدون آن که کسی ملتفت جهت خرید شود و اگر فعلاً زنده نیستند، قیمت را به صاحبان آنها به هر عنوانی که بدهد مثل عیدی و هبه و غیر آنها کافی است.



س ۲۷۳۰ - مقداری هسته‌ی بادام و زردآلو و مانند آن کاشته‌ام و بنا به عادت، هر کشاورزی همه ساله زمستان برای جلوگیری از حیواناتی مثل خرگوش که از پوست درختان تغذیه می‌کنند و باعث از بین رفتن محصولات و درختان می‌شوند، از داروی سمی استفاده می‌کنیم و این ماده را روی پوسته‌ی درخت‌ها و نهال‌ها می‌مالیم در اثر مسامحه یا غفلت چوپان گوسفندها وارد این منطقه‌ی کشاورزی شده و از درخت‌های آلوده به سم خورده و مسموم شده‌اند، تکلیف شرعی در مورد مفروض چیست؟

ج - در فرض سؤال، اگر اشجار را در ملک خود کاشته بودید و معرض رفت و آمد حیوانات مردم نبوده بر شما چیزی نیست ولی اگر در اراضی

عمومی بوده و محل رفت و آمد گوسفندان مردم بوده و شما اعلان بر مسمومیت اشجار ننموده‌اید، ضامنید و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، رفع آن احتیاج به مرافعه‌ی شرعیه دارد.



س ۲۷۳۱ - شخصی چراغ دیگری را شکست و صاحب چراغ آن را صحیح و سالم می‌خواهد و وی آن چراغ شکسته را درست می‌کند و به او می‌دهد، آیا وظیفه‌ی خود را انجام داده است؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاع ندارم، لکن به نحو کلی اگر شخصی بدون این که اذن تصرف در چراغ مردم داشته باشد طوری آن را بشکند که در حکم تلف باشد و برای شکسته‌ی آن قیمتی نباشد، تمام قیمت چراغ را ضامن است و اگر طوری شکسته که نقص وارد شده ولی تلف نشده، تفاوت مابین شکسته و صحیح را باید بدهد.



س ۲۷۳۲ - اگر اجیری که روزانه یا به صورت دایمی در حال اشتغال به کار به سبب عوارضی مانند غرق شدن و سوختن بمیرد، آیا صاحب کار غیر از مزد وی چیز دیگری ضامن است یا نه؟

ج - در صورتی که تلف مستند به او نباشد و تقصیر نکرده باشد، ضامن نیست.



س ۲۷۳۳ - اگر شوهری سال‌ها مال همسر خود را هزینه کند و زن از آن ناراضی باشد ولی در اثر کم‌رویی یا برای حفظ حیثیت و آبروی خود یا ترس یا جهت‌های دیگری در محذور بماند و نتواند ناراضیتی خود را اظهار نماید، آیا هزینه‌ی این مال برای شوهر جایز بوده یا نه و آیا زن پس از چند سال می‌تواند نسبت به مال خود که در سال‌های گذشته هزینه شده است ادعایی بنماید یا نه؟

ج - در صورتی که زوجه اذن تصرف به زوج نداده، تصرفات او جایز

نبوده؛ اگرچه در بعضی موارد ممکن است معذور باشد و زوجه می‌تواند آن‌چه را بدون اذن و رضایت او تلف و تفویت کرده، مطالبه نماید.



س ۲۷۳۴ - کسی (عمرو) سفته یا برات امضا شده از زید می‌گیرد به شرط این که عمرو وجه آن را به هنگام پیردازد و آن را به بانک می‌فروشد و وجه آن را می‌گیرد و عمرو پیش از فرا رسیدن آن مدت، ورشکست شده و فراری می‌شود و زید نیز مجبور است وجه برات یا سفته را به بانک بدهد و اگر چنین نکنند، باعث زحمت و به خطر افتادن آبروی خود می‌شود، آیا وی می‌تواند از اجناس موجود عمرو بفروشد و وجه سفته یا برات را پیردازد یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر بانک وجه مذکور را از زید بگیرد، عمرو ضامن است و اگر اموالی داشته باشد و حاکم شرع حکم به حجز او نکرده باشد، زید می‌تواند با اذن حاکم شرع به مقدار وجه مذکور از اموال او تقاص نماید.



س ۲۷۳۵ - اگر کسی در محکمه‌های عرفی شهادت به ناحق بدهد که بر اثر آن حق کسی از بین برود، آیا ضامن آن است یا خیر و در صورت ضمان، آیا حاکم نیز ضامن است یا خیر؟

ج - در فرض مسأله، اگر آخذ علم به غصبیت مأخوذ به حکم حاکم جور دارد، خودش ضامن است شاهد و حاکم هم برای تسبیب معصیت کرده‌اند و اگر گمان می‌کند شهادت حق داده‌اند و حاکم هم حکم به حق کرده، شاهد ضامن است و در این فرض، چنانچه ضمانتی بر آخذ وارد شد، رجوع به شاهد می‌کند.



س ۲۷۳۶ - بچه‌ی نابالغی صدمه‌ی جانی یا مالی به کسی می‌رساند، آیا ولی آن بچه ضامن است یا نه و همچنین اگر دیوانه صدمه‌ای به کسی بزند، تکلیف وی چیست؟

ج - اگر بچه ممیز است، در صدمه‌ی مالی خود او ضامن است و در صدمه‌ی جانی چنانچه قتل یا جراحت موضحه و بالاتر باشد، دیه بر عهده‌ی عاقله‌ی بچه است و اگر کم‌تر از موضحه باشد، بر عهده‌ی خود اوست و مراد از موضحه جراحتی است که پرده‌ی نازک روی استخوان پاره شده و سفیدی استخوان نمایان شود و اگر ممیز نیست؛ چه در صدمه‌ی جانی و چه مالی کسی ضامن نیست؛ مگر مستند به تقصیر و عدم حفظ متصدی و حافظ طفل باشد که در این صورت، او ضامن است و دیوانه اگر ضرری وارد آورد کسی ضامن نیست؛ مگر آن که عاملی سبب شده باشد که در این صورت، او ضامن است.



س ۲۷۳۷ - شخصی اسب‌های کسی را برای آب دادن می‌برد و در بین راه به کسی برخورد می‌نماید و بدون این که از صاحب اسب اجازه داشته باشد او را سوار می‌کند و با هم اسب دوانی کرده‌اند و به حسب تصادف، پای اسبی که دیگری سوار آن بوده در سوراخی رفته و شکسته، در این صورت کدام یک ضامن است؟

ج - شخصی که سوار اسب بوده ضامن است لکن مالک می‌تواند به هر دو رجوع کند و اگر شخصی که اسب را داده به دیگری او را مغرور کرده و گفته که من از صاحب اسب اذن دارم، مغرور پس از غرامت رجوع به غار می‌کند.



س ۲۷۳۸ - شخصی در مسجدی مجلس عزاداری منعقد نموده و در میان مجلس لامپ بلندگوی مسجد بدون تقصیر و تعدی سوخته، آیا تعمیر بلندگو یا پرداخت قیمت آن بر بانی مجلس واجب است یا نه و آیا متصدی مسجد حق مطالبه‌ی آن را دارد یا خیر؟

ج - در فرض مسأله، اگر بر خلاف دستور واقف رفتار نشده و تقصیر هم نشده باشد، ضامن نیست.



س ۲۷۳۹ - تاجری نزدیک به صد خروار سبزه‌ی تیزابی به صاحب کارخانه‌ای به نحو امانت تحویل داده و او نیز در مقابل مبلغی پول به او پرداخته و هر دو طرف اجازه دارند در آن تصرف کنند به شرط این که هر وقت صاحب جنس خواست آن را قیمت‌گذاری کند و قیمت آن را مطابق نرخ روز دریافت کند، اما هنگامی که برای قیمت‌گذاری می‌روند چون مدتی پول صاحب کارخانه در تصرف صاحب جنس بوده، صاحب کارخانه می‌خواهد آن را کم‌تر از قیمت روز خریداری کند و حال آن که شرط شده که به نرخ روز حساب کند و صاحب کارخانه به هیچ وجه حاضر نشد قیمت روز را پرداخت کند تا این که قیمت جنس مذکور کاهش یافت و در این موقع صاحب کارخانه برای قیمت‌گذاری حاضر شده و می‌گوید یا باقی‌مانده‌ی جنس خود را ببر و یا قیمت امروز آن را حساب کن با آن که علم دارد عین جنس در ماه‌های اول به قیمت آن روز، فروش خوبی داشت. حال، صاحب جنس حق دارد قیمت چه روزی را مطالبه کند و ذمه‌ی صاحب کارخانه چگونه بری می‌شود؟

ج - در فرض مسأله، صاحب جنس مثل جنس خود را از صاحب کارخانه طلب دارد و اگر بخواهند تبدیل به قیمت نمایند، با تراضی طرفین اشکال ندارد.





س ۲۷۴۰ - شخصی زمینی را برای برداشت محصول حصار گذاشته و در میان این زمین چاهی حفر نموده که از آب آن استفاده کند و بعد از برداشت محصول، حصار زمین از بین می‌رود و حیوانات زیادی طبق مرسوم محلی بدون چوپان برای چرا می‌روند و گاو کسی در آن چاه می‌افتد و می‌میرد، آیا صاحب زمین ضامن قیمت گاو است یا نه؟

«گلیپگانی»: در صورتی که چاه را در محلی حفر کرده که چراگاه مواشی بوده، احتیاط واجب آن است که صاحب گاو را راضی کند و در آتیه، چاه را به نحوی محصور کند که مواشی مردم در آن تلف نشود.

\* \* \*

«نکونام»: صاحب چاه ضامن است.

□ □ □ □

س ۲۷۴۱ - قصابی گوسفندی را از قرار یک من چهل تومان خریده و بنا شده که وی گوسفند را بکشد و وزن آن را معلوم کند. شب، گوسفند در خانه‌ی قصاب می‌میرد، حال، ضمان گوسفند به عهده‌ی کیست؟

ج - در فرض مسأله که بیع هنوز محقق نشده، گوسفند از مال فروشنده تلف شده و به عهده‌ی قصاب نیست.

□ □ □ □

س ۲۷۴۲ - شخصی با اطلاع اهالی محل به تعمیر مسجدی اقدام نموده و مصالح ساختمانی؛ مانند گچ، آهک و سیمان از دیگری خریده و بعد از مدتی به نام ورشکستگی فرار کرده، آیا اهالی محل قیمت مصالح ساختمانی را ضامن هستند یا نه و در صورتی که فروشنده اجازه ندهد، نماز خواندن در آن مسجد جایز است یا خیر؟

ج - در صورتی که اهالی امر کرده باشند که به ذمه‌ی آنها آجر و مصالح بخرد و او هم به ذمه‌ی آنها خریده باشد، اهالی ضامن هستند و در

صورتی که به خیال این که اهالی بدهند به ذمه‌ی خودش خریده، اهالی ضامن نیستند و در هر حال، اگر مسجد به قصد مسجدیت ساخته شده و نماز هم در آن خوانده باشند، بعدها نماز در آن صحیح است.

□ □ □ □

س ۲۷۴۳ - اگر کسی دوستانه به کسی سفته داد برای حفظ آبروی او و در حقیقت بدهی نداشت و او سفته را گرفت و معاملاتی انجام داد و نتوانست پول مردم را بدهد، آیا کسی که سفته را برای حفظ آبروی او داده ضامن است یا نه؟  
ج - ضامن او معلوم نیست ولی چنانچه خریدار سفته برائت ذمه‌ی او را نداند می‌تواند او را با قراری که کرده ملزم به پرداخت نماید.

□ □ □ □

س ۲۷۴۴ - اگر این جانب یک عدد چک خریداری کنم، آیا می‌توانم با فروشنده قید کنم چنانچه بده کار آن را پرداخت نکرد، طلب خود را از فروشنده‌ی چک دریافت دارم یا نه؟

ج - در فرض سؤال، بعد از انجام معامله‌ی فروش چک، فروشنده می‌تواند به نحو تنجیز ضامن مدیون شود.

□ □ □ □

س ۲۷۴۵ - فروشنده‌ی کالایی را که دولت خرید و فروش آن را ممنوع کرده و قاچاق است به عنوان سوم در معامله تحویل مشتری می‌دهد و مشتری، آن را برای مشاهده و امتحان به خانه‌ی خود حمل می‌نماید و در میان راه به کارگزاران دولت برخورد می‌کند و آنان آن را توقیف نموده و جزو اموال و دارایی خود کرده و خسارت زیادی بر او وارد کردند، در این صورت، آیا مشتری ضامن مبیع و خسارت است یا به عهده‌ی بایع است؟

ج - در فرض مسأله، تلف مأخوذ به سوم بر عهده‌ی آخذ است و خسارات نیز بر عهده‌ی اوست و بایع ضامن نیست.

□ □ □ □

س ۲۷۴۶ - شاگرد کسی که قرض ربایی می‌داده و کارهای ربایی او را رسیدگی می‌کرده و در حال حاضر توبه نموده، آیا وی ضامن اموال ربایی نیز هست؟  
ج - اگر پول‌های ربوی به دست او نیامده، چیزی بر او نیست و هم‌چنین اگر صاحب پول‌ها پول را به او داده باشند که به دیگری برساند، ضامن نیست.





## وکالت

### □ وکالت؛ عقدی اذنی

س ۲۷۴۷ - آیا تصرفات وکیل مطلق شرعی و قانونی را می‌توان از اثر انداخت و اجازه نداد یا خیر؟

ج - به نحو کلی، تا وقتی که وکیل از وکالت عزل نشده باشد؛ بلکه تا وقتی که عزل به وکیل نرسیده باشد، تصرفات وکیل نافذ است. بلی، چون وکالت به نظر حقیر از عقود اذنیه است، هر وقت موکل بخواهد می‌تواند وکیل را عزل نماید و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است.

□ □ □ □

### □ وکالت فضولی

س ۲۷۴۸ - وکیل طبق وکالت‌نامه حق اسقاط‌خيارات یا خيار غبن را نداشته اما سر دفتر در تنظیم سند فروش ملکی، بدون توجه به حکم شرعی و با بی‌توجهی به ماده‌ی ۶۶۷ قانون مدنی که بر اساس حقوق اسلامی تدوین گردیده، به استناد وکالت‌نامه با اسقاط خيار غبن، غبن افحش را متوجه موکل (صاحب ملک) نموده است، آیا قید اسقاط‌خيارات یا خيار غبن در سند به نحو مذکور، موکل را

از احقاق حق خود و ادعای غبن محروم می‌نماید یا خیر؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاع ندارم. به‌طور کلی اگر وکیل بر خلاف قول موکل عمل کند، عمل او نفوذ ندارد و فضولی است. پس اگر موکل قبول و امضا کند، صحیح است و اگر رد کند، باطل است و با فرض نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.

□ □ □ □

### □ وکالت مشروط

س ۲۷۴۹ - آیا می‌شود وکالت را به شرطی مشروط نمود و برای نمونه، موکل به وکیل گوید: اگر پدرم اجازه داد، تو در فروش خانه‌ی من وکیل هستی یا خیر؟

ج - در وکالت، تنجیز شرط است. بنابراین، وکالت به‌نحو مزبور باطل است. بلی، تعلیق در متعلق وکالت؛ یعنی در تصرفی که وکیل از جانب موکل خود در آن تصرف نیابت می‌کند، مانع ندارد. مثلاً اگر زید به عمرو بگوید تو از همین لحظه وکیل من هستی در فروش خانه‌ی من لکن فروش خانه‌ام مشروط به این است که پدرم اجازه دهد، صحیح است.

□ □ □ □

س ۲۷۵۰ - مردی بعد از خواندن صیغه‌ی ازدواج، همسر خود را وکیل می‌کند که هرگاه همسر دیگری انتخاب نماید، طلاق خود را بگیرد و سپس همسر دیگری انتخاب می‌کند و زن طلاق خود را می‌خواهد اما مرد از آن خودداری می‌نماید و از وکالت فوق سخنی به میان نمی‌آید، آیا مجرد این که شوهر می‌گوید راضی به طلاق نیستم، موجب عزل زن از وکالت می‌گردد یا خیر؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، ظاهر از عبارت زوج که من راضی به طلاق زوجه‌ی خود نیستم، عزل از وکالت است؛ مضافاً بر این که اصل حصول

وکالت به وجه مذکور مورد اشکال است.

\* \* \*

«نکونام»: زن نمی‌تواند مرد را در چیزی که خلاف حکم الهی است وکیل نماید.

□ □ □ □

#### □ عمل کردن وکیل برخلاف مورد وکالت

س ۲۷۵۱ - شخصی باری را در بنگاه امانت فروشی می‌گذارد و سفارش می‌نماید که اجناس مرا از کیلویی سی ریال کم‌تر نفروش، ولی بعد از پانزده روز که مراجعه می‌کند، بنگاهی به او می‌گوید بار تو را به کیلویی پانزده ریال فروخته‌ام، حکم آن چیست؟

ج - در فرض مذکور که وکیل برخلاف وکالت عمل نموده و جنس را به کم‌تر از قیمت تعیین شده فروخته، معامله فضولی است؛ اگر موکل امضا کند، بیع صحیح است و اگر امضا نکرد، چنانچه عین جنس باقی است می‌تواند پس بگیرد و اگر عین جنس باقی نباشد، قیمت عادله را می‌تواند از هر کسی که جنس در ید او قرار گرفته مطالبه کند ولی قرار ضمان بر کسی است که در دست او تلف شده؛ اگر اطلاع از نوع وکالت داشته باشد و الا قرار ضمان با وکیل است.

□ □ □ □

س ۲۷۵۲ - شخصی به عنوان واسطه برای خرید منزلی به صاحب آن مراجعه و دیگری را به عنوان خریدار معرفی کرده و فروشنده به خیال این که وی در واقع منزل را برای شخص معرفی شده می‌خواهد، وی را در تعیین قیمت آن وکیل می‌کند و قراردادی تنظیم می‌نماید و سپس در موقع انتقال رسمی معلوم می‌شود

خریدار اصلی فرزند واسطه بوده و اگر فروشنده آن را می‌دانست، به هیچ وجه برای تعیین قیمت به واسطه وکالت نمی‌داد و از این راه ضرر فاحشی به فروشنده وارد آمده، این معامله از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاع ندارم. به طور کلی، اگر ثابت شود وکیل در تعیین قیمت یا تعیین خریدار از مورد وکالت تجاوز کرده معامله فضولی است و معامله با رد موکل باطل است ولی اگر از مورد وکالت تجاوز نکرده باشد لکن بعداً معلوم شود که فروشنده در این معامله مغبون شده، شخص مغبون خیار غبن دارد و می‌تواند معامله را فسخ کند و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.

□ □ □ □

#### □ مواردی درستی گرفتن وکیل

س ۲۷۵۳ - آیا بچه‌ی ممیز می‌تواند وکیل بگیرد یا خیر؟

ج - در مواردی که تصرفات بچه نافذ است؛ مثل وصیت پسر ده‌ساله به امور خیریه، وکیل گرفتن او هم مانع ندارد.

□ □ □ □

س ۲۷۵۴ - در چه مواردی می‌توان وکیل گرفت؟

«گلپایگانی»: وکیل گرفتن در تمام عقود مانند بیع و صلح و اجاره و هبه و عاریه و ودیعه و مضاربه و مزارعه و مساقات و قرض و رهن و شرکت و ضمان و حواله و کفالت و نکاح؛ چه از طرف موجب و چه از طرف قابل، صحیح است و نیز وکیل گرفتن در وصیت و وقف و طلاق و گرفتن حق شفعه و اسقاط آن و فسخ عقد در موارد ثبوت خیار و نیز در اسقاط خیار صحیح است. بلی، وکیل گرفتن در قسم و نذر و عهد وظهار و شهادت و اقرار محل اشکال است ولی ممکن است در خصوص توکیل در اقرار و



شهادت گفته شود توکیل در اقرار، اقرار است و توکیل در شهادت، شهادت است و وکیل شهادت می‌دهد بر این اقرار و شهادت؛ نه این که وکیل از جانب موکل خود اقرار می‌کند یا شهادت می‌دهد.

\* \* \*

«نکونام»: وکیل گرفتن در کلیه‌ی عقود شرعی جایز است؛ بجز در اقرار و شهادت.

□ □ □ □

س ۲۷۵۵ - آیا وکیل گرفتن در عبادات مالی مانند خمس و زکات و کفارات صحیح است یا خیر؟

ج - بلی، صحیح است؛ چه در اخراج حقوق مذکوره از مال و چه در ایصال آن به مستحق.

□ □ □ □

س ۲۷۵۶ - آیا می‌توان در پرداخت خمس و زکات وکیل گرفت؟

«گلبایگانی»: با قصد قربت وکیل در موقع ادا، اشکالی ندارد و احتیاط آن است که هم وکیل و هم موکل قصد قربت نمایند.

\* \* \*

«نکونام»: رعایت احتیاط مذکور لازم نیست.

□ □ □ □

### □ وکیل گرفتن در مرافعات

س ۲۷۵۷ - آیا جایز است در خصومات و مرافعات، مدعی یا منکر یا هر دو وکیل بگیرند یا خیر؟

ج - بلی، صحیح است به شرط این که وکیل در خصومت به گمان خود ظالم نباشد؛ چه بداند موکل او محق است یا احتمال محق بودن بدهد.

□ □ □ □

س ۲۷۵۸ - کسی که در مرافعه از جانب مدعی و خواهان یا خوانده شده وکیل شده، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - وظیفه‌ی وکیل مدعی طرح دعوا بر مدعی علیه است نزد حاکم شرع و اقامه‌ی بینه و تعدیل بینه و قسم دادن منکر و طلب حکم بر خصم، و خلاصه، هرچه که وسیله‌ی اثبات مدعی باشد و وظیفه‌ی منکر، طعن بر شهود و اقامه‌ی بینه‌ی جرح و مطالبه نمودن از حاکم که اظهارات بینه‌ی جرح را بشنود و به آن حکم کند و خلاصه تا آنجا که ممکن است کوشش در دفاع نماید.



س ۲۷۵۹ - هرگاه دو نفر در اصل وکالت اختلاف کنند به این که یکی به دیگری بگوید تو مرا وکیل نمودی و دیگری منکر شود یا این که وکالت مسلم باشد اما در تلف مال یا کوتاهی نمودن وکیل اختلاف کنند یا در دفع مال به موکل اختلاف شود، گفته‌ی کدام یک مقدم است؟

در موردی که در اصل وکالت اختلاف کنند، قول منکر وکالت مقدم است و در مورد اختلاف در تلف مال یا تفریط وکیل، قول وکیل مقدم است و اگر اختلاف در دفع مال به موکل باشد، ظاهر آن است که قول موکل مقدم باشد.



س ۲۷۶۰ - عمرو دو سال پیش نخ پتوی یک شرکت را به عنوان کمیسیون به زید می‌فروشد، زید همه‌ی بهای نخ خریداری شده را به عمرو پرداخت کرده و نخ‌ها را تحویل می‌گیرد و بعد از چند ماه زید به عمرو مراجعه کرده و می‌گوید شش عدل از نخ‌ها را وزن کردم و هر عدل یک کیلو کسری دارد و عمرو بلافاصله به

زید می‌گوید عدل‌های ما کم نمی‌آید، دوباره عدل‌ها را وزن کن، اگر کسر آمد به من اطلاع بده، زید نخ‌ها را مصرف می‌کند و در عرض دو سال صحبتی از کم بودن نخ نمی‌کند و به معاملات خود با عمرو ادامه می‌دهد، اخیراً عمرو با زید معامله‌ی پتو می‌کند و علی الحساب بابت پتو به زید پول می‌دهد، پتو ترقی می‌کند و زید به عمرو پتو نمی‌دهد و پول را هم به وی پس نمی‌دهد و می‌گوید بابت کسر وزن نخ‌های دو سال پیش حساب کردم، آیا زید می‌تواند پول عمرو را که بابت بیعانه پتو گرفته است به عنوان کمبود نخ‌های دو سال پیش که مربوط به یک شرکت بوده و کم بودن آن هم ثابت نشده است نگه دارد یا خیر؟

ج - در صورت مفروضه که عمرو زید را وکیل کرده که مال را وزن کند و به او اطلاع دهد و زید مدعی کمبود است، قولش مسموع و قبول است و اگر عمرو یقین دارد که مال تمام بوده و زید دروغ می‌گوید، می‌تواند او را قسم بدهد.



س ۲۷۶۱ - شخصی این جانب را وکیل شرعی نموده بود که قطعه‌ای از زمین وی را بفروشم و من چنین کردم و به موکل ابلاغ کرد، بعد از مدتی موکل از فروش زمین نکول کرده، وکیل، او را نزد مشتری برده و به فروش راضی شده و جزئیات آن را نیز خود موکل با مشتری در میان گذاشته و مبلغ پنجاه هزار تومان که نزد وکیل بوده از بابت پول زمین تحویل گرفته و در محضر نیز برای انجام معامله حاضر شده و مقدمات آن را فراهم نموده که مدارک آن تمامی موجود است اما بعد از این کارها از طرف شهرداری به اشکال تفکیک برخورد و انجام معامله‌ی عرفی به تعویق افتاده و باعث ایجاد مشکلاتی برای فروشنده گردیده و از این جانب (وکیل) شکایت نموده که من به وی گفتم زمین مرا بفروش و بعد گفتم

نفروش، آیا این ادعا بعد از حضور نزد مشتری و تحویل گرفتن و رسید دادن و دادن برگ عمران صحیح است یا باطل؟

ج - در فرض سؤال، اگر قبلاً بیع به اذن موکل واقع شده باشد، بعداً حق به هم زدن ندارد؛ خصوصاً با آن که مراحل معامله را امضا کرده است و اگر موکل قبل از وقوع بیع، انصراف خود را از بیع اظهار داشته، می‌تواند از امضای معامله خودداری کند و به هم بزند و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



#### □ وکیل گرفتن در حیازت مباحات

س ۲۷۶۲ - آیا وکیل گرفتن در حیازت مباحات صحیح است یا خیر؟

ج - بلی، صحیح است و اگر وکیل از جانب موکل خود، شیء مباحی را حیازت نماید به منزله‌ی حیازت موکل است و ملک موکل می‌شود.



#### □ وکیل گرفتن پدر و جد طفل

س ۲۷۶۳ - آیا ولی طفل مانند پدر و جد می‌تواند در امور طفل وکیل بگیرد؟

ج - در اموری که پدر و جد در آن امور ولایت بر طفل دارند، وکیل گرفتن مانع ندارد.



#### □ وکالت سفیه و مفلس

س ۲۷۶۴ - آیا کسی که به جهت سفاهت یا افلاس محجور علیه شده است می‌تواند برای شخص غیر محجور وکیل شود یا خیر؟

ج - بلی، وکالت سفیه و مفلس در مورد سؤال صحیح است؛ چون ممنوعیت آن‌ها مخصوص به تصرف در اموال خودشان می‌باشد.



س ۲۷۶۵ - آیا سفیه می‌تواند وکیل در طلاق شود یا دیگری را در طلاق دادن همسر خود وکیل نماید یا خیر؟  
ج - بلی می‌تواند.



س ۲۷۶۶ - بنده پسری دارم که از دوران کودکی دچار عقب افتادگی عقلی و لکنت زبان شدید می‌باشد و معالجات بسیاری روی او شده ولی نتیجه‌ای گرفته نشده، حدود یک سال و نیم پیش بنا بر وظیفه‌ی پدری با معرفی دیگران دختری را که تقریباً یک سال و نیم از پسر بزرگ‌تر بود به همسری او در آوردم، شاید در اثر معاشرت با او در روحیه‌ی او اثری مثبت داشته باشد و هم آن زن بتواند با کمک بنده زندگی او را اداره نماید، متأسفانه بعد از دو ماه، سوء رفتار زن شروع شد و شدت یافت، فعلاً با توجه به ولایت قهری که نسبت به فرزند سفیهم دارم از نظر شرعی به خود اجازه نمی‌دهم که او را از خود دور نمایم و از طرفی ادامه‌ی زندگی فرزندم را با این زن شرور و خطرناک به هیچ وجه مصلحت نمی‌دانم، آیا بنده اجازه‌ی طلاق دارم یا خیر؛ چون امکان زندگی نیست و فرزندم همان‌طور که ذکر شد اراده‌ای از خود ندارد.

«گلیایگانی»: در فرض سؤال، اگر فرزند شما سفیه باشد و شما را در طلاق همسر خود وکیل کند یا دیگری را وکیل کند و وکیل طبق موازین شرعی طلاق دهد، طلاق صحیح است و اگر فرزند شما مجنون باشد، به نحوی که اوقات نماز را تشخیص ندهد و جنون او از قبل از بلوغ تا حال ادامه داشته، خود شما ولایت بر طلاق دارید و چنانچه از حاکم شرع نیز اجازه بگیرید، موافق احتیاط است.



«نکونام»: در صورتی که وی پیش از بلوغ، مجنون بوده است، پدر بر وی ولایت دارد و نیازی نیست از حاکم شرع اجازه گرفته شود.



### دیگر مسایل وکالت

س ۲۷۶۷ - شخصی به برادرش به این عبارت وکالت داده است: «وکالت و نمایندگی مطلقه در کلیه امور موکل اعم از منقول و غیر منقول و مطالبات و دیون و اجاره و استیجار، شرطی، رهن و ارتهان، خرید و فروش و تفویض و تبدیل و وصول و ایصال و فسخ و ابطال اسناد رسمی و غیر رسمی و تنفیذ و ابراء و قباله و تملیک و تملک و اخذ و دریافت وجوه معاملاتی و رسیدگی به کلیه امور موکل بدون احتیاج به موکل نافذ و معتبر است»، وکیل با اختیارات مذکوره سه دانگ خانه‌ی موکلش را به ثمن معینی به خودش انتقال داده، حال با توجه به این که وکیل اختیار تملیک و تملک و خرید و فروش اموال موکل را داشته، آیا ادعای موکل به این که چون وکیل خانه‌ی او را به خودش آن هم با قیمت کم‌تری انتقال داده و چنین اختیاری نداشته و بیع آن باطل است، مسموع می‌باشد یا خیر؟

ج - اگرچه لفظ وکالت مرقومه عموم دارد؛ لکن بعید نیست منصرف باشد از بیع سه دانگ خانه به خود وکیل، آن هم به کم‌تر از قیمت عادله؛ مگر قراین دیگری دلالت کند بر شمول وکالت بر معامله‌ی مزبوره.



س ۲۷۶۸ - کسی به دیگری وکالت می‌دهد که در کلیه امور وی همانند گذشته دخالت داشته باشد و همه‌ی امور مالی و حواله و اسنادی که از ناحیه‌ی وی مشاهده می‌کند را از اصل و فرع اموال وی بپردازد و از هر جهت وکالت شرعی

دارد و کسی حق منازعه با او را ندارد و در حاشیه‌ی همان وکالت‌نامه می‌نویسد: «من بعد وصیّه یوصی بها أو دین» منظور بدانید، در این صورت آیا این وکالت فقط در حال حیات وی نافذ است یا شامل بعد از مرگ وی نیز می‌شود؟

ج - ظاهر عبارت، وصیت به ادای دیون است بعد از موت و وصی باید بعد از موت دیون او را ادا نماید از اصل مال عینا یا منفعة و دین اعم است از قروض مردم و مهر عیال و خمس و زکات و مظالم عباد، بلکه بعید نیست در این مقام صوم و صلوات را هم شامل باشد.



س ۲۷۶۹ - اگر کسی به دیگری که در مکانی دیگر و عامل اوست نوشت که فلان کالا را خریداری نما و وی چنین کند، اما پس از دیدن کالا آن را معیوب بباید، آیا می‌تواند آن را به عامل پس بدهد یا نه و آیا تفاوتی میان عیب سابق و عیبی که در راه حادث شده می‌باشد یا خیر؟

ج - اگر عیب از سابق باشد و عامل جاهلا خریده باشد، می‌تواند فسخ نماید و اگر بعد از قبض عامل حادث شده باشد و عامل، وکیل در قبض هم باشد، نمی‌تواند فسخ کند و هم چنین، اگر عامل با علم به عیب خریده باشد و وکیل در خرید معیوب نیز باشد.



س ۲۷۷۰ - شخصی اجناسی را به صورت مدت‌دار خریداری نموده و پس از انقضای مدت، بستان‌کار طلب خود را مطالبه نموده و بده‌کار مدعی است به جای آن به دیگری فرش داده است تا آن را بفروشد و طلب شما را بدهد، و آن نیز می‌گوید فرش را به فردی دیگر داده‌ام تا او آن را بفروشد و پول شما را بدهد ولی طلب این جانب نرسیده و بده‌کار می‌گوید بنده طلب شما را حواله کرده‌ام و

به من ارتباطی ندارد، حال تکلیف چیست؟

ج - در فرض سؤال که ظاهر آن است مدیون فرش را داده و وکیل نموده که بفروشد، طلب شما را بدهد و نداده است، می تواند از شخص مدیون مطالبه ی دین خود را بنمایید و اگر نحوه ی دیگری بوده، سؤال نمایید حکم آن بیان شود.



س ۲۷۷۱ - کسی به فرزند خود وکالت می دهد که مجاز است همی اموال او را به هر کس که بخواهد بفروشد؛ اگرچه خریدار شخص وکیل باشد و از جمله اموال وی قطعه زمین معینی است که با داشتن سند مالکیت به قرار متر مربعی پنج ریال می فروشد با قید این که زمین به مساحت تقریبی ۵۴۰۰۰ متر مربع است و بعد از چندی کشف می شود که حدود سند مالکیت اشتباه است و زمین مورد معامله هشتاد هزار متر مربع بوده است و به همین ترتیب نیز سند مالکیت از طرف خریداران اصلاح می شود. موکل پس از چندی فوت می نماید، آیا مقدار ۲۶۰۰۰ متر مربع زمین اضافه که در موقع تنظیم وکالت نامه مورد نظر هیچ یک از دو طرف نبوده حق وارثان فروشنده است یا به خریدار زمین تعلق دارد؟

ج - اگر قطعه زمین به وصف و مساحت معینی؛ هرچند تقریبی، فروخته شده باشد و بعد از معامله معلوم شود که بیش تر بوده و فروشنده قبل از فوت ملتفت نشده باشد، ورثه ی فروشنده خیار تخلف وصف دارند و می توانند معامله را فسخ نمایند و اگر ۵۴۰۰۰ متر مربع زمین فروخته شده باشد، مازاد بر آن خود به خود ملک مالک آن است و پس از فوت مالک به ورثه اش منتقل می شود. والله العالم.





س ۲۷۷۲ - وکالت از عقود جایز است، اگر کسی در ضمن عقد خارج لازم کسی را برای فروش خانه یا به چیز دیگری وکالت بدون عزل بدهد، آیا این وکالت درست است یا نه و در صورت صحیح بودن، آیا موکل می‌تواند او را از وکالت عزل کند یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، اگر در ضمن عقد لازم شرط کرده باشد که وکیل را در مورد وکالت عزل نکند، شرعا واجب است طبق شرط عمل نماید؛ لکن اگر مخالفت کرده و عزل نمود، به نظر حقیر از وکالت عزل می‌شود.





## كفالت

س ۲۷۷۳ - كفالت چیست؟

ج - كفالت آن است كه انسان ضامن شود كه هر وقت طلب‌كار بده‌كار را خواست، به دست او بدهد و به كسی كه این طور ضامن می‌شود كفیل می‌گویند و به آن كه كفالت به نفع اوست، مكفول له و به كسی كه كفیل باید او را احضار نماید، مكفول گفته می‌شود.

□ □ □ □

□ شرایط درستی كفالت

س ۲۷۷۴ - آیا لازم است كسی كه برای او كفالت می‌شود بالغ و عاقل باشد یا خیر؟  
ج - شرط نیست، بنابراین، كفالت برای بچه و دیوانه صحیح است؛ در صورتی كه ولی آنها كفالت مذكوره را قبول كند.

□ □ □ □

س ۲۷۷۵ - آیا در كفالت علاوه بر اعتبار رضایت كفیل و كسی كه برای او كفالت می‌شود، رضایت كفیل شده نیز معتبر است یا خیر؟

«گلبایگانی»: محل اشكال است و احتیاط آن است كه در صورت عدم قبول و عدم رضایت مكفول، مكفول له كفیل را بر احضار مكفول الزام نکند و در همین مورد چنان چه مكفول له مطالبه‌ی احضار مكفول نماید، بنا بر احتیاط

کفیل باید او را احضار کند و نیز احتیاط آن است که مکفول با کفیل حاضر شود؛ هر چند مکفول، کفالت را قبول نکرده باشد.

\* \* \*

«نکونام»: رضایت وی شرط است.

□ □ □ □

س ۲۷۷۶ - آیا لازم است مکفول طرف عقد کفالت واقع شود یا خیر؟  
«گلیایگانی»: بنا بر احتیاط لازم است؛ یعنی باید عقد کفالت مرکب از یک ایجاب از طرف کفیل و دو قبول، یکی از طرف مکفول له و یکی از طرف مکفول باشد.

\* \* \*

«نکونام»: در کفالت، رضایت مکفول شرط است و نه آن که وی طرف قبول باشد.

□ □ □ □

#### □ کفالت؛ عقد لازم

س ۲۷۷۷ - آیا عقد کفالت مانند بیع و صلح لازم است یا خیر؟  
ج - بلی، لازم است و فسخ آن جایز نیست؛ مگر به اقاله و جایز است در آن برای هر یک از کفیل و مکفول له در مدت معینی حق خیار شرط شود.

□ □ □ □

س ۲۷۷۸ - هرگاه کسی که کفالت برای او شده، حقی را که بر ذمه‌ی مکفول دارد به سبب بیع یا صلح یا حواله به دیگری منتقل کند، آیا کفالت باقی است یا خیر؟  
ج - در فرض سؤال، کفالت باطل می‌شود.

□ □ □ □

### □ وظیفه‌ی کفیل در صورت غایب بودن مکفول

س ۲۷۷۹ - اگر مکفول در موقع لزوم احضار، غایب و مکان وی نامعلوم باشد، وظیفه‌ی کفیل چیست؟

ج - چنانچه خبری از وی نباشد؛ به طوری که امیدی به دسترسی بر او نیست، تکلیف احضار از ذمه‌ی کفیل ساقط می‌شود، لکن باید آن‌چه را که بر عهده‌ی کفیل بوده ادا نماید؛ خصوصاً اگر کفیل متمکن از احضار بوده و مکفول له هم مطالبه نموده و در اثر مسامحه، کفیل فرار کرده باشد. بلی، چنانچه در وقت واقع ساختن کفالت، مکفول غایب باشد و امیدی به حسب عادت به دسترسی بر وی نیست یا این که امید به دسترسی بود لکن کشف خلاف شد، صحت اصل کفالت مشکل است.

□ □ □ □

س ۲۷۸۰ - هرگاه کفیل، مکفول را احضار ننماید و بدهی مکفول را از کفیل بگیرند، آیا حق دارد به مکفول رجوع کند و آن‌چه را داده از وی بگیرد یا خیر؟

ج - چنانچه مکفول، نه اذن برای کفالت داده و نه برای ادای دین، کفیل حق رجوع به وی ندارد و اگر اذن برای ادای دین داده؛ هرچند برای کفیل شدن اذن نداده باشد، حق رجوع دارد ولی اگر اذن برای کفیل شدن داده؛ لکن برای ادای دین اذن نداده باشد، بعید نیست گفته شود در صورتی که کفیل می‌تواند مکفول را برای مکفول له احضار نماید، حق رجوع ندارد و اگر احضار غیر ممکن باشد، می‌تواند رجوع کند و آن‌چه را داده بگیرد.

□ □ □ □

### □ کفیل شدن برای کفیل

س ۲۷۸۱ - آیا جایز است کسی کفیل برای کفیل شود یا خیر و در صورت جواز، چنانچه کفیل اول مکفول را احضار کند، آیا تکلیف از ذمه‌ی کفیل کفیل ساقط می‌شود یا خیر؟

ج - بلی، جایز است کفیل شدن برای کفیل و کفیل برای کفیل کفیل و

همین طور و چنانچه صاحب حق کفیل اول را بری الذمه کند یا این که کفیل اول مکفول اول را احضار نماید یا کفیل اول بمیرد یا مکفول اول بمیرد، همه ی کفیل ها بری الذمه می شوند و در موردی که چند نفر به نحو مذکور کفیل شده اند، اگر صاحب حق کفیل دوم را ابراکند یا این که کفیل دوم بمیرد، تکلیف از ذمه ی کفیل دوم و کفیل های بعد ساقط می شود نه کفیل اول.

□ □ □ □

#### □ مرگ کفیل یا مکفول

س ۲۷۸۲ - هرگاه کفیل یا مکفول بمیرد، آیا کفالت از بین می رود یا خیر؟  
ج - کفالت باطل می شود ولی اگر مکفول له بمیرد، کفالت باقی است و حق مکفول له منتقل به ورثه می شود.

□ □ □ □

#### دیگر مسایل کفالت

س ۲۷۸۳ - هرگاه مکفول غایب باشد و احضار او هزینه داشته باشد، این هزینه به عهده ی کفیل است یا مکفول؟  
ج - مؤونه ی احضار بر ذمه ی خود مکفول است.

□ □ □ □

س ۲۷۸۴ - هرگاه مکفول خود را تحویل کسی دهد که خود را برای او کفیل نموده یا وی خود مکفول را دستگیر کند به طوری که بتواند حق خود را استیفا نماید، آیا ذمه ی کفیل بری می شود یا خیر؟

ج - بلی، در هر دو صورت بری الذمه می شود و همین طور اگر مکفول له بعد از دستگیر نمودن مکفول بتواند او را به مجلس حکم احضار نماید.

□ □ □ □

س ۲۷۸۵ - آیا کفیل شدن برای احضار کسی که حق مالی بر ذمه‌ی او نباشد صحیح است یا خیر؟

ج - صحیح نیست، بلکه باید حق مالی در ذمه‌ی مکفول ثابت باشد؛ به طوری که ضمان نسبت به آن صحیح باشد. پس اگر قبول کفالت کند برای احضار کسی که مالی بر ذمه‌اش ثابت نیست؛ اگرچه سبب ضمان موجود شده باشد؛ مثل این که به نحو جعاله‌ی مالی برای عامل قرار داده و هنوز عامل کار را انجام نداده، صحیح نیست.

□ □ □ □

س ۲۷۸۶ - کفیل شدن برای احضار کسی که محکوم به حد یا تعزیر شده، صحیح است یا خیر؟

ج - صحیح نیست.

□ □ □ □

س ۲۷۸۷ - آیا کسی که محکوم به قصاص شده است را می‌توان با کفالت آزاد کرد یا خیر؟

ج - بلی، کفیل شدن برای احضار محکوم به قصاص که از حقوق الناس است صحیح است.

□ □ □ □

س ۲۷۸۸ - آیا کفیل شدن برای احضار کسی که متهم است صحیح است؛ هرچند هنوز بر آن بینه اقامه نشده باشد؟

ج - صحیح است؛ هرچند هنوز اقامه‌ی بینه نشده باشد.

□ □ □ □

س ۲۷۸۹ - آیا کسی که بده کار را از دست طلب‌کار به قهر و اجبار رها سازد، ضامن حق طلب‌کار می‌شود یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، رهاکننده ضامن احضار مدیون یا پرداخت دین است.

□ □ □ □

س ۲۷۹۰ - شخصی به اتهام‌های مختلف که حقوق ناس نیز جزو آن بوده به دستور دادستانی انقلاب محبوس می‌شود و به همسر او گفته می‌شود که شوهر وی می‌تواند به کفالت شما و با وجه کفالت آزاد شود، زن نیز بدون این که از تفصیل و شرح و نوع کفالت‌نامه آگاه باشد و بدون این که صیغه‌ی ایجاب و قبول اجرا شود، ورقه‌ای را امضا می‌کند و شوهرش آزاد می‌شود و دادستانی پس از مدتی بدون ابلاغ قانونی و اطلاع رسمی به زن، شوهر را برای اجرای حکم غیابی محکمه، دستگیر و محبوس می‌نماید، حال، پرسش‌های زیر در این رابطه مطرح است:

- ۱) آیا چنین کفالتی در اصل صحیح بوده یا خیر؟
- ۲) بر فرض صحت، بدون اجرای صیغه بین کفیل و مکفول‌له در ضمن عقد کفالت، آیا ذمه‌ی کفیل به مبلغ مذکور برای مکفول‌له مشغول می‌شود یا نه؟
- ۳) مکفول‌له (دادستان انقلاب) که خود مکفول (زید) را بدون اطلاع رسمی و ابلاغ قانونی به کفیل (زوجه) و بدون اذن کفیل با قهر دستگیر و در حبس در اختیار خود قرار داده، آیا می‌تواند مبلغ مزبور را از کفیل مطالبه کند یا خیر؟
- ۴) اگر دادستان انقلاب (مکفول‌له) به جای اطلاع رسمی به کفیل به وسیله‌ی نامه و اخذ رسید، و به جای ابلاغ قانونی بگوید که من به جای ابلاغ رسمی و اخذ رسید و ابلاغ قانونی در روزنامه آگهی دادم و به منزل کفیل تلفن کردم و کفیل بگوید که تلفنی چیزی به من گفته نشده و روزنامه نیز نخوانده‌ام، آیا در این صورت دادستان حق دارد بدون طرح دعوا در نزد حاکم شرع و پیش از اثبات، مبلغ مورد بحث را از کفیل مطالبه کند یا نه؟

«گلبایگانی»: ۱) ایجاب و قبول در کفالت شرط است و بدون خواندن صیغه باطل است.

۲) با توجه به فرض مسأله، این سؤال مورد ندارد.

۳ و ۴) حق ندارد.



«نکونام»: کفالت به گونه‌ی معاطات و به صورت عملی و رفتاری مانند امضای اسناد نیز محقق می‌شود و عهده‌ی کسی که کفیل می‌شود مشغول می‌گردد اما در دو پرسش اخیر، دادستانی چنین حقی ندارد.



س ۲۷۹۱ - هرگاه کسی که برای او کفالت شده از کفیل بخواهد که مکفول را در غیر مکانی که در ابتدا کفیل تعیین نموده تسلیم نماید، آیا پذیرش آن بر کفیل واجب است یا خیر؟

ج - واجب نیست و اگر کفیل هم بخواهد مکفول را در غیر مکانی که ابتداءً تعیین شده تسلیم نماید، قبول آن بر مکفول له واجب نیست.



س ۲۷۹۲ - اگر کفیل مکان تسلیم را معین نکرده باشد، حکم آن چیست؟

ج - در مورد سؤال، هرگاه عقد کفالت را در بلد مکفول له یا بلد استقرار وی واقع ساخته باشند، کفیل باید در همان بلد مکفول را تسلیم کند و اگر در بلد غربت که مکفول له قصد استقرار در آن بلد را ندارد یا در بیابان مثلاً عقد کفالت واقع شده باشد و قرینه‌ای بر تعیین بلد نباشد، کفالت باطل است.





## حواله

### □ معنای حواله

س ۲۷۹۳ - معنای حواله چیست؟

- ج - حقیقت حواله این است که بده کار آن چه بر ذمه اش ثابت است انتقال دهد به ذمه‌ی غیر و قوام حواله به سه شخص است:
- ۱- بده کار که به او محیل می‌گویند.
  - ۲- آن که حواله به نفع اوست؛ یعنی طلب‌کار که به او محال گفته می‌شود.
  - ۳- کسی که حواله بر او شده و باید مورد حواله را بپردازد که به او محال علیه می‌گویند و بعد از تحقق حواله دین بر ذمه‌ی او ثابت می‌شود و دینی را که مورد حواله قرار گرفته «محال به» می‌گویند.



### □ شرایط درستی حواله

- س ۲۷۹۴ - آیا در حواله شرط است که ذمه‌ی کسی که به او حواله داده می‌شود به آن چه که به آن حواله داده می‌شود مشغول باشد، یا جایز است برای نمونه، چیزی را که می‌خواهد از کسی قرض کند ولی هنوز قرض نکرده است را حواله دهد؟
- ج - در حواله شرط است که ذمه‌ی محیل مشغول به محال به شده باشد.

بنابراین، حواله دادن چیزی که اشتغال ذمه به آن پیدا نشده؛ مانند مالی که هنوز قرض نکرده، صحیح نیست؛ بلکه اگر سبب اشتغال ذمه حاصل شده ولی هنوز مال ثابت در ذمه نشده؛ مانند مال الجعاله قبل از عمل آن هم صحیح نیست.



س ۲۷۹۵- آیا در حواله شرط است که موردی که حواله می شود معین باشد یا خیر؟  
ج- بلی، شرط است که محال به در واقع معین باشد و مبهم و مردد نباشد  
ولکن معلوم بودن محال به برای محیل (حواله دهنده) و محتال (آن که حواله را قبول کرده) شرط صحت حواله نیست.



س ۲۷۹۶- آیا در حواله شرط است که عهده و ذمه‌ی کسی که به او حواله می شود به حواله دهنده مشغول باشد یا خیر؟  
ج- شرط نیست؛ بنابراین حواله دادن به بری الذمه صحیح است.



س ۲۷۹۷- آیا رضایت کسی که به او حواله داده می شود در صحت حواله شرط است یا خیر؟

ج- بلی، شرط است؛ اگرچه محال علیه مدیون محیل باشد.



س ۲۷۹۸- آیا بعد از تحقق حواله و قبول محتال (طلب کار) و پذیرش کسی که به او حواله می شود، طلب کار می تواند جهت وصول طلب خود باز نیز به حواله دهنده و بده کار اصلی رجوع کند یا خیر؟

ج- بعد از تحقق حواله، اشتغال ذمه نسبت به دین، منتقل به محال علیه

می شود و ذمه‌ی محیل برائت پیدا می کند، بنابراین، طلب کار حق رجوع به بده کار اولی؛ یعنی محیل را ندارد، بلکه باید به محال علیه رجوع کند.



س ۲۷۹۹ - آیا لازم است آنچه مورد حواله قرار می گیرد خصوص مال ثابت در ذمه باشد یا موارد دیگری نیز دارد؟

ج - باید مورد حواله ثابت در ذمه باشد؛ خواه عین باشد یا منفعت یا عملی که در آن مباشرت شرط نشده، بنابراین، حواله دادن کسی که ذمه اش مشغول به دوختن لباسی یا زیارتی یا نمازی یا حجی یا قرائت قرآنی باشد، صحیح است و نیز حواله دادن اشیای مثلی مانند گندم و جو یا قیمی مانند پارچه و گوسفند در صورتی که اوصاف آنها کاملاً معلوم باشد، صحیح است.



س ۲۸۰۰ - هرگاه فروشنده به کسی بده کار باشد و به او بگوید طلب خود را از مشتری که به من بده کار است بگیر یا این که مشتری به فروشنده بگوید بهای آن را از دیگری که به من بده کار است دریافت دار و بعد از آن دانسته شود که بیع از جهتی باطل بوده، آیا حواله نیز باطل می شود یا خیر؟

ج - بلی، در هر دو مورد حواله باطل می شود؛ لکن اگر بیع به واسطه‌ی حق خیار یا اقاله فسخ شود، حواله به قوت خود باقی است و منفسخ نمی شود.



س ۲۸۰۱ - آیا در درستی حواله شرط است که حواله بر کسی داده شود که به حواله دهنده بده کار باشد یا خیر؟

ج - لازم نیست و اقوی صحت حواله دادن بر بری الذمه است.



س ۲۸۰۲ - در موردی که کسی که به او حواله می‌شود دارای توانایی مالی باشد و در زمینه‌ی امور مالی به نیکی از او یاد می‌شود، آیا لازم است حواله شده حواله را بپذیرد یا خیر؟

ج - واجب نیست.



### □ فسخ حواله

س ۲۸۰۳ - هرگاه کسی که به او حواله می‌شود فقیر باشد ولی حواله شده حواله را پذیرفته باشد، آیا حواله شده می‌تواند حواله را رد کند یا خیر؟

ج - در مورد سؤال که حواله را قبول کرده، دیگر حق به هم زدن آن را ندارد. بلی، اگر محتمل در وقت عقد حواله جاهل به حال محال علیه بوده و بعد معلوم شده که محال علیه در وقت حواله معسر بوده، می‌تواند آن را فسخ نماید و به محیل رجوع کند؛ هرچند محال علیه بعد از عقد حواله غنی شده باشد.



س ۲۸۰۴ - هرگاه کسی که به او حواله شده در حین عقد حواله قدرت بر پرداخت مورد حواله را داشته باشد؛ اما بعد از آن فقیر شود، آیا حواله شده می‌تواند حواله را فسخ کند یا خیر؟

ج - در مورد سؤال که بعد از وقوع عقد حواله، محال علیه فقیر شده، محتمل حق فسخ ندارد.



### معنای اعسار

س ۲۸۰۵ - مراد از «معسر» چه کسی است؟

ج - مراد از معسر کسی است که اضافه بر مستثنیات دین مقداری که بتواند دین خود را ادا نماید نداشته باشد.

□ □ □ □

### شرط خیار فسخ در حواله

س ۲۸۰۶ - آیا در حواله شرط خیار فسخ برای هر یک از سه رکن آن (محیل، محتال و محال علیه) جایز است؟

ج - بلی، شرط خیار برای هر سه صحیح است.

□ □ □ □

### دیگر مسایل حواله

س ۲۸۰۷ - آیا جایز است کسی که بر او حواله می شود متعدد و کسی که مورد حواله را تحویل می گیرد یک نفر باشد؟

ج - بلی، جایز است. پس اگر مدیون، زید طلب کار را بر عمرو حواله دهد و عمرو زید را بر بکر حواله دهد و بکر زید را بر خالد حواله دهد، صحیح است.

□ □ □ □

س ۲۸۰۸ - آیا در موردی که بده کار، طلب کار را به عمرو حواله دهد جایز است طلب کار سراغ عمرو نرود و چون خود به زید بده کار است او را بر عمرو حواله دهد و زید نیز پیش عمرو نرود و چون خود به خالد بده کار است، او را حواله بر

عمر و دهد؟

ج - بلی، صحیح است.



س ۲۸۰۹ - پرسش این است که برای نمونه زید از عمر و یکصد تومان به موعده سی روز طلب دارد و همین مبلغ را به همین مدت به بکر بدهی دارد، آیا وی می‌تواند بکر را به عمر و حواله دهد، آیا رضایت عمر و مدیون شرط صحت این عمل زید می‌باشد یا نه و آیا می‌توان آن را بدون اطلاع عمر و انجام داد یا نه؟ اگر طلب در مدت و مقدار با بدهی تفاوت داشته باشد، حکم آن چیست؟ برای نمونه، شخصی به زید مبلغ سیصد تومان به موعده یک ماه بدهی دارد و از دیگری صد تومان به موعده بیست و پنج روز و از دیگری دویست تومان به موعده سی روز طلب دارد، آیا جایز است در برابر طلب زید، مدرک ۲۰۰ تومان و ۱۰۰ تومان را به وی بدهد یا نه، توضیح این که این اختلاف مدت و مبلغ را از قرار تنزیل هر تومانی در یک ماه یک قران حساب می‌کنند و مدت و مبلغ را با آن می‌سنجند؟

«گلبایگانی»: در فرض مسأله، زید نمی‌تواند طلب خود را که از عمر و دارد بفروشد به بکر در عوض طلب بکر از او؛ چون بیع دین به دین و باطل است. بلی، طلب بکر را می‌تواند حواله کند که عمر و بدهد و قبول عمر و هم شرط است و فرق نیست که مدت در هر دو دین یک وقت باشد یا مختلف، و بکر در هر دو صورت نمی‌تواند قبل از تمام شدن اجل از عمر و مطالبه نماید، و کسر کردن دین برای تعجیل وصول اشکال ندارد و زیادتر گرفتن که در حواله شرط شود، اگر برای قبول حواله باشد، اقوی



جواز آن و احوط ترک است.

\* \* \*

«نکونام»: شرط گرفتن زیاده در حواله، چنانچه برای پذیرش آن باشد، اشکال ندارد.

□ □ □ □



## قرض و دین

### □ شرایط قرض

س ۲۸۱۰ - آیا قرض نمودن در مواقع احتیاج واجب است یا خیر؟

ج - قرض نمودن در صورت عدم احتیاج مکروه و در صورت احتیاج، کراهت کم تر است و هرچه حاجت خفیف تر باشد، کراهت قرض شدیدتر است و هرچه حاجت شدیدتر باشد، کراهت قرض خفیف تر می شود تا به مرحله ای می رسد که کراهت قرض به کلی از بین می رود، بلکه گاهی قرض نمودن واجب می شود و آن در وقتی است که حفظ جان یا آبروی انسان متوقف بر قرض نمودن باشد و احتیاط برای کسی که چیزی ندارد که دین خود را بدهد و انتظار به دست آمدن چیزی که با آن دین خود را ادا کند هم ندارد، قرض ننمودن است؛ مگر در موقع ضرورت، و اگر با این حال بخواهد قرض کند، احوط این است که حال خود را به کسی که می خواهد از او قرض کند، اعلام نماید.

□ □ □ □

س ۲۸۱۱ - آیا قرض عقد لازم است که اگر عین قرض شده موجود باشد، قرض دهنده حق فسخ ندارد یا خیر؟

«گلپایگانی»: اقوی به نظر حقیر این است که قرض، عقد لازم است و پس از

وقوع آن، قرض دهنده و قرض گیرنده هیچ یک حق فسخ آن را ندارند؛ هرچند عین مورد قرض موجود باشد. بلی، قرض دهنده می تواند مهلت ندهد و از قرض گیرنده به مقدار طلب خود مطالبه کند و قرض گیرنده هم می تواند بپردازد و قرض دهنده حق امتناع ندارد و تفاوت این دو مسأله این است که در صورت فسخ، قرض دهنده همان عین موجود قرض شده را پس می گیرد و قرض گیرنده هم همان را پس می دهد، ولی در صورت عدم فسخ که قرض دهنده حق مطالبه دارد نمی تواند همان عین قرض شده را مطالبه کند، بلکه حق مطالبه مثل یا قیمت آن را دارد و قرض گیرنده هم می تواند غیر آن عین را بدهد و قرض دهنده باید قبول کند.

\* \* \*

«نکونام»: قرض عقد لازم است.

□ □ □ □

#### □ ملاک قیمت زمان پرداخت بدهی در ادای دین

س ۲۸۱۲ - در موردی که مال قرض شده قیمی باشد؛ مانند گوسفند و نحو آن که قیمت بر ذمه ی قرض گیرنده ثابت می شود نه مثل، آیا باید قیمت وقت گرفتن قرض را بدهد یا قیمت وقت پرداخت بدهی را؟

«گلپایگانی»: به نظر حقیر، اقوی قیمت وقت قرض نمودن است.

\* \* \*

«نکونام»: در همه ی بده کاری های قیمی و مثلی و غیر آن، ملاک در پرداخت، ادای دین می باشد که در آن، ردّ دین فعلیت می یابد.

□ □ □ □

#### س ۲۸۱۳ - آیا قبض و اقباض در قرض شرط است یا خیر؟

ج - بلی، شرط است بنابراین، مالی را که قرض گیرنده قرض نموده تا قبض نکند، مالک آن نمی شود.

□ □ □ □

س ۲۸۱۴ - هرگاه مدیون چیزی را به عنوان دینی که دارد تعیین نمود، آیا در دین تعیین پیدا می‌کند و ملک طلب‌کار می‌شود یا خیر؟

ج - تا موقعی که طلب‌کار قبض ننموده، تعیین پیدا نمی‌کند؛ مگر در بعض مواردی که طلب‌کار امتناع از قبول طلب خود کند که اعتبار قبض ساقط شود. پس اگر شخصی که مثلاً ده تومان بده کار است، ده تومان از جیب خود بیرون آورد که به طلب‌کار بدهد و پیش از این که به دست طلب‌کار برسد، از دستش بیفتد و تلف شود، از مال مدیون تلف شده نه از مال طلب‌کار و دین بر ذمه‌ی او هنوز باقی است.

□ □ □ □

#### □ معنای دین و سبب آن

س ۲۸۱۵ - معنای دین و سبب آن چیست؟

ج - دین عبارت است از مال کلی ثابت در ذمه‌ی شخصی برای دیگری و سبب آن یا قرض گرفتن است یا امور اختیاریه‌ی دیگر مانند مبیع قرار دادن دین در معامله‌ی سلم یا ثمن قرار دادن آن در معامله‌ی نسبه یا اجرت در اجاره یا صداق در نکاح یا عوض در طلاق خلع و غیر این‌ها و یا امور قهریه مانند موارد ضمانت‌ها و نفقه‌ی زوجه دایمه و نظیر این‌ها.

□ □ □ □

#### □ پرداخت بدهی و دین

س ۲۸۱۶ - هرگاه هنگام پرداخت بدهی رسیده و طلب‌کار آن را می‌خواهد و بده کار کالایی دارد که از مستثنیات آن نیست اما به فروش نمی‌رود مگر به کم‌تر از قیمت آن، آیا واجب است آن را به قیمت کم‌تر به فروش برساند یا خیر؟

ج - بلی، واجب است و تأخیر آن به جهت انتظار مشتری دیگری که به قیمت عادلانه بخرد جایز نیست. بلی، اگر به قدری کم می‌خرند که اگر

بفروشد صدق بیع ضرری می‌کند یا این که فروش به قیمتی که می‌خواهند بر او حرجی باشد، بعید نیست بیع واجب نباشد.



س ۲۸۱۷ - آیا طلب‌کار می‌تواند بده‌کاری را که نمی‌تواند بدهی خود را بپردازد تحت فشار قرار دهد و قرض خود را مطالبه کند یا خیر؟ آیا وی در این صورت گناهی مرتکب می‌شود؟

ج - در فرض سؤال، مطالبه‌ی دین بر طلب‌کار حرام است و باید مدیون را مهلت دهد تا وقتی که متمکن از پرداخت شود و در صورتی که مدیون قدرت بر ادای دین داشته باشد، مسامحه و تأخیر در ادای آن معصیت کبیره است، بلکه لازم است مدیون در موقعی که قدرت بر ادا ندارد، نیت ادای دین عند التمكن را داشته باشد.



#### □ بدهی مدت‌دار (مؤجل)

س ۲۸۱۸ - آیا در دینی که مدت دارد، پیش از رسیدن مدت تعیین شده طلب‌کار حق مطالبه دارد یا خیر و نیز هرگاه مدیون بخواهد بدهی خود را پیش از رسیدن هنگام آن بپردازد، واجب است طلب‌کار آن را بپذیرد یا خیر؟

ج - هرگاه دین، مئمن در سلم و یا ثمن در نسیه و یا اجرت در اجاره باشد، طلب‌کار حق ندارد قبل از رسیدن موعد مطالبه کند، ولی اگر دین، از باب قرض مدت‌دار باشد، طلب‌کار پیش از رسیدن موعد حق مطالبه دارد. بلی، هرگاه طلب‌کار در ضمن عقد خارج لازم شرط کرده باشد که تا وقت معینی مطالبه نکند، لازم است بر طبق شرط عمل کند؛ لکن اگر تخلف نمود و مطالبه کرد، بر مدیون لازم است دین را ادا نماید و راجع به سؤال دوم، در مواردی که طلب‌کار قبل از موعد نمی‌تواند مطالبه کند که در جواب سؤال اول ذکر شد، هرگاه مدیون بخواهد دین خود را بدهد، بر

طلب‌کار واجب نیست قبول کند و اما در مورد دین حاصل از قرض که گفتیم طلب‌کار قبل از رسیدن موعد هم می‌تواند مطالبه کند، اگر مدیون دین را بدهد، واجب است طلب‌کار قبول کند.



س ۲۸۱۹- هرگاه بده‌کار پیش از این که وقت پرداختن بدهی برسد از دنیا برود، آیا لازم است همان وقت وارثان بدهی را پرداخت کنند یا می‌توانند تا زمانی که برای پرداخت بدهی تعیین شده صبر کنند و نیز حکم موردی را که طلب‌کار پیش از رسیدن زمان بدهی برسد بپذیرد چیست؟

ج - هرگاه مدیون قبل از موعد دین بپذیرد، واجب است ورثه بلافاصله بدهی او را بپردازند؛ ولی اگر طلب‌کار بپذیرد، ورثه می‌توانند تا مواعدی که برای پرداخت دین تعیین شده صبر کنند. پس اگر زن برای وصول مهریه‌ی خود وقتی را تعیین نموده باشد و قبل از رسیدن آن وقت، شوهر از دنیا برود، زن می‌تواند به محض موت شوهر، مهریه را مطالبه کند؛ ولی اگر زن پیش از رسیدن آن وقت بپذیرد، ورثه‌ی او نمی‌توانند قبل از رسیدن وقت تعیین شده برای پرداخت مهریه، آن را مطالبه نمایند.



س ۲۸۲۰- هرگاه کسی همسر خود را طلاق گوید، چنانچه برای پرداختن مهریه از ابتدای وقت معینی قرار داده شده باشد و طلاق وی پیش از رسیدن آن وقت باشد، آیا زن به محض وقوع طلاق می‌تواند مهریه را مطالبه کند، همان‌طور که اگر شوهر از دنیا می‌رفت، حق مطالبه‌ی آن را داشت یا خیر؟

ج - طلاق، حکم موت را ندارد و در فرض سؤال، زن باید صبر کند تا موعد تعیین شده برای پرداخت مهریه برسد.



س ۲۸۲۱- اگر بده کار، خانه‌ای دارد که از مقدار نیاز وی بیش تر است، وظیفه‌ی او چیست؟

ج- لازم است مازاد بر مقدار احتیاج برای سکونت خود را بفروشد یا این که تمام آن خانه را بفروشد و خانه‌ی کم ارزش تر که مناسب حال و به مقدار حاجت او باشد، تهیه کند.

□ □ □ □

س ۲۸۲۲- هرگاه بده کار با رضایت خود خانه‌ی محل سکونت خود را بفروشد و بخواهد بدهی خود را با آن ادا کند، آیا طلبکار می‌تواند آن را بگیرد یا خیر؟

ج- بلی می‌تواند و معنا این که خانه و امثال آن از مستثنیات است این است که جایز نیست مدیون را به فروش آن‌ها مجبور کنند تا دین خود را ادا نماید، ولی اگر خودش راضی باشد، مانع ندارد. بلی، سزاوار است که طلبکار راضی نشود که مدیون به جهت پرداخت بدهی، مسکن خود را بفروشد؛ اگرچه با رضایت خودش باشد و در روایت وارد شده که شخصی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: من مقداری از مردی طلبکارم و او می‌خواهد خانه‌اش را بفروشد و طلب مرا بدهد، حضرت صادق علیه السلام سه مرتبه فرمود: «أعیدك بالله أن تخرجه من ظل رأسه».

□ □ □ □

□ بدهی که شامل همه‌ی ترکه می‌شود

س ۲۸۲۳- اگر بدهی همه‌ی مال ارث را در بر بگیرد، آیا برای وارثان صغیر و یا کبیر چیزی منظور می‌گردد یا خیر؟

ج- برای ورثه در فرض مسأله لازم نیست چیزی از ترکه منظور شود.

□ □ □ □

س ۲۸۲۴- اگر کسی از سیدی طلب داشته باشد و سید بده کار بمیرد و بدهی وی همه‌ی اموال او را شامل شود، آیا می‌توان طلب را بابت خمس با بچه‌های وی



### حساب کرد یا خیر؟

ج - داین از ترکه حق دارد دین خود را استیفا نماید و اگر وراثت سید و فقیر هستند، به آن‌ها بابت خمس رد کند.

□ □ □ □

### دیگر مسایل دین

س ۲۸۲۵ - کسی از دیگری طلبی دارد و مدرکی هم از او دارد و برای نمونه، سی تومان به موعده یک ماه می‌خواهد، آیا می‌تواند این مدرک را به مبلغ ۲۹ تومان و به صورت نقد بفروشد؟ و بر فرض عدم جواز، آیا می‌شود این مبلغ را حواله داد تا وی آن را از دیگری در همان هنگام بگیرد و اندکی از آن را برای حق جعاله‌ی مشتری کم نماید؟

ج - فروش ما فی الذمه‌ی مدیون به نقد کم‌تر اشکال ندارد؛ مگر آن که ما فی الذمه مکیل یا موزون باشد و به مثل خودش بفروشند به کم‌تر که ربا و حرام است؛ مثل نقره به نقره یا گندم به گندم مثلا و نحوه‌ی ثانی که زیادی را به عنوان جعاله بردارند، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۲۸۲۶ - شخصی فوت نموده و مدرکی از او و چند شاهد بر بده‌کار بودن وی در گذشته موجود است، ولی نزدیک فوت وی اقرار جدیدی به بدهی او نکرده، آیا باید قرض او از مال وی ادا شود یا نه و نیازی به قسم هست یا خیر؟

ج - اگر ورثه احتمال می‌دهند که قبل از فوت دینش را ادا کرده باشد، این ادعا دعوی بر میت است و باید مرافعه‌ی شرعیه نمایند.

□ □ □ □

س ۲۸۲۷ - شخصی مجبور به گرفتن وام با بهره شده و اموال قدیمی او به حرام مخلوط شده و هنوز نیز وام مزبور را نتوانسته برگرداند، در این صورت نسبت

به فرزندان و میهمانان او که خواه و ناخواه از اموال او استفاده می‌نمایند چه تکلیفی دارد؟ آیا باید از شخص مزبور جدا شود یا نه؟

ج - اگر عین آن مال فعلا در اموال او نیست و معاملاتی که با آن واقع شده کلی بوده؛ چنانچه غالب معاملات به این نحو است، تصرف خودش و کسانش در آن اموال بی‌اشکال است و بلکه اگر این معنا محتمل هم باشد، برای میهمانان و کسانش اشکالی ندارد.



س ۲۸۲۸ - بده کاری پیش از این به کسی نزول می‌داده، آیا وی می‌تواند بدهی خود را به جای آن نزول تقاص نماید و آن را نپردازد یا باید مبلغی را که بده کار است پرداخت کند؟

ج - آنچه را به عنوان ربا گرفته ضامن است و در صورت امکان، با اذن حاکم شرع، تقاص آن جایز است.



س ۲۸۲۹ - کسی بده کار است و می‌خواهد طلب خود را ادا نماید، به طلبکار نمی‌گوید که این وجه را از بابت بده کاری دادم ولی در دفتر خود یادداشت می‌کند که قرض او را دادم، آیا بدون تذکر به آن شخص بری الذمه می‌شود یا خیر؟

ج - در صورتی که گیرنده متوجه باشد که در ازای طلب اوست و اخذ نماید، کافی است. والله العالم.



س ۲۸۳۰ - شخصی مبلغ ششصد تومان از یک نفر طلبکار بوده و در مقابل، بده کار دو سفته‌ی بدون تاریخ به طلبکار داده و او نیز آن دو سفته را به شخص سومی داده که برای او وصول نماید، شخص سومی سفته‌ها را به بانک گذارده و مبلغ دویست و پنجاه تومان را وصول نموده، آیا شخص سوم مبلغ سیصد و پنجاه

تومان مانده را به شخص اول بده کار است یا مبلغ مذکور باز نیز بر عهده‌ی مدیون است؟

ج - دین مذکور به ذمه‌ی مدیون ثابت است و شخص ثالث، اگر تقصیر کرد، در باطل کردن مدرک معصیت کرده، لکن ضامن نیست.



س ۲۸۳۱ - کسی به دیگری پنج هزار تومان طلب دارد و می‌گوید اگر هزار تومان برای من تهیه کنی، بقیه را به تو می‌بخشم و هنگامی که هزار تومان را گرفت، بقیه‌ی پول را مطالبه می‌کند و می‌گوید این کار حيله‌ای برای وصول پول بود. آیا ذمه‌ی بده کار از چهار هزار تومان مانده با توجه به این که نظر وی در واقع بخشش نبوده، بری می‌شود یا نه؟

ج - ظاهر سؤال این است که طلب کار وعده به بده کار داده و مجرد وعده موجب براءة ذمه‌ی مدیون نمی‌شود.



س ۲۸۳۲ - اگر طلب کاری برای وصول طلب خود از بده کار هزینه‌هایی متحمل شده و مانند مخارج اجرایی و تمبر و مانند آن و اجرت وکیل و هزینه‌هایی که تعلق می‌گیرد تا چک و یا وجه وصول شود، در این صورت، طلب کار می‌تواند بعد از وصول اصل طلب مخارج اضافه‌ای که بابت وصول صرف شده است از بده کار مطالبه کند یا نه و در صورت گرفتن این مخارج، ذمه‌ی طلب کار مشغول است یا نه؟

ج - در فرض سؤال، این گونه مخارج را که بابت وصول طلب خود کرده است نمی‌تواند مطالبه نماید و اگر از بده کار گرفته، مدیون است و باید رد نماید.



س ۲۸۳۳ - آیا گرفتن اعتبارهایی که بانک‌های دولتی و ملی به مردم می‌دهند جایز است یا نه؟

ج - گرفتن اعتبار مانعی ندارد، لکن وام به شرط سود ربا و حرام است.

□ □ □ □

س ۲۸۳۴ - شخصی طلبی از کسی دارد و طلب‌کار می‌میرد و شخص بده‌کار می‌داند که طلب‌کار خمس نمی‌داده و ورثه‌ی او هم خمس نمی‌دهند، آیا می‌تواند آن طلب را انکار کند و آن را از طرف میت بابت خمس به مستحقان رد نماید یا خیر؟

ج - با علم به اشتغال ذمه‌ی میت و امتناع ورثه از ادای دین او، واجب است با استیذان از حاکم شرعی آن را به مستحقین برساند.

□ □ □ □

س ۲۸۳۵ - از شخصی مبلغی طلب دارم که خود به آن اعتراف دارد و می‌خواهد آن را پرداخت نماید ولی ادای آن را به عنوان‌های مختلف به عقب می‌اندازد؛ چنانچه به اندازه‌ی طلب خود از شخص بده‌کار از اموال او تصرف غیر مستقیم نمایم، جایز است یا نه؟

ج - در صورتی که مطالبه‌ی دین خود نمایید و با داشتن قدرت بر پرداخت امتناع نمایید، به حاکم شرع مراجعه کنید تا او را الزام به ادای دین نماید و اگر تمرد کرد، می‌توانید با اجازه‌ی حاکم شرع، دین خود را از مال او بردارید.

□ □ □ □

س ۲۸۳۶ - آیا لال می‌تواند دیگری را به اشاره ابراکند یا نه؟  
«گلبایگانی»: بلی، از لال به اشاره ابراک حاصل می‌شود و در غیر لال احوط عدم اکتفا به اشاره است.

\* \* \*

«نکونام»: ابرا به اشاره نیز حاصل می‌شود؛ خواه وی لال باشد یا گویا.

□ □ □ □

س ۲۸۳۷ - این جانب مبلغ چهل و شش تومان به زنی بده کار می‌باشم و آن زن فوت نموده و وارثی نیز ندارد و برای پرداخت بدهی خود سرگردانم، حال وظیفه‌ی بنده چیست؟

ج - لازم است تفحص کنید تا مأیوس شوید، پس از یاس وجه مزبور را به فقیه جامع شرایط برسانید تا به تکلیف خود عمل کند.

□ □ □ □



## قرض ربای

### □ اخذ کارمزد از وام‌گیرنده

س ۲۸۳۸ - کسی که از طرف وام‌دهنده وکیل است پول او را به شخصی دیگری که وام‌گیرنده است بدهد و سپس اقساط را از وام‌گیرنده و بده‌کار جمع‌آوری نموده و به طلب‌کار برگرداند و در این کار خود از بده‌کار اجرت بگیرد، بدون این که میان طلب‌کار و بده‌کار هیچ‌گونه شرطی باشد، آیا این کار جایز است یا خیر؟

«گلبایگانی»: اگر قرض مبنی بر این باشد که وام‌گیرنده حق الزحمه‌ی عمل وکیل وام‌دهنده را بدهد یا مبنی بر این باشد که در موقع ادا به وسیله‌ی وکیل او ادا کند و حق الزحمه‌ی ایصال آن را به وام‌دهنده بدهد، در هر صورت ربا و حرام است، ولی اگر وام‌گیرنده به اختیار خود دیگری را واسطه‌ی رساندن بدهی به وام‌دهنده قرار دهد و حق الزحمه‌ی ایصال آن را به او بدهد، اشکال ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: اگر فرد با تشکیلاتی - چون بانک یا مؤسسه - برای تحقق قرض و اداره‌ی تشکیلات آن در جهت گرفتن و دادن وام به دو طرف و دیگر عوارض آن، حقی را منظور دارد و هر دو طرف نیز در واگذاری آن رضایت داشته باشند و این کار اجباری نباشد، هیچ‌گونه اشکال شرعی

ندارد و به ربا نیز ارتباط ندارد؛ همان‌طور که این امر - کارمزد - را می‌توان به صورت جعاله یا هر عنوان مستقل دیگری قرار داد؛ اگرچه صاحبان چنین مجموعه‌ای خود نیز مقداری سهام - از مقدار منظور - داشته باشند؛ چرا که تحقق سهام به عنوان ثانوی - عوارض تشکیلات واگذاری وام - اشکال ندارد و غیر از سهام به عنوان اولی - که رباست - می‌باشد.



### □ تقاص ملک رهنی در صورت عدم پرداخت وجه رهن

س ۲۸۳۹ - ملکی را مالک در اثر پیریشانی و ضرورت نزد شخصی به رهن ربوی گذاشته و قیمت ملک چندین برابر وجه رهن است و راهن برای حفظ آبروی خود آن‌چه مرتهن بابت گذشتگی به عنوان ربا از او مطالبه کرده لاعلاج پرداخته و چندین برابر عایدات ملک بوده و عین مرهون نیز مطلقاً به تصرف مرتهن در نیامده و سرانجام چون راهن قدرت پرداخت وجه رهن را پیدا نکرده، مرتهن بدون اجازه‌ی راهن و بدون پرداخت قیمت واقعی ملک را مطابق مقررات اداری به همان مبلغ وجه الرهانه که در حدود عشر قیمت واقعی ملک بوده تملک نموده، آیا چنان‌چه دیگران بخواهند این ملک را از مرتهن خریداری نمایند، شرعاً بدون رضایت راهن حلال و جایز است یا نه؟

«گلپایگانی»: از موضوع شخصی اطلاع ندارم. به‌طور کلی قرض ربوی خواه رهن داشته باشد یا بدون رهن، باطل و حرام است، ولی به نظر حقیر قرض دهنده می‌تواند به مقداری که واقعا طلب‌کار است و بده‌کار از ادای آن امتناع دارد به قیمت عادله از عین مذکوره تقاص نماید و احتیاط لازم آن است که از حاکم شرع هم اجازه بگیرد. پس اگر بیش از مقداری که به قیمت عادله مساوی با طلب اوست تقاص نمود، مالک نمی‌شود و اگر معامله به‌نحو دیگر مثل بیع شرط بوده، حکم دیگر دارد و در فرض مذکور در سؤال، آن‌چه را که مرتهن از راهن علاوه بر قرض گرفته، چون



ربا و حرام است، مقابل دین محسوب می‌شود و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، مرافعه‌ی شرعیه لازم دارد.

\* \* \*

«نکونام»: کم یا زیادی قیمت در عقود - مثل قیمت ملک رهنی در این مسأله - تفاوتی در صحت و تحقق عنوان آن ندارد و اگر معامله در این مسأله، به صورت بیع شرط باشد، در صورت عدم پرداخت به موقع وجه رهن - به هر دلیلی که باشد - به مقدار حق قرارداد، مالک ملک رهنی می‌شود و در تقاص نیز نیازی به اذن حاکم شرع نیست؛ اگرچه قرض ربوی در هر صورت، حرام و گناه است و الزامی ندارد و هر گونه قراردادی در این زمینه بی‌اساس است.

□ □ □ □

س ۲۸۴۰ - اگر شخصی از روی اضطرار به منظور حفظ نفس خود یا همسر و فرزندان وی قرض ربایی بگیرد؛ به طوری که قرض الحسنه به او ندهند و این عمل از روی ناچاری باشد، آیا قرض گرفتن وی مشروع است و مالک می‌شود یا نه؟ چه بسا قرض گیرنده به قرض دهنده پیشنهاد می‌کند که به طریق مشروع به نحوی که ربا نشود به من قرض بده، ولی قرض دهنده قبول نمی‌کند و راهی نیز برای شخص نیازمند نیست، وی در این رابطه چه تکلیفی دارد؟

ج - اضطرار عرفی به حفظ نفس موجب تغییر حکم ربانیست؛ بالخصوص که برحسب عادت عرفی نیز طریق حفظ نفس منحصر به آن نیست.

□ □ □ □

س ۲۸۴۱ - اگر کسی برای نمونه، یکصد تومان پول به شخصی بدهد و شرط کند که دو ماه دیگر گندم یا مانند آن را ده تومان کم‌تر از قیمت روز حساب نماید، آیا این معامله صحیح است یا نه؟

ج - این گونه قرض، قرض ربوی و حرام است.

□ □ □ □

س ۲۸۴۲ - اگر در ضمن قرض شرط کنند که قرض گیرنده جنس را از قیمت اصلی خود گران تر از قرض دهنده خریداری نماید، چه حکمی دارد؟  
ج - این قرض، ربوی و حرام است و قرض گیرنده مالک پول نمی شود.

□ □ □ □

س ۲۸۴۳ - تبانی قرض بر شرط جایز است یا نه؟  
ج - جایز نیست.

□ □ □ □

### □ اجازه‌ی استفاده‌ی بدون عوض از رهن در مقابل قرض و ربا

س ۲۸۴۴ - شخصی پولی قرض کرده و منزل خود را به قرض دهنده به مدت یک سال بلا عوض رهن داده تا از منزل استفاده کند، آیا این تصرف جایز است و با شخص مرتهن می تواند با اذن مالک تصرف کند و نماز بخواند یا نه و چنانچه در خارج از عقد رهن شرط تصرف شود، چه حکمی دارد و هرگاه در خلال مدت سال، دو طرف به شبهه‌ی شرعی آن آگاه شوند، تکلیف آن نسبت به گذشته چیست و بقیه‌ی مدت را چه کند، صورت‌های مختلف جواز و عدم جواز رهن گیرنده را بیان فرمایید؟

«گلبایگانی»: اگر در قرض، شرط انتفاع مرتهن نشود و بعد رهن به او اجازه بدهد، اشکال ندارد و چنانچه در قرض شرط شود، ربا و حرام است و انتفاع مرتهن از آن جایز نیست و ضامن اجرت المثل می شود؛ مگر این که بعد راضی شود و با جهل به حکم نمازهایی که در آن جا خوانده، محکوم به صحت است.

\* \* \*

«نکونام»: اگر کسی به طور مستقل، پولی را قرض بگیرد و منزل خود را در رهن قرض دهنده گذارد و به طور مستقل و بدون رابطه با قرض، اذن استفاده از منزل را نیز به او بدهد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۲۸۴۵ - پول‌هایی که به عنوان قرض و شرط ربح گرفته می‌شود، برای قرض گیرنده قابل تصرف هست یا نه؟  
ج - تصرف در آن حرام است.

□ □ □ □

س ۲۸۴۶ - شخصی مبلغی به عنوان قرض الحسنه به کسی می‌دهد و در ضمن قرار می‌گذارد اگر عهده‌ی بده کار به خمس یا زکات یا مظالم اشتغال دارد یا در آینده آن را بر عهده داشته باشد، آن را به قرض دهنده بدهد تا به مصرف شرعی آن به نیابت یا وکالت از وی برساند، آیا چنین شرطی رباست یا نه؟  
ج - قرض با شرط مذکور ربا و حرام است.

□ □ □ □

س ۲۸۴۷ - شرکت تعاونی رفاه به متقاضیان با کسر یک درصد کارمزد در ماه وام می‌دهد که نیم درصد آن به سرمایه‌ی متقاضی منظور و نیم درصد دیگر پس از کسر هزینه‌های اداره‌ی امور شرکت به عنوان کارمزد و حقوق هیأت مدیره می‌باشد توضیح این که هیأت مدیره برای تشویق هرچه بیش تر سهام‌داران نیم درصد کارمزد خود را به عنوان جایزه در بین اعضا به نسبت سهام تقسیم نموده و به رایگان انجام وظیفه می‌نماید، آیا گرفتن این وام جایز است؟

«گلبایگانی»: قرض به شرط کارمزد ربا و حرام است، ولی چنانچه شرکت مزبور دفترچه‌ای درست کند که وام‌گیرنده باید آن دفترچه را داشته باشد و دفترچه را به قیمت معینی بفروشد و مبلغ مورد نظر را قرض الحسنه بدهد، مانعی ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: چیزی را که صندوق‌های قرض الحسنه به عنوان کارمزد و حق زحمت در برابر خدمت‌هایی که برای نگه‌داری حساب قسط‌ها و مانند آن می‌گیرند، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۲۸۴۸ - کسی از دیگری پول قرض می‌گیرد و او بیش از مبلغی که به وی می‌دهد از دیگری سند می‌گیرد و شرط و قرض‌گیرنده می‌داند که وی آن مبلغ را به عنوان سود برداشته است، اما از آن سخنی نمی‌گویند و در خارج مشخص است که وی پول را با نزول می‌دهد، آیا این معامله به حکم شرع صحیح است یا نه و در صورتی که معامله ربوی باشد، چنانچه بده کار ده تومان اضافه را در قلب خود به قرض‌دهنده بخشید، آیا معامله به اشکال بر نمی‌خورد؟

ج - در فرض مذکور، معامله ربوی و حرام است و صورتی که مدیون قصد داشته باشد که زیاده را به عنوان هبه یا نحو آن بدهد، معامله از جهت عدم تطابق بین ایجاب و قبول باطل است.



س ۲۸۴۹ - آیا می‌توان با رئیس شعبه‌ی بانک عوض معامله‌ی ربوی بیع شرط کرد یا نه؟

ج - در صورتی که مدعی اذن از مافوق که صاحب اختیار است باشد، قول او حجت است و معامله‌ی بیع شرط صحیح است.



س ۲۸۵۰ - شخصی به منظور سرمایه‌گذاری مقداری پول قرض می‌کند و در شرایط کنونی مجبور است به ازای آن سود بپردازد، حال اگر این عمل وی به صورت نیمه اجباری باشد و برای نمونه، شرکت مسافربری داشته و هر دو سال به سبب استهلاک ماشین باید آن را تعویض کند و احتمال ورشکستگی او می‌رود و برای این موضوع پول به اندازه‌ی کافی ندارد و ناچار است به وام با بهره متوسل بشود و در صورت عدم اخذ وام متحمل زیان فراوان در شغل مشروع خود خواهد شد، بنابراین، آیا این شخص مرتکب گناه شده و در نتیجه این وام به صورت پول حرام وارد اموال وی می‌شود یا نه؟

ج - این گونه اضطرار موجب جواز ربا نمی‌شود و اگر از اشخاص قرض

می‌کند، ممکن است به نحو بیع شرط معامله نماید یا این که یکی از ماشین‌ها را به قرض دهنده به مبلغی که مورد حاجت اوست بفروشد و بعد از او به مبلغ بیش‌تر نسبیہ بخرد.



س ۲۸۵۱ - شخصی، براتی را که بر عهده‌ی دیگری است در شهر دیگر به بانک می‌دهد و بانک برای مدت و عمل، مبلغی کم می‌نماید و بقیه را در حساب آن شخص منظور می‌نماید، آیا این عمل رباست یا نه؟

ج - در فرض مسأله، اگر از شخصی که در شهر دیگر است، طلب داشته باشد و ما فی الذمه‌ی او را بفروشد به بانک به کم‌تر جایز است و اگر از بانک قرض کند و در مقابل مدت چیزی قرار دهد، ربا و حرام است.



س ۲۸۵۲ - پولی که از بانک کشاورزی می‌دهند و پیش از گرفتن پول، از هر صد تومان، شش تومان می‌گیرند، و چنان‌چه پول را به هنگام به بانک نپردازد جریمه به آن تعلق می‌گیرد و رئیس بانک می‌گوید شش تومان را به عنوان حق الزحمه و پول به بنزین ماشین و قلم و دوات و دیگر لوازم می‌گیریم و این پول مورد نیاز مردم است، آیا این کار مشروع است یا نه؟

«گلبایگانی»: شرط زیاده اگرچه به عنوان حق الزحمه و سایر مذکورات در سؤال باشد، ربا و حرام است و جریمه نیز حرام است، ولی اگر مدیون به نحو شرعی در ضمن عقد خارج لازم ملتزم شده باشد که اگر از موعد مقرر تأخیر انداخت، مبلغ معینی مجاناً بدهد، اشکال ندارد.



«نکونام»: بانک می‌تواند برای انجام گشایش اعتبار، قرض دادن و تعهدات مربوط به آن، مبلغی از سفارش دهنده و خریدار به عنوان کارمزد دریافت کند و این امر را می‌توان از دید شرعی، گونه‌ای از عقد جعاله دانست؛ به این معنا که سفارش‌دهنده با بانک قرار می‌گذارد که اگر بانک

گشایش اعتبار را برای او انجام دهد یا به وی وام دهد، مبلغی را به عنوان کارمزد به بانک بپردازد و بانک پس از انجام آن کار، حق دارد که آن مبلغ را از او دریافت کند.



س ۲۸۵۳ - شخصی ناچار است از کسی قرض نماید و قرض دهنده یک برگ چک به مبلغ ده هزار ریال به مدت دوازده ماه می‌گیرد و برای مدت یک سال دوهزار و پانصد ریال کسر می‌کند، آیا گرفتن این افزوده حلال است یا خیر؟

ج - در فرض مسأله، چنانچه شخصی که می‌خواهد قرض کند، قبلاً مقدار زیادی را به داین صلح کند به شرط آن که مبلغ هفت هزار و پانصد ریال را به او قرض الحسنه بدهد، مانعی ندارد.



س ۲۸۵۴ - بانک‌های قرض الحسنه قانونی دارند که اگر کسی مبلغی به عنوان سپرده‌ی ثابت در بانک بگذارد بعد از مدتی دو برابر آن پول به دو برابر مدتی که پولشان به عنوان سپرده‌ی ثابت در آن جا بوده است به او وام می‌دهند، مشروط به این که پول خود را تا پرداخت آخرین قسط وام دریافت ننماید، آیا این کار جایز است یا خیر؟

ج - در فرض مسأله، اگر قرض گیرنده قبلاً مبلغ معینی را به بانک می‌دهد، البته این عمل، قرض دادن به بانک است به شرط آن که بعد از مدتی بانک دو برابر به او قرض دهد، این قرض دادن به بانک ربا و حرام است و بانک هم که بعد از دو ماه به شخص مزبور قرض می‌دهد، اگر شرط کند که باید قرض گیرنده پولی که قبلاً به بانک داده تا مدت معینی از بانک نگیرد؛ مثلاً تا قسط آخر دین خود را پرداخت کند، این قرض هم ربا و حرام است. به علاوه نسبت به مقداری که وام گیرنده قبلاً در بانک گذاشته، تهاتر قهری

می‌شود؛ یعنی ذمه‌ی قرض گیرنده نسبت به زاید بر مقدار پولی که در بانک دارد مشغول می‌شود نه نسبت به تمام آن چه به عنوان قرض می‌گیرد.



#### □ پرداخت اضافی قرض گیرنده بدون شرط و تبانی

س ۲۸۵۵ - گرفتن سودی که بانک طبق معمول خود به سپرده‌های قرض الحسنه یا کوتاه مدت می‌دهد جایز است یا خیر؟ چنانچه سپرده گذار شرط سود نکند چه حکمی دارد؟ و اگر بر فرض، صاحب پول بداند که بانک بعد از مدتی مبلغی سود می‌دهد، آیا گرفتن آن برای وی جایز است یا خیر؟

ج - اگر شرط ربح صریحاً و یا به طور ضمنی نشده باشد، آن چه را بانک به رسم خود می‌دهد، علی الظاهر حلال است؛ هرچند کسی که پول را در بانک می‌گذارد بداند که بانک چیزی اضافه می‌دهد.







## صلح

□ معنای صلح و حکم عقد صلح

س ۲۸۵۶ - معنای صلح چیست؟

ج - صلح عبارت است از تراضی و سازش دو نفر با یکدیگر بر چیزی مانند تملیک عین یا منفعت یا اسقاط دین یا حق و غیر اینها و شرط نیست که مسبوق به نزاع باشد؛ اگرچه تشریح آن در دین مقدس اسلام برای رفع تنازع بین مردم است و جایز است واقع ساختن آن بر هر امری و در هر مقامی مگر این که موجب تحریم حلال یا تحلیل حرام باشد که در این صورت جایز نیست.

□ □ □ □

س ۲۸۵۷ - آیا صلح به سایر عقود برمیگردد یا خود عقد مستقلی است؟

ج - صلح به هیچ عقدی برنمیگردد و خودش در مقابل سایر عقود عنوان و عقد مستقلی است؛ اگرچه فایدهی سایر عقود را بدهد.

□ □ □ □

س ۲۸۵۸ - چگونه عقد صلح فایدهی دیگر عقود را می‌دهد؟

ج - هرگاه صلح کند عینی را در مقابل عوضی، فایدهی بیع را می‌دهد و اگر

صلح کند عینی را بدون عوض، فایده‌ی هبه دارد و چنانچه صلح کند منفعتی را در مقابل عوض، مفید اجاره است و همین طور.



س ۲۸۵۹ - آیا صلح، هرگاه فایده‌ی هر عنوان و عقدی را داشته باشد، حکم همان عقد را دارد و برای نمونه، هرگاه صلح عین در مقابل عوض بود که فایده‌ی بیع را می‌دهد، حکم بیع را دارد یا خیر؟

ج - حکم و شروط آن عقد را ندارد و در مورد سؤال، شروط و حکم بیع را ندارد؛ یعنی اختیارات مختصه به بیع در آن جاری نیست؛ مانند اختیار مجلس و حیوان و نیز حق شفعه ندارد و هرگاه صلح تعلق بگیرد به معاوضه‌ی نقدین (طلا و نقره)، قبض عوضین در آن شرط نیست و چنانچه صلح فایده‌ی هبه را بدهد یا این که در هبه قبض عین معتبر است، اما در صلح مذکور قبض عین معتبر نیست.



#### □ ایجاب و قبول و صیغه در صلح

س ۲۸۶۰ - آیا ایجاب و قبول در صلح لازم است یا خیر؟

ج - بلی، چون صلح عقد است، محتاج به ایجاب و قبول است و حتی در مواردی که فایده‌ی صلح ابرای دین یا اسقاط حق باشد؛ اگرچه خود ابرای و اسقاط، احتیاج به قبول کسی که دین یا حق بر گردن اوست ندارد، لکن در صورتی که اسقاط حق و ابرای دین به عنوان صلح واقع شود، محتاج به قبول است.



س ۲۸۶۱ - آیا در صلح، صیغه‌ی خاصی لازم است یا خیر؟ در ضمن، صیغه‌ی آن چیست؟

«گلیایگانی»: صیغه‌ی خاصه لازم نیست و صلح واقع می‌شود به هر لفظی که در نظر عرف مفید سازش و تراضی بر چیزی از قبیل نقل عین یا نقل منفعت یا قرار مشروع بین المتصالحین باشد. بلی، لفظ متداول آن از طرف موجب، «صالحت» و از طرف قابل، «قبلت» است؛ مثلاً صلح کننده می‌گوید: «صالحتك عن الدار، یا عن منفعة الدار بكذا» و متصالح می‌گوید: «قبلت المصالحة بكذا».

\* \* \*

«نکونام»: صلح به معاطات نیز محقق می‌شود و خواندن صیغه در آن الزامی ندارد.

□ □ □ □

#### □ صلح فضولی

س ۲۸۶۲ - آیا مورد صلح قابل تبعیض و تجزیه می‌باشد یا خیر و اگر مالک مورد صلح شخص دیگری باشد، آیا عقد صلح باطل است یا خیر؟ هم‌چنین هرگاه ملک یا املاکی به صورت مشاع متعلق به چند نفر باشد، اگر یک نفر از آنان به همراه شخصی دیگر که هیچ‌گونه مالکیتی بر آن نداشته، ملک یا املاک مورد بحث را بدون اطلاع مالک دیگر به صلح واگذار کنند و آنان وقوع عقد را امضا و قبول نمایند، آیا عقد صلح باطل است یا حکم دیگری دارد؟

ج - بلی، صلح قابل تجزیه است به این معنا که نسبت به مقداری که ملک صلح کننده بوده یا مأذون از مالک بوده، صلح صحیح است و نسبت به آنچه مالک یا مأذون از مالک نبوده، صلح فضولی است.

□ □ □ □

س ۲۸۶۳ - آیا عقد فضولی همان طور که در بیع هست در صلح نیز جریان دارد یا خیر؟

ج - بلی، جریان دارد و حتی در موردی که صلح تعلق به اسقاط دین یا حق بگیرد و فایده‌ی ابرا و اسقاط را بدهد، فضولیت جریان دارد با این که در خود اسقاط و ابرا فضولیت نیست.



س ۲۸۶۴ - کسی چند اصل درخت را به دیگری به صورت فضولی و بدون اطلاع صلح کرده مشروط به این که چند سال برای او نماز استیجار شود و آنچه باقی مانده از قیمت عین بابت وجوهات داده شود، و صلح کننده پس از صلح فضولی که به خط صلح کنندگان می باشد فوت می کند، آیا می توان گفت قبول فضولی بعد از صلح بوده یا خیر و آیا نپذیرفتن متصالح بعد از فوت اثری دارد یا خیر و بر فرض عدم تأثیر آیا دین متوفی که نماز و وجوهات باشد ثابت می شود یا نه و بر فرض ثبوت، باید به نظر متصالح عمل شود تا نظر متوفی تأمین شود یا هر یک از وارثان می توانند بگویند که ما سهمیه‌ی خود را عمل می کنیم؟

ج - در فرض سؤال، ظاهر این است که قبول هم بعد از صلح واقع شده، لکن چون قبول فضولی بوده، اگر متصالح اجازه نکند، مصالحه باطل است و وصیت محسوب می شود و بنابراین تا مقدار ثلث، نافذ و در زاید بر آن محتاج به امضای ورثه است و اگر متصالح اجازه کند، مؤثر است ولی چون مصالح به نحو مذکور که تمام آنچه صلح شده به خود مصالح برگردد؛ یعنی نتیجه اش عاید او شود، مورد اشکال است، بنابر احتیاط با اذن ورثه بر طبق وصیت عمل شود.



## □ صلح؛ عقد لازم

س ۲۸۶۵ - شخصی چیزی را به کسی صلح نموده، آیا وی بعد از مدتی می تواند همان چیز را به دیگری صلح نماید یا نه؟

ج - با فرض صلح صحیح، بدون مجوز شرعی نمی تواند به دیگری صلح کند؛ مگر با اجازه یا امضای متصالح و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۸۶۶ - کسی قطعه زمینی را با سه نفر صغیر صلح نموده و فردی که از طرف مراجع تقلید بر صغیران ولایت داشته، صلح را از طرف آنها می پذیرد و دو نفر شاهد آن را امضا می نمایند و مصالح پس از مدتی تقاضا می کند که این زمین را با قطعه زمین دیگری برای ساخت مسجد معاوضه نماید و وی آن را می پذیرد و دو نفر شاهد نیز قرارداد آن را امضا می نمایند و پس از مدتی مصالح زمینی را که در مقابل زمین اول به صغیران داده بود تصرف می نماید و در قطعه‌ی اول آن مسجد می سازد و از اهالی محل و دیگران نیز برای ساختمان، پول و مصالح ساختمانی می گیرد، در این صورت، نماز خواندن در آن صحیح است یا خیر و کمک نمودن به ساختمان آن جایز است یا نه؟

ج - در صورتی که به وجه شرعی با اذن ولی شرعی ملکی را به صغیر منتقل به عقد صلح کند، بدون قرار دادن اختیار فسخ، دیگر نمی تواند بدون معامله‌ی شرعیه در آن ملک تصرف نماید و هر گونه تصرف غاصبانه در آن حرام است و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۸۶۷ - مردی فوت نموده و دارای چند پسر و چند دختر بوده، خواهران، سهم ارث خود را به برادران خود مصالحه نموده و صلح نامه‌ای تنظیم و صیغه‌ی صلح جاری شده ولی بعد از چند سال دیگر خواهران از برادران مطالبه‌ی ارث می‌نمایند، آیا ادعای آنان پذیرفته است یا خیر؟

ج - حکم مسأله معلوم است. با فرض وقوع صلح صحیح، بدون اختیار فسخ، دیگر حق مطالبه ندارند و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۸۶۸ - شخصی مقداری توت خشک داشته آن را فروخته و علی الحساب مبلغی به فروشنده پرداخته است و قرارداد نموده که هر قدر باشد از قرار هر سه کیلویی صد تومان پول آن را به فروشنده بدهد و هر دو به این معامله رضایت داده‌اند و صلح بر آن انجام گرفته و سپس خریدار تا مدتی سراغ این مال (توت) نرفته و بعد از دو ماه، خریدار پیغام داده که توت را نمی‌خواهم، آیا خریدار حق فسخ معامله را دارد یا خیر؟ در ضمن، مقدار توت مشخص نشده است.

ج - در فرض سؤال، اگر مجموع توت خشک را مشاهده نموده و فروشنده به عنوان صلح هر سه کیلویی آن را به مبلغ مزبور تملیک خریدار کرده باشد، بعید نیست صلح صحیح باشد، بنابراین، توت، ملک خریدار است و قیمت آن را مطابق آنچه تعیین شده بده کار است و حق فسخ ندارد و اگر به عنوان مبیع تملیک مشتری کرده، بیع باطل است و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است.



س ۲۸۶۹ - شخصی برای استفاده‌ی مال خود از ید غاصب مجبور می‌گردد تعهد کند که مبلغی را در برابر استرداد مال خود به غاصب بدهد، آیا این گونه تعهد

مصدق صلح می‌باشد یا نه و همچنین آیا بر وی لازم است به آن عمل نماید یا خیر؟

ج - مصدق صلح نیست و لزوم ادا ندارد.

□ □ □ □

#### □ اختیار فسخ در صلح

س ۲۸۷۰ - آیا در صلح نیز مانند بیع اختیار فسخ ثابت است یا خیر و آیا تمام اختیارات در آن جریان دارد یا خیر؟

«گلپایگانی»: بلی، در صلح، اختیار فسخ ثابت است؛ حتی در موردی که صلح فایده‌ی هبه‌ی جایزه بدهد و تمام اختیارات در آن جاری است؛ مگر خیار مجلس و خیار حیوان و خیار تأخیر و نیز اگر عیبی در عین مورد مصالحه یا عوض آن ظاهر شود، اقوی عدم ثبوت ارش است.

\* \* \*

«نکونام»: اگر در عینی که بر آن صلح شده عیبی آشکار شود، ارش در آن ثابت نیست.

□ □ □ □

س ۲۸۷۱ - مادری آب و ملکی را که به او به ارث رسیده به فرزند خود مصالحه نموده و قرار کرده که فرزند او عباداتی مانند نماز و روزه را از طرف پدر و مادر خود انجام دهد، ولی پسر مسامحه کرده و آن را انجام نداده، آیا وی حقی به آب و ملک مزبور دارد یا نه؟

ج - در فرض مسأله، اگر در ضمن عقد صلح شرط نموده باشد، مادر حق دارد پسر را مجبور کند به عمل به شرط و با عدم امکان اجبار به عمل به شرط، می‌تواند صلح را فسخ کند.

□ □ □ □

س ۲۸۷۲ - آیا ملکی را که پدری در میان جمعی از روحانیان به فرزند یا فرزندان خود هبه نماید یا صلح کند و مکتوب گردد می تواند دوباره به فرزند خود بفروشد و چیزی دریافت کند یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، اگر هبه پیش از قبض دادن به فرزند یا صلح با خیار فسخ از برای صلح کننده باشد، پدر می تواند بعد از رد هبه و فسخ صلح، به فرزند خود بفروشد و اگر بعد از قبض دادن مال موهوب باشد یا عقد صلح خیاری نباشد، مال فرزند می شود و پدر حقی در آن مال ندارد و فروش آن به عنوان مال خود جایز نیست و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۸۷۳ - تاجری ضرر زیادی دیده و در اثر فشار و ناراحتی و فکر و خیال، املاک و مستقالات خود را در معرض فروش درمی آورد و عموی صغیری مورد بیع را به سیاست به صورت صلح که در سند نوشته شده به عنوان قسیم برای صغیر خریداری می کند و در ضمن، خیار غبن در غبن هم مصالحه شده و ملک مورد صلح به تصرف درآمده و قرار شده که ثمن را به طلب کارهای شخص تاجر بپردازد، پس از مدت ها فروشنده فهمیده که پنج برابر مبلغ دریافتی مغبون شده و پس از علم به غبن، به صغیری که کبیر شده و به قیم مذکور اعلام نموده و خواستار ملک شده، آیا چنین معامله ای که به عنوان صلح واقع شده صحیح است یا نه و هم چنین آیا صلح غبن در غبن در معاملات که پنج برابر ثمن غبن دارد، سبب سلب حق فسخ می شود یا خیر؟

ج - در فرض مسأله، صلح محمول به صحت است و اگر غرض از صلح خیار غبن اسقاط آن باشد، مصالح به واسطه ی غبن اختیار فسخ ندارد. بلی،



اگر ثابت شود که غبن به نحوی بوده که موقع اسقاط محتمل نباشد خیار غبن باقی است و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۸۷۴ - شخصی عمارت خود را به دو فرزند خویش مصالحه نموده و شرط کرده که تا زمانی که زنده است خیار فسخ با وی باشد و بعد از مدتی، مصالح به فرزند خود می‌گوید که بعد از وفات من از عمارت یک اتاق به همسر من بدهید و گاهی نیز گفته که بعد از من در تقسیم عمارت نزاع نکنید، آیا این گونه سخنان موجب فسخ صلح مزبور است یا نه؟

ج - در فرض مسأله، مجرد گفتن یک اتاق از عمارت به عیال من بدهید و یا گفتن بعد از من در تقسیم خانه نزاع نکنید، کاشف از فسخ نیست؛ مگر آن که قراین دیگری در بین باشد. بنابراین، اگر متصلحین از حق خود در موقع تقسیم صرف نظر نکرده باشند و به سایر ورثه منتقل نکرده باشند، خانه، ملک دو فرزند است تا خلاف آن معلوم شود و چنانچه نزاع موضوعی در بین باشد، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۸۷۵ - شخصی املاک خود را به برخی از وارثان صلح می‌نماید و در ضمن صلح، شروطی بر آنها مقرر می‌نماید که پس از فوت او انجام دهند و آنها پس از مرگ وی به آن شرط‌ها عمل نمی‌کنند، در این صورت آیا دیگر وارثان حق فسخ این صلح را دارند یا خیر؟

ج - در فرض تخلف شرط، اگر الزام متصلحین بر عمل به شرط ممکن نباشد، بعید نیست باقی ورثه هر یک بالنسبه به سهم خود حق فسخ داشته باشند و چنانچه نزاع موضوعی در بین باشد، محتاج به مرافعه‌ی شرعیه می‌باشد.



س ۲۸۷۶ - شخصی در حال بیماری، همه‌ی اموال خود را به همسر خود مصالحه می‌کند و او فرزندی ندارد و در مقابل این صلح وجه کمی منظور شده و زن نیز آن مبلغ را در همان حال به شوهر پرداخت می‌کند و شوهر شرط می‌کند اگر از این بیماری بهبودی یافت، اختیار فسخ داشته باشد و اموال به وی باز گردد، آیا این مصالحه صحیح است یا نه؟

ج - در فرض مسأله، اگر مصالحه کرده باشد، با شرط اختیار فسخ در صورت صحت از مرض، مانعی ندارد و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۸۷۷ - شخصی ۴۹ سال پیش فوت کرده و دارای سه وارث دختر و اموالی است و همه‌ی اموال منقول و غیر منقول خود را به سه نفر صلح کرده به شرط آن که پس از مرگ، دیون او را که عبارت است از نماز، روزه، زکات و سهم امام علیه السلام ادا نماید و سهمی برای وارثان تعیین کرده و بقیه‌ی اموال او را نیز در امور خیر یا وقف بر حضرت سیدالشهدا علیه السلام هزینه نمایند، اما متصالحان جز دادن سهم وارثان به دیگر شرایط عمل نکرده‌اند و اموال باقی مانده را یکی از متصالحان که برادر متوفی بوده با اموال خود مخلوط نموده و مورد استفاده‌ی شخصی خود قرار داده و اموال منقول او نیز حیف و میل شده، حال، دو نفر از وارثان مصالح مدعی هستند که چون به شرایط وصیت پدر ما عمل نشده، ما حق تصرف در اموال پدر خود را داریم و حق اولویت با وارثان است و سه نفر متصالح نیز فوت کرده‌اند، حکم شرعی این مسأله چیست؟

ج - در صورتی که آن چه مرقوم شده محقق باشد و مورد نزاع نباشد، ورثه‌ی مصالح از جهت تخلف شرط حق فسخ مصالحه را دارند و پس از

فسخ، ترکه‌ی مصالح به ورثه‌اش می‌رسد و دیون باید از ترکه ادا شود و سزاوار است به سایر شرایط نیز عمل شود و اگر آن چه مرقوم شده محقق نباشد و مورد نزاع باشد، محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است.



س ۲۸۷۸ - دو نفر مصالحه نمودند به این که یکی مقداری پول را به دیگری بدهد و در برابر زمین و درخت و مانند آن را بگیرد و هزینه‌ی زندگی طرف مقابل را نیز بپردازد و اگر به شرط عمل نشد وی حقی بر زمین و درخت ندارد، آیا این مصالحه صحیح است یا نه؟

ج - ظاهر این است که صلح مورد سؤال باطل باشد؛ به جهت این که شرط مزبور خلاف مقتضای عقد صلح است و بر فرض صحت، مصالح در صورت تخلف شرط اختیار فسخ دارد.



س ۲۸۷۹ - هرگاه شخصی منافع اموال منقول و غیر منقول خود را به کسی صلح کند تا وی تا زنده است از منافع آن به هر گونه که خواسته باشد استفاده کند، در صورتی که شخص مصالح پیش از متصالح فوت شود، آیا مفاد صلح مزبور به قوت خود باقی است یا محتاج به تنفیذ ورثه مصالح خواهد بود.

ج - در فرض مذکور، مفاد صلح بعد از موت مصالح به قوت خود باقی است و احتیاج به تنفیذ ورثه ندارد و اما اصل مال ملک ورثه مصالح است.



س ۲۸۸۰ - اگر شخصی املاک خود را به نوادگان پسری خود که بعضی از آنان بالغ و برخی نابالغ بوده‌اند به ده سیر نمک مصالحه نماید و برای خود تا سی سال حق فسخ قرار دهد و پیش از گذشت سی سال، دو قطعه از همان املاک را بفروشد و

قطعه دیگری را برای ادای بدهی و هزینه‌های بعد از مرگش وصیت نماید و هم‌چنین منزلی مسکونی را بعد از با عروس خود مصالحه نماید، آیا این تصرفات موجب فسخ همه‌ی مصالحه‌ی اول می‌شود یا عقد مصالحه نسبت به بقیه‌ی املاک صحیح و به قوت خود باقی است؟

ج - در فرض سؤال، کل مصالحه فسخ نمی‌شود و صلح نسبت به بقیه به قوت خود باقی است.



س ۲۸۸۱ - در صلح نامه‌ای خیار فسخ تا سی سال یا تا زمانی که مصالح زنده است قید شده و در برخی موارد خیار فسخ برای شخص مصالح و نه وارثان به همین مدت در عقد صلح شرط می‌شود، این صلح تا چه مقدار نافذ است؟ و آیا شرط مذکور معتبر است؟ و آیا در فرض اخیر، خیار به وارثان منتقل نمی‌شود؟

ج ۱ و ۲ - در فرض سؤال، صلح مزبور صحیح است و جعل خیار مادام العمر؛ اگرچه مدت مجهول است، موجب بطلان شرط خیار صلح نیست. ۳ - حق خیار در مدت باقی سی سال به ورثه منتقل می‌شود؛ هرچند مصالح برای شخص خود خیار قرار داده باشد. بلی، اگر کسی حق فسخ را برای خود مقیداً به لسانه قرار دهد، انتقال آن حق بعد از فوت به ورثه‌اش مشکل است.



س ۲۸۸۲ - شخصی دارایی منقول و غیر منقول خود را در مقابل مقداری نبات به کسی صلح نموده و در ضمن عقد خارج لازم شرط شده که تا زمانی که مصالح زنده است حق اختیار فسخ و تصرف در آن اموال را دارد و متصالح بعد از مرگ مصالح، مورد صلح را در امور خیری مانند گزاردن نماز وحشت و روزه وحشت

و زیارت عاشورا بلکه مطلق زیارت‌های ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام و حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و روضه‌خوانی و تلاوت قرآن مجید و دادن ذغال به فقیران و احسان به ارحام و دادن افطاری هزینه کند و در هر حال خدا را حاضر و ناظر بداند و این صلح‌نامه چند ماه پیش از فوت شخص مصالح نوشته شده و حج نیز بر او واجب بوده، حال تکلیف چیست؟

ج - در فرض سؤال، صلح صحیح است و نسبت به اختیار فسخ که در ضمن عقد دیگر شرط شده، اگر غرض آن بوده که مصالح وکالت داشته باشد صلح اول را اقاله نماید، می‌تواند طبق وکالت اقاله کند و شرط دیگر که صرف مال الصلح در مصارف مذکوره است، لازم الوفاست و چون وجوه بریه که در شرط ذکر شده، چنانچه ظاهر عبارت است، شامل استنباه‌ی حج برای او نیز هست و ذکر صوم و صلوات و غیره از قبیل مثال است، حج میقاتی برای او استنباه نماید.



س ۲۸۸۳ - شخصی نسبت به اموال خود وصیت کرده و صلح‌نامه‌ای دارای تاریخ نیز دارد و اموال خود را با همسر خویش صلح نموده و اختیار فسخ را با مصالح گذارده ولی وصیت‌نامه تاریخ ندارد و یکی از وارثان اظهار می‌دارد که وصیت‌نامه بعد از صلح نوشته شده، حکم مسأله چیست؟

ج - با فرض آن که در مصالحه اختیار فسخ داشته، اگر محقق شود که بعد از آن، وصیت بر خلاف آن نموده، کاشف از فسخ مصالحه می‌باشد و باید به وصیت عمل شود و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، مرافعه‌ی شرعیه لازم دارد.



### □ مجهول بودن متعلق صلح

س ۲۸۸۴ - اگر دو طرف مصالحه به غرر و نامعلومی در مورد مصالحه راضی باشند، مصالحه را باطل می‌کند یا نه؟

ج - در صورتی که بنای مصالحه به ممانعه نباشد، معامله باطل نمی‌شود.

□ □ □ □

س ۲۸۸۵ - کدام یک از دو صورت زیر صلح صحیح است: یکی این که کسی تمامی مال خود را به دیگری در برابر مبلغی معین صلح می‌کند، و دیگر این که کسی به دیگری یکی از اموال معین خود را صلح نماید؟

ج - صلح دوم صحیح است و اما صلح اول، اگر تمام اموال صلح شده معلوم باشد، اشکال ندارد و اگر معلوم نباشد، چنانچه مقصود از صلح، صلح مسامحه و به جای هبه صلح کرده باشد، باز صحیح است و اما اگر صلح ممانعه باشد که به جای بیع و معاوضه صلح نموده باشد، از جهت مجهول بودن اموال، صلح باطل است.

□ □ □ □

س ۲۸۸۶ - عده‌ای از مؤمنان، صندوق قرض الحسنه‌ای تأسیس نموده‌اند و چند نفر از مؤمنان، مسؤول هستند که پول‌های صندوق مزبور را به عنوان قرض الحسنه، بدون سود به اشخاص متقاضی بدهند، مسؤولان صندوق برای این که کارمندان صندوق را از لحاظ حقوق تأمین کنند برای نمونه با مبلغ دو میلیون تومان از این پول به عنوان شرکت و مضاربه با اشخاص کاسب، جنس یا زمین یا خانه‌ای را به صورت مشترک خریداری می‌نمایند؛ به این معنا که یک طرف معامله، صندوق و طرف دیگر فردی بازاری است، سپس مسؤولان صندوق می‌گویند ما تمام منافع و یا ضرر این معامله را به شما مصالحه و واگذار می‌کنیم و شما در

هر ماه مبلغی به ما پردازید و در پایان مدت قرارداد پول صندوق را نیز به ما بدهید، آیا چنین کاری جایز است؟

ج - اگر بعد از وقوع مضاربه و عمل به آن و حصول مقداری فایده، مضارب سهم خود را از فایده‌ی حاصل شده که مبلغ آن مجهول باشد به مبلغ معینی به عامل صلح نماید به شرط آن که اگر در آینده مضاربه ضرر کرد، معادل مبلغی را که در اثر ضرر از رأس المال کم شده پردازد، اشکال ندارد و اما قبل از مضاربه و قبل از حصول فایده، صحت این صلح محل اشکال است.

□ □ □ □

س ۲۸۸۷ - آیا صلح نمودن میوه‌ی درختان یا سبزیجات و مانند آن، پیش از وجود آن صحیح است یا خیر؟

ج - بلی، صحیح است؛ اگرچه میوه‌ی یک سال و بدون ضمیمه باشد؛ هرچند بیع آن‌ها به نحو مذکور صحیح نیست.

□ □ □ □

### دیگر مسایل صلح

س ۲۸۸۸ - زید در حال احتضار تمام املاک و اموال خود را به پسر خویش مصالحه کرده و غیر از وی فرزند دیگری ندارد ولی صلح‌نامه به امضای پدر وی نرسیده است. آیا مصالحه در حال احتضار صحیح است یا نه و آیا امضای پدر لازم است یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، اگر زید وقت مصالحه دارای عقل و شعور بوده و با طوع و رغبت مصالحه نموده باشد، صلح صحیح است و موقوف به

امضای پدر زید نیست و در اختلاف موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.

□ □ □ □

س ۲۸۸۹ - شخصی دارای پسر و دختر است و پسر بزرگ ازدواج نموده و مبلغی نیز برای عروسی او هزینه کرده، آیا وی می‌تواند پسر مزبور را از بقیه‌ی اموال خود بی‌بهره و او را از ارث محروم کند و آن را با دیگر فرزندان خود صلح نماید یا نه؟

ج - صلح مابقی اموال به اولاد دیگر جایز است.

□ □ □ □

س ۲۸۹۰ - کسی منافع ملک خود را به دیگری به مدت معین به چیزی مصالحه می‌نماید و بعد از آن پولی از او قرض می‌نماید و همان ملک را به رهن وی می‌دهد، آیا چنین معامله‌ای درست است یا خیر؟

ج - ظاهراً اشکالی ندارد.

□ □ □ □

س ۲۸۹۱ - شخصی که متولی موقوفه است و به مردم و مال موقوفه بده کار می‌باشد و حقوق شرعی و کفاره نیز به عهده دارد و صاحب شأن و عایله است و اموال وی همه‌ی بده‌کاری‌های او را تأمین نمی‌نماید، آیا فقیر شرعی است یا نه و اگر وی بخواهد به وارثان خود چیزی ببخشد، آیا صلح بر آن فرار از پرداخت دین شمرده می‌شود؟

ج - این شخص فقیر است، لکن صلح ما یملک به قصد محفوظ ماندن مال جهت ورثه و محروم شدن غرمای صلح، فرار از دین و صحت چنین صلحی مورد اشکال است.

□ □ □ □



س ۲۸۹۲ - کسی همه‌ی اموال خود را به دیگری در مقابل مال معلومی صلح کرده و صیغه‌ی شرعی نیز با اسقاط کافه‌ی خيارات جاری شده و شرط گردیده اگر چیزی از مورد مصالحه مال دیگری و غیر درآمد، مصالح از عهده بر آید و نیز شرط شده که مصالح از طرف متصالح در خرید و فروش مورد مصالحه وکیل باشد و در برابر مبلغ معینی به عنوان حق وکالت دریافت نماید، آیا این مصالحه یا این شرط صحیح است یا خیر؟

ج - صلح مزبور ظاهراً صحیح است و ضمان شرعی نسبت به آنچه مال غیر باشد، صحیح نیست. بلی، آنچه معلوم شود مال غیر است، معامله نسبت به آن فضولی است و در سایر شرایط، اشکالی به نظر نمی‌رسد.



س ۲۸۹۳ - شخصی مقداری از مال خود را به فرزندان خود اعم از پسر و دختر با اختیار فسخ تا زمانی که زنده است فروخته و پس از آن مورد معامله را به تمام وارثان خود صلح نموده، آیا این صلح کاشف از فسخ معامله است یا خیر؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاعی ندارم. به نحو کلی با فرض آن که در بیع برای خود اختیار فسخ قرار داده، مصالحه صحیح و کاشف از فسخ معامله است؛ اگر سایر شرایط صحت را واجد باشد. و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۸۹۴ - کسی همه‌ی اموال خود را به صورت مسلوب المنفعه به برادر زاده‌ی خویش صلح نموده و بعد از چندی مرده و منافع از املاک حاصل شده که نمو آنها تا حدی در زمان حیات مصالح بوده، آیا در حال حاضر این منافع تنها به

وارث مصالح یا تنها به کسی که با او صلح شده متعلق است یا به نسبت میان وارثان و وی تقسیم می‌شود؟

ج - در فرض مسأله، منافع ملک تا حال موت مال مصالح است و به ورثه‌ی او منتقل می‌شود. بلی، اگر از زراعت باشد که بعد از موت مدت لازم دارد تا حاصل را بردارند، متصالح اجرت المثل زمین را از بعد موت تا موقع رسیدن محصول طلب دارد و اگر منافع از قبیل میوه‌ی درخت یا پشم گوسفند باشد، چنانچه ورثه بعد از موت بلافاصله منافع را جدا نموده و برداشتند، اشکال ندارد و اگر نما بماند تا پشم بلند شود یا میوه بزرگ شود، حکم شرکت بالنسبه بعید نیست، و احتیاط آن است که به مصالحه و تراضی عمل را خاتمه دهند.



س ۲۸۹۵ - مصالحه‌ای بین دو نفر انجام گرفته به این شرح که صلح کننده باغی را در مقابل فلان قیمت به کسی صلح نموده و او نیز آن را پذیرفته است مشروط بر این که هر کسی در آینده مالک مزرعه و آب مصالحه کننده بود؛ چه خود مالک فعلی و چه دیگری، سالی چهار مرتبه باغ مزبور را آب دهد، در حال حاضر، آب آن مزرعه خشکیده و وارثان صاحب باغ مدعی هستند هرچند این آب خشکیده باید از آب مزرعه‌ی دیگر این باغ مشروب شود ولی وارثان صلح کننده می‌گویند چون آب خود باغ و مزرعه خشک شده است، ما مسؤول شرب باغ با آب دیگر نیستیم، حکم مسأله چیست؟

ج - در فرض سؤال، چون آب مزرعه خشک شده، بعید نیست مشروب ساختن آن باغ از آب مزرعه دیگر واجب نباشد. والله العالم.



س ۲۸۹۶ - آیا صلح نمودن جنس ربوی به بیش تر از همان جنس صحیح است یا مانند بیع ربوی باطل می باشد؟

«گلیپگانی»: جریان ربا و عدم صحت صلح ربوی خالی از قوت نیست.

\* \* \*

«نکونام»: ربا در صلح نیز جاری است.

□ □ □ □

س ۲۸۹۷ - زید ملکی را به عمرو صلح نموده و در ضمن عقد خارج لازم شرط کرده به هر گونه که صلاح بداند برای حبس آن ملک به مدت سی و پنج سال اقدام نماید که از منافع آن نماز، روزه و تلاوت قرآن کریم برای وی و پدر و مادر او استیجار نماید و بعد از مدت مذکور، برای استیجار نماز و روزه به نیابت از برادران او وقف باشد. عمرو چون به ادامه ی زندگی خود اطمینان نداشته، آن ملک را به فرد دیگری به همان شرط صلح نموده و وی نیز به آن شرط وفا نموده و ملک را به نحو مذکور حبس کرده و در حال حاضر که مدت حبس منقضی شده و آن شخص حسب شرط باید ملک را وقف نماید و برادران زید هنوز زنده هستند، با این وجود وظیفه ی وی چیست؟

ج - در فرض سؤال، ظاهر آن است که مصالح له باید ملک مذکور را برای استیجار نماز به نیابت برادران زید حبس نماید ولی چون فعلا خودشان در قید حیات هستند، منافع آن باید نگه داری شود و بعد از موت آنها به مصرف برسد و به مقداری که احتمال می رود نماز از آنها فوت شده باشد، برای آنها نماز استیجار نماید و بعد ملک مال خود مصالح له است و مع ذلک، اگر عین عبارت صلح نامه دیده شود، شاید نحو دیگر از آن استظهار شود.

□ □ □ □

س ۲۸۹۸ - برادر این جانب که مردی بیسواد و بدون فرزند است فوت نموده، یک برادر و سه خواهر صلبی و بطنی دارد که شوهر دو نفر از خواهران وی از دنیا رفته و تهیدست و بی بضاعت هستند و بیش تر با کمک اقوام و دیگران امرار معاش می نمایند و از طرف دیگر یکی از آنان دارای پسری است سی ساله که دیوانه است و سرپرستی او نیز به عهده‌ی مادر می باشد. پس از مرگ وی از او وصیت نامه‌ای دیده شده که به امضای دو شاهد غیر محلی رسیده و وی همسر خود را وصی خویش قرار داده و تمامی اموال خود اعم از آب، ملک، باغ، عمارت، احشام و اثاث خانه را به همسرش واگذار کرده و فقط مبلغ هفت هزار تومان مخارج کفن و دفن و عزا برای خود تعیین نموده، حکم شرعی آن چیست؟ در ضمن، با در نظر گرفتن سطح زندگی فعلی نسبت به هفت هزار تومان مخارج کفن و دفن و عزا که هشت سال و نیم پیش تعیین شده وظیفه چیست؟ یک نسخه از این وصیت نامه به پیوست می باشد.

ج - در فرض سؤال، آنچه از نوشته‌ی انتقال نامه به نظر رسید، اگر منظور از واگذاری صلح باشد، باقی ورثه حق اعتراض ندارند و اگر منظور هبه باشد و اموال موهوبه به تصرف و قبض همسر خود داده، باز هم باقی ورثه حق اعتراض ندارند و اما اگر هبه باشد و اموال موهوبه را تا زمان فوت به تصرف و قبض همسر خود نداده، این هبه باطل است و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعی لازم است و اما نسبت به هفت هزار تومان باید به مقدار قیمت کفن معمولی از آن بردارند و ثلث بقیه به دست وصی به مصرف دفن و خرج عزای موصی برسد و در مازاد بر ثلث، محتاج به امضای ورثه است.

س ۲۸۹۹ - شخصی در موقع حیات خود آب، ملک، خانه و وسایل زندگی خود را به دو پسر و همسر خویش صلح شرعی نموده و در ضمن عقد شرط کرده تا زمانی که زنده است از منافع آن استفاده نماید، اکنون دختر وی در مورد اموالی که بر آن صلح واقع شده ادعای ارث می‌نماید، آیا ادعای وی پذیرفته است یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، اگر منظور از شرط این است که منافع مادام الحیات مال خودش باشد، این صلح صحیح است و بعد از موت او مال مصالح لهم است و اما اگر مقصود این است که مادام الحیات مورد صلح به ملک خودش باقی باشد، این صلح باطل است و در نزاع موضوعی مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۹۰۰ - اگر هیأت حل اختلاف اداره‌ی کار و امور اجتماعی حکم به پرداخت خسارت به کارگر اخراجی نماید اما صاحب کارخانه راضی نباشد، آیا پرداخت خسارت به وی درست است یا خیر و در مورد نقص عضو کارگر، آیا دیه و خسارت به عهده‌ی صاحب کارخانه است یا صاحب کار یا کارفرما؟

ج - اگر کارگر در موقع استیجار، در ضمن عقد لازم با مالک کارخانه یا وکیل او شرط جبران خسارت بدنی کارگر را کرده باشد، واجب است مطابق شرط عمل شود و هم‌چنین اگر استخدام مبنی بر این شرط باشد و در غیر این صورت، ضامن نمی‌باشد؛ مگر آن که شخصا مباشر یا سبب جرح یا نقص عضو کارگر شده باشد.





## ودیعه (امانت)

س ۲۹۰۱ - ودیعه به چه معناست؟

ج - ودیعه یعنی گذاشتن مال نزد غیر تا آن را برای مالکش حفظ کند و صاحب مال را مودع و آن غیر را ودعی و مستودع گویند.

□ □ □ □

□ وودیعه؛ عقد جایز

س ۲۹۰۲ - آیا ودیعه از عقود جایز است یا لازم؟

ج - ودیعه از عقود جایزه است؛ پس مالک هر وقت بخواهد می تواند مال خود را استرداد نماید. و نیز مستودع می تواند هر وقت بخواهد مال را به مالک برگرداند و مالک حق امتناع از قبول را ندارد.

□ □ □ □

□ تلف شدن وودیعه نزد مستودع

س ۲۹۰۳ - اگر وودیعه نزد امانت گیرنده تلف یا معیوب شود، وی ضامن است یا خیر؟

ج - ضامن نیست؛ مگر آن که تعدی و تفریط در بین باشد و یا در ضمن عقد لازم شرط ضمان حتی در صورت تلف شده باشد که در این صورت تلف و یا عیب را مستودع ضامن است.

□ □ □ □

س ۲۹۰۴ - یکی از برادران دینی برای اصلاح ضبط صوت خود به تعمیرگاه این جانب مراجعه نمود و پس از اصلاح ضبط تذکر دادم که ضبط شما را اصلاح کردم و حاضر است، اما او در آمدن مسامحه کرد تا اموال مغازه مرا به سرقت بردند، با این که در نگه‌داری مال او مانند مال خود کوتاهی نکردم و درب مغازه نیز قفل بوده و هیچ گونه شرطی نیز میان ما نبوده، آیا من مسؤول مال او هستم یا نه؟

ج - در صورتی که در حفظ آن کوتاهی نکرده‌اید و شرط ضمان علی کل حال هم در ضمن عقد لازمی نشده باشد، ضامن نیستید و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعی لازم است.



#### □ تعدی و تفریط

س ۲۹۰۵ - مقصود از تعدی و تفریط چیست؟

ج - مقصود از تعدی آن است که مستودع تصرفاتی را که از طرف مالک مجاز نباشد در ودیعه انجام دهد؛ مثل آن که لباس را بپوشد و فرش را جهت استفاده پهن کند و یا حیوان سواری را سوار شود. بلی، در صورتی که حفظ ودیعه موقوف به این گونه تصرفات باشد، مانعی ندارد و تعدی محسوب نمی‌شود و مقصود از تفریط آن است که در حفظ ودیعه اهمال و مسامحه نماید؛ مثل آن که ودیعه را در محلی که حرز نیست بگذارد و یا مثلاً حیوان را آب و علف ندهد و یا مثلاً پارچه و لباس پشمی را در تابستان به جهت محفوظ ماندن آن از بید، باز و پهن نکند.





### ▣ شرایط امانت گذار و امانت گیرنده

س ۲۹۰۶ - آیا بلوغ و عقل در امانت گذار (مودع) و امانت گیرنده (مستودع) شرط است یا خیر؟

ج - بلی، در هر یک از مودع و مستودع بلوغ و عقل شرط است. پس ودیعه گذاردن نزد غیر بالغ و مجنون صحیح نیست و هم چنین قبول ودیعه از غیر بالغ و مجنون صحیح نیست.

□ □ □ □

س ۲۹۰۷ - اگر مالی را نزد نابالغ یا دیوانه امانت بگذارند و آن مال تلف شود یا نابالغ و دیوانه آن را تلف کنند، آیا آنان ضامن می شوند یا خیر؟

«گلیایگانی»: اگر مال تلف شود، طفل و مجنون ضامن نمی شوند؛ بلکه به اتلاف هم اگر ممیز نباشند، بنا بر وجه قوی ضامن نمی شوند؛ چون مودع سبب و اقوی است.

\* \* \*

«تکونام»: دیوانه و نابالغ ضامن تلف یا اتلاف امانت نیستند.

□ □ □ □

س ۲۹۰۸ - اگر مکلفی مالی را از نابالغ یا دیوانه ای به عنوان ودیعه قبول کند، حکم آن چیست؟

ج - شخصی که ودیعه را قبول کرده ضامن است تا مال را به ولی غیر بالغ و مجنون؛ اگر ودیعه مال آنها باشد، و یا به صاحب مال برساند.

□ □ □ □

س ۲۹۰۹ - اگر مکلفی مالی را به عنوان ودیعه به وسیله ی طفل یا دیوانه ای برای مکلف دیگر بفرستد، و امانت گیرنده آن مال را به عنوان ودیعه از طفل یا مجنون

تحویل بگیرد، آیا ودیعه صحیح است یا خیر؟

ج - در فرض سؤال که طفل و مجنون به منزله‌ی آلت هستند و ودیعه در حقیقت بین دو نفر کامل واقع شده، صحیح است.

□ □ □ □

### □ امانت مالکی و امانت شرعی

س ۲۹۱۰ - امانت مالکی و امانت شرعی را توضیح دهید؟

ج - امانت مالکیه آن است که عین با درخواست خود مالک و اذن او نزد کسی گذاشته شود و این بر دو قسم است: یکی این که خود عنوان عمل بالاصاله امانت است؛ مانند ودیعه. دوم این که عنوان عمل چیز دیگری مثلاً رهن یا عاریه یا اجاره یا مضاربه است که در این موارد خود عناوین مذکوره مقصود بالذات است و به تبع آن، عینی که مورد یکی از این عناوین واقع شده، نزد طرف امانت است؛ زیرا مالک حفظ عین را به عهده‌ی طرف گذاشته است و امانت شرعیه آن است که استیلا بر عین با درخواست و اذن مالک نباشد و بر وجه ظلم و عدوان هم تحت اختیار شخص قرار نگرفته، بلکه یا قهری بوده؛ مثل این که باد یا سیل آن را داخل ملک شخص نموده بر وجهی که تحت تسلط و ید او قرار گرفته یا این که خود مالک، عین را تسلیم نموده لکن نه خودش و نه طرفی که آن را گرفته هیچ یک اطلاع نداشته‌اند؛ مثلاً صندوقی را انسان خریده و در داخل آن چیزی بوده که فروشنده خبر نداشته یا این که فروشنده و خریدار در موقع تصفیه حساب اشتباه کرده‌اند و فروشنده زاید بر حق به مشتری داده یا به عکس و یا این که تحت اختیار قرار دادن عین با اجازه‌ی شرع بوده؛ مانند لقطه یا آنچه که از دست دزد یا غاصب به عنوان حسبه (اموری که شارع

می خواهد انجام بگیرد و بلا تکلیف و ضایع نماند) گرفته برای این که به صاحبش برساند و یا این که از بچه یا دیوانه به عنوان حسیبه گرفته که حفظ نماید و البته این در موردی است که اگر در دست آنها بماند خوف تلف باشد و یا این که مال محترمی است که در معرض هلاک و تلف است؛ مثل حیوانی که در محل وجود درنده یا محل سیل واقع شده و مالکش هم معلوم است که در تمام موارد مذکوره، عین در دست کسی که بر آن استیلا دارد امانت شرعی است و باید آن را حفظ کند و در اولین فرصت به صاحبش برساند؛ هرچند مطالبه نکرده باشد و اگر قبل از این که به مالک بدهد در دست او تلف شود، ضامن نیست؛ مگر این که تفریط یا تعدی کرده باشد.



### دیگر مسایل ودیعه

س ۲۹۱۱ - کسی که در رأس مؤسسه ای عزل و نصب ها را به عهده دارد؛ چنانچه از روی علم و به عمد فرد کلاه برداری را در رأس امور مالی نگه دارد و بدین وسیله باعث خسارت و تلف شدن بیت المال شود، کدام یک از آن دو ضامن تلف شدن بیت المال هستند؟

ج - اگر به نحوی است که کلیه ی اموال تحت اختیار رئیس مؤسسه است و با علم به خیانت به دست خاین داده، هر دو ضامنند، ولی قرار ضمان بر کسی است که سوء استفاده کرده، مراجعه و از او بگیرد.



س ۲۹۱۲ - کسی که مسؤول کتابخانه‌ای در دهی بوده و تعدادی از کتاب‌ها را به مراجعان داده تا بخوانند و مراجعان آن را بر نمی‌گردانند، چه وظیفه‌ای درباره‌ی این کتاب‌های وقفی و غیر وقفی دارد؟

ج - اگر اهدای کتب به کتابخانه به نحوی باشد که بتوانند از کتابخانه بیرون ببرند، واجب است پس از مطالعه به کتابخانه برگردانند و اگر مخصوص ننگه داشتن در کتابخانه و مطالعه در آن باشد، نباید از کتابخانه خارج کنند؛ چه وقف باشد چه نباشد و در صورت اخراج باید فوراً برگردانند و مسؤول کتابخانه اگر در حفظ کتب تقصیر نکرده، ضامن نیست و الاضامن است و خلاصه اگر مسؤول کتابخانه مجاز نبوده و کتاب را به خارج داده و نیاورده‌اند، مسؤول ضامن می‌باشد و اگر مجاز بوده، گیرنده‌ی کتاب ضامن است ولی در صورت مجاز بودن، مسؤول موظف است مشخصات کسی را که کتاب می‌خواهد، بگیرد تا در صورت لزوم بتواند به او مراجعه کند و اگر عمداً مشخصات را نگرفته و طرف هم مورد اعتماد نبوده، این کار تقصیر است و ضامن می‌باشد.



س ۲۹۱۳ - اگر پولی به کسی داده شود تا وی آن را به شخصی برساند و او آن را با پول‌های خود مخلوط کند و پول امانت را از پول مخلوط بدهد، آیا اشکال دارد؟

ج - اگر مأذون باشد که مخلوط کند، مانعی ندارد و اگر مأذون نباشد، جایز نیست مخلوط کند؛ لکن چنانچه مخلوط کرده، اگر به مقدار همان وجه به شخصی که دستور داده‌اند رد کند، ذمه‌ی او بری می‌شود.



س ۲۹۱۴ - شخصی ماشین سواری خود را به کسی عاریه داده و ماشین تصادف می‌کند، آیا امانت گیرنده باید خسارت آن را بپردازد یا نه؟

ج - در صورتی که ماشین عاریه به شرط ضمان نباشد و عاریه گیرنده تقصیری در تصادف نداشته باشد، ضامن نیست و الا ضامن می‌باشد.





## هبه

□ صورت‌های مختلف رجوع هبه کننده به عین بخشیده شده

س ۲۹۱۵- کسی زمین خود را به دیگری هبه کرده ولی چون قابل کشت نبوده در آن تصرفی ننموده و به همین حال بوده تا کسی که به او هبه شده فوت کرده و پسر وی نیز در آن تصرفی نکرده و نوهی وی مدعی است که چون این زمین به پدر بزرگ او بخشیده شده زمین به او می‌رسد و مخفی نماند که آن زمین تا حال در تصرف وارثان بخشنده‌ی آن بوده است، مالک این زمین چه کسی است؟

«گلبایگانی»: به‌طور کلی هبه و بخشش قبل از قبض، ملک واهب است و بعد از قبض هم تا عین باقی است، واهب می‌تواند رجوع به عین نماید و به خود برگرداند. بلی، در هبه به ذی‌رحم بعد از قبض نمی‌تواند رجوع کند و هبه لازم است.

\* \* \*

«نکونام»: هبه‌ای که قبض نشده است، بعد از رجوع واهب و بخشنده به آن، در حکم عدم هبه است و بعد از قبض نیز تا عین آن باقی است، در صورت عدم تصرف یا تغییر در آن از جانب گیرنده‌ی هبه، واهب می‌تواند به هبه رجوع نماید و بعد از تصرف و تغییر گیرنده‌ی آن نیز واهب می‌تواند رجوع نماید، ولی واهب نسبت به خسارت و هزینه‌هایی که در هبه در

اثر تصرف و مانند آن توسط گیرنده انجام شده است، ضامن می‌باشد؛ مانند آن که زمینی را هبه کند و گیرنده در آن، کشت و کار یا ساختمان سازی یا تصرفات دیگری را داشته باشد و در آن هزینه‌ای نموده باشد، که مالک اصلی - واهب - با پرداخت خسارت و هزینه‌های وی می‌تواند به عین آن رجوع نماید.



س ۲۹۱۶ - کسی یک باب عمارت شش دانگ به دیگری بخشیده در صورتی که آن دو سال‌ها با هم در آن عمارت سکونت داشتند و مدرک بخشش به خط یکی از روحانیان در پیش بخشنده موجود است ولی دیگری این مدرک را قبول نمی‌کند و اظهار می‌دارد که بخشنده در عمارت تصرفی نداشته، حال سکونت بخشنده در عمارت تصرف محسوب می‌شود یا خیر؟

ج - اگر انتقال مرقوم به نحو صلح شرعی واقع شده باشد، صلح کننده نمی‌تواند بعد از صلح از آن برگردد و اگر به نحو هبه‌ی معوضه یا هبه به ذی رحم باشد و با سکونت واهب و متهب در خانه با اذن صریح هبه کننده اختیار تصرفات را به متهب داده باشد یا عملی که دلیل بر مسلط ساختن متهب بر عین موهوبه باشد انجام داده باشد، برگشت از آن جایز نیست و الا می‌تواند از آن برگردد. والله العالم.



س ۲۹۱۷ - زنی ملکی را به پسر خود هبه کرده به شرط این که تا زنده است بهره‌های آن ملک متعلق به خود باشد و سپس در مقام ادعا بر آمده که من چون ارزش آن را نمی‌دانستم آن را بخشیده‌ام. البته در موقع هبه کسی ارزش واقعی را کاملاً گوشزد نکرده و فرزند وی نیز برای به دست آوردن رضایت مادر وعده داده است که مخارج سفر حج او را از مال خود بلا عوض بپردازد. اکنون آن پسر



فوت کرده، تکلیف صغیران فرد در گذشته نسبت به وعده‌ی یاد شده که فقط وعده‌ی شفاهی بوده، چیست؟

ج - به طور کلی، یکی از شرایط صحت هبه قبض عین موهوبه است و در فرض سؤال، اگر عین را واهبه به موهوب له قبض نداده و در تصرف خودش بوده تا موهوب له وفات کرده، هبه باطل می‌شود و عین موهوبه مال خود واهبه است و اگر قبض داده باشد ولو به این نحو که تخلیه ید کرده یا به تصرف او داده باشد و بعد برای استفاده از منافع آن به تصرف واهبه داده شده باشد، هبه صحیح است و فرض مذکور در سؤال که خیال می‌کرده ارزش ملک زیاد نیست نیز موجب بطلان آن نمی‌شود و عمل به وعده‌ی پدر از مال صغار جایز نیست ولی کبار ورثه، اگر به وعده‌ی او عمل کنند، مستحسن و راجح است.

□ □ □ □

س ۲۹۱۸ - در هبه‌ی معوضه، اگر اقباض از یک طرف حاصل شود، آیا هبه لازم می‌شود یا خیر؟

ج - در هبه‌ی مشروطه به عوض با قبض یک طرف لزوم حاصل نمی‌شود.

□ □ □ □

س ۲۹۱۹ - آیا هبه‌ی معوضه با مرگ یکی از دو طرف پیش از اقباض دیگری باطل می‌شود یا نه؟

ج - به موت یکی از واهب یا موهوب له، هبه‌ی مقبوضه لازم می‌شود.

□ □ □ □

س ۲۹۲۰ - اگر مالی به یتیم هبه شود و سرپرست بچه آن را قبض کند، آیا هبه تحقق می‌پذیرد یا نه؟

ج - بلی، با قبض یا اذن ولی، هبه حاصل می‌شود.

□ □ □ □

س ۲۹۲۱ - آیا در هبه، قبض لازم است و در صورتی که چیز بخشیده شده در دست کسی باشد که مال به او بخشیده شده، آیا نیاز به قبض جدید دارد یا خیر؟  
ج - در فرض سؤال، قبض جدید لازم نیست.

□ □ □ □

س ۲۹۲۲ - هرگاه ولی صغیر مانند پدر و جد، چیزی را که در اختیار دارد به صغیر ببخشد، آیا نیاز به قبض دارد یا خیر؟

«گلپایگانی»: محتاج به قبض جدید نیست و احتیاط این است که ولی بعد از هبه، قصد قبض از طرف صغیر بنماید.

\* \* \*

«نکونام»: رعایت قصد مذکور لازم نیست.

□ □ □ □

س ۲۹۲۳ - هرگاه غیر ولی چیزی را به صغیر هبه کند، آیا قبض لازم است یا خیر؟  
ج - قبض لازم است و باید ولی از جانب صغیر قبض کند.

□ □ □ □

س ۲۹۲۴ - چگونه قبض در هبه محقق می‌شود؟

ج - قبض در هبه مانند قبض در بیع است که در غیر منقول مثل خانه و مغازه و باغ و نظایر این‌ها به این است که واهب رفع ید از آن‌ها کند و منافیات تصرف را برطرف سازد و به موهوب له اذن در تصرف بدهد؛ به طوری که تحت استیلائی او قرار گیرد و در منقول به این نحو است که موهوب له استقلال و استیلا پیدا کند بر چیزی که بخشیده شده به این که در دستش قرار گیرد یا به منزله‌ی گرفتن و استیلا با دست باشد؛ مثل این که واهب عین موهوبه را در دامن یا جیب موهوب له بگذارد.

□ □ □ □

س ۲۹۲۵ - آیا هبه‌ی چیزی که مشاع است صحیح است یا خیر؟

ج - بلی، صحیح است؛ چون قبض آن امکان دارد ولو به این که موهوب له مجموع را با اجازه‌ی شریک قبض کند یا شریک را در قبض حصه‌ی موهوبه از جانب خود وکیل نماید بلکه ظاهر این است که اگر موهوب له بدون اجازه‌ی شریک هم مجموع را بگیرد قبضی که شرط صحت هبه است محقق شده؛ اگرچه موهوب له نسبت به حصه‌ی شریک غاصب است.



س ۲۹۲۶ - کسی تمام املاک خود را به یکی از فرزندان خود هبه نموده و در ضمن فرزندان دیگر نیز موجود بوده‌اند ولی فرزند بی اطلاع بوده که پدر در زمان زندگی خود املاک را به او بخشیده تا این که وی به سن هجده سالگی می‌رسد و هنوز از هبه‌ی پدر اطلاع نداشته و پدر نیز همان املاک هبه شده به پسر را به دیگران می‌فروشد و پسر بعد از فروش، اطلاع حاصل می‌کند که پدر همان املاکی که به او هبه نموده بوده را به فروش رسانده و تاریخ هبه در سال ۱۳۶۱ قمری و تاریخ قباله‌های فروش پدر به دیگری در سال‌های بعد می‌باشد. آیا با هبه نمودن املاک مزبور به فرزند، مجوز شرعی برای فروش داشته است یا نه؟

ج - در صحت و تأثیر هبه، قبض و قبول شرط است. پس اگر در حال وقوع هبه، پسر صغیر بوده؛ یعنی پانزده سال نداشته و پدر ولایه‌اً از او قبض و قبول نموده، این هبه صحیح و لازم و معاملات پدر باطل است؛ مگر به امضای پسر و اگر پانزده سال داشته و هبه‌اش را قبول ننموده و یا قبض نکرده، معاملات پدر صحیح است و هبه صحیح نیست و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعی لازم است.



س ۲۹۲۷ - شخصی یک جفت قالیچه‌ی معین را به یکی از فرزندان خود بخشیده و سپس آن‌ها را فروخته، حکم آن چیست؟

ج - در فرض سؤال که هبه به ذی رحم بوده، اگر بعد از قبض فروخته، چون واهب حق رجوع به عین موهوبه نداشته، بیع او فضولی است و محتاج به امضای موهوب له است.

□ □ □ □

س ۲۹۲۸ - شخصی مقداری از ملک خود را به یکی از دختران خود بخشیده ولی آن را به تصرف دختر درنیاورده و فوت شده، آیا آن ملک مال دختر است یا دیگر وارثان نیز در آن شرکت دارند؟

ج - با فرض آن که قبض نداده، هبه باطل است و همه‌ی ورثه از آن ارث می‌برند.

□ □ □ □

س ۲۹۲۹ - زنی در حال صحت و تن‌درستی و کمال عقل اموال خود را به عموی خویش هبه‌ی شرعی نموده و پس از گذشت یک سال، زن در حال بیماری مرگ، همان اموال را به برادر پدری خود هبه نمود، آیا در این صورت، خللی در هبه‌ی اولی وارد می‌شود یا نه؟

ج - در فرض مسأله، در صورتی که در هبه‌ی اول عین موهوبه به قبض متهب داده شده، هبه صحیح و لازم است و برای هبه‌ی دوم موردی باقی نمانده و اگر در هبه‌ی اول به قبض نداده و هبه‌ی دوم را به قبض داده، هبه‌ی اول صحیح نبوده و هبه‌ی دوم صحیح است و اگر در هبه‌ی دوم هم به قبض متهب داده نشده، عین موهوبه باید بین همه‌ی ورثه تقسیم شود.

□ □ □ □

س ۲۹۳۰ - آیا در قبض عین بخشیده شده فوریت شرط است یا خیر؟

ج - فوریت شرط نیست و جایز است بین هبه و قبض موهوب فاصله‌ی بسیار باشد، لکن انتقال عین موهوبه به موهوب له از حین قبض حاصل

می‌شود. پس اگر چیزی که بخشیده شده نمائاتی داشته باشد، آن چه که قبل از قبض بوده، مال واهب است.

□ □ □ □

#### □ موارد جواز رجوع در هبه و عدم جواز آن

س ۲۹۳۱ - شخصی املاک خود را به فرزندانش می‌بخشد و خیار فسخ برای خود قرار می‌دهد، آیا صحیح است یا خیر؟

ج - جعل خیار فسخ در هبه به ذی رحم جایز نیست و شرط خلاف شرع است.

□ □ □ □

س ۲۹۳۲ - آیا در هبه‌ی معوضه تا عین باقی است واهب می‌تواند رجوع کند یا خیر؟

ج - نمی‌تواند و در این حکم تفاوتی نیست بین این که در خود هبه شرط عوض شده باشد یا این که هبه مطلق بوده و موهوب له به منظور احسان، چیزی را به عنوان عوض به واهب داده باشد.

□ □ □ □

س ۲۹۳۳ - آیا در هبه‌ی شوهر به همسر و عکس آن با باقی بودن عین، رجوع در هبه جایز است یا خیر؟

«گلبایگانی»: چنانچه قبض واقع شده باشد، اقوی عدم جواز رجوع است.

\* \* \*

«نکونام»: با تحقق قبض، رجوع جایز نیست.

□ □ □ □

س ۲۹۳۴ - جهیزیه‌ی دختر که پدر یا مادر به او داده‌اند، آیا مثل سایر ترکه‌ی اوست که شوهر از آن ارث می‌برد یا نه؟

ج - جهیزیه که به دختر داده می‌شود ظهور در هبه دارد و در این صورت،

مثل سایر ترکیه‌ی او می‌باشد و به ورثه‌ی او می‌رسد. بلی، اگر معلوم باشد که پدر آن را هبه نکرده، به ملکیت او باقی است.

□ □ □ □

س ۲۹۳۵ - هرگاه بخشنده در هبه شرط عوض کند و کسی که به او بخشیده شده آن را بپذیرد و قبض نیز واقع شود و پس از آن بخشیده شده عوض را ندهد، حکم آن چیست؟

ج - در فرض سؤال، دفع عوض بر موهوب له واجب است. پس اگر عوض را داد، هبه‌ی اولی لازم می‌شود و اگر نداد، واهب حق رجوع دارد.

□ □ □ □

س ۲۹۳۶ - شخصی مال خود را به ارحام خود هبه نموده و بعضی از آن را تسلیم کرده، آیا نسبت به مقدار تسلیم نشده می‌تواند رجوع کند یا خیر؟

ج - بلی، در آن چه تسلیم نکرده می‌تواند رجوع کند.

□ □ □ □

س ۲۹۳۷ - در هبه‌ی غیر معوضه که به ارحام و میان شوهر و همسر نیز نبوده اما بخشنده به نیت قربت آن را هبه نموده و قبض نیز حاصل شده، چنانچه عین بخشیده شده باقی باشد، آیا بخشنده حق رجوع دارد یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، واهب نمی‌تواند رجوع کند.

□ □ □ □

س ۲۹۳۸ - معلوم است که در هبه هرگاه عین بخشیده شده تلف شود، بخشنده حق رجوع ندارد، حال اگر کسی که مال به او بخشیده شده عین را فروخته یا به دیگری بخشیده باشد یا عین بخشیده شده تغییر کرده باشد، حکم آن چیست؟

ج - تصرف ناقل مانند بیع و هبه ملحق به تلف است و تغییر، اگر به نحوی باشد که صدق کند شیء موهوب به عین باقی نمانده، مثل گندم که آرد شده باشد یا آرد که نان شده یا پارچه که رنگ شده و نحو این‌ها، به حکم

تلف است، ولی اگر تغییری باشد که صدق کند موهوب بر جای مانده مانند لباس که موهوب له آن را پوشیده باشد یا حیوان که سوار بر آن شده یا به آن علف و آب داده، واهب حق رجوع دارد.



س ۲۹۳۹ - هرگاه کس که به او چیزی بخشیده شده است، عوض هدیه را به بخشنده بدهد، آیا لازم است بخشنده آن را بپذیرد یا خیر و چنانچه آن را پذیرفت، آیا هبه لازم می‌شود و دیگر هیچ یک از دو طرف نمی‌تواند به آنچه بخشیده رجوع کند یا خیر؟

ج - بر واهب قبول عوض هبه واجب نیست ولی اگر قبول کرد، هبه لازم می‌شود و نمی‌تواند به آنچه بخشیده رجوع نماید ولی عدم جواز رجوع موهوب له به آنچه که به عنوان عوض داده، مورد اشکال است.



س ۲۹۴۰ - در موردی که بخشنده حق رجوع دارد، هرگاه برای چیز بخشیده شده نمای منفصلی مانند میوه و جنین و شیر در پستان باشد که بعد از عقد هبه و قبض ایجاد شده باشد، نمای آن به چه کسی تعلق دارد و اگر هدیه حیوانی باشد که چاق شده، حکم آن چیست؟

ج - نماءات منفصله مال موهوب له است و به واهب برنمی‌گردد و واهب فقط عین موهوبه را می‌تواند پس بگیرد و در موردی که حیوان موهوب چاق شده، واهب حق رجوع ندارد؛ مگر این که چاقی بسیار کم باشد.



س ۲۹۴۱ - در مورد هبه به غیر ارحام و هبه‌ای که عوض ندارد، هرگاه بخشنده بعد از این که چیز بخشیده شده را به دیگری تحویل دهد و از دنیا برود، چنانچه عین باقی باشد، آیا وارثان او حق رجوع به عین دارند یا این که هبه لازم می‌شود و

نیز در فرض مذکور، اگر کسی که به او هدیه داده شده از دنیا برود، آیا بخشنده حق رجوع دارد یا نه؟

ج - در فرض سؤال، هبه لازم می‌شود و چنانچه واهب از دنیا برود، ورثه‌ی او حق رجوع به موهوب را ندارند و اگر موهوب له از دنیا برود، عین موهوبه به وراثت او منتقل می‌شود و واهب حق رجوع ندارد.

□ □ □ □

#### □ جواز رجوع در هبه در صورت بقای عین موهوبه

س ۲۹۴۲ - شخصی هبه‌ای را که عوض ندارد به غیر ارحام داده و عین آن باقی است، آیا وی می‌تواند هبه را به هم بزند و عین را برگرداند یا نه؟  
ج - اگر غیر ذی رحم باشد و هبه بین زوج و زوجه نباشد، می‌تواند به عین موهوبه رجوع کند.

□ □ □ □

س ۲۹۴۳ - شخصی چند سال پیش اموال خود را به یک نفر هبه نموده و چون فرزندی ندارد و هیچ‌گونه شرطی در محضر ننموده و در غیر محضر نیز قید و شرطی ذکر نکرده، بعد از چند سال دیگر به موهوب له گفت اموال مرا که به شما دادم هزینه‌ی حمام محل نمایید و پس از چندی فوت کرد، حال تکلیف چیست؟  
ج - در فرض مسأله، اگر به عنوان هبه ملک مزبور را منتقل کرده، چون تا عین موهوبه باقی است، واهب می‌تواند رجوع کند. بعید نیست این که گفته به مصرف حمام برسانند رجوع باشد و اگر وارث دارد، احوط آن است با اذن ورثه به مصرف حمام برسانند. بلی، اگر موهوب له ذی رحم بوده، بعد از قبض، رجوع اثری ندارد.

□ □ □ □



## دیگر مسایل هبه

س ۲۹۴۴ - شخصی فوت نموده و برای همسر خود لباسی خریده ولی دانسته نمی‌شود که وی آن را به زوجه تملیک کرده یا نه، آیا آن لباس‌ها را باید به زن داد یا از اصل مال است و همچنین لباس‌هایی که زن تا به حال نپوشیده است چه حکمی دارد؟

ج - آن‌چه را معلوم است که به زن خود بخشیده، مال زن است و آن‌چه را که معلوم نباشد به زن بخشیده، جزو ترکه‌ی میت است و کما فرض الله تقسیم می‌شود و فرقی بین لباس پوشیده و نپوشیده نیست.

□ □ □ □

س ۲۹۴۵ - زنی باغی را بدون منافع آن تازمانی که زنده است به پسر خود بخشیده و پسر فوت کرده، آیا درختان غیر میوه‌دار آن باغ که بعد از آن قطع گردیده و فروخته شده جزو عواید ملک محسوب می‌شود و بنابراین، متعلق به مادر است یا عین محسوب می‌شود که در نتیجه به وارثان فرزند می‌رسد؟

ج - با فرض آن که باغ مشجر را مسلوب المنفعة مادام الحیات هبه کرده، ظاهر آن است که اشجار نیز ملک موهب له است.

□ □ □ □

س ۲۹۴۶ - آیا هبه نمودن مال در بیماری مرگ صحیح است یا خیر؟  
«گلبایگانی»: اقوی صحت است؛ هرچند زاید بر ثلث باشد.

\* \* \*

«نکونام»: درست است؛ هرچند بیش از یک سوم از اموال باشد.

□ □ □ □

س ۲۹۴۷ - آیا بخشیدن منافع و بدهی صحیح است یا خیر؟

ج - شرط است در موهوب که عین باشد؛ بنابراین هبه‌ی منافع صحیح نیست و اما دین، پس اگر به خود مدیون هبه شود، صحیح است و

فایده‌اش ابرای ذمه‌ی مدیون است و احوط این است که مدیون قبول کند؛ اگرچه در ابرای بدون هبه اقوی عدم اعتبار قبول است ولی هبه‌ی دین به غیر مدیون صحیح نیست.



س ۲۹۴۸ - مراد از هبه‌ی معوضه چیست؟

ج - هبه‌ی معوضه هبه‌ای است که در آن شرط عوض شده باشد؛ اگرچه موهوب‌له بعد از هبه عوضی ندهد و هم‌چنین هبه‌ای که موهوب‌له عوض آن چیزی بدهد؛ اگرچه در هبه شرط عوض نشده باشد.



س ۲۹۴۹ - هرگاه در هبه شرط عوض شود ولی عوض تعیین نشود، وظیفه‌ی کسی که مال به او بخشیده شده چیست؟

ج - در فرض سؤال، چنان‌چه واهب و آن که به او هبه شده اتفاق بر مقدار معینی بکنند، موهوب‌له لازم است همان مقدار متفق علیه را بدهد و اگر اتفاق نکنند، واجب است موهوب‌له به مقدار عین موهوبه مثل یا قیمت آن را به عنوان عوض بدهد.



س ۲۹۵۰ - آیا در هبه‌ای که در آن شرط عوض شده لازم است کسی که به او هدیه داده شده در برابر چیزی را به بخشنده هبه کند یا منظور شرط شدن عوض است اگرچه عوض عنوان هبه نداشته باشد؟

ج - منظور اشتراط عوض است؛ اگرچه عوض، صلح مال یا حقی باشد. پس اگر واهب شرط کند که موهوب‌له مالی یا حقی را به او صلح کند، صحیح است و چنان‌چه بر طبق شرط، مال یا حقی را به عنوان عوض به واهب صلح نمود و او هم قبول کرد، هبه معوضه است و واهب حق رجوع ندارد و هم‌چنین است اگر واهب شرط کند که موهوب‌له به عنوان

عوض، حقی را که بر ذمه‌ی او دارد ابرا کند یا کاری برای او انجام دهد که در این صورت، وقتی موهوب له ذمه‌ی واهب را از آن حق ابرا کرد یا آن کار را برای او انجام داد، هبه‌ی معوضه واقع شده و واهب حق رجوع ندارد.

□ □ □ □

س ۲۹۵۱ - رجوع در هبه چگونه محقق می‌شود؟

ج - رجوع یا به قول است مثل این که بگوید رجوع کردم و یا به فعل، مثل این که آن چه را بخشیده از دست موهوب له بگیرد یا آن را بفروشد یا اجاره دهد یا رهن بگذارد؛ در صورتی که این کارها را به قصد رجوع انجام دهد.

□ □ □ □

س ۲۹۵۲ - آیا در موقع رجوع در هبه لازم است کسی که به او بخشیده شده از آن آگاه باشد یا خیر؟

ج - اطلاع موهوب له لازم نیست و همین که انشای رجوع کند؛ هر چند بی اطلاع او باشد، صحیح است.

□ □ □ □



## قسم و نذر

### □ متعلق قسم

س ۲۹۵۳ - متعلق قسم باید دارای رجحان باشد یا دست کم مباح بوده و دو طرف آن برابر باشد، حال اگر کسی قسم بخورد و به زن خود بگوید چنانچه به فلان محل بروی با وجودی که کار واجبی نیز در آن محل نداری، تو را خواهم زد، آیا این گونه قسم منعقد می شود یا نه و بر فرض انعقاد، تا چه میزان باید زن خود را کتک بزند؟

ج - در وقتی عمل به این قسم لازم است که رفتن به آن محل عمل منکر باشد و ترک آن منکر موقوف به زدن و قسم هم به لفظ جلاله باشد و در این صورت می تواند مقداری بزند که موجب دیه نشود.

□ □ □ □

### □ صیغهی نذر

س ۲۹۵۴ - کاسبی نذر می کند پنج درصد از درآمد کسب او برای حضرت عباس علیه السلام باشد و چنین گفته: یا ابوالفضل العباس، اگر من از این کسب استفاده کنم، صدی پنج از این درآمد مال جناب شما باشد، اما صیغهی مخصوصی را که در نذر شرط است (لله علیّ کذا) تلفظ ننموده، آیا وی ملزم است به این نذر عمل نماید یا نه و اگر صیغهی نذر را می گفت آیا می توانست آن را در مطلق امور خیر

هزینه نماید یا باید آن را در همان مصرفی که در نظر داشته صرف کند.

«گلبایگانی»: در فرض مذکور وفای به نذر واجب نیست و اگر ناذر بخواهد در هر راه خیری آن را به قصد اهدای ثواب آن به حضرت ابی الفضل العباس علیه السلام صرف نماید خوب است و در نذر صحیح غیر از آن چه در نظر گرفته خلاف احتیاط است.

\* \* \*

«نکونام»: در تحقق نذر شرعی، صیغه‌ی عربی مخصوص و لفظ جلاله - لله علی کذا - شرط نیست؛ بلکه لفظ غیر عربی - به هر زبانی که باشد - در صورتی که معنا را برساند، کافی است؛ همان‌طور که با لفظ غیر «الله» از دیگر اسمای الهی نیز صورت می‌پذیرد.

□ □ □ □

س ۲۹۵۵ - گاه مبلغی را به سید می‌دهند به این عنوان که نذر سید است، آیا لازم است سید از چگونگی نذر بپرسد تا دریابد نذر وی شرعی بوده یا نه و در صورتی که بعد برای وی معلوم شود که آن نذر به صیغه خواندن واجب العمل نبوده می‌تواند آن پول را بگیرد یا نه؟

ج - می‌تواند بگیرد؛ هرچند واجب الوفا نباشد.

□ □ □ □

س ۲۹۵۶ - نذرهایی که صیغه‌ی آن تمام و شرعی نیست و اشتباه خوانده شده یا در دل نیت شده یا صیغه‌ی آن به کنایه خوانده شده آیا لازم است به آن عمل شود یا نه؟

«گلبایگانی»: در صورتی که صیغه صحیح تمام که ظهور داشته باشد نخوانده‌اند، نذر منعقد نمی‌شود و عمل به آن لازم نیست.

\* \* \*

«نکونام»: نذر به صیغهی خاصی نیاز ندارد و همان گونه که نیت شده، واقع می شود.

□ □ □ □

س ۲۹۵۷ - شخصی یک تخته قالیچه نذر امامزاده کرده تا حرم وی را فرش کند و حال متوجه شده که فردی لایبالی خادم و متولی امامزاده است که نذورات آن هزینهی تهیهی مواد مخدر می کند، در این صورت وظیفه چیست؟  
«گلپایگانی»: در صورتی که صیغهی شرعی صحیح نخوانده، اختیار با خود صاحب فرش است و اگر صیغهی شرعی صحیح خوانده، باید عمل به نذر خود کند.

\* \* \*

«نکونام»: هر چند صیغهی نذر را به صورت صحیح نخوانده باشد، باید به نذر خود عمل کند.

□ □ □ □

#### □ کفاره‌ی مخالفت با نذر

س ۲۹۵۸ - شخصی نذر کرده سوره‌ی معینی در نماز مشخصی بخواند و آن سوره را به عمد ترک کرده، آیا کفاره بر او لازم است یا نه؟  
ج - در صورتی که نذر صحیح نموده باشد، کفاره بر او لازم است.

□ □ □ □

س ۲۹۵۹ - شخصی نذر کرده که اگر صاحب خانه شود، شب عاشورا به خادمین تکیه و مسجد شام بدهد و چند سال نیز به نذر خود عمل کرده اما با توجه به بدی رفتار خادمین نزدیک به پنجاه سال است که انجام آن را ترک نموده، آیا وی باید یک کفاره بدهد یا پنجاه کفاره؟

ج - اگر هر یک از شبها را بالخصوص تحت نذر قرار داده، پنجاه کفاره

لازم است و الا یک کفاره و در صورت شک در کیفیت، زاید بر یک کفاره واجب نیست.



س ۲۹۶۰ - شخصی نذر کرده که چهار روز از آخر ماه شعبان را روزه بگیرد و چهار روز روزهی قضای ماه مبارک رمضان نیز بر عهده دارد و به آن توجهی نداشته تا این که چهار روز باقی مانده به ماه مبارک رمضان آن را به یاد آورده، در این صورت، آیا قضای ماه مبارک رمضان مقدم است یا نذر معین؟

ج - در فرض مسأله، قضای ماه مبارک رمضان را بجا آورد و ترک عمل به نذر چون عمدی نبوده، کفاره ندارد، لکن احوط قضای آن است بعد از ماه مبارک.



س ۲۹۶۱ - تأخیر در ادای نذر در صورت فراموشی یا عمد چه حکمی دارد؟

ج - در صورتی که نذر مشروع در وقت معینی باشد و عمدا در وقت آن را انجام ندهد، باید یک بنده آزاد کند یا شصت مسکین را اطعام کند یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد و احتیاطا در وقت دیگری آن را انجام دهد و اگر از روی فراموشی باشد، احتیاطا در وقت دیگر آن را انجام دهد و چیزی بر او نیست و کفاره ندارد.



#### □ رجحان نداشتن عمل به نذر

س ۲۹۶۲ - آیا می شود نذرهایی که از زمان قدیم موردی مانند آش پختن دارد و در حال حاضر چنین هزینه‌هایی جز اسراف و بی‌احترامی فایده‌ی دیگری ندارد را به صورت بهتری در آورد یا نه؟

ج - چنان چه عمل به نذر بر طبق گذشته فعلا رجحان ندارد، الزامی به عمل به آن نیست و تبدیل به احسن اشکالی ندارد.





س ۲۹۶۳ - شخصی نذر نموده که اگر موفق شد کاری را انجام دهد مبلغی را به فقیر بدهد اما با انجام آن کار بده کار شده و نمی تواند آن مبلغ را بپردازد، حال تکلیف وی چیست؟

ج - اگر نذر صحیح و شرعی نموده، با تمکن واجب است مبلغ مزبور را بپردازد و با عدم تمکن معذور است و دین مقدم بر نذر است و احتیاطا هر وقت متمکن شد، تدارک نماید.



س ۲۹۶۴ - گوسفندی نذری مخصوص قربانی روز عید قربان است، چون زیاد چاق شده است و نمی تواند گردش نماید ناراحت است، آیا می شود آن را فروخت و درآمد آن را به جبهه داد یا آن را تبدیل نمود یا خیر؟

ج - اگر نذر شرعی باشد تا آن جا که ممکن است باید نگه داری شود، هر وقت در معرض تلف شد تبدیل نمایند، و اگر نذر شرعی نباشد، مختارند هر نحو عمل کنند.



س ۲۹۶۵ - شخصی با شرایط معتبر نذر نموده که گوسفندی قربانی کند، پس از انعقاد نذر و پیش از وفای به آن مادر او نیز نذر می کند که یک هزار تومان به نذر فرزندم قیمت آن گوسفند کمک می کنم، آیا اگر در وقت وفای به نذر هزار تومان از مادر بگیرد و بقیه را خود بپردازد، به هر دو نذر وفا شده یا نه؟

ج - اگر به این نحو نذر کند که یک هزار تومان به پسر خود بدهد که او به نذر خود عمل نماید، اشکال ندارد ولی اگر به این صورت باشد که شریک نذر پسر گردد، صحیح نیست.



س ۲۹۶۶ - کسی که نذر کرده یک رأس گوسفند معین را در روز معین ذبح نموده و به مردم نهار بدهد، اما چون آن گوسفند لاغر است، آیا می‌تواند با گوسفند چاق عوض کند و گوسفند چاق را ذبح کند یا نه؟  
ج - نمی‌تواند عوض کند.



س ۲۹۶۷ - کسانی که اطعام برنج و روغن نذر دارند و با کمبود آن مواجه‌اند، چه وظیفه‌ای دارند؟  
ج - اگر قدرت دارند گران‌تر بخرند و به نذر خود عمل کنند، و اگر قدرت ندارند، احتیاط آن است که هرچه می‌توانند بدهند.



س ۲۹۶۸ - شخصی ذبح گوسفند نر را نذر نموده و گوسفند را با اطمینان به نر بودن ذبح می‌نماید، ولی پس از ذبح معلوم می‌شود که ماده است، وظیفه‌ی وی چیست؟

ج - در صورتی که نذر به نحو شرعی به نحوی که در رساله‌های عملیه مرقوم است، صیغه‌اش خوانده شده، باید طبق آن عمل شود و گوسفند ماده مجزی نیست، مگر این که گوسفند مشخص و معینی را به تصور این که نر است مورد نذر قرار داده باشد و پس از ذبح کشف خلاف شود که در این صورت مجزی است.



س ۲۹۶۹ - نذوراتی که برای امام‌زاده می‌دهند و اوقاف در آن‌جا نظر ندارد، آیا مؤمنان می‌توانند برای فقیران مصرف کنند یا خیر؟  
ج - در صورتی که به‌طور صحیح نذر کرده باشند، به مصرف امام‌زاده و خادم آن برسانند.



س ۲۹۷۰ - آیا می‌توان نذورات امامزاده‌ها را برای جبهه پرداخت نمود؟

ج - نذورات امامزاده را در غیر تعمیرات و خدمه‌ی امامزاده جایز نیست صرف نمایند.



س ۲۹۷۱ - در این زمان با توجه به وجود برق در همه جا، اگر کسی برای امامزاده شمع نذر کند، آیا نذر وی منعقد می‌شود یا نه و چنانچه آن را بجا نیاورد، آیا باید كفاره بپردازد یا نه؟

«گلپایگانی»: چون بعضی صور این عمل معنون به بعضی عناوین راجحه می‌شود احتیاط آن است که مطلقاً به نذر مذکور وفا نماید. البته، در صورتی که نذر صحیح کرده باشد.



«نکونام»: اگر وی نذر شرعی انجام داده، روشن کردن شمع چون زمینه‌ی عاطفی و معنوی دارد، انجام ندادن آن سبب وجوب كفاره می‌شود.



#### □ تبدیل عین مورد نذر

س ۲۹۷۲ - گوسفندی که برای قربانی حضرت اسماعیل ع‌ا‌س اسم برده شده لاغر است و قابل استفاده نیست، آیا می‌شود آن را فروخت و به جای آن گوسفند دیگری برای سال دیگر تعیین نمود یا خیر و در صورتی که برای آن حیوان هزینه کنند تا فربه شود، آیا می‌شود چیزی از گوشت قربانی را بابت آن هزینه برداشت یا نه؟

«گلپایگانی»: در صورتی که نذر صحیح با صیغه‌ی شرعی عربی یا فارسی واقع شده باشد، واجب است عین همان گوسفند را قربانی کنند و گوسفند دیگر مجزی نیست و بر فرض تحمل مخارج، نمی‌توانند از گوشت جبران کنند.



«نکونام»: نذر نیاز به صیغهی خاصی ندارد و در هر حال باید به آن چه در پاسخ آمده است عمل نماید.

□ □ □ □

س ۲۹۷۳ - شخصی گوسفندی را برای قربانی نذر کرده و هنوز به نذر عمل نکرده که می‌میرد و دو بچه‌ی صغیر دارد و مادر آنان به سبب نیاز آن گوسفند را فروخته و قیمت آن را به مصرف صغیران رسانیده، آیا کار وی جایز بوده یا نه و در صورتی که جایز نبوده، آیا می‌تواند به جای گوسفند فروخته شده گوسفند دیگری تهیه نماید یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر نذر صحیح با صیغهی شرعیه بوده، مادر صغیرها از ملک خودش به ارزش آن گوسفند، گوسفند دیگری بخرد و به مصرف نذر شوهر برساند و اگر عین گوسفند باقی باشد، خود آن را پس بگیرد و به مصرف نذر برساند.

\* \* \*

«نکونام»: نذر نیاز به صیغهی خاصی ندارد و وی باید به پاسخ داده شده در متن عمل نماید.

□ □ □ □

س ۲۹۷۴ - شخصی چیزی را در راه حضرت عباس علیه السلام به صورت مطلق نذر کرده، آیا می‌شود عین یا قیمت آن را به سیدی بدهد یا خیر؟  
ج - اگر نذر صحیح کرده‌اند، باید آن چه نذر کرده بدهد و قیمت آن کافی نیست. بلی، می‌تواند آن را به سید بدهد و بعد از او بخرد.

□ □ □ □

س ۲۹۷۵ - کسی نذر می‌کند در دهه‌ی عاشورا به عزاداران برنج اطعام کند، آیا وی می‌تواند خشک‌ه‌ی آن را به فقیران بپردازد یا نه؟

«گلبایگانی»: در صورتی که نذر صحیح کرده و صیغهی عربی یا فارسی خوانده باشد، همان نحو که نذر کرده، معمول دارد.

\* \* \*

«نکونام»: نذر نیاز به صیغه ندارد و با نیت نذر نیز منعقد می‌شود و باید به همان گونه که نذر کرده است عمل نماید.



س ۲۹۷۶ - شخصی نذر نموده قطعه زیلویی برای مسجدی بدهد، آیا می‌تواند یک تخت قالی به جای آن بپردازد یا نه و نیز در صورتی که کسی بزغاله نذر کند و به جای آن بره‌ای بکشد، به نذر خود وفا نموده یا نه؟

ج - اگر نذر صحیح شرعی باشد، باید آن را که نذر کرده بدهد و همان را که نذر کرده بکشد.



#### □ تغییر مصرف در نذر

س ۲۹۷۷ - مبلغی پول نذر امام‌زاده‌ای شده ولی برای آن امام‌زاده فایده‌ای ندارد، چون در آن همیشه بسته است، آیا می‌توان از این پول چیزی برای هیأت بخریم یا نه؟

ج - با فرض این که به نحو صحیح نذر کرده برای امام زاده، باید به مصرف آن برسانند و از جمله مصارف اجرت خادم است که در را باز کند و امام‌زاده را معمور نگاه دارد.



س ۲۹۷۸ - کسی چندین سال به نذر خود عمل نموده، آیا وی می‌تواند آن نذر را تغییر دهد یا نه و برای نمونه، در رفسنجان رسم است افراد برای هر سال مقداری گندم با گوسفند نذر می‌نمایند تا از آن حلیم درست کنند و می‌گویند حلیم را نذر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام نموده‌ایم، آیا می‌شود با پول آن هر ساله مجلس روضه‌خوانی بپا نمود یا نه؟

ج - در صورتی که صیغه‌ی نذر به نحو شرعی خوانده باشد، تغییر جایز

نیست و لکن غالب مردم صیغه‌ی شرعی نمی‌خوانند و لذا نذر منعقد نمی‌شود، بنابراین، مختار است در تغییر یا ترک عمل به آن.



س ۲۹۷۹ - شخصی فرش یا چیز دیگری را برای مسجد نذر می‌کند و سپس آن را به مسجد می‌برد و مورد استفاده قرار می‌گیرد و کسی را متولی آن قرار نداده، آیا این عمل وقف است یا نه و آیا نذر کننده می‌تواند تصرف و تغییری در آن چیز را داشته باشد یا خیر؟

ج - شیء مذکور ملک مسجد می‌شود و وقف نیست و شخص ناذر پس از وفای به نذر، حقی به آن ندارد و نمی‌تواند تغییری در آن بدهد و چون در نذر، معین نکرده که امر آن با شخص معین باشد، حاکم شرع از باب حسبه ولایت بر آن دارد.



س ۲۹۸۰ - افرادی در دهه‌ی محرم چیزهایی مانند قند، شکر، چای و آرد برای دور دیگ را نذر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام نموده و آن را تحویل امین مسجد و یا حسینیه داده‌اند و گاه این امور از مصارف روضه خوانی زیاد می‌آید و به مصرف نمی‌رسد و اگر بخواهند عین آن را برای عاشورای بعد نگاه دارند، از بین می‌رود، آیا می‌شود آن اشیا را به مستحق شرعی داد و یا آن را فروخت و بهای آن را صرف نیازهای حسینیه نمایند و یا در روضه‌خوانی در غیر آن زمان هزینه نمود یا قیمت آن را نگه داشته تا در سال آینده مثل همان اشیا را جهت مصرف خریداری کرد یا نه؟

ج - اگر اشیای مذکوره را برای آن می‌دهند که در دهه‌ی محرم صرف شود و از قراین معلوم باشد که مقید به صرف آن در خصوص محرم سال جاری نیست، عین مازاد را اگر ممکن است نگاه دارند و الا بفروشند و قیمت آن را سال دیگر در دهه‌ی محرم به مصرف برسانند و اگر نظر

مخصوص به دهه‌ی محرم سال جاری داشته‌اند، باید از دهندگان آن برای صرف در محل دیگر اذن بگیرید.



س ۲۹۸۱ - شخصی نذر شرعی نموده که نصف منافع یک رأس گاو معین مال خود را همه ساله در ماه صفر در خانه‌ی خود یا در تکیه صرف عزاداری حضرت عباس علیه السلام نماید و سپس از او اولاد ذکورش به نحو مذکور صرف نمایند، آیا آنان می‌توانند منافع آن را در غیر ماه صفر به مبلغانی که ترویج دین می‌نمایند و یا در عزاخانه و تکیه‌ای که در نذر خود معین نموده صرف نماید و دیگر آن که ظروف و اشیایی که برای عزاداری حضرت عباس علیه السلام از این منافع خریده است آیا می‌تواند در مجالس عروسی و امثال آن مورد استفاده قرار بدهد یا نه؟  
ج - با فرض آن که نذر شرعی نموده در غیر مورد و در غیر زمانی که نذر کرده نمی‌تواند مصرف کند و اشیایی که از منافع منذور برای عزاداری خریده شده جایز نیست، در غیر عزاداری از آن‌ها استفاده شود.



#### □ نذر بدون اجازه‌ی شوهر یا والدین

س ۲۹۸۲ - چنانچه زن در غیاب شوهر و یا با عدم اطلاع و یا با عدم رضایت او نذر کند، در صورتی که مال منذور از شوهر باشد و یا مشترک و یا از مال مختص به زن از قبیل ارث و یا اجرت کاری که از شوهر می‌گیرد، چه صورت دارد؟  
«گلپایگانی»: نذر زوجه بدون اذن شوهر صحیح نیست؛ هرچند در مال خودش باشد.



«نکونام»: چنانچه زن از خود مالی دارد که نذر آن بر موقعیت شوهر اجحافی را پیش نمی‌آورد نذر وی جایز است؛ اگرچه شوهر به آن ناراضی باشد.



### □ نهی والدین از متعلق نذر

س ۲۹۸۳ - هرگاه پدر یا مادر فرزند را از عمل به نذر نهی کنند، چه حکمی دارد؟  
 ج - پدر و مادر نمی‌توانند فرزند را از نذر نمودن یا از عمل مندور از آن جهت که متعلق نذر شده نهی کنند. بلی، می‌توانند از نفس عملی که مورد تعلق نذر شده نهی نمایند؛ یعنی در موردی که مثلاً فرزند نذر کرده روزه بگیرد، اگر پدر یا مادر به فرزند بگویند که این نذر عمل نکن منحل نمی‌شود و اگر بگویند روزه نگیر، منحل می‌شود.

□ □ □ □

### دیگر مسایل نذر

س ۲۹۸۴ - آیا از وجوه نذوراتی که به نام هیأت روضه خوانی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام داده می‌شود، می‌توان در تعمیر مسجد هزینه کرد یا نه؟  
 ج - اگر صاحبان آن‌ها مصرف خاصی را معین نکرده باشند و اجازه‌ی صرف در مطلق خیرات داده باشند، جایز است صرف در تعمیر مسجد نمایند تا ثواب آن هدیه‌ی آن جناب باشد.

□ □ □ □

س ۲۹۸۵ - زنی مدت چهار سال است به دیوانگی دچار شده؛ به طوری که عملیات او بر خلاف عقل است و شوهر وی قصد دارد یک جفت قالیچه از مال آن زن برای مسجد وقف نماید به نیت آن که خداوند به او شفا مرحمت فرماید، آیا این عمل از لحاظ شرعی جایز است؟

ج - با فرض آن که مجنون است، نذر خودش صحیح نیست و نذر غیر هم در مال مجنون صحیح نیست؛ هرچند ولی شرعی باشد.

□ □ □ □



س ۲۹۸۶ - شخصی یک گوسفند ماده را نذر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام کرده، آیا نذر مادر شامل بره‌های آن نیز می‌شود یا نه و در صورت اطلاق، آیا می‌شود آن را به سادات داد یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر نذر نتیجه کرده باشد؛ مثل این که نذر کند که گوسفند ملک حضرت ابی‌الفضل علیه السلام باشد، نتاج آن نیز تابع گوسفند است و اگر نذر فعل باشد، به این که نذر کرده این گوسفند را در راه حضرت ابی‌الفضل علیه السلام بدهد، در صورتی که موقع نذر غیر از خود گوسفند چیزی ذکر نکرده، نتاج خارج است و اگر مصرف نذر مطلق باشد، دادن به سادات نیز جایز است.

\* \* \*

«نکونام»: نذر گوسفند شامل بره‌ی آن نمی‌شود و می‌توان آن را به سادات داد.

□ □ □ □

س ۲۹۸۷ - شخصی نذر کرده که انگشتر طلایی برای نمونه به زنی سید داده شود و پیش از ادای نذر، آن زن مورد نظر می‌میرد ولی شوهر و چند فرزند دارد که یکی از آنها صغیر است، تکلیف نذر کننده چیست؟

«گلبایگانی»: اگر نذر کرده که مالی را به او بدهد و پیش از ادا، کسی که برای او نذر کرده فوت نموده باشد، وجوب ادا به ورثه‌ی او معلوم نیست، لکن احوط است و اگر نذر کرده که چیز معینی مال او باشد، اقوی آن است که به فوت منذور لها به ورثه‌ی او منتقل می‌شود.

\* \* \*

«نکونام»: از آن‌جا که موضوع نذر منتفی شده است، واجب نیست آن را به وارثان وی بپردازند.

□ □ □ □

س ۲۹۸۸ - شخصی نذر نموده که آن چه گوساله‌ی نر از گاوی معین به عمل آید را ذبح نماید و گوشت آن را میان فقیران تقسیم نماید و ثواب آن برای حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام باشد و هر گوساله‌ای که ماده باشد، آن را نگاه دارد تا زیاد شود، اکنون مدت چندین سال است که نذر کننده فوت کرده و دختری از او باقی مانده که خود دارای دو دختر صغیر است و شوهر او فوت کرده است و وضع مالی او مناسب نیست و با گرفتن قرض از دیگران دو دختر صغیر خود را اداره می‌کند و قدرت نگه‌داری گاوهای مذکور را ندارد و احتمال گم شدن یا مردن آن گاوها می‌رود، آیا در این صورت آن دختر می‌تواند گاوها را به فروش رساند و بهای آن را قرض بردارد که در هر ماه مقداری از بدهی خود را بپردازد یا نه؟

ج - در فرض مسأله که پدر نذر کرده تا زمانی که زنده بوده، عمل به نذر بر او واجب بوده و بعد از فوت، گاوها مال وارث می‌شود و ادامه‌ی عمل او بر وارث واجب نیست. بلی، گاوهای نر که در حال زنده بودن ناذر بر او واجب بوده که بکشند و به فقرا تقسیم کند، اگر نکشته، واجب است بعد از موت، آن‌ها را بکشند و به فقرا تقسیم نمایند، ولی آن چه بعد از موت پدر پیدا شده، مال خود وارث است و وارث می‌تواند هر گونه تصرفی در آن بنماید.



س ۲۹۸۹ - شخصی در زمان حیات خود نذر نموده محصول نصف یک قطعه باغ انگور و درختان خود را به مصرف روضه‌خوانی برساند، حال با توجه به این که باغ هیچ گونه عایدی ندارد تا هزینه‌ی خود را تأمین کند، آیا می‌توان آن را فروخت یا نه؟

ج - در فرض سؤال که نذر فعل نموده، بعد از فوت بر وارث لازم نیست عمل به نذر؛ مگر آن که وصیت نموده باشد به عمل به نذر مذکور که در این صورت لازم است بر طبق وصیت عمل نماید؛ اگر زاید بر ثلث نباشد و یا در صورتی که زاید بر ثلث باشد، ورثه امضا نموده باشند. و با فرض

وصیت و لزوم عمل، جایز نیست عین را بفروشند؛ بلکه منفعت آن را هر مقدار ممکن است به مصرف روضه خوانی برسانند و چنانچه به هیچ نحو ممکن نیست، موضوع وصیت منتفی است و عین متعلق به ورثه است و می توانند برای خود بفروشند.



س ۲۹۹۰ - شخصی نذر کرده ولی فراموش نموده نذر وی به انجام چه کاری بوده است و نیز نمی داند آیا نذر کرده آن عمل را در جای مخصوصی انجام دهد یا در هر جایی که شد، حال وظیفه‌ی وی چه شد؟

ج - اگر شک کند که کدام بوده، هر دو را بجا آورد و احتیاطاً در همان جای مخصوص انجام دهد و اگر در نذر، صیغه‌ی شرعی نخوانده، ملزم به وفای نذر نیست.



س ۲۹۹۱ - کسی نذر کرده که همه روزه زیارت عاشورا بخواند، آیا این نذر به زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام منصرف است یا کافی است تنها متن زیارت عاشورا را بخواند؟

ج - ظاهر آن است که با لعن و سلام باشد؛ مگر آن که در نظر ناظر متن بدون صد لعن و سلام باشد.



س ۲۹۹۲ - اگر کسی برای مسجدی نذر کرده باشد که هرگاه پولی داشتم مثلاً مسجد را سفید کنم و پیش از شروع آن شخص دیگری آن کار را انجام دهد، آیا می شود پول آن را به مصرف دیگری مانند خرید زیلو در همان مسجد برساند یا خیر؟

ج - در فرض مذکور، موضوع نذر منتفی شده، چیزی بر او واجب نیست و اگر بخواهد تبرعاً مبلغی را که نذر کرده صرف زیلو و جهات دیگر مسجد نماید، مختار و مأجور است.



س ۲۹۹۳ - شخصی یک رأس گاو با عواید آن و به همین ترتیب نتاجش جهت باب الحوائج حضرت عباس علیه السلام نذر نموده که در عزاداری او هزینه شود ولی ناذر فوت نموده و متولی هم تعیین ننموده، آیا این نذر صحیح است یا خیر و بر فرض صحت، مصرف آن چیست؟

ج - در فرض مسأله، چنانچه به نحو نذر نتیجه بوده، نتاج هم تابع مادر و صحیح است؛ ولی اگر به نحو نذر فعل بوده، انعقاد نذر در نتاج بعد از موت، مورد اشکال است؛ لکن اگر وصیت کرده به عمل به آن، و ربیح گاو و نتایج آن در حال موت از ثلث کم تر باشد، ورثه باید به وصیت عمل کنند.

□ □ □ □

س ۲۹۹۴ - آیا می شود نذور مطلق امام علیه السلام و امام زادگان را به مطلق فقیران؛ اگرچه مجاور یا زایر نباشند، داد یا مخصوص به مجاورین و زایران است؟

ج - در فرض سؤال، می تواند به مصرف روشنایی و فرش و تعمیر بقعه‌ی امام یا امام زاده و خدام آن و زوار فقیر آن برساند.

□ □ □ □

س ۲۹۹۵ - آیا می شود نذر مطلق حضرت سید الشهدا و حضرت ابوالفضل علیهما السلام را در تعمیر حمام و مسجد هزینه کرد یا نه؟

ج - بلی، جایز است؛ مگر آن که مقصود ناذر مصرف خاصی باشد.

□ □ □ □

س ۲۹۹۶ - کسی نذر کرده با زن سیدی ازدواج کند، آیا عمل به این نذر واجب می شود یا خیر؟

ج - چنانچه زن سیده‌ای حاضر باشد با او ازدواج نماید، عمل به نذر واجب است.

□ □ □ □

س ۲۹۹۷ - شخصی نذر می کند اگر گوسفند وی دو قلو بزاید یکی از آن ها را صدقه دهد یا در راه امام حسین علیه السلام هزینه کند اما یکی از آن دو تلف یا دزدیده شده، در این صورت نسبت به بره ای که باقی است چه تکلیفی دارد؟  
ج - آن را باید به مصرف نذر برساند.



س ۲۹۹۸ - شخصی نذر کرده که در روز معینی اطعام کند و در حال حاضر توانایی تهیهی آن با روغن گوسفند را ندارد آیا می شود این نذر را با روغن نباتی ادا نمود یا باید تا زمانی که قدرت بر تهیهی روغن حیوانی می یابد آن را تأخیر بیندازد؟

ج - اگر قید روغن گوسفند در نذر نشده، می تواند با روغن نباتی اطعام کند.



س ۲۹۹۹ - یکی از نیاکان ما در زمان های بسیار دور نذر کرده که هر نسل از خانوادهی وی در ماه محرم و صفر لباس نو بپوشند، در این صورت آیا ما نیز باید نسبت به این نذر مقید باشیم یا نه و هم چنین پدری نذر کرده به فرزند خود لباس سبز بپوشاند، آیا بر پسر لازم است که تا آخر عمر آن را رعایت نماید یا نه؟

ج - در فرض مرقوم، نذر گذشتگان موجب ثبوت وظیفه و تکلیفی بر فرزندان آنها نمی شود و خودشان مختارند و هم در مسألهی دوم نذر پدر موجب وجوب پوشیدن لباس سبز بر فرزند نمی شود و او خودش مختار است.



س ۳۰۰۰ - اگر زنی نذر کند برای نمونه با فلان مرد ازدواج کند یا در هر پنجشنبه روزه بگیرد و همان مرد نیز نذر کرده که اگر با همان زن ازدواج کرد، در هر

پنج‌شنبه با او نزدیکی کند، بعد از ازدواج چه تکلیفی دارد و آیا مقدم بودن نذر یکی از آن دو تأثیری دارد یا نه؟

ج - در فرض مسأله، نذر زوج مقدم است؛ هرچند متأخر واقع شده باشد.



س ۳۰۰۱ - شخصی نذر کرده که در همه‌ی عمر نافله‌ی شب بخواند و اگر مانعی مانند جنابت پیش آمد؛ چنانچه به اختیار خود باشد و برای نمونه با عیال خود هم‌بستر گردد و یا بیدار شود و آن را نخواند، سی روز روزه بگیرد و در صورتی که مانع به اختیار خود نباشد و برای نمونه محتمل شود و یا خواب بماند، جز قضای آن چیزی بر آن شخص نباشد و پس از مدتی فکر کرد که خواندن نافله‌ی شب مستحب و امر زناشویی نیز مستحب است، بنابراین امر زناشویی انجام داده و نافله‌ی شب را ترک کرده و چندین مرتبه این عمل را انجام داده و در موقع نافله بیدار می‌شده و خواندن نافله را ترک می‌کرده، حال اگر قصد وی این باشد که قبل از نافله، عمل زناشویی انجام بدهد و بعد از غسل، نافله بخواند، چه حکمی دارد و اگر امر زناشویی را از پیش انجام دهد و برای غسل و نافله بیدار نشود، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - در فرض سؤال، اگر خواندن نافله‌ی شب با غسل و یا با تیمم بدل از آن ممکن بوده و نخوانده، باید منذور را انجام بدهد و اگر ممکن نبوده، کفاره ندارد و جماع با زوجه اشکال ندارد و در صورتی که وقت ضیق است و نمی‌تواند غسل کند، تیمم نماید و نافله را بخواند.



س ۳۰۰۲ - آیا مادر می‌تواند نذر فرزند را بر هم زند و اگر کسی قسم خورده باشد که دود نکشد و سپس دود کشید، آیا دادن یک کفاره کافی است یا نه؟

ج - ظاهر این است که نهی پدر و مادر از عمل به نذر اثری ندارد و موجب انحلال نذر نیست. بلی، اگر پدر و مادر نهی کنند از عمل به منذور؛ مثل

این که در نذر ترک دود بگویند ترک دود نکن؛ البته، اگر دود کشیدن مضر نباشد، نذر ترک دود منحل می‌شود و در مسأله‌ی دوم یک کفاره کافی است.



س ۳۰۰۳ - کسی نذر نموده چند رأس بره در روز تاسوعا یا عاشورا حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام شده که بعد از این که دوساله شدند، در روز عاشوا یا تاسوعا آن را ذبح نموده و هیأت عزادار آن را اطعام کنند، آیا به این گوسفندان خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر صیغه‌ی شرعیه خوانده و نذرش نذر نتیجه باشد به این که گفته باشد از برای خداست بر من که اگر مریضم شفا یافت این گوسفندها مثلا صدقه برای حضرت ابي عبد الله علیه السلام باشد و پیش از گذشتن سال بر مالکیت گوسفند، مریض شفا یافت، خمس ندارد و الا خمس دارد.



«نکونام»: نذر به صیغه‌ی خاصی نیاز ندارد.



س ۳۰۰۴ - شخصی برای ترک عادت‌ی مثل کشیدن سیگار نذر کرده که در ازای کشیدن هر سیگار سی روز روزه بگیرد و بعد از نذر متوجه شده که در صورت تخلف، توانایی مورد نذر را ندارد؛ زیرا اگر مثلا در روز پنج عدد سیگار بکشد، باید برای هر روزی صد و پنجاه روز روزه بگیرد، آیا چنین نذری منعقد می‌گردد یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر صیغه‌ی شرعی خوانده، باید عمل به نذر نماید تا عاجز شود، آن وقت تکلیف ساقط است. بلی، اگر ترک سیگار مضر باشد، نذر منعقد نمی‌شود.



«نکونام»: گذشت که نذر با نیت منعقد می‌شود و نیاز به صیغه‌ی خاصی ندارد.





## امام زادگان

س ۳۰۰۵ - آستانه‌های سنگی و اختراعی که در روستاها به نام اولاد ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام احیا کرده‌اند و در هیچ تاریخی در کتاب‌های علمای بزرگ دیده نشده که آن‌ها صحیح باشد و در ضمن بعضی از مردم روستا می‌روند همین سنگ‌ها را زیارت می‌کنند و آن را می‌بوسند، آیا این کار بدعت نیست؟

ج - قبوری که در روستاها مورد اقبال و توجه مؤمنین قرار می‌گیرد، اگر قبور مؤمنین و صلحا و سادات و ذراری رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشد، زیارت آن‌ها مستحب است و چه بسا خداوند متعال دعا نزد قبور آن‌ها را مستجاب بفرماید و اجتماع نزد آن قبور، تعظیم شعایر و احیای سنن اسلامی است و بدعت و تشریح نیست و یک از شعایر دینی را به اسم تشریح و بدعت نباید از بین برد و هیچ کس سنگ‌ها را زیارت نمی‌کند، بلکه همان امام‌زاده‌ای را که فکر می‌کنند قبرش آنجاست زیارت می‌کنند و سنگ‌ها را از جهت علاقه به صاحب قبر می‌بوسند و سخنان مذکور در سؤال از افتراءات و هابیه است که برای ضربه زدن به شیعه رایج کرده‌اند و متأسفانه در افراد بی‌اطلاع اثر گذاشته؛ در صورتی که خود ائمه علیهم‌السلام قبور اجدادشان را می‌بوسیدند. خداوند مؤمنین را از شر شیطان حفظ فرماید.



س ۳۰۰۶ - آیا می توان امامزاده‌هایی را که دارای تاریخ و مشخصات نیستند و فقط در میان مردم مشهور به امامزاده هستند مرمت کرد، و تکلیف نذوراتی که مردم جهت این گونه امامزاده‌ها می نمایند چیست؟

ج - در فرض سؤال، مرمت آن اشکال ندارد و نذورات آن را به مصرف تعمیر و خدمه‌ی آن برسانند.

□ □ □ □

س ۳۰۰۷ - تا چه حدی می توان قبوری را که در حرم و صحن امامزادگان است جهت ایجاد نمازخانه و فضای باز زیارتگاه و جهت محل رفت و آمد زائران مسطح نمود؟

ج - مسطح نمودن قبور با رضایت اولیای میت مانعی ندارد و بدون رضایت اولیا، تصرف در مصالح و اعیانی که صورت قبر دارد جایز نیست.

□ □ □ □

س ۳۰۰۸ - خادمان بقاع متبرکه و امامزادگان تا چه حد حق استفاده از نذورات و کمک‌های مردم را جهت امور زندگی خود دارند؟

ج - اگر متولی شرعی دارد، باید حقوق با نظر متولی باشد والا با حاکم شرعی است.

□ □ □ □

## عهد

س ۳۰۰۹- هرگاه کسی عهد کند که مدت چهل روز پی در پی نماز ظهر را در وقت فضیلت آن بخواند، ولی عذری برای او پیشامد کند و برای نمونه جنب شود و تا ساعت چهار بعد از ظهر نتواند خود را به آب برساند، در صورتی که می‌داند تا ساعت چهار دسترسی به آب ندارد، آیا باید تیمم کند و نماز را در وقت فضیلت آن بگذارد یا نماز را تأخیر بیندازد و آیا در اصل می‌توان چنین عهدی نمود یا نه؟

«گلبایگانی»: عهد مذکور اگر با صیغهی شرعییه بوده، صحیح است و آن یک روز که مقدور نبوده در تأخیر نماز معذور است و این در صورتی است که چهل روز مخصوص را عهد کرده باشد و اگر یک چهل روز عهد کرده، احتیاط لازم آن است که چهل روز دیگر به همین نحو بخواند.

\* \* \*

«نکونام»: عهد به معاطات و بدون خواندن صیغهی مخصوص نیز منعقد می‌شود.

□ □ □ □

س ۳۰۱۰ - آیا عهد به صیغه نیاز دارد یا خیر و نیز متعلق عهد مانند متعلق نذر لازم است رجحان داشته باشد یا نه؟

«گلیپایگانی»: بلی، در عهد هم صیغه لازم است و به مجرد نیت منعقد نمی‌شود ولی در متعلق عهد رجحان لازم نیست و همین اندازه که مرجوح نباشد کافی است. پس اگر عهد کند که فعل مباحی را انجام دهد، منعقد می‌شود. بلی، اگر عهد کند عملی را که ترک آن ارجح است بجا آورد یا عهد کند ترک نمودن عملی را که فعل آن ارجح است، منعقد نمی‌شود.

\* \* \*

«نکونام»: عهد با نیت واقع می‌شود و لازم نیست صیغهی آن بر زبان آورده شود.

□ □ □ □

س ۳۰۱۱ - صیغهی عهد چگونه است؟

ج - صیغهی عهد این است که بگوید: «عاهدت الله» یا بگوید: «علی عهد الله».

□ □ □ □

س ۳۰۱۲ - اگر زنی بدون اجازه‌ی شوهر عهد کند و عهد خود را عمل ننماید، آیا در این صورت کفاره‌ای بر آن زن واجب است یا نه و در صورتی که مستحقی پیدا نشد تا آن را به فقیری برساند، آیا می‌توان مورد کفاره را به عالمی پرداخت و اندازه‌ی کفاره چه مقدار است؟

«گلیپایگانی»: در فرض مسأله، چنانچه عهد مربوط به مال بوده ولو مال خودش، عهد باطل است و اگر مربوط به مال نبوده؛ مانند روزه و مانند آن و تخلف کرده، کفاره بر این زن واجب است بنا بر احتیاط لازم، و کفاره‌ی

آن کفاره‌ی افطار عمدی روزه‌ی ماه مبارک رمضان است و به عالم غیر مستحق نمی‌توان داد.

\* \* \*

«نکونام»: به احتیاط گفته شده باید عمل شود.

□ □ □ □



## لقطه (پیدا شده)

س ۳۰۱۳- اگر کسی مالی را پیدا کند و انجام وظیفه نکند و قصد نیز نداشته باشد در آینده به وظیفه‌ی شرعی خود عمل نماید و آن مال پیدا شده همراهش باشد و نماز بخواند، آیا نماز وی صحیح است یا نه؟

ج- اگر مال را بردارد و قصد ایصال به صاحب آن و عمل به وظیفه‌ی شرعی خود نداشته باشد، غاصب و نماز با آن در حکم نماز با مغضوب است.



### □ مَصْرَف لِقْطَه بَرای مَسْجِد

س ۳۰۱۴- آیا می‌توان لقطه را پس از یأس از پیدا شدن صاحب آن فروخت و قیمت آن را هزینه‌ی تعمیر یا بنای مسجد نمود بدون آن که آن را به فقیر بدهد یا باید آن را به فقیر دهد و آیا می‌توان آن را برای تعمیر یا بنای مسجد از فقیر بازپس گرفت یا نه؟

«گلپایگانی»: پس از تحقق شرط تملک یا صدقه یا باید به عنوان صدقه به فقیر بدهد و فقیر قبض نماید و چنانچه خواست صرف مسجد نماید یا خودش تملک نماید و بعد صرف مسجد کند.



«نکونام»: در هزینه کردن لقطه برای مسجد، پس از یأس از پیدا شدن صاحب آن نیازی به تملک آن نیست.



س ۳۰۱۵- اگر کسی لقطه‌ای را که به زمین افتاده به دیگری نشان بدهد و وی او را بردارد، آیا بر کسی که آن را نشان داده، تعریف آن واجب می‌شود یا نه؟

«گلپایگانی»: در مورد سؤال، بر آخذ؛ یعنی کسی که لقطه را برداشته و تحت ید خود در آورده، تعریف واجب است؛ بلکه اگر امر کند به کسی که آن شیء را بردارد یا به او بدهد و مأمور آن را برای خود بردارد، باید آخذ تعریف کند و بر امر چیزی نیست و اگر در این صورت، آخذ برداشت و به امر داد، بنا بر احتیاط واجب به هر یک از آخذ و امر تعریف واجب است در صورت ترک دیگری.



«نکونام»: تعریف آن بر کسی که آن را بر می‌دارد لازم است و نه به امرکننده یا اشاره کننده.



س ۳۰۱۶- اگر چیزی را به گمان این که مال خود می‌باشد بردارد و سپس متوجه شود که لقطه است، حکم آن چیست؟  
ج - حکم لقطه را دارد و باید تعریف کند.



س ۳۰۱۷- اگر چیزی را با پا یا دست خود به کناری بزند ولی آن را بر ندارد، حکم آن چیست؟

ج - در مورد سؤال، چنانچه آن چیز را بدون آن که بردارد با دست یا با پا جابه جا کند، حکم لقطه را ندارد ولی چون آن را جابه جا نموده است،



ضامن و اگر جابه جا نکند، فقط به وسیله‌ی دست و پا حرکت دهد تا مثلاً آن را بشناسد، ضامن نیز ندارد.



س ۳۰۱۸ - حدود دوازده سال پیش، دست‌بندی طلا پیدا کردم و آن را برای خود برداشتم و مبلغ شصت تومان قیمت شد ولی من آن را نفروختم و بعد از چند وقت آن را با مقداری از طلاهای خود با سه النگو تعویض نمودم و مدتی این النگوها در دستم بود و وقتی که جنگ شروع شد یکی از این سه النگو را در راه خدا برای کمک به جنگ‌زدگان دادم و در ضمن، بعد از مدتی که از پیدا کردن آن طلا گذشته بود مبلغ هفتاد تومان به عنوان صدقه از طرف صاحب آن طلا به فقیر دادم، حال آیا مالک دو النگو هستم؟

ج - در فرض سؤال، بایستی در محلی که دست‌بند پیدا شده تا یک سال اعلان می‌شد و فعلاً هم اگر احتمال پیدا شدن صاحب آن را می‌دهید، باید تا یک سال اعلان کنید و چنان‌چه از پیدا شدن صاحبش مأیوس باشید، باید قیمت فعلی آن را از طرف صاحبش به فقیر غیر سید صدقه بدهید و دادن به جبهه، مبرء ذمه‌ی شما از قیمت آن نیست.



س ۳۰۱۹ - یک حلب روغن در ماشین بنده جا گذاشته شده و چون مدت آن رو به انقضاست، شاید فاسد گردد، حال وظیفه‌ی راننده دربارهی روغن یاد شده چیست؟ توضیح این که صاحب روغن آن را کیلویی یکصد و پنج تومان خریده است.

ج - در فرض سؤال، در گاراژی که از آن جا حرکت کرده تا منتهای مسیر تا یک سال باید اعلان کند و چنان‌چه بخواهد تا یک سال نگاه دارد، فاسد می‌شود می‌تواند آن را بفروشد به قیمت روز و پول آن را نگاه دارد تا از

پیدا شدن صاحب آن مایوس شود و بعد از یأس، چنانچه چه روغن را نفروخته، خود آن را و اگر فروخته، پول آن را باید به فقیر غیر سید بدهد.



س ۳۰۲۰ - کسی مقدار پول کسی را دزدیده و او نیز در برابر ساعت دزد را برداشته و دزد فرار کرده، وظیفه‌ی شخص نامبرده نسبت به این ساعت چیست؟ آیا وی می‌تواند به تقاص مال خود آن را بردارد؟ البته، ساعت را در حالی که روی دست دزد بوده برداشته است.

ج - در فرض سؤال، اگر ساعت مال کسی باشد که پول را سرقت کرده و قیمت آن از پولی که برده بیش تر نباشد و او را نمی‌شناسد یا با شناسایی نیز نمی‌تواند پول خود را از او بگیرد، با اذن حاکم شرع می‌تواند به عنوان تقاص و بدل پول خود، آن را تملک کند و اما اگر قیمت ساعت بیش تر از پول سرقت شده باشد، زیادی را با امکان به صاحب آن برگرداند و اگر دسترسی ندارد و از رساندن به صاحب آن مایوس است، با اذن حاکم شرعی بابت مظالم به فقیر غیر سید بدهد.



#### □ لقطه‌ی بی‌نشان

س ۳۰۲۱ - کسی مبلغ یک هزار تومان در خیابان پیدا کرده و علامت و نشانه‌ای نداشته و از روی جهل در آن تصرف کرده ولی به مدت یک سال در جستجوی صاحب وجه بوده و او را پیدا نکرده، در این صورت تکلیف وی نسبت به وجه مزبور چیست؟ آیا وی می‌تواند آن را در تعمیر مسجد محل هزینه کند یا خیر؟ «گلبایگانی»: وجه مزبور را باید بنا بر احتیاط به عنوان مظالم عباد به فقیر بدهد و احتیاطاً فقیر غیر سید باشد و جایز نیست صرف مسجد نماید.



«نکونام»: در مواردی که مال از طرف صاحب اصلی آن در راه خدا صدقه

داده می‌شود، می‌توان آن را به غیر سید و نیز به سید صدقه داد و اگر خود مستحق است، می‌تواند آن را برای خود بردارد. این پاسخ در همه‌ی پرسش‌های مشابه زیر جاری است.



س ۳۰۲۲ - اگر مال پیدا شده نشانه‌ای نداشته باشد که با آن بتوان صاحب آن را پیدا نمود، آیا می‌شود آن را به قصد این که ملک وی شود بردارد یا نه و آیا اسکناس از چیزهایی است که نشانه ندارد یا نه؟

«گلیپگانی»: اسکناس ظاهراً بی‌نشان است؛ مگر علامت مخصوص داشته باشد و در هر حال، به نظر حقیر احوط آن است که چنین مالی به عنوان مظالم به فقیر غیر سید داده شود.



«نکونام»: مالی که پیدا می‌شود و مانند حیوان نیست و نشانه‌ای ندارد که به واسطه‌ی آن صاحب آن شناخته شود و نیز قیمت آن کم‌تر از ۱۲/۶ نخود نقره‌ی سکه‌دار (یک درهم که نزدیک به پنج‌هزار ریال در زمان فعلی است) نیست، لازم است از طرف صاحبش صدقه داده شود و می‌توان آن را برای خود برداشت و پول آن را به فقیر؛ خواه سید باشد یا نباشد صدقه داد.



#### □ لقطه‌ای یافته شده توسط نابالغ

س ۳۰۲۳ - اگر نابالغی چیزی پیدا کند و آن را بردارد، آیا ولی او می‌تواند وی را راهنمایی کند که آن را در جای خود بگذارد یا نه؟

ج - طفل نابالغ اگر چیزی را پیدا کرد و برداشت، بر ولی واجب است تعریف کند و جایز نیست او را وادار کند که به جای خود بگذارد و بعد از

یک سال تعریف، ولی مخیر است برای طفل تملک کند یا صدقه بدهد یا امانت نگه دارد.



### □ لقطه و ناامیدی از پیدا شدن صاحب آن

س ۳۰۲۴ - حدود چهار سال است که ساعتی را پیدا کردم و آن را در مسجد و تکایا بارها اعلام نمودم ولی صاحب آن پیدا نشده، آیا می شود آن را به جبهه یا بنیاد مستضعفان داد یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر از پیدا شدن صاحب آن مأیوس شده اید، می توانید آن را به عنوان صدقه از طرف صاحب آن به فقیر غیر سید بدهید یا به دست حاکم شرع برسانید ولی نمی توانید به مصرف جبهه یا غیر آن برسانید و می توانید خود تملک کنید و اگر صاحبش پیدا شد، به او رد کنید.



س ۳۰۲۵ - در یکی از حمام ها، دزدی مبلغ ۱۲۰۰ تومان از من را برداشت و فرار نمود و چون زیاد عجله کرد، سه عدد انگشتر به جا گذاشت که قیمت آن دوهزار تومان است، آیا می توان آن را به عنوان تقاص برداشت؟

«گلیپا یگانی»: در فرض سؤال، اگر انگشترها مال همال شخصی که پول شما را برده باشد، شما می توانید آن را نگاه دارید تا مدتی، شاید صاحبش بیاید و پول شما را بدهد و انگشترهای خود را ببرد و چنانچه از آمدن او مأیوس شدید، می توانید به قیمت پولی که از شما برده از انگشترها تقاص نمایید و بقیه را برای خود او امانت نگاه دارید و با فرض یأس از پیدا شدن او، به عنوان مظلوم به فقیر غیر سید صدقه بدهید و اگر بدانید انگشترها هم دزدی بوده، بعد از یأس از پیدا شدن صاحب آن، همه را به عنوان مظلوم به فقیر غیر سید بدهید.



«نکونام»: در مواردی که مال از طرف صاحب اصلی آن در راه خدا صدقه داده می‌شود، می‌توان آن را به غیر سید و نیز به سید صدقه داد و اگر خود مستحق است، می‌تواند آن را برای خود بردارد.



س ۳۰۲۶ - یازده عدد پیش دستی میوه‌خوری برای برگزاری عروسی از خانه‌ی همسایه‌ها گرفته‌ام و مدت سه سال است که نمی‌دانم صاحب آن کیست و به هر همسایه‌ای مراجعه می‌کنم، صاحب آن پیدا نمی‌شود، حکم آن چیست؟  
ج - در فرض سؤال، اگر از پیدا شدن صاحب پیش دستی‌ها مأیوس باشید، می‌توانید آن‌ها را به فقیر غیر سید از طرف صاحبش صدقه بدهید.



س ۳۰۲۷ - دو نفر در صحرا زنبور عسل پیدا کردند و یکی سبب و دیگری مباشر بوده، آیا هر دو در آن شریک هستند یا نه؟  
ج - کلمه‌ی سبب مجمل است. اگر منظور این است که کاری انجام نداده و فقط اطلاع داده، زنبور مال مباشر است ولی اگر هر دو با کمک همدیگر زنبور را به دست آورده‌اند، هر دو شریکند.



س ۳۰۲۸ - از بیست سال پیش تاکنون مقداری چوب در کارخانه‌ی ما به تدریج مانده است و صاحبان آن را نمی‌شناسیم و تاکنون نیز مراجعه ننموده‌اند، حکم آن چیست؟

ج - در صورتی که از آمدن صاحبان آن‌ها مأیوس باشید، می‌توانید با اذن فقیه جامع شرایط آن‌ها را از طرف صاحبانش به فقیر غیر سید صدقه بدهید.



س ۳۰۲۹ - آیا چیزهایی که برای تعمیر نزد ارباب صنایع می آورند و صاحبان آن دیگر مراجعه نمی کنند؛ به طوری که صنعتگر از آمدن آن‌ها مأیوس می شود، آیا حکم لقطه را دارد یا نه و بر فرض نداشتن، چه باید کرد؟

ج - اگر مایوس باشد از دسترسی به صاحبانش، باید آن را از طرف صاحبانش به فقیر غیر سید به عنوان مظالم بدهد و اگر آن را اصلاح کرده، می تواند به مقدار مزد خودش از آن بردارد.



س ۳۰۳۰ - در اثر سیل در اطراف رودخانه، باغ‌ها و ساختمان‌های اطراف آن خراب شده و سیل، تیر و چوب‌های آن را به مقدار دو فرسخ یا بیش‌تر در اطراف آبادی‌های دیگر برده و تا به امروز کسی به سراغ آن نیامده، آیا جمع کردن و فروختن آن جایز است؟

ج - در محل‌هایی که احتمال می دهند صاحبان آن‌ها پیدا شود، فحص نمایند، اگر صاحبان آن‌ها را نشناختند و مأیوس شدند، از طرف آن‌ها به فقیر غیر سید صدقه بدهند.



س ۳۰۳۱ - شخص حمامی که در هفته مقدار زیادی لباس زنانه و مردانه در حمام وی جا می ماند و بعضی از لباس‌ها شاید چهار سال نیز مانده و پی در پی اعلان شده و در حال حاضر از پیدا شدن صاحبان آن‌ها ناامید است، تکلیف وی چیست؟

ج - با یأس از دسترسی به صاحبان اشیای مذکوره لازم است به حاکم شرع تسلیم نماید یا با اذن او به عنوان مظالم به فقرا بدهد و احتیاطاً به سادات ندهد.



### □ لقطه‌ی حیوان

س ۳۰۳۲ - حیوانی پیدا شده و صاحب آن معلوم نیست و با جست‌وجو و معرفی نیز پیدا نشده و از یافتن او مأیوس گردیده‌ام و می‌خواهم قیمت آن را صدقه دهم و قیمت آن افزایش یافته و در ضمن هزینه‌های زیادی برای حفظ و علوفه آن نموده است، تکلیف آن چیست؟

ج - اگر حیوان مذکور در معموره بوده، چون جایز نبوده آن را اخذ نماید، پس از یأس از صاحبش عین آن را باید با اذن حاکم شرع صدقه بدهد و هرچه خرج کرده از دستش رفته است؛ بلکه اگر منافی برده، آن را هم باید صدقه بدهد؛ مگر این که حیوان در معرض تلف بوده که در این صورت می‌تواند مخارج را از عین یا منافع بردارد و زاید را صدقه دهد، و هم‌چنین اگر در بیابان بوده و می‌توانسته خود را از سباع محافظت کند از قبیل شتر و گاو و اسب؛ یعنی مخارجی که کرده از دستش رفته و منافی هم که برده، باید صدقه بدهد و اگر در بیابان بوده و نمی‌توانسته خود را حفظ کند؛ از قبیل گوسفند، در این صورت با یأس از صاحبش می‌تواند خودش تملک نماید و به مصرف برساند با قید ضمان برای صاحبش، اگر پیدا شد و می‌تواند نگه دارد برای صاحبش و یا به حاکم شرع بدهد که او به تکلیفش عمل نماید و در هر حال، اگر بخواهد صدقه بدهد، عین را صدقه دهد.



س ۳۰۳۳ - شخصی هفت سال پیش بزغاله‌ای را پیدا کرده ولی آن را تعریف ننموده، اکنون تکلیف وی نسبت به بزغاله و نتایج آن که هفت بزغاله‌ی دیگر است و آن‌چه که از آن نفع برده و خورده چیست؟

ج - اگر در بیابان آن را پیدا کرده، می‌تواند آن را تملک نماید و اگر در آبادی پیدا کرده و فعلاً احتمال نمی‌دهد که به صاحبش دسترسی پیدا کند،

فحص لازم نیست و چنانچه خودش فقیر باشد، به حاکم شرع مراجعه کند تا حاکم آن را اخذ نماید و از طرف صاحبش به او صدقه بدهد و قیمت منافع آن را نیز با او دستگردان کند.



س ۳۰۳۴ - گوسفندی به گله‌ی شخصی چادر نشین وارد شده و او صاحب آن را نمی‌شناسد و مدت سه ماه است که آن را نگاه‌داری نموده، آیا می‌شود این گوسفند را تملک کرد یا نه؟

ج - در فرض مسأله، جایز است گوسفند مزبور را تملک کند برای خودش و اگر صاحبش پیدا شد، گوسفند یا قیمت آن را به او بدهد و می‌تواند برای صاحبش به عنوان امانت نگاه دارد و از منافعش خرج آن را متحمل شود و در این صورت، اگر تلف شد، ضامن نیست.



س ۳۰۳۵ - گاوی در جنگل داخل گاوهای دیگری می‌شود و صاحب این گاوها آن را اعلان و تعریف نکرده و به وظیفه‌ی شرعی خود عمل ننموده، این گاو دارای گوساله‌های متعددی شده، فعلا صاحب گاوها متوجه شده که کار خلاف کرده و می‌خواهد به وظیفه‌ی شرعی خود عمل کند، حکم گاو و گوساله‌های آن و هزینه‌هایی که برای نگه‌داری آنها شده چیست؟

ج - اگر احتمال می‌دهد به تعریف و تفحص صاحبش پیدا شود واجب است تعریف کند و صاحب آن را پیدا نماید و با بچه‌های آن به صاحب و مالکش برساند و اگر مایوس است، با اذن حاکم شرع به عنوان مظالم از طرف مالک صدقه دهد و در فرض سؤال که به وظیفه‌ی شرعی خود عمل نکرده، مخارج را نمی‌تواند کسر کند.





س ۳۰۳۶ - گوسفندی در شهر مورد هجوم سگ قرار گرفته و فرد خیرخواهی آن را نجات می‌دهد و یک روز آن را اعلام و تعریف می‌کند و صاحب آن پیدا نمی‌شود و حیوان در اثر زخم در حال جان دادن است، آیا در این صورت وی می‌تواند آن را بکشد و اگر احتمال آلوده بودن گوشت آن در اثر میکروب‌های سگ برود، آیا باید گوشت آن را صدقه داد یا نه؟

ج - در فرض سؤال، ذبح آن حیوان مانعی ندارد، ولی با احتمال عقلایی که گوشت آلوده به میکروب است، صدقه دادن آن محل اشکال است و باید زیر خاک دفن شود تا کسی از آن استفاده نکند.



س ۳۰۳۷ - دو رأس بره به گله‌ی این جانب ملحق شده و در مدت یک سال گذشته هر چه تحقیق نمودم، صاحب آن پیدا نشد و حتی در مساجد نیز اعلام کردم، مدت یک سال است بنده علوفه‌ی آن را داده‌ام تا این که شیشک شده‌اند حال نمی‌دانم که آیا آن را به فقیران بدهم یا آن را به فروش برسانم و قیمت آن را به مراجع عالی‌قدر تقدیم نمایم که در برابر به صاحب آن صدقه بدهند و به هر حال، وظیفه‌ی شرعی من چیست و آیا می‌توانم مخارج علوفه‌ی خود را از قیمت آن بردارم یا خیر؟

«گلپایگانی»: اگر بره‌ها خودشان داخل در گله‌ی شما شده‌اند و بعد متوجه شده‌اید و یک سال تمام از صاحبان آن‌ها تفحص نموده‌اید و از پیدا شدن صاحب آن‌ها مأیوس شده‌اید، چنانچه از اول، ننگه‌داری به قصد صاحب آن‌ها بوده و علوفه‌ای را که داده‌اید به قصد رجوع و مطالبه از مالکشان بوده جایز است بفروشید و قیمت علوفه را برداشته و بقیه را به فقیر غیر سید عوض صاحبش صدقه بدهید و می‌توانید گوسفندها را به فقیر داده و معادل قیمت علوفه را از او بگیرید.

«نکونام»: در مواردی که مال از طرف صاحب اصلی آن در راه خدا صدقه داده می‌شود، می‌توان آن را به غیر سید و نیز به سید صدقه داد و اگر خود مستحق است، می‌تواند آن را برای خود بردارد.  
این پاسخ در همه‌ی پرسش‌های مشابه زیر جاری است.



س ۳۰۳۸ - شخصی حیوانی را در شهر می‌بیند و به عنوان ضاله از آن نگهداری نموده اما آن را در مجامع و اماکن عمومی اعلام نکرده و آن حیوان دارای بچه‌هایی شده اما معلوم نیست حیوان پیش صاحبش حمل برداشته یا نزد ملتقط و پس از گذشت یک سال صاحب آن پیدا شده، بچه‌ی آن حیوان از آن کیست؟  
ج - در فرض مسأله، حیوان در هر جا حمل برداشته، ولد از صاحب حیوان است.



### دیگر مسایل لقطه

س ۳۰۳۹ - بنده مغازه‌دار هستم و شیوه‌ی مغازه‌دارها چنین است که کالای خریداری شده را به گاراژ حمل می‌نمایند و گاراژ بار را برای ما می‌فرستد، چندی پیش یک کارتن جنس خریداری شده از طرف این‌جانب به بنده رسید و با مراجعه به انبار معلوم شد که این جنس به اشتباه به جای دیگری رفته ولی عین همان جنس و شاید دو برابر آن در انبار موجود است اما بدون نام می‌باشد و از ابتدای این جریان نزدیک دو سال می‌گذرد و نه طرفی که جنس او در انبار هست می‌آید جنس خود را ببرد و نه جنس من به من رسیده است، حال نمی‌دانم چه کنم و گاراژدار می‌گوید به اشتباه جنس موجود به جای جنس شما گذارده شده و صاحب جنس تا این موقع که نزدیک دو سال است معلوم نشده و می‌گوید هرچه حاکم شرع بفرماید، من قبول دارم، حال حکم آن چیست؟

ج - در فرض مذکور، اگر یقین دارید که جنس موجود در انبار گاراژ مال

کسی است که جنس شما را برده، می‌توانید به مقدار جنس خود عینا یا قیمة از جنس موجود با اذن حاکم شرع جامع شرایط به عنوان تقاص بردارید و زاید بر جنس شما را اگر صاحب گاراژ مأیوس از پیدا شدن صاحبش باشد، می‌تواند به عنوان مظالم از طرف صاحبش به فقیر غیر سید بدهد و اگر شما چنین یقینی ندارید، صاحب گاراژ تمام جنس را از طرف صاحبش به فقیر غیر سید صدقه بدهد و نسبت به جنس شما کسی که اشتباه آن را به دیگری داده، ضامن است.



س ۳۰۴۰ - چندی پیش یک عدل کاغذ مجهول به چاپ‌خانه رسیده و پس از دو ماه محافظت و اعلان، تاکنون صاحب آن پیدا نشده و آن را مصرف کردیم، اینک یکی از آقایان بدون هیچ‌گونه بیّنه و اماره‌ای ادعای مالکیت آن را می‌کند، حال اگر وجه آن را به وی پرداخت نماییم، آیا عهده‌ی ما بری می‌شود یا خیر؟

ج - اگر نشانه و اماره‌ای که سبب اطمینان به صدق دعوای او می‌شود اظهار کند، باید وجه را به او پردازید و الا پرداخت وجه سبب برائت ذمه‌ی شما نمی‌شود و در هر صورت، اگر معلوم شود دیگری مالک بوده، باید از عهده برآید.





## غصب

### □ آگاهی یا ناآگاهی از غصب بودن چیزی

س ۳۰۴۱ - شخصی مالی را از راه نامشروع و دزدی به دست آورده و فوت می‌نماید و وصیت می‌کند که او را از آن مال به عتبات ببرند. آیا وصیت او صحیح است یا نه و در صورتی که حمل جنازه‌ی او به عتبات جایز نباشد، وارث یا وصی او حق دخالت در مال دارد یا نه و در صورتی که حق دخالت ندارد، تکلیف آن مال چیست؟

ج - در صورتی که معلوم باشد که مال مذکور ملک غیر است، باید آن مال را به صاحبش بدهند و اگر او را نمی‌شناسند، مجهول المالک است، باید با استیذان از فقیه از طرف مالکش آن را به غیر سید صدقه دهند و اگر مال دیگری دارد، باید جنازه‌ی او را به عتبات عالیات حمل نمایند؛ مگر آن که مخارج آن زاید بر ثلث باشد و ورثه امضا نکنند یا وصیت او مقید به صرف مال غیر در حمل جنازه باشد که در این صورت، نافذ نیست.



س ۳۰۴۲ - در محل ما چند رشته آب وجود دارد که هر رشته‌ی آن به چند رشته‌ی دیگر تقسیم می‌شود و همه‌ی آب‌ها و رشته‌ها که ساعت‌های آن متفاوت است

مالک معینی دارد و آب چند حمام نیز از آن رشته‌ها می‌باشد و شاگرد حمامی از آب‌ها که رشته‌های آن صاحب معینی دارد باز کرده و بدون اطلاع صاحب آب، آن را به حمام برده و مردم از آن آب غسل می‌نمایند و بعضی از این حمام‌ها در سابق ساخته شده و برخی تازه احداث می‌باشد و اگر مالکان آب اطلاع پیدا کنند، جلو آب را می‌گیرند و نمی‌گذارند آب به حمام رود و بعضی که مالک آب هستند مانع نمی‌شوند و بعضی نیز می‌گویند که برخی از حمام‌ها آب معین برای آن وقف شده و در حال حاضر از همان آب وقف مصرف می‌شود، تکلیف اهالی در این زمینه چیست؟

ج - با عدم علم به غصب بودن آب حمام تا خلاف آن معلوم شود، ید حمامی معتبر است و غسل در آن جایز است و فحص هم واجب نیست.



س ۳۰۴۳ - اگر در روستایی که مالکان آن را به صورت عدوانی صاحب شدند و از مالکان قبلی نیز وارثی نمانده، مسجدی ساخته شود، نماز خواندن در آن چه حکمی دارد؟

ج - تا وقتی که علم به غصبیت خصوص زمین مسجد ندارید، نماز در آن جا جایز است.



س ۳۰۴۴ - اگر یقین باشد وسایل زندگی و غذای کسی به کلی حرام است یا یقین به حلال بودن آن نباشد، در صورتی که کسی قصد هدایت و زیاد دادن مسایل مذهبی به وی را داشته باشد آیا می‌تواند از غذا یا چایی آن بخورد یا نه؟

ج - در صورتی که یقین به حرمت آن‌چه در دست مردم است ندارید، جایز است تصرف در آن به اذن خودشان و اگر یقین به غصبیت آن دارید

و مالک آن معلوم است، تصرف در آن بدون اذن مالک جایز نیست و اگر مجهول است، جناب عالی مجازید در تصرف در آن برای هدایت مؤمنین و اجرت المثل تصرف را از طرف مالک عین به غیر سید صدقه بدهید.



س ۳۰۴۵ - ما ساکنان محله‌ای مبلغ هزار تومان به شخصی دادیم تا وی از شرکتی آب خریداری کند و برای ما آب لوله‌کشی بیاورد و وی نیز آب را می‌آورد، حال بر ما معلوم نیست که وی به وسیله‌ی پولی که به او دادیم امتیاز آب را خریده و یا به زور لوله‌کشی نموده و نمی‌دانیم این آب مباح است تا وضو و غسل با آن صحیح باشد و یا غصبی است؟

ج - در صورتی که احتمال صحت عمل واسطه را بدهید، فعل او محمول بر صحت است و غسل و وضو و تصرف دیگر جایز است؛ مگر آن که خلاف آن ثابت شود.



س ۳۰۴۶ - وضو گرفتن و نماز خواندن در زمین مواتی که شهرداری آن را تصرف کرده و در آن حوضی ساخته و هم‌چنین در فلکه و باغ ملی که در خیابان‌های تازه ساخت درست شده که پیش از این، منزل مردم بوده و شهرداری با قیمتی که خود تعیین می‌کند، آن را از مردم می‌خرد، چه حکمی دارد و در صورت جایز نبودن، آیا به عنوانی ثانوی برای مؤمنان راهی برای جواز آن هست یا نه؟

ج - در صورتی که علم به غصبیت محل وضو نداشته باشند مجازند در تصرف و هم‌چنین با علم به غصبیت و مجهول بودن مالک آن؛ به طوری که مایوس باشند از شناختن او نیز مجازند.



### □ بدل حیلوله و نمای آن

س ۳۰۴۷ - هرگاه برای غاصب تحویل دادن عینی که غصب شده به مالک آن ممکن نباشد و برای نمونه در چاه یا دریا یا رودخانه افتاده و قدرت بر بیرون آوردن آن نداشته باشد، وظیفه‌ی غاصب چیست؟

ج - در فرض سؤال، بر غاصب واجب است مثل یا قیمت آن را به مالک بدهد و این را اصطلاحاً «بدل حیلوله» می‌گویند و مالک علاوه بر این که مالک عین مغضوبه است، مالک چیزی که به عنوان بدل مالش به او داده شده نیز هست و هر وقت تسلیم عین مغضوبه برای غاصب ممکن شد، آن را به مالک می‌دهد و بدل را پس می‌گیرد.

□ □ □ □

س ۳۰۴۸ - هرگاه بدل حیلوله نما و منافی داشته باشد، آیا مال غاصب است که آن را به جای عین غصب شده به مالک داده یا برای مالک عین است؟

ج - نما و منافع منفصله‌ی بدل در تمام مدتی که تسلیم عین مغضوبه متعذر است، مال مالک است.

□ □ □ □

### □ غصب مال از غاصب

س ۳۰۴۹ - هرگاه کسی چیزی را از غاصب آن غصب نماید و در دست غاصب اخیر تلف شود، مالک آن باید برای گرفتن مثل یا قیمت به کدام یک از غاصبان رجوع نماید؟

ج - در مفروض سؤال، همه‌ی غاصبین ضامن هستند و مالک می‌تواند به هر یک از آنان رجوع کند و چنانچه تالف مثلی باشد، مطالبه‌ی مثل و اگر قیمی است، مطالبه‌ی قیمت نماید و می‌تواند به بیش‌تر از یک نفر مراجعه



کند و به نحو تساوی یا تفاوت، بدل مال خود را که مثل یا قیمت است بگیرد؛ مثلاً اگر غاصبین به نحو مذکور که هر یک از دیگری غصب کرده ده نفر باشند، مالک می‌تواند به همه‌ی ده نفر رجوع کند و از هر یک عشر بدل مال خود را مطالبه نماید و می‌تواند نصف بدل را از یکی از آنان و بقیه را از بقیه‌ی آنها به نحو تساوی یا تفاوت بگیرد و آنچه گفته شد حکم مالک است نسبت به غاصبین و اما حکم هر یک از غاصبین نسبت به هم‌دیگر این‌هاست که قرار ضمان بر غاصب اخیر است که مال نزد او تلف شده؛ به این معنا که اگر مالک به او رجوع کند و بدل مال خود را بگیرد، او حق رجوع به غیر را ندارد مگر این که غیر او را مغرور کرده باشد که در این صورت، مغرور می‌تواند رجوع به مغرورکننده نماید و آنچه را به مالک داده از او بگیرد و اگر مالک به غاصب اخیر رجوع ننمود و به یکی از غاصبین قبل از او مراجعه کرد و بدل مال خود را گرفت، آن غاصب هم می‌تواند رجوع به غاصب اخیر نماید و آنچه را به مالک داده از او بگیرد و نیز در این صورت، هر غاصبی که مالک بدل مال را از او گرفته حق دارد به غاصب بعد از خودش رجوع کند و غاصب بعدی هم به بعد از خودش تا منتهی به غاصب اخیر شود.



### □ احکام مثلی

س ۳۰۵۰ - آهن آلات و فلزاتی که در این زمان در ساختمان به کار می‌رود؛ مانند تیرآهن و لوله و ورق، مثلی به شمار می‌رود یا قیمی؟  
ج - ظاهر این است که همه‌ی مذکورات مثلی است. بنابراین، در صورت تلف باید مثل تالف داده شود و در صورت تعذر، قیمت آن.



س ۳۰۵۱ - هرگاه از جهت شرایط زمانی یا مکانی مثل به کلی ارزش خود را از دست بدهد، آیا غاصب می‌تواند مالک را به گرفتن مثل الزام نماید یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، غاصب حق الزام به قبول مثل ندارد و اگر در زمان یا مکان مذکور مثل را بدهد و مالک راضی نباشد، ضمان او برطرف نمی‌شود و مالک می‌تواند امتناع نماید و صبر کند تا زمان یا مکان دیگری که مثل قیمت دارد و آن وقت مطالبه نماید یا این که صبر نکند و مطالبه‌ی قیمت نماید و در این صورت، هرگاه عین مغضوبه تلف شده باشد، بعید نیست که قیمت مکان یا زمان تلف ملاحظه شود و اگر باقی است و ارزش ندارد، قیمت آخرین زمان یا مکانی که بعد از آن از قیمت افتاده ملحوظ گردد.



س ۳۰۵۲ - در مواردی که بر غاصب ادای مثل تلف شده لازم است و مثل نیز یافت می‌شود اما قیمت آن کاهش یافته، آیا مالک می‌تواند غاصب را به قیمت روز غصب که بیش‌تر بوده و یا تفاوت قیمت و ادا نماید یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، غاصب می‌تواند مثل را بدهد و مالک نمی‌تواند او را به پرداخت قیمت بیش‌تر یا تفاوت قیمت الزام کند؛ حتی اگر تقصیراً مثل را نداده، تا زمانی که قیمت تنزل نموده؛ اگرچه معصیت کرده ولی باز هم فقط ادای مثل بر او لازم است، بلکه اگر غاصب می‌خواهد مثل را بدهد و ذمه‌اش فارغ شود، مالک نمی‌تواند امتناع از قبول کند و صبر کند تا وقتی که قیمت ترقی کرد، مطالبه نماید.



س ۳۰۵۳ - در اشیای مثلی، هرگاه عین غصب شده تلف شود و تهیه‌ی مثل آن ممکن

باشد، اما به قیمت بیش‌تر، آیا خریدن مثل در این صورت بر ضامن لازم است یا خیر؟

ج - بلی، واجب است مثل را خریداری کند و بدهد؛ هرچند حرجی باشد؛ زیرا حرج مجوز منع حق غیر نمی‌شود.

□ □ □ □

س ۳۰۵۴ - در رساله است هرگاه چیز غضب شده و آنچه در حکم آن است؛ مانند چیزی که به عقد فاسد گرفته شده تلف شود، اگر مثلی باشد؛ مانند گندم، غاصب ضامن مثل است و در صورتی که قیمی باشد؛ مانند گوسفند، ضامن قیمت است، حال اگر مثل متعذر باشد که به گونه‌ی قهری ضامن قیمت می‌شود با توجه به این که قیمت به حسب زمان تفاوت می‌کند و ممکن است قیمت روز غضب و روز تلف تفاوت کند، غاصب باید قیمت کدام روز را بپردازد؟

ج - در فرض سؤال، غاصب باید قیمت روزی که قیمت را به مغضوب منه می‌دهد حساب کند.

□ □ □ □

#### □ باقی بودن عین غضب شده

س ۳۰۵۵ - هرگاه کسی برای نمونه، گوسفندی را غضب کند و سپس از مالک درخواست نماید که آن را ذبح کند در حالی که مالک نمی‌داند گوسفند مال خودش هست و به اعتقاد این که مال غاصب است آن را ذبح کند، آیا غاصب ضامن است یا خیر؟

ج - بلی، در فرض سؤال، غاصب ضامن است و باید علاوه بر گوسفند ذبح شده، تفاوت قیمت بین گوسفند ذبح شده و گوسفند زنده را نیز به مالک بدهد.

□ □ □ □

س ۳۰۵۶- هرگاه رد عین غصبی به مالک مستلزم ضرر باشد و برای نمونه باعث خرابی قسمتی از یک ساختمان شود، چه باید کرد؟

ج - در فرض سؤال، چنانچه مالک عین مغصوبه را که موجود است مطالبه کند، باید همان را به او داد؛ اگرچه مستلزم ضرر باشد و لزوم ضرر مانع حق او نمی شود.



س ۳۰۵۷- هرگاه در عین غصب شده عیبی ایجاد شود، آیا غاصب باید همان را با تفاوت قیمت صحیح و معیب به مالک دهد یا قیمت آن را؟

ج - باید خود عین را با تفاوت قیمت صحیح و معیب بدهد و مالک حق ندارد غاصب را الزام به نگه داشتن عین و پرداختن تمام قیمت کند؛ مگر این که هیچ کس در آن عین معیب رغبت نکند و در مقابل آن مالی ندهد که در این صورت، در حکم تلف است و غاصب باید تمام قیمت را بپردازد.



س ۳۰۵۸- هرگاه مال غصب شده باقی باشد اما قیمت آن کاهش یافته، آیا غاصب ضامن کاهش قیمت آن هست یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، ضامن نقصان قیمت نیست؛ مگر این که از جهت نقصان در عین باشد.



س ۳۰۵۹- هرگاه کسی اشیای جفت مانند درب و کفش که برای با هم بودن و هیأت اجتماعی آن نیز ارزش هست را غصب کند و یک لنگه‌ی آن تلف شود، غاصب چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - غاصب باید لنگه‌ی موجود را به اضافه‌ی آن چه به جهت انفراد از

قیمتش کم شده به مالک آن بدهد؛ مثلاً اگر یک جفت کفش غصب کرده که دو یست تومان ارزش داشته ولی یک لنگه‌ی آن به تنهایی پنجاه تومان ارزش دارد، باید قیمت لنگه‌ی تلف شده را صد تومان که در موقع اجتماع با لنگه‌ی دیگر ارزش داشت حساب کند و با آن چه از لنگه‌ی موجود به خاطر جفت نبودن کسر شده بپردازد؛ یعنی در مثال کفش که ذکر شد، باید لنگه‌ی موجود را با یکصد و پنجاه تومان به مالک بدهد و همین طور است حکم، اگر از اول یک لنگه غصب کرده و در پیش او تلف شده باشد و اگر یک لنگه هیچ ارزش نداشته باشد، باید قیمت یک جفت را بدهد.

□ □ □ □

### دیگر مسایل غصب

س ۳۰۶۰ - افراد دو محل مقداری پول را به صورت مساوی به حساب اداره‌ی آبادانی و مسکن گذارده‌اند و آن اداره به واسطه‌ی پول آن دو محل و کمک اداره، حمامی که بین دو محل مشترک است ساخته و در حال حاضر از آن استفاده‌ای نمی‌شود، آیا یکی از آن دو محل بدون اجازه و رضایت افراد محل دیگر می‌توانند در آن تصرف نمایند یا خیر؟

ج - در فرض مسأله، اگر مصالح و زمین مشترک بین دو محل باشد، جواز تصرف در آن موقوف به رضایت اهل دو محل است.

□ □ □ □

س ۳۰۶۱ - منزل مسکونی من غصبی است و شوهرم اجازه‌ی بیرون رفتن برای ادای نماز نمی‌دهد، تکلیف من چیست؟

ج - در این موارد، تحصیل اذن از شوهر لازم نیست و باید هرچند شوهر

نهی کند، در مکان مباح نماز بخوانید و تصرف در مکان غضبی به هر نحو حرام است و شوهر نمی‌تواند زن را الزام به توقف در خانه‌ی غضبی بنماید.



س ۳۰۶۲- در مکانی نماز می‌خوانیم که مالک آن چند نفر هستند و مالک اصلی آن که زمین را ساختمان کرده معلوم نیست و مدتی است آن را از کسی خریده‌ایم، نمازی که در آن خوانده می‌شود چه حکمی دارد؟

ج - در صورتی که مالک شرعی ملک ولو بر حسب ظواهر شرع معلوم باشد، باید از او استرضا نمایند و اگر مجهول باشد، باید از حاکم شرع اجازه بگیرند.



س ۳۰۶۳- شخصی پول کسی را غصب کرده و پس از گذشت ده سال می‌خواهد آن را به صاحبش باز پس دهد، حال باید اسکناس بدهد یا پول نقره؟

ج - اگر پول نقره را غصب کرده، باید اگر عین آن باقی نیست مثل آن را بدهد و اگر مثل پیدا نمی‌شود، قیمت فعلی آن را بدهد و اگر اسکناس بوده است، اسکناس رایج بدهد.



س ۳۰۶۴- هرگاه شخصی غذایی را از کسی غصب کند و به عنوان مال شخصی خود به اسم مهمانی به دیگری بخوراند در حالی که خورنده‌ی طعام به غضبی بودن آن ناآگاه است، آیا غاصب ضامن است یا خورنده‌ی غذا؟

ج - در فرض سؤال، هر دو ضامن هستند و مالک می‌تواند به هر یک از آنها که بخواهد مراجعه کند و غرامت بگیرد ولی قرار ضامن بر غاصب

است. پس اگر رجوع به خورنده‌ی طعام نمود و غرامت را از او گرفت، خورنده‌ی طعام هم می‌تواند به غاصب که او را مغرور نموده رجوع کند و معادل آن چه به مالک داده از غاصب بگیرد.

□ □ □ □

س ۳۰۶۵- هرگاه دیوار به طرف راه خراب شود و کسی زیر آوار آن بمیرد یا مالی تلف شود، آیا صاحب دیوار ضامن است یا خیر؟

ج- اگر صاحب دیوار از اول آن را کج و مایل به طرف راه ساخته یا این که بعداً به سمت راه کج شده و با تمکن از خراب کردن آن را خراب نکرده و با قدرت بر اعلام، اعلام ننموده، صاحب دیوار ضامن است و الا ضامن نیست و هم‌چنین اگر تلف مستند به تقصیر و اقدام خود تلف شونده یا صاحب مال باشد، صاحب دیوار ضامن نیست.

□ □ □ □

س ۳۰۶۶- هرگاه صاحب دیوار چیزی را روی دیوار بگذارد و آن چیز از روی دیوار بیفتد و جان کسی را بگیرد یا مالی تلف شود، آیا صاحب دیوار ضامن است یا خیر؟

ج- در فرض سؤال، اگر صاحب دیوار آن چیز را منحرف به سمت راه گذاشته یا طوری قرار داده که حتماً می‌افتد و یا در معرض افتادن می‌باشد، ضامن است و الا ضامن نیست.

□ □ □ □

س ۳۰۶۷- هرگاه کسی غذایی را غضب کند و آن را به مالک آن بخوراند، در حالی که مالک نمی‌داند، آیا غاصب ضامن است یا خیر؟

ج- در فرض سؤال، غاصب ضامن است.

□ □ □ □

س ۳۰۶۸ - هرگاه کسی از بچه یا دیوانه چیزی را گرفته باشد، چه وظیفه‌ای دارد؟  
ج - در مفروض سؤال، باید آن‌چه را گرفته به ولی آن‌ها بدهد و اگر به خود  
آن‌ها برگرداند، ضمان او برطرف نمی‌شود.

□ □ □ □

س ۳۰۶۹ - هرگاه کسی غذایی را غصب کند و بعد مالک غذا داخل خانه‌ی غاصب  
شود و در آن‌جا طعامی ببیند و به تصور این که طعام مال غاصب است آن را  
بخورد و بعد بفهمد که مال خودش بوده، آیا در این صورت، غاصب ضامن است  
یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، ظاهر این است که غاصب ضامن نیست و ذمه‌اش از  
ضمان طعام بری شده است.

□ □ □ □

س ۳۰۷۰ - هرگاه انسانی را حبس کند آیا بر آن غصب صدق می‌کند و ضامن منافع  
او در مدت حبس می‌شود یا خیر؟

ج - در مورد سؤال، غصب محقق نمی‌شود. بنابراین، اگر مثلاً شخص  
محبوس صنعت‌گر باشد و در مدت حبس اشتغال به صنعت خود نداشته  
باشد، حبس‌کننده ضامن اجرت او در این مدت نمی‌شود. بلی، اگر او را به  
خدمتی وادار کند، ضامن اجرت آن خدمت است و هم‌چنین اگر محبوس  
اجیر کسی بوده، حبس‌کننده ضامن منفعت فوت شده که متعلق به  
مستأجر است می‌باشد.

□ □ □ □

س ۳۰۷۱ - بنده یک سال در روستایی که قسیم اراضی شده نماز خوانده‌ام ولی



جاهل به حکم شرعی آن بودم، آیا باید نمازهای گذشته‌ی خود را قضا نمایم یا نه؟

ج - اگر به کلی غافل از حکم مسأله بوده‌اید، نمازهای گذشته صحیح است و قضا ندارد و بعد از التفات لازم است مراعات اباحه‌ی مکان را بنمایید.

□ □ □ □

س ۳۰۷۲ - اگر کسی در ملک غصبی کشاورزی کند، کشت مال اوست یا نه؟  
ج - اگر بذر مال غاصب باشد، مزروع مال غاصب است و ضامن اجرت المثل زمین است.

□ □ □ □

س ۳۰۷۳ - بچه‌ای چون پدر وی دزدی می‌کند میل ندارد به خانه‌ی او برود، حال، اگر پدر به او امر کند که به خانه‌ی وی بیاید، آیا اطاعت از او لازم است یا نه؟ البته تمام درآمد پدر از راه حرام نیست، بلکه کسب و کار حلال نیز دارد و زراعت نیز می‌کند اما از حرام دوری ندارد.

ج - اگر یقین داشته باشد که به رفتن منزل پدر مبتلا به صرف مال غصبی می‌شود، رفتن جایز نیست و اگر علم ندارد، اطاعت پدر لازم است.

□ □ □ □

س ۳۰۷۴ - اگر کسی درخت خود را با پیوند غصبی پیوند کرده باشد، حکم آن چیست؟

ج - بعید نیست پیوند تابع درخت باشد، لکن احوط مصالحه صاحب درخت است با صاحب پیوند.

□ □ □ □

س ۳۰۷۵ - وضو گرفتن روی فرش غصبی یا غسل کردن با آن چه حکمی دارد؟  
ج - اگر وضو یا غسل مستلزم تصرف زاید در فرش نباشد، صحیح است.

□ □ □ □

س ۳۰۷۶ - قبرستانی را به ساختمان مدرسه یا بیمارستان تبدیل کرده‌اند، نشستن و راه رفتن و دیگر تصرفات در آن جا جایز است یا خیر؟  
ج - برای غیر غاصب حکم قبل را دارد.

□ □ □ □

س ۳۰۷۷ - آیا وصی می‌تواند با ملک یکی از وارثان که نزد او امانت می‌باشد و با چندین بار مطالبه، آن را به او تحویل نداده کسب کند یا نه و بهره‌های مال که از کسب به دست می‌آید، مال صاحب امانت است یا نه؟

ج - به نحو کلی تصرف در مال غیر بدون مجوز شرعی جایز نیست و چنانچه معامله کرد، اگر معامله را به عین مال وارث انجام داده باشد، معامله فضولی است و در صورتی که مالک امضا کند، معامله برای او واقع می‌شود و منافعی هم مال صاحب مال است ولی اگر معامله را به عین مال غیر انجام نداده باشد؛ مثل آن که خانه و لباس یا چیزهای دیگری بخرد به ثمن کلی و بعد در مقام ادای ثمن مال غیر را داده باشد، معامله صحیح است و نماز و سایر تصرفات او در مبیع بی‌اشکال است ولی از ثمن بری الذمه نمی‌شود و باید از مال حلال بدهد و هم‌چنین ضامن مال غیر نیز هست.

□ □ □ □

س ۳۰۷۸ - حمامی ساخته شده که مقداری از آن از قبرستان گرفته شده است و این مقدار، گلخن حمام قرار گرفته، غسل در آن حمام جایز است یا خیر؟  
ج - اگر آب و محل غسل غصبی نباشد، غصبی بودن گلخن مضر به غسل نیست.

□ □ □ □

س ۳۰۷۹ - اگر کسی بدون اجازه‌ی کسی از درخت تبریزی و یا چنار و مانند آن، شاخه و قلمی بتراشد و در باغ خود نهال نماید، آن نهال مال صاحب درخت است و یا مال صاحب باغ و یا با هم شریک خواهند بود؟  
ج - مال صاحب درخت است.

□ □ □ □

س ۳۰۸۰ - مراسم سوگواری و روضه خوانی حضرت سید الشهدا علیه السلام در روی زمین غصبی چه حکمی دارد؟

ج - تصرف در ملک غصب جایز نیست.

□ □ □ □



## وقف و حبس

□ معنای وقف و وقف معاطاتی

س ۳۰۸۱ - معنای وقف چیست؟

ج - وقف، حبس نمودن عین و قرار دادن منفعت آن است برای صرف در موارد خیری که شرعا ممنوع نباشد.

□ □ □ □

س ۳۰۸۲ - آیا در وقف، خواندن صیغه لازم است یا وقف معاطاتی نیز کفایت می‌کند؟

ج - ظاهر این است که معاطات در مثل مساجد و قبرستان و راه و پل و درخت‌هایی که به منظور استفاده‌ی عابرین از سایه و میوه‌ی آن‌ها کاشته شده، بلکه مانند حصیر و فرش برای مسجد و چراغ برای زیارت‌گاه‌ها و به‌نحو کلی آن‌چه که برای مصلحت عمومی وقف شده کافی است و در این جهت تفاوت نمی‌کند که از اول محلی را مثلا به عنوان مسجدیت بسازد و اجازه‌ی نماز خواندن در آن برای عموم بدهد و بعضی مردم در آن نماز بخوانند با این که خانه‌ی ساخته شده خود را به قصد مسجد شدن در اختیار مسلمین بگذارد و همین‌طور اگر کسی محلی را به قصد منزل نمودن غربا یا فقرا در آن بسازد و به قصد وقف نمودن در اختیار آنان یا

کسی که می خواهد او را متولی کند قرار دهد یا این که منزل ساخته شده ی خود را به قصد وقف نمودن تسلیم فقرا یا غربا یا متولی نماید، در تحقق وقفیت کافی است.



س ۳۰۸۳ - کتاب خانه ای با کمک مردم نیکوکار در یکی از مساجد تشکیل شده، در این صورت آیا می شود بخشی از کتاب هایی که برای آن کتاب خانه خریداری شده را به کتاب خانه ی دیگری در ده دیگری که لازم تر است برد. البته صیغه ی وقف برای آن خوانده نشده و هدیه کنندگان نیز به صورت نوعی به عنوان وجود محیطی لازم کتاب های خود را اهدا کرده اند؟

ج - در وقف، صیغه لازم نیست، فقط به نیت وقف به قبض موقوف علیهم داده شود در تحقق وقف کافی است؛ بنابراین تا موقعی که در کتاب خانه ی مزبور می شود از آن ها استفاده نمود، نقل کتاب ها به محل دیگر جایز نیست.



س ۳۰۸۴ - مسجد کوچکی است که گنجایش جمعیت محل را ندارد و در پشت مسجد حمام مخروبه ای است که مصالح آن از قلعه ای مخروبه به دست آمده، آیا می شود حمام یاد شده را به مسجد ضمیمه کرد یا نه، این در حالی است که واگذارنده ی زمین در حال حیات می باشد و صیغه ی وقف برای حمام خوانده نشده و رضایت خود را برای واگذاری زمین به مسجد اعلام کرده است؟

ج - در فرض سؤال، واگذاری زمین برای ساختن حمام عمومی که به قبض موقوف علیهم داده شده کافی در وقفیت آن است و محتاج به خواندن صیغه ی لفظی نیست و چون اطلاع از قلعه ی مخروبه ندارم، از بیان حکم آن معذورم.



### درستی وقف

س ۳۰۸۵ - کسی در حال دیوانگی و سفاهت همه‌ی املاک و رقبات خود را بر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام وقف نموده، اما آن را به تصرف نداده، آیا این وقف صحیح است یا باطل؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاعی ندارم. به نحو کلی، واقف باید عاقل باشد و وقف دیوانه و سفیه باطل است، و شرط صحت وقف قبض دادن عین موقوفه به متولی یا موقوف علیه است و اگر قبل از قبض، واقف فوت شود، وقف باطل است.



س ۳۰۸۶ - شخصی چند سال است فوت نموده و دارای فرزندی نبوده و برادرش وارث او بوده و تمام اموال او را ارث برده و یک باب خانه‌ی او را بعد از فوت او وقف حسینیه کرده که در آن عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام بشود اما فقط هوایی آن خانه برای وی است و مالک زمین فردی دیگر است و واقف از مالک زمین اجازه نگرفته و مالک هنوز نیز رضایت ندارد و چون خانه‌ی مزبور کوچک است و برای اجتماع مردم ظرفیت ندارد، کم‌تر اجتماعی در آن انجام می‌شود و در حال حاضر نیز در معرض خرابی است و در جوار آن خانه زمینی قرار دارد، آیا در این صورت می‌شود خانه‌ی یاد شده را که وقف شده با زمین مذکور که در جنب خانه است معاوضه کرد؛ چرا که این زمین مزبور مساحت بیش‌تری از آن خانه دارد؟

ج - در فرض مسأله که زمین خانه مال غیر واقف است، وقف بنا در ملک غیر بدون اجازه‌ی مالک زمین مشکل است، لذا صحت تبدیل به محل دیگر با اجازه‌ی مالک آن بعید نیست.



س ۳۰۸۷ - آیا بچه می تواند ملک خود را وقف نماید یا خیر؟

«گلبایگانی»: وقف نمودن بچه باطل است؛ اگرچه ده ساله باشد. بلی، چون اقوی صحت وصیت بچه‌ی ده ساله است؛ پس اگر وصیت به وقف کند، وصی می تواند از جانب او وقف نماید.

\* \* \*

«نکونام»: بچه‌ی ممیز که خوبی و بدی را تشخیص می دهد می تواند ملک خود را وقف نماید.

□ □ □ □

س ۳۰۸۸ - آیا لازم است چیزی که وقف می شود به هنگام وقف کردن دارای منفعت باشد یا خیر؟

ج - لازم نیست و همین اندازه که معرضیت برای انتفاع داشته باشد کافی است، پس وقف حیوان کم سال که هنوز شیر نمی دهد و زاد و ولد نمی کند و وقف نهال کاشته شده که هنوز ثمر نمی دهد صحیح است.

□ □ □ □

س ۳۰۸۹ - هرگاه کسی وقف را معلق بر شرطی کند که در حال وقف نمودن حاصل نیست، ولی انتظار حصول آن هست یا یقینی است که در آینده حاصل می شود مثلا بگوید این ملک را وقف نمودم در صورتی که پسرم از سفر بیاید یا وقتی که اول ماه برسد، چه حکمی دارد؟

ج - وقف باید منجز باشد و چون وقف به نحو مذکور معلق است، باطل می باشد. بلی، هرگاه وقف معلق بر شرطی شود که در حین وقف نمودن حاصل است و واقف قطع به حصول آن داشته باشد؛ مثل این که بگوید این ملک را وقف نمودم، اگر امروز جمعه باشد؛ در حالی که می داند جمعه است، صحیح است.

□ □ □ □



س ۳۰۹۰ - اگر کسی بگوید این ملک بعد از مرگ من وقف است، آیا وقف منعقد می‌شود؟

ج - در مورد سؤال، اگر در نظر عرف از جمله‌ی مذکوره وصیت به وقف استفاده شود، صحیح است و بر ورثه واجب است چنانچه از ثلث بیش‌تر نباشد یا اگر بیش‌تر از ثلث باشد، در صورت امضا و رضایت آن‌ها، ملک مزبور را وقف نمایند و به‌صرف وصیت و قفیت محقق نمی‌شود و اگر از جمله‌ی مذکوره وصیت به وقف فهمیده نشود، وقف باطل است؛ چون در وقف تنجیز شرط است.

□ □ □ □

س ۳۰۹۱ - شخصی مقدار زیادی زمین برای دفن مردگان وقف کرده و پس از دفن مرده‌ای، آب در آن زمین ظاهر شده است به‌طوری که جنازه وسط آب قرار گرفت و دیگر مؤمنان از دفن اموات خودداری می‌کنند، در این صورت آیا می‌شود آن زمین را به مالک فروخت یا تعویض کرد تا زمین دیگری وقف شود یا خیر؟

«گلبایگانی»: صحت وقف مذکور محل تأمل و اشکال است؛ لکن احوط آن است که مالک، زمین را تصرف کند و وجه آن را بدهد و در محل قابل دفن، زمین تهیه نمایند و برای دفن اموات وقف کنند.

\* \* \*

«نکونام»: اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۳۰۹۲ - شخصی حیوانی را وقف کرده بود ولی در حال حاضر این حیوان از بین رفته و نتایج و بچه‌ی آن باقی است، در این صورت نتایج و بچه‌ی آن حیوان هم وقف است یا نه و واقف نیز تصریح کرده که این حیوان و نتایج آن هرچه باقی باشد وقف است؟

ج - بچه‌ی حیوان موقوفه در حکم سایر منافع آن حیوان مانند شیر و غیره

است و باید به همان مصرفی که برای آن وقف شده برسد و وقف نمودن آن صحیح نیست.



س ۳۰۹۳ - در قریه‌ای که قسمتی از آن در دامنه‌ی کوه است و آب آن را فرا نمی‌گیرد و قسمت دیگر نیز آب‌گیر و مزروعی است، اهالی قسمتی را که در دامنه‌ی کوه بوده مسطح نموده و در آن خانه بنا کرده‌اند ولی تمام آن‌ها از اراضی دایر و بایر به وقف بودن مشهور است، در این صورت آیا زن یک‌هشتم هم‌ی اموال متصرفی اعم از خانه و مانند آن را ارث می‌برد یا نه و هم‌چنین وقف کوه که بایر و حاصل‌خیز نیست صحیح است یا فقط زمین‌های قابل کشت باید متعلق وقف باشد و در مندرجات وقف‌نامه نیز به زمین‌های کشاورزی اشاره شده است؟

ج - هرگونه تصرف در موقوفه موکول به اذن متولی شرعی موقوفه است و اما احیای زمین موات اگر حریم ملک شخصی یا موقوفه باشد، بدون اذن مالک یا متولی شرعی موقوفه به احیا، کسی مالک آن نمی‌شود و چنانچه حریم نباشد، هر کس به قصد تملک احیا کند مالک آن می‌شود و اما ارث زن از قیمت متصرفی اگر مقصود از متصرفی موردی است که شرعا برای متصرف حقی ثابت باشد، زن نیز از آن حق ارث می‌برد و اگر مقصود چیز دیگری است توضیح داده شود و وقف جبال و زمین‌های موات قبل از احیا و تملک، صحیح نیست.



س ۳۰۹۴ - شخصی مبلغ یک‌هزار تومان برای مسجدی وقف نموده و صیغه‌ی وقف نیز خوانده شده است، آیا می‌توان وجه مذکور را صرف بنای غسل‌خانه نمود یا خیر؟

ج - اگر مقصود وقف پول است، صحیح نیست و اگر صاحب آن وصیت

کرده که این مبلغ را صرف مسجدی بنمایند، وصیت او صحیح است و در صورتی که بیش از ثلث او نباشد، نافذ است و اگر بیش تر از ثلث ترکه‌ی او باشد، به مقدار ثلث نافذ و در مازاد بر ثلث محتاج به امضای ورثه است و صرف آن در غیر مسجد جایز نیست.



س ۳۰۹۵ - آیا در وقف قصد قربت معتبر است یا خیر؟

«گلبایگانی»: احتیاط به قصد قربت حتی در وقف خاص ترک نشود.



«نکونام»: قصد قربت هم در وقف عام و هم در وقف خاص معتبر است.



س ۳۰۹۶ - شخصی باغی را که دارای درختان میوه‌دار و مرکبات است وقف امور خیر کرده ولی ملک و عرصه‌ی آن برای دیگری است و او فقط میوه‌ی باغ را وقف کرده، آیا این وقف صحیح است یا نه؟

ج - سؤال مجمل است. وقف میوه صحیح نیست و اگر درخت را وقف نماید در حالی که صاحب ملک اذن غرس درخت‌ها را داده باشد که از آن اذن حق ابقای درخت‌ها برای غارس استفاده شود، صحیح است و در این صورت، اگر عین این درخت‌ها بین صاحب ملک و موقوفه مشترک است، مالک می‌تواند تقاضای افزاز درخت‌های خودش را از درخت‌های وقفی از متولی شرعی بنماید.



س ۳۰۹۷ - اگر دختری زردشتی به دین مبین اسلام مشرف شود و زردشتیان از روی عناد و لجاج مادر او را با اکراه و اجبار و ادار نمایند که املاک خود را بر کهنبار زردشتیان وقف نماید تا پس از مرگ او آن دختر از ارث محروم گردد، با توجه به این که این وقف برای مقاصد غیر مشروع و محروم نمودن مسلمان از

ارث بوده و مادر بعد از آن پشیمان شده و ملک را به تصرف وقف نداده، آیا چنین وقفی صحیح است یا خیر؟

ج - در فرض مسأله که موقوفه به تصرف داده نشده، وقف تمام نیست و واقف می‌تواند هر نحو تصرف در آن بنماید و اگر قبل از قبض، واقف فوت شود، ملک مفروض مال وارث می‌باشد، و در این جهت فرق نیست که قایل شویم به صحت این وقف از جهت مصرف یا واقف یا قایل نشویم؛ به علاوه که وقف با اجبار و اکراه باطل است.



س ۳۰۹۸ - آیا در وقف عام و خاص تعیین موقوف علیه لازم است یا خیر؟  
ج - بلی، تعیین موقوف علیه شرط صحت وقف است. پس اگر چیزی وقف بر یکی از دو نفر یا یکی از دو گروه یا یکی از دو مسجد بنماید، باطل است.



س ۳۰۹۹ - دو قطعه تابلو که مشتمل بر شمایل حضرت ابوالفضل العباس و حضرت سید الشهدا علیه السلام است وقف مسجدی شده ولی با توجه به مکروه بودن آن، آیا می‌شود آن دو تابلو را فروخت و وجه آن را به مصرف مسجد رساند یا نه؟  
ج - وقف عکس جهت مسجد محل اشکال است، بنابراین، مالک آن می‌تواند آن‌ها را به غیر بدهد و وجه آن را صرف مسجد نماید.



س ۳۱۰۰ - شخصی اراده‌ی حج دارد و وصیت کرده و در آن تذکر داده که اگر از حج بیت الله الحرام باز نگشت، املاک وی وقف باشد و مصارف آن را نیز معین کرده، آیا چنین وصیتی صحیح و نافذ است یا نه و آیا وصی می‌تواند در صورتی که وصیت کننده از حج باز نگشت به وصیت او عمل نماید یا نه؟ شایان ذکر است املاک وقف شده به قبض کسانی که برای آنان وقف شده در نیامده است.  
ج - وقف مذکور در وصیت نامه که موقوف به برنگشتن از حج شده باطل

است و نیز در صورتی که منجزاً وقف کرده ولی ملک را به قبض موقوف علیهم یا متولی نداده باشد، باطل است.

□ □ □ □

س ۳۱۰۱ - آیا وقف نمودن چیزی از ابتدا بر فرزندی که در رحم مادر است و شامل غیر او نمی شود صحیح است یا خیر؟  
ج - در فرض سؤال، وقف باطل است.

□ □ □ □

س ۳۱۰۲ - آیا می توان مقدار یکصد هزار روپیه وقف نمود و شرط کرد که تا وقف کننده در قید حیات است، نفقه ی وی را بدهند؟

ج - سؤال مجمل است. چنانچه مراد این باشد که خود روپیه را وقف نموده، وقف آن صحیح نیست؛ چون عین او تلف می شود و اگر مراد این است که مبلغ مزبور را بدهند، چیزی که عین آن باقی می ماند خریداری نموده و وقف کنند، باید طبق گفته ی صاحب پول عمل کنند، ولی شرط این که خود واقف مادام الحیات نیز استفاده کند، باطل است.

□ □ □ □

س ۳۱۰۳ - ملکی وقف فرزندان پسر است، آیا می شود داخل این ملک درخت غرس نمود و آن را وقف مسجد کرد یا خیر؟

هم چنین، اگر ملکی که وقف فرزندان پسر است اجاره داده شود، آیا اجاره کننده می تواند داخل این ملک درخت میوه دار و غیر میوه دار بنشانند و آن را وقف مسجد یا حضرت سید الشهداء علیه السلام کند یا خیر؟

چنانچه اجاره کننده بمیرد و ملک به مالک باز گردد و درخت های نشانده شده مزاحم کشت و کار وی باشد، مالک باید چه کند؟

«گلبایگانی»: (در مورد پرسش یکم و دوم) صحت آن مورد اشکال است و احوط ترک آن است.

(در مورد پرسش سوم) در صورتی که مستأجر برای زراعت اجاره کرده و اشجار غرس کرده، اشجار باید کنده شود یا رضایت موقوف علیهم تحصیل شود برای ابقای آنها.

\* \* \*

«نکونام»: وقف مذکور درست نیست و باید درختان مذکور بیرون آورده شود یا رضایت کسانی که برای آنان وقف شده است به دست آید.

□ □ □ □

#### □ اعتبار قبض در تحقق وقف

س ۳۱۰۴ - اگر کسی زمینی را برای مسجد واگذار کند و صیغه‌ی آن زمین به طور اطلاق توسط یک روحانی خوانده شود و چند نفر در آن زمین نماز بخوانند و سپس معمار نقشه‌ی مسجد را بکشد و جایی که نماز در آن خوانده شده حیاط مسجد واقع شود و کسی که صیغه‌ی وقف را اجرا می‌کرده به آن توجه نداشته، حال باید چه کرد؟

ج - ظاهر آن است کسی که زمین را وقف کرده برای مسجد و متعلقات آن وقف کرده، بنابراین، مجرد نماز خواندن در آن با این که بنا بوده بعداً به معمار مراجعه کنند و نقشه بگیرند موجب تعیین مسجد در خصوص آن محل نیست و طبق نقشه، ساختمان آن ظاهراً اشکال ندارد. بلی، اگر هنوز ساختمان نشده؛ چنانچه محل مذکور را معبد و مسجد نمایند، موافق با احتیاط است.

□ □ □ □

س ۳۱۰۵ - کسی تمام یا بعضی از اموال و املاک خود را برای پسران خود وقف می‌نماید و در حین انجام وقف دارای یک پسر و یک دختر بوده، آیا چنین وقفی صحیح و لازم است یا نه و آیا در چنین وقفی امضای وارثان و قبض و اقباض طبقه‌ی اول شرط است یا نه؟

ج - در صحت وقف، امضای ورثه شرط نیست و واقف اگر خودش متولی

بوده، قبض حاصل است و اگر متولی معین نکرده یا دیگری را متولی قرار داده، قبض موقوف علیه یا متولی در حال حیات واقف کافی است و احتیاج به قبض طبقات بعد نیست.



س ۳۱۰۶- هرگاه چیزی به عنوان امانت یا عاریه یا عنوان دیگر در دست کسی باشد و مالک بخواهد آن چیز را بر همان کسی که آن چیز در دست اوست وقف کند، آیا لازم است آن شخص چیزی را که به عنوان امانت مثلاً نزد اوست به مالک برگرداند و پس از وقف نمودن قبض نماید یا خیر؟

ج - قبض جدید لازم نیست و همین اندازه که بقای آن عین در دست آن شخص به اذن مالک باشد و مالک به عنوان وقفیت به کلی از آن صرف نظر و رفع ید نماید، کافی است.



س ۳۱۰۷- در موقوفاتی که قبض متولی در آن کافی یا معتبر است؛ مانند وقف بر جهات عامه، هرگاه واقف تولیت را برای خود قرار دهد، آیا احتیاجی به قبض دیگر هست یا نه؟

ج - احتیاج به قبض دیگر نیست و قبض خود واقف که حاصل است کافی است.



س ۳۱۰۸- در رساله است قبض در تحقق وقف لازم است، آیا در موردی که پدر چیزی را بر فرزند صغیر خود وقف می‌کند نیز قبض لازم است یا خیر و در صورت لزوم، چگونگی قبض را بیان فرمایید؟

ج - در وقف پدر بر فرزند صغیر احتیاجی به قبض جدید نیست و به نحو کلی، هرگاه ولی چیزی را وقف نماید بر کسی که ولایت بر او دارد، محتاج

به قبض جدید نیست و قبض ولی به منزله‌ی قبض مولی علیه است و بهتر است که ولی قصد کند قبض از جانب مولی علیه را.



س ۳۱۰۹ - دو برادر در چند قطعه باغ شرکت دارند و یکی از آنان تمام سهم خود را وقف حضرت ابوالفضل علیه السلام می‌نماید و برادر خود را وصی آن قرار می‌دهد که آن را صرف ساختن مسجد و تعمیر آن و خرید زیلو برای مسجد و روضه‌خوانی بنماید و پس از مرگ واقف اقوام وی ادعای ارث نمودند و مال موقوفه را به زور گرفتند، حال چنانچه یکی از اقوام واقف از درآمد همان موقوفه برای کسی میوه و خشکبار بفرستد، آیا می‌توان از آن استفاده کرد و تکلیف اموال موقوفه که در دست اشخاص و اقوام واقف است و آن را به زور گرفته‌اند چیست؟

ج - در فرض مسأله، اگر واقف در حال حیات زمین را وقف کرده و عمل به وقف هم نموده و یا خود را متولی قرار داده وقف صحیح است و تصرف در آن به غیر دستور واقف جایز نیست و عایدات آن اگر از قبیل میوه‌ی درخت وقف باشد، تصرف در آن به غیر مصرف وقف حرام و اگر از قبیل زراعت باشد، زرع مال زارع است و تصرف در آن با رضایت زارع اشکال ندارد و زارع ضامن اجرت المثل مال موقوفه است و اگر وصیت به وقف کرده و ورثه مانع از وقف شدند، چنانچه زاید بر ثلث نباشد، ملک مورد حق میت است و غیر از وقف هرگونه تصرف در آن حرام است و تکلیف وصی عمل به وصیت است تا حد قدرت و در صورت عجز تکلیف ساقط است.



س ۳۱۱۰ - کسی قطعه زمینی را به عنوان قبرستان وقف نموده و خود فوت کرده و در آن قبرستان هنوز مرده‌ای دفن نشده است و انجمن محل در این مکان حمامی با درآمد دو درصد ساخته‌اند، آیا غسل کردن در این حمام صحیح است یا نه؟

ج - در فرض مسأله، اگر برای موقوفه متولی قرار نداده و یا اگر قرار داده به



قبض او نداده و خودش هم متولی نبوده و به قبض موقوف علیهم نیز نداده و فوت شده، وقف باطل است و اختیار با ورثه‌ی اوست و اگر خودش متولی بوده یا به قبض متولی یا موقوف علیهم داده، وقف صحیح است و تغییر آن جایز نیست.



### □ وقف بر نفس

س ۳۱۱۱ - وقف نامه‌ای که تاریخ آن برای نود سال پیش است رقباتی را برای انجام کارهایی مانند روضه خوانی، اطعام در شب‌های قدر و عاشورا و هم‌چنین اطعام به ارحام و گزاردن نماز و روزه برای خود وقف نموده و این مطلب مسلم است که بیش از سن واقف نماز و روزه برای او گزارده شده، بنابراین، آیا متولی می‌تواند آنچه را که به مصرف نماز و روزه می‌رسد را در امور خیر دیگر هزینه نماید یا باید برای همیشه برای او نماز و روزه استیجار کرد؟

ج - وقف بر صوم و صلوات واقف ظاهراً از مصادیق وقف بر نفس و باطل است. در این صورت، نسبت به این مقدار منافع، ملک موقوفه مال ورثه‌ی واقف است و بر فرض این که وقف باطل به منزله‌ی وصیت باشد، استیجار زاید بر عمر میت لازم نیست و بر فرض این که جهت احتمال خلل در عبادت استیجاری به مقدار عمر میت وصیت موصی به دو مقابل عمر نیز رجحان داشته باشد لکن وصیت به صوم و صلوات ابد الدهر رجحان ندارد و این احتمالات جزو وسوسه محسوب است.



س ۳۱۱۲ - شخصی ملکی را بر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام وقف می‌نماید و حق تولیت آن را برای خود نه‌دهم قرار می‌دهد و نه سهم آن را برای خود و یک سهم آن را برای امام علیه السلام قرار می‌دهد، آیا این وقف صحیح است یا نه؟  
«گلپایگانی»: وقف مذکور نسبت به نه سهم که برای خود قرار داده به نظر

حقیر مشکل است و عرفا وقف بر نفس محسوب است و بعید نیست نسبت به یک عشر مال امام علیه السلام وقف صحیح باشد.

\* \* \*

«نکونام»: هرگاه چیزی را برای خود وقف کند باطل است، اما وقف نسبت به یک‌دهم آن درست است.

□ □ □ □

### □ وقف خاص

س ۳۱۱۳ - معنای وقف خاص و وقف عام چیست؟

ج - وقف خاص آن است که چیزی وقف بر شخص یا اشخاصی باشد مانند وقف بر اولاد و اولاد اولاد یا وقف بر زید مثلا و اولاد او و وقف عام آن است که چیزی وقف بر جهت و مصلحت عمومی مانند مساجد و پل‌ها یا بر عنوان عامی مانند فقرا و ایتم باشد.

□ □ □ □

س ۳۱۱۴ - اگر کسانی که ملکی برای آن وقف شده باشد، موقوفه را به عنوان ملکیت ثبت نمایند و آن را بفروشند، خرید آن جایز است یا حکم غصب پیدا می‌کند؟

ج - بیع آن جایز نیست و غصب است؛ مگر در مواردی که بیع وقف خاص مشروع باشد که در رساله‌ی عملیه مذکور است.

□ □ □ □

س ۳۱۱۵ - آیا کسانی که وقف برای آنان شده است می‌توانند اصل زمین موقوفه را به عنوان مسجد صیغه بخوانند یا آن را به دیگران ببخشند که در آن بنایی احداث نموده و به عنوان مسجد آن را وقف کنند یا خیر؟

ج - جایز نیست.

□ □ □ □

س ۳۱۱۶ - آیا در وقف خاص کسانی که برای آنان وقف شده می‌توانند زمین وقفی را به اجاره‌ی طولانی مدت برای احداث مسجد به بانی آن که متولی مسجد خواهد بود واگذار نمایند؟ البته، ملک مزبور از بی‌آبی هیچ‌گونه منفعتی ندارد.

ج - در فرض مسأله، جایز است اجاره بدهند جهت مسجد و در مدت اجاره، احکام مسجد را بر آن مترتب کنند؛ یعنی نجس نکنند و اگر نجس شود، تطهیر نمایند و جنب و حیض در آن توقف نکنند و بعد از انقضای مدت اجاره به حال اول برمی‌گردد و ملک موقوف علیهم می‌شود و در اجاره‌ی طویل‌المده چنانچه بطن اول قبل از انقضای مدت اجاره منقرض شوند، باید از بطون لاحق‌ه اجاره نمایند.



#### □ وقف بر فرزند

س ۳۱۱۷ - موقوفه‌ای دارای دو بخش است که برای هر بخش عبارت زیر آمده است: «یک قسمت آن وقف اولاد ذکور و بعد به اولاد اولاد، ذکورا و اناثا کما فرض الله و یک قسمت وقف بر اولاد ذکور و اناث و بعد بر اولاد آن‌ها ذکورا و اناثا کما فرض الله ما تعاقبوا و تناسلوا»؛ آیا هر دو عبارت از لحاظ مفاد یکسان است یا خیر؟

ج - نسبت به طبقه‌ی اولی عبارت اول مخصوص اولاد ذکور و عبارت دوم اعم از اولاد ذکور و اناث است ولی نسبت به طبقات بعد ظاهر آن است که مفاد و مقصود از هر دو عبارت یکی است؛ یعنی «لذکر مثل حظّ الانثیین» نظیر ارث تقسیم می‌شود.



س ۳۱۱۸ - آیا از هر دو عبارت در پرسش پیش استفاده‌ی تشریک می‌شود که با وجود پدر، فرزند او و با وجود مادر نیز فرزند او شریک باشند و یا ترتیب از آن استفاده می‌شود که با وجود فردی از طبقه‌ی نخست طبقه‌ی دوم بی‌بهره است

و برای نمونه با وجود عمو، برادرزاده محروم است و نیز در صورت نبود نسل یکی از آن‌ها سهم او را چه باید کرد؟

ج - با تصریح به این که اولاد قائم مقام آبا و امهات است، احتمال ترتیب منتفی است و در صورت فقدان نسل هر یک، سهم او منتقل به بقیه‌ی موقوف علیهم می‌شود.



س ۳۱۱۹ - طبقه‌ی نخست از کسانی که برای آنان وقف شده، موقوفه را به نسبت سهام تقسیم نموده که هر یک از سهم خود استفاده کند و برخی از افراد طبقه‌ی دوم سهم خود را فروخته و آن را از صورت وقف خارج کرده و سهم بعضی نیز به حال خود باقی است، آیا در مقدار باقی مانده در دست بعضی از کسانی که بر آنان وقف شده، فرزندان کسانی که پدران و مادران آنان سهم خود را فروخته‌اند، شریک و صاحب حق می‌باشند یا خیر؟

ج - اگر بعضی که سهم خود را فروخته‌اند مجوز شرعی داشته‌اند، اولاد او در سهم دیگران شریک نیست؛ مگر وارث یکی از بقیه شود و اگر بدون مجوز شرعی غصبا فروخته است، اولاد او نیز شریک بقیه است.



س ۳۱۲۰ - در وقف نامه ذکر شده که فرزند قائم مقام پدران و مادران هستند و در صورت نبود فرزندان، ارث به امام علیه السلام می‌رسد، بنابراین، اگر یکی از کسانی که برای آنان وقف شده فرزندی نداشته باشد یا مرتد شده باشند و یا فرزند مسلمان نداشته باشد، سهم او مربوط به امام عصره علیه السلام است یا مربوط به بقیه‌ی کسانی که برای آنان وقف شده است؟

ج - در فرض سؤال باید به بقیه‌ی موقوف علیهم داد. بلی، اگر اولاد منقرض شود، راجع به امام علیه السلام است.



س ۳۱۲۱ - آیا در تقسیم منافع موقوفه میان فرزندان در طبقه‌ی سوم و چهارم که برخی دختر و برخی پسر هستند تفاوتی هست یا خیر؟

ج - ظاهر عبارت اولاد قائم مقام آبا و امهات هستند آن است که اولاد هر یک سهم پدر و یا مادر را می‌برند و به کیفیت تقسیم ارث قسمت می‌کنند.

□ □ □ □

س ۳۱۲۲ - هرگاه کسی بگوید این ملک را وقف نمودم بر فرزندان پسر خود نسلا بعد نسل، آیا در تمام طبقات مخصوص به پسرانی است که از اولاد ذکور به وجود آمده باشند یا شامل همه‌ی فرزندان ذکور اعم از کسانی که پسران دختر باشند نیز هست؟

«گلیایگانی»: موارد مختلف است.

\* \* \*

«نکونام»: این وقف ویژه‌ی پسرانی است که از فرزندان پسر باشند.

□ □ □ □

س ۳۱۲۳ - دو باب خانه که یکی از آن‌ها وقف بر فرزندان پسر و دیگری غیر موقوفه است و به عنوان ارث از واقف به دو فرزند رسیده و این دو باب خانه را دو برادر با هم شریک و سهم بودند ولی یکی از آن دو برادر حق سهم غیر موقوفه‌ی خود را با سهم موقوفه‌ی دیگری معاوضه نموده ولی در حال حاضر ادعای غبن می‌کند، آیا در صورت ثبوت غبن، وی می‌تواند معامله را فسخ نماید یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اصل معاوضه در صورتی که در ضمن قراردادی که در وقف شده اختیار این تعویض به موقوف علیه داده نشده باشد صحیح نیست و اگر موقوف علیه چنین اختیاری داشته، می‌تواند منافع آن را مادام الحیات خود در مقابل دیگری به آن طرف منتقل کند و به فوت ناقل منافع به بطن بعدی منتقل می‌شود و به منتقل الیه مربوط نیست و اگر هر کدام از

طرفین در حین وقوع معامله مغبون بوده، هر وقت عالم شد، فوراً معامله را می‌تواند فسخ نماید و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۳۱۲۴ - در برخی مناطق، ملک را وقف فرزندان پسر می‌کنند، آیا این وقف صحیح است یا نه و بر فرض درستی آن، آیا پسران می‌توانند ملک موقوفه را بین خود خرید و فروش نمایند یا نه؟

ج - به‌طور کلی، وقف بر اولاد ذکور صحیح است و فروش آن جز در مواردی که در بیع وقف مذکور است جایز نیست و ممکن است جهتی را که به آن جهت ورثه وقف را می‌فروشند مرقوم دارید تا جواب داده شود.



س ۳۱۲۵ - قرآن خطی که وقف خاص است و باید مورد استفاده‌ی فرزندان معینی قرار گیرد با داشتن متولی شرعی، کسی آن را پیش مؤسس کتابخانه‌ای به عنوان ودیعت نهاده تا از مطالب مندرج در آن استفاده نماید و سپس آن را به وی بازگرداند و وی به سهو آن را جزو مصحف‌های کتابخانه قرار داده و در تحت شماره بیرون آورده است، آیا بر واسطه یا متولی شرعی حق مطالبه‌ی آن هست یا نه و آیا جایز است با عدم رضایت متولی و وقف خاص بودن در کتابخانه‌ی عمومی مورد استفاده قرار گیرد؟

ج - در فرض سؤال که مصحف شریف مزبور وقف خاص بوده، باید مطابق وقف عمل شود و نگاه داشتن آن برخلاف وقف و اذن متولی جایز نیست.



س ۳۱۲۶ - از آن‌جا که از دختران واقف که برای آنان وقف شده در اثر مرور زمان هیچ اطلاعی در دست نمانده، آیا حق سهم ایشان را می‌شود به همان عده‌ای که باقی مانده‌اند داد یا نه؟

ج - بعد از تفحص لازم و یأس به باقی مانده از موجودین بدهند.



س ۳۱۲۷ - دکانی وقف بوده بر فرزندان است تا عواید آن میان آنان تقسیم شود، حال شهرداری آن دکان را خراب نموده و مبلغی پول برای آن داده ولی با این پول نمی‌شود چیزی برای وقف خریداری نمود، آیا در این صورت می‌شود آن پول را میان فرزندان تقسیم نمود یا نه؟

ج - اگر ممکن است چیز دیگری خریداری نمایند؛ هرچند منفعت آن کم‌تر از اولی باشد و اگر ممکن نیست، پول را بین موقوف علیهم تقسیم نمایند.



س ۳۱۲۸ - قریه‌ای وقف بر فرزند است و در حال حاضر متجاوز از یک هزار نفر در نقاط مختلف ایران را شامل می‌شود و ممکن است برخی از آنان نیز در خارج از کشور باشند و اجازه از آنها غیر مقدور است و از طرفی زارعان و ساکنان این قریه از حیث مسکن در تنگنا هستند، در این صورت می‌توانند در قریه‌ی مذکور مسجد و حمام و غسل‌خانه‌ی مورد نیاز خود را درست کنند یا نه؟

ج - اگر از طرف واقف متولی معلوم دارد، به او مراجعه نمایند و الا نسبت به سهام حاضرین از خودشان اگر صغیر نیستند اجازه بگیرند و نسبت به سهام صغار و غایبین به مجتهد جامع شرایط رجوع نمایند.



س ۳۱۲۹ - زمینی است وقف اولاد که یک طرف آن به رودخانه می‌خورد و چون ارتفاع دارد، خاک زمین مزبور را جهت ساختمان می‌برند، آیا در این صورت، مالکان فعلی زمین می‌توانند خاک آن را بفروشند و یا آن را به طور مجانی در دسترس مردم بگذارند؟

ج - اگر برداشتن خاک اصلاح زمین موقوفه باشد، مانعی ندارد و اما اگر اصلاح زمین نباشد، جایز نیست.



س ۳۱۳۰ - روستایی است که بر فرزندان پسر وقف شده و وقف نامه‌ی آن در دست نیست و همین قدر معمول و مرسوم است که هرگاه برادری بدون فرزند پسر بمیرد، ملک وقف را به حسب ارث برادر دیگر می‌برد یا چنانچه پدر بمیرد، به پسر می‌رسد و برای نمونه، اگر پسر عمو فوت کند، پسر عموی دیگر از او ارث می‌برد، حال چنین ملکی به چهار برادر رسیده و دو نفر از آنان می‌میرند و سهم آنان به فرزندان آنان رسیده و بعد از آن یکی دیگر از برادران که فرزند پسر نداشت مرد و سهم او به برادر دیگر رسید، حال اگر او نیز بمیرد، همه‌ی سهمی که به او رسیده تنها به فرزند وی می‌رسد یا فرزندان آن دو برادر نیز با فرزند این برادر شریکند؟

ج - اگر معمول این بوده که آن‌چه از وقف در ید هر یک از موقوف علیهم بوده، فرزندان او می‌برده‌اند، ظاهر این است که سهم برادری که بلا عقب بوده و به برادرش رسیده، حال که فوت شده به اولاد او می‌رسد و به برادرزادگان دیگر نمی‌رسد.



س ۳۱۳۱ - شخصی زمینی را بر فرزندان خود وقف نموده و در وقف نامه آورده است: «وقف اولاد ذکور و اولاد اناث است و کذلک اولاد اولاد ذکور و اولاد اولاد اناث ما تعاقبوا و تناسلوا نسلا بعد نسل و عقبا بعد عقب که هر مرتبه از مراتب به نحو ارث شرعی اولاد قائم مقام آبا و امهات بوده و بعد از ارتحال آبا و امهات اولاد ذکور و اناث للذکر مثل حظ الانثیین»، آیا تبدیل این زمین به احسن جایز است یا نه و طبقه‌ی دوم و سوم از منافع و عواید وقف بهره‌ای دارند یا نه؟

«گلبایگانی»: تبدیل به احسن به نظر حقیر مشکل است و طبقه‌ی دوم مطابق



عبارت مذکوره به نحو ارث بهره می برد و تا پدر باشد به پسر ارث نمی رسد و اولاد قائم مقام آباست.

\* \* \*

«نکونام»: تبدیل به احسن جایز نیست.

□ □ □ □

س ۳۱۳۲ - زمین و آبی بر فرزندان پسر وقف شده است و نسل نخست در آن درخت لیمو و نخل می کارند و آن درختها را می فروشند، آیا آنان حق فروش آن را دارند یا نه و در صورت فروش بطن دوم، آیا می توانند به مشتری بگویند که زمین ما را تخلیه نما و ضرری که بر مشتری از جهت کندن درخت وارد می شود از کجا باید جبران شود؟

ج - بطن دوم اختیار دارند که امر به قلع نمایند و یا اجرت زمین را از مشتری بگیرند و اگر مشتری می دانسته که زمین، وقف بر اولاد است، ضرر متوجه به خود مشتری است و در صورت جهل، می تواند معامله با بطن اول را فسخ نماید و ثمنی که داده مسترد بدارد.

□ □ □ □

س ۳۱۳۳ - آیا نسل اول یا دوم می توانند اعیان موقوفه را میان خود تقسیم کنند یا نه؟

ج - منوط به کیفیت وقف است.

□ □ □ □

س ۳۱۳۴ - هرگاه کسی بگوید این ملک را بر ارحام یا اقارب خود وقف نمودم یا این که بگوید وقف بر اقرب فالاقرب نمودم، آیا تفاوتی دارد یا خیر؟

ج - چنانچه جمله‌ی اولی را بگوید مرجع عرف است؛ یعنی هر کس در نظر عرف از ارحام یا اقارب واقف باشد، داخل در موقوف علیه است و اگر جمله‌ی دوم را بگوید، وقف ترتیبی است؛ مانند طبقات ارث؛ یعنی تا

از طبقه‌ی اول کسی موجود باشد، هیچ کسی از طبقه‌ی دوم داخل در موقوف علیه نیست؛ اگرچه رحم حساب شود.



س ۳۱۳۵ - هرگاه کسی خانه‌ای را برای سکونت اشخاصی وقف نماید، آیا آنان می‌توانند آن را به دیگری اجاره دهند یا نه؟

ج - وقف مذکور وقف انتفاع است نه وقف منفعت؛ بنابراین، موقوف علیهم حق اجاره دادن آن را ندارند و در صورتی که موقوف علیه متعدد باشد، همه حق سکونت دارند و هیچ یک نمی‌تواند دیگری را منع کند و اگر یکی با میل و اختیار خود ساکن نشود یا مانعی از سکونت داشته باشد، حق مطالبه‌ی اجرت نسبت به سهم خود را از ساکنین ندارد.



#### □ مصرف وقف

س ۳۱۳۶ - بریدن درخت‌های قبرستان و مصرف آن در جای دیگر در صورتی که وقف بودن آن قبرستان معلوم نباشد و هم‌چنین بریدن درخت‌های قبرستانی که وقف بودن آن معلوم است و در آن معصوم‌زاده دفن شده؛ اعم از این که امام‌زاده‌ای باشد که نسب او معروف باشد یا خیر و آن قبرستان یا امام‌زاده مصرف چوب نداشته باشد، چه حکمی دارد؟

ج - در صورتی که وقف بودن آن درخت معلوم باشد، چنانچه مورد استفاده‌ی مسلمین است ولو این که استفاده از سایه‌ی آن درخت باشد، قطع آن جایز نیست و در صورت قطع در همان قبرستان یا مقبره‌ی امام‌زاده به مصرف برسانند و اگر مصرفی در آن جا ندارد، در کار خیری مصرف کنند که اقرب به نظر واقف باشد و هم‌چنین اگر وقف بودن آن معلوم نیست، بهتر است در کار خیری مصرف شود.



س ۳۱۳۷ - زمین موقوفه‌ای است که باید اجاره‌ی آن را به مصرف اطعام فقیران و یا روضه‌خوانی برسانند اما اوقاف بخشی از اجاره‌ی آن را می‌گیرد، در این صورت تکلیف متولی نسبت به این مبلغ چیست؟ آیا باید تمام اجاره را به مصرف برساند و آنچه را که اوقاف برده جبران کند و یا کافی است بقیه را به مصرف وقف برساند؟

ج - تصرف در زمین وقف بدون اجازه‌ی متولی شرعی جایز نیست و در فرض سؤال، کسی که زمین موقوفه در دست اوست می‌تواند از متولی اجاره نماید و همه ساله مال الاجاره‌ی آن را به متولی بدهد که به مصرف برساند و با فرض آن که غاصب همه ساله مبلغی جبرا از عواید آن می‌گیرد اجرت المثل زمین مزبور قهرا کم‌تر می‌شود و تعیین مقدار آن باید به نظر خبره باشد.



س ۳۱۳۸ - موقوفه‌ای است در محله‌ی علیا که مورد وقف آن این است که یک وعده غذا شام و یا نهار به همه‌ی مردان اهالی سفلی بدهند و یا در محله سفلی در تکیه اطعام نمایند، در این صورت افرادی از اهل محله‌ی سفلی که در خارج از محل هستند را نیز باید اطعام کرد یا نه و همچنین از کلمه‌ی اطعام اجرت زحمات طبّاحی و ظرف‌شویی و چای و پول واعظ و ترتیب مجلس نیز استفاده می‌شود یا نه و اهالی قریه که باید اطعام شوند می‌توانند بگویند که عوض اطعام به ما پول بدهید یا نه؟

ج - ظاهر عدم وجوب دعوت از اشخاصی است که در محل حاضر نیستند و از کلمه‌ی اطعام بعید نیست استفاده شود هرگونه مخارجی که از لوازم اطعام باشد جایز است از موقوفه بدهند و اما دادن پول از موقوفه به واعظ و تشکیل مجلس، اگر در زمان خود واقف برای اطعام متعارف بوده جایز

است و اگر متعارف نبوده، جایز نیست و ظاهر این است که باید اهالی اطعام شوند و حق مطالبه‌ی پول طعام (را) ندارند.



س ۳۱۳۹- در وقف‌نامه‌ی زمینی قید شده که مبلغی از منافع آن صرف تعزیه داری حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در دهه‌ی اول ماه محرم شود، حال مقداری از مبلغ مذکور زیاد آمده، این مبلغ را در چه راهی باید هزینه کرد؟ آیا می‌شود در شبانه‌روز برخلاف مرسوم این منطقه مجالس متعددی را برپا کرد یا روضه‌خوان‌های متعدد دعوت نمود یا به ذاکران و مستمعان اطعام کرد و یا در دهه‌ی دوم ماه صفر روضه‌خوانی داشت یا نه؟

ج - در همان دهه‌ی اول با تشکیل مجالس متعدده یا دعوت روضه‌خوان‌های متعدد، صرف عزاداری نمایند.



س ۳۱۴۰- قطعه زمینی موقوفه واقع در حومه‌ی لاهیجان است که هم واقف و هم مصرف آن ناشناخته است و چند سالی است که در تصرف اوقاف می‌باشد و جمعی از مؤمنان قریه با در نظر گرفتن اجاره‌ای مدرسه‌ای را در آن احداث نموده‌اند، آیا این تصرف اهل محل و اجاره‌ی آن شرعی است و آیا از چه شخصی باید آن را اجاره کرد و مبلغ اجاره‌ی آن را باید در چه راهی مصرف نمود؟ هم‌چنین آیا می‌شود این نوع اجاره را به مصرف انجمن دینی و تعلیمات مذهبی که در همان روستا دایر است رساند یا نه؟

ج - اگر ملک وقف متولی مخصوص داشته باشد، باید از او اجاره کنند و اگر مجهول التولیه است، باید از حاکم شرع اجاره نمایند و در صورتی که مصرف آن هم مجهول باشد، می‌توانند مال الاجاره را با اذن متولی یا حاکم شرع صرف امور خیریه شرعیه بنمایند.



### □ تغییر مصرف وقف

س ۳۱۴۱ - حمامی است در محل عمومی که بانی آن معلوم نیست و شخصی مقدار کمی ملک را وقف نموده که منافع و محصول آن را صرف تعمیر حمام مذکور نمایند و تا مدتی نیز قابل استفاده بوده ولی در حال حاضر دولت به خراب کردن آن و بازسازی بنای آن حکم کرده تا بهداشتی گردد و مردم نیز برای تعمیر حمام مذکور حاضر به کمک کردن نیستند، در این صورت آیا می توان آجرهای حمام مذکور را در حمام نو مصرف نمود و هم چنین منافع ملک موقوفه‌ی حمام مزبور را در حمام نو هزینه کرد یا نه؟

ج - مادام که تعمیر حمام قدیم و صرف موقوفه در تعمیرات آن ممکن است اجازه نمی‌دهم.



س ۳۱۴۲ - در یکی از روستاهای مازندران امامزاده‌ای است که در دو فرسخی آن چند قطعه زمین وقف آن است و چون فاصله‌ی امامزاده کمی دور از ده است اگر از اجاره‌ی این زمین‌ها چیزی برای آن خریده شود، در معرض تلف است، آیا در این صورت می‌شود عواید آن را صرف امور خیریه‌ای مانند هزینه‌ی حسینیّه و مسجد کنند یا نه؟

ج - موقوفه باید به همان مصرفی که واقف تعیین نموده صرف شود.



س ۳۱۴۳ - شخصی در آمد و عواید زمینی را وقف تکیه‌ای نموده که در حال حاضر در آن تکیه، مدرسه ساخته شده و در برابر دو تکیه‌ی جدید درست کرده‌اند که یکی در مقابل تکیه‌ی سابق می‌باشد، در این صورت آیا می‌شود در آمد این زمین را در دو تکیه‌ی جدید هزینه نمود یا نه؟

ج - اگر مقصود این بوده که عواید موقوفه را صرف در تکیه‌ی مذکوره و عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام بنمایند، حال اگر ممکن است، در همان

تکیه عزاداری نمایند و اگر ممکن نیست، در هر کدام که اقرب به نظر واقف باشد صرف عزاداری آن حضرت کنند.



س ۳۱۴۴ - در یکی از روستاها حمامی با کمک اهالی محل ساخته شده و چون جمعیت زیاد و یک حمام کافی نبوده؛ به ویژه وجود یک حمام برای مرد و زن در ماه مبارک رمضان مشکل بوده، صیغه‌ی وقف هم مخصوص حمام مردانه است، در این صورت زن‌های روستا نیز می‌توانند در حال اختیار یا اضطرار از این حمام استفاده نمایند یا نه.

ج - متعارف در حمام مردانه و حمام زنانه اگر منحصر به دو حمام باشد این است که در موقعی که یکی از دو حمام به علتی مثل تعمیر یا مضیقه آب و غیره تعطیل شود، از حمام دیگر زن و مرد استفاده نمایند. بنابراین بعید نیست که قید هم منزل بر متعارف باشد ولی مع ذلک اگر معلوم باشد که قید کرده باشند که زن‌ها در هیچ موقع از آن‌ها استفاده نکنند، استفاده از آن‌ها جایز نیست و به هر حال در صورت اختیار استفاده زن‌ها جایز نیست.



س ۳۱۴۵ - شخصی زمینی را برای عزاداری وقف کرده است و متولی آن همه ساله طبق وقف‌نامه عمل می‌کرده و اطعام می‌نموده و در حال حاضر برخی اعتراض کرده‌اند که اطعام از درآمد آن صحیح نیست؛ چرا که اطعام در وقف‌نامه قید نشده است و در صورتی که واقف به اطعام نظر داشت لازم بود در وقف‌نامه قید می‌شد و چون قید نکرده، پس نباید اطعام شود. اکنون سؤال این است آیا اطعام صحیح است یا خیر و بر فرض افزوده آمدن درآمد موقوفه، متولی مبلغ افزوده را در چه راهی هزینه کند؟

ج - اگر در زمان خود واقف یا قریب به آن اطعام می‌شده، معلوم می‌شود

مرادش بوده؛ هرچند در وقف نامه قید نشده باشد و هم چنین اگر متداول و متعارف محل یا زمان اطعام باشد و واقف امر را موکول به نظر متولی نموده، اطعام عیبی ندارد و اگر برخلاف متعارف و متداول محل باشد که در سابق اطعام نبوده و بعدا اطعام می شده، صحیح نیست و آنچه زیاد می آید با افزودن به کمیت و کیفیت عزاداری صرف در آن کنند.



س ۳۱۴۶ - وقف مخصوص برای مدرسه را با اجازه‌ی حاکم شرع یا متولی شرعی وقف، صرف مسجد می توان کرد یا نه؟

ج - «الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها» و برخلاف مقررات وقف نمی توان صرف نمود و حاکم شرع نیز اجازه نمی دهد.



س ۳۱۴۷ - اگر شخصی مبلغ ده هزار تومان یا بیش تر از مال خود را جدا کرده که به مصرف عزاداری و روضه خوانی حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام برساند ولی یکی از اقوام آن شخص به انجام عمل چشم نیاز دارد و تأمین هزینه‌ی آن در توان او نیست و اگر چشم او را عمل نکنند، کور می شود، در این صورت آیا می شود مبلغ مزبور را جهت درمان چشم هزینه کرد یا نه؟

ج - اگر مبلغ مذکور منافع مذکور منافع موقوفه بر عزاداری است جایز نیست به مصرف دیگر صرف شود و اگر ملک خود شخص است؛ چنانچه ظاهر سؤال همین است و برای رضای خدا می خواهد عزاداری کند، به مصرف معالجه‌ی چشم برساند اهم است.



س ۳۱۴۸ - درآمدی از آب وقف تعمیر خزانه‌ی حمام روستایی بوده و اینک آن حمام خراب و تبدیل به حمام دوش بهداشتی گردیده، آیا درآمد آن آب را

می‌توان هزینه‌ی این حمام کرد و همچنین موقوفات مربوطه به روشنایی حمام سابق را می‌توان به مصرف روشنایی این حمام رسانید یا خیر؟  
ج - اگر حمام تبدیل به حمام دوش شده جایز است.



س ۳۱۴۹ - اگر ملکی وقف بر حضرت سید الشهدا علیه السلام و مورد آن شبیه‌خوانی باشد، آیا باید همان گونه که وقف شده عمل کرد یا می‌توان آن را برای روضه‌خوانی هزینه نمود؟

ج - در صورتی که شبیه‌خوانی مستلزم فعل حرامی نباشد، وقف بر آن جایز است و اگر صرف آن در شبیه‌خوانی به نحوی که مستلزم فعل حرامی نشود ممکن نباشد، صرف آن در روضه‌خوانی اقرب به غرض واقف است.



س ۳۱۵۰ - در وقف‌نامه‌ی ملکی است که عایدات و درآمد آن باید در تاسوعا در سوگواری حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام اطعام شود و عایدات ملک مزبور در حال حاضر برای این امر کافی نیست، آیا می‌توان به جای آن قند و چای گرفت و آن را برای مجلس روضه داد یا خیر؟  
ج - به هر مقدار که میسر می‌شود، اطعام نمایند.



س ۳۱۵۱ - اجاره‌ی ملکی بر اصلاح شصت پاره‌ی قرآن وقف شده است، در این صورت آیا می‌توان آن را برای خرید شصت پاره‌ی چاپی هزینه نمود یا نه؟  
ج - مادام که صرف آن در موردی که در وقف معین شده ممکن است، صرف آن در غیر آن جایز نیست.





س ۳۱۵۲ - زمینی وقف بر پلی می‌باشد، آیا در صورت افزوده آمدن این درآمد می‌توان از آن در ساخت یا تعمیر پل دیگری هزینه کرد یا نه؟

ج - در صورتی که ممکن است بر کیفیت تعمیر بیفزایند، صرف همان پل نمایند و اگر طوری است که صرف وجه در آن لغو محسوب می‌شود، در پل دیگر صرف نمایند.



س ۳۱۵۳ - مبلغی وقف تعزیه‌داری حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام شده و چون واعظ و گوینده در محل موجود نبوده هنوز مصرف نشده و در ضمن، مسجد جامع محل و سالن آن مجهز و معمور است، آیا می‌توان مبلغ مذکور در رنگ آمیزی سالن مسجد جامع یا دیگر امور مسجد هزینه نمود یا نه؟

ج - باید در عزاداری حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام که واقف معین کرده صرف شود و صرف در غیر آن جایز نیست و ممکن است واعظ و روضه‌خوان از محل دیگر دعوت شود و اگر آن هم ممکن نیست، مجلس عزاداری در محل دیگر که واعظ باشد منعقد کنند.



س ۳۱۵۴ - فرشی به نام حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام وقف شده و چون وسیله‌ای نیست فرستادن آن به کربلا برای واقف ممکن نیست، در این صورت آیا جایز است فرش مزبور را فروخت و قیمت آن را در عزاداری حضرت ابوالفضل علیه السلام هزینه نمود یا عین فرش را در مسجد یا حسینیه‌ای انداخت که در آنجا عزاداری می‌شود یا خیر؟

ج - اگر فرش را به قبض نداده، وقف تمام نیست و می‌تواند در آن تصرف کند و چنانچه به قبض داده و متمکن نیست که به کربلا ارسال دارد می‌تواند در مسجد و سایر مجالس مذهبی از قبیل حسینیه بیندازد.



س ۳۱۵۵ - سماوری را وقف مسجدی نموده‌اند، آیا می‌شود آن را در خارج از مسجد استفاده کرد با کرایه یا بدون آن مجالس فاتحه‌ای که در مساجد می‌گیرند می‌شود بابت برق و اثاثیه و پول آب مسجد از صاحب مجلس چیزی گرفت یا خیر؟

«گلبایگانی»: اگر آن سماور برای خصوص مسجد وقف شده، انتفاع از آن در خارج مسجد جایز نیست؛ هرچند با اجرت باشد.

\* \* \*

«نکونام»: اگر صاحبان مجالس خودشان برای تعمیر و روشنایی مسجد کمک و مساعدت کنند مانع ندارد و موجب اجر و ثواب است.

□ □ □ □

س ۳۱۵۶ - ملکی برای حمام ده وقف شده تا منفعت آن در مصالح حمام صرف شود، اینک حمام زمان واقف خراب شده و شرکت تعاونی آبادانی و مسکن، حمامی جدید و بهداشتی بنا کرده، در این صورت آیا می‌شود منافع موقوفه را به مصرف مصالح حمام جدید رساند یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر همان حمام را تجدید بنا نموده‌اند لازم است موقوفه‌ی مزبوره را صرف در آن بنمایند و اگر حمام دیگری ساخته‌اند، نمی‌شود منافع موقوفه را در آن مصرف کنند؛ مگر این که ممکن نباشد منافع موقوفه را صرف در حمام قدیمی نمایند؛ مانند این که مانع شوند یا لغو باشد که در این صورت از باب اقربیت به غرض واقف می‌توانند صرف در حمام جدید نمایند.

□ □ □ □

س ۳۱۵۷ - در یکی از دهات شبیه خوانی می‌کردند و رختخواب‌هایی را وقف کرده بودند که شبیه‌خوان‌ها شب‌ها از آن استفاده نمایند و در حال حاضر شبیه‌خوانی از

بین رفته است، حال با این رختخواب‌های موقوفه چه باید کرد؟

ج - رختخواب را تحت اختیار اهل منبر بگذارند که از آن‌ها استفاده کنند و اگر نیست، بفروشند و به مصرف عزاداری خامس آل عبا<sup>علیهم‌السلام</sup> برسانند.

□ □ □ □

س ۳۱۵۸ - زمینی در کنار مسجد جامع واقع شده، شاید نظر واقف این بوده که جهت برداشتن گل برای مسجد از آن استفاده کنند و در حال حاضر پوشش مسجد آهن است، آیا ممکن است در زمین اتاق‌هایی برای سکونت امام جماعت مسجد جامع بنا کرد یا خیر؟

ج - اگر وقف بر مسجد باشد و برای بنای مخصوص معین نشده باشد، مانع ندارد.

□ □ □ □

س ۳۱۵۹ - از آن‌ها که بلندگوی مسجدی به سبب زیادی استعمال در مناسبت‌های مختلف خراب می‌شد، مؤذن آن مسجد از شخصی خواهش کرد که بلندگویی بخرد که فقط برای اذان باشد و استفاده‌ی دیگری از آن نشود تا سالم بماند و شخص مذکور نیز بلندگویی به این شرط خریده، در این صورت آیا جایز است با آن اشیای گم شده یا پیدا شده را اعلام کرد یا نه؟

ج - در غیر جهتی که برای آن وقف شده است، استفاده جایز نیست.

□ □ □ □

س ۳۱۶۰ - آبی است وقف مخصوص حمام ولی پس از مشروب شدن حمام فقط حمامی از آن استفاده می‌کرد و اهالی قریه کاری به آن نداشتند و در حال حاضر آن حمام مخروب و متروک شده و در مکان دیگر حمامی بنا کردند و از آب لوله‌کشی و عمومی استفاده می‌شود، حال آب قدیمی که استفاده‌ی از آن مختص به حمام مذکور بوده است، در چه راهی مصرف شود؟

ج - در فرض مسأله، با رضایت ورثه‌ی واقف صرف در خیرات مطلقه و حوایج عمومی اهل محل حمام سابق بشود.

□ □ □ □

س ۳۱۶۱ - مبلغی از موقوفه نزد این جانب می باشد که باید صرف زیارت عتبات عالیات گردد، آیا می شود مبلغ مذکور را به حساب جنگ زدگان و رایز نمود؟  
ج - در فرض سؤال، لازم است عایدات موقوفه نگه داری شود تا ان شاء الله تعالی با امکان زیارت به مصرف برسد.

□ □ □ □

### □ تبدیل و تغییر وقف

س ۳۱۶۲ - مغازه ای است که در زمین موقوفه ساخته شده و مستأجر نمی تواند با وضع فعلی آن در این مغازه چنان که مورد نظر وی هست استفاده نماید، آیا می شود آن را خراب نمود و به صورت بهتری به نفع موقوفه ساخت یا نه؟  
ج - اگر عین دکان موقوفه باشد، تغییر آن جایز نیست؛ مگر آن که در معرض انهدام قرار گرفته باشد و اگر زمین موقوفه بوده و دکان بعد در آن احداث شده، تغییر جایز است و اذن متولی شرعی در هر صورت لازم است.

□ □ □ □

س ۳۱۶۳ - در گوشه ی مسجد شبستانی بوده که سال گذشته تعمیر شده و گوشه ی دیگر آن جای ذغال یا چوب بوده که از ارتفاع خارج و راهرو شده و چون مقداری وسعت دارد در نظر است حوضی در آن ایجاد شود، آیا این کار جایز است یا نه؟

ج - اگر شبستان مسجد محل نماز باشد، تغییر آن جایز نیست و اگر وقف بر مسجد و از مرافق مسجد باشد، ساختن حوض مانع ندارد.

□ □ □ □

س ۳۱۶۴ - مسجدی را خراب کرده اند و آن را از نو ساخته اند اما مقداری از جاده ی عمومی را به اندازه ی نیم متر در پانزده متر جزو شبستان مسجد کرده اند، در این صورت از نظر مسجد چه حکمی دارد و هم چنین صحن مسجد حوض ندارد، آیا

می‌توان در صحن و حیات مسجد حوض یا چاهی احداث نمود یا نه؟  
ج - جاده‌ی عمومی را نباید تصرف نمایند؛ لکن فعلا که تصرف کرده‌اند اگر جاده تنگ نشده و عابرین جهت عبور در مضیقه نیستند، دیگر نمی‌شود آن را خراب کنند و بعید نیست احکام مسجد بر آن مترتب شود و احداث حوض اگر جای نماز خواندن را تنگ و اشغال ننماید و باعث آبادی باشد، اشکال ندارد.



س ۳۱۶۵ - شخصی زمینی را وقف قبرستان نموده و در وصیت‌نامه و وقف‌نامه تذکر داده که کسی حق بنای حتی غسل‌خانه در آن را ندارد ولی بدون اطلاع از وصیت‌نامه و وقف‌نامه، غسل‌خانه‌ای در آن زمین ساخته شده، حال غسل دادن مردگان در آن جا چه حکمی دارد؟

ج - تصرف در ملک موقوفه برخلاف قرارداد واقف جایز نیست و با فرض علم به وقف مقید به عدم ساختمان حتی غسل‌خانه، بنا نمودن غسل‌خانه در آن محل غصب و حرام است و با علم به غصب بودن، غسل دادن میت در آن محل حرام و غسل هم صحیح نیست.



س ۳۱۶۶ - آیا می‌توان بخشی از زمینی را که واقف در یکصد سال پیش فقط برای مسجد وقف کرده به کتاب‌خانه اختصاص داد یا نه؟

ج - با فرض آن که معلوم باشد که به عنوان مسجد وقف شده و به تصرف وقف داده شده، تغییر آن جایز نیست.



س ۳۱۶۷ - شخصی قطعه زمینی را برای ساختن مسجد و قبرستان وقف کرده و اهالی نیز در همان زمین مسجدی بنا کردند و سال‌های متمادی از آن استفاده نمودند، اکنون به علت کثرت جمعیت اهالی قصد دارند مسجد را وسعت دهند اما

اگر مسجد وسعت پیدا کند بعضی از قبور در داخل مسجد قرار می‌گیرد، آیا اهالی در این صورت می‌توانند مسجد را با تصرف قبور وسعت دهند یا خیر؟

ج - نبش قبر جایز نیست و اگر مقداری از زمین که باید مسجد در آن واقع شود و مقداری که باید قبرستان شود از طرف واقف معین شده و به تصرف داده شده، تغییر وقف جایز نیست و هم‌چنین اگر در وقف مقدار هر یک تعیین نشده ولی در مقام قبض واقف آن را معین کرده، تغییر آن جایز نیست. بلی، اگر قبرستان را داخل در محوطه مسجد کنید به نحوی که حتی بنای دیوار آن نیز در قبرستان واقع نشود که دفن اموات در آن پس از آن هم بلامانع باشد مانعی ندارد.



س ۳۱۶۸ - زمین‌های کشاورزی موقوفه به وقف عام؛ مانند: زمین‌هایی که برای سوگواری حضرت سید الشهداء علیه السلام وقف شده، اگر قابل کشت نباشد و به طوری که از سبزه استفاده می‌شود، نظر واقف تنها به کشت حبوبات و سبزیجات بوده اما با وجود مقتضی کشت، مانع مفقود نیست و مانع واقع شدن این زمین‌ها در میان ساختمان است و با این وجود می‌توان از آن به دو گونه استفاده برد: یکی آن که افرادی هستند که زمین را به طور مزارعه از متولی می‌گیرند و در آن مرکبات کشت می‌نمایند و دیگر آن که متولی شرعی زمین را برای ساختمان اجاره دهد، حال کدام یک از این دو راه جایز است؟

ج - در فرض سؤال، اگر خود واقف در وقف مقید به زراعت نکرده باشد و یا در صورت تقیید، استفاده‌ی زراعتی ممکن نباشد، در صورتی که متولی شرعی صلاح بداند، جایز است برای ساختمان اجاره دهد و همه ساله مال الاجاره‌ی آن را دریافت نموده و به مصرف وقف برساند ولیکن لازم است با تهیه‌ی مدارک معتبره و شهود زیاد باشد که موقوفه تضییع نشود.



س ۳۱۶۹ - زمینی است در حدود هزار و پانصد متر که وقف بر امامزاده است و کشت می‌شود و درآمد آن هزینه می‌گردد و اهالی ده برای دفن مردگان خود زمین مناسبی ندارند و شخصی حاضر است بیش از مقدار زمین یاد شده را بدهد و آن زمین مرغوب‌تر از زمین امامزاده است، آیا تبدیل این زمین موقوفه به زمین دیگر که برای دفن اموات مسلمین وقف شود جایز است یا نه؟

ج - در فرض سؤال، تبدیل وقف جایز نیست ولی جایز است شخص مذکور زمین امامزاده را یکصد ساله اجاره کند برای دفن اموات و آن زمین خودش را عوض مال الاجاره به امامزاده رد کند که مال امامزاده باشد و منافعش مصرف امامزاده بشود و در این کار مجازند.



س ۳۱۷۰ - اگر بهره‌برداری از تمام مورد وقف یا پاره‌ای از آن برحسب وقف‌نامه ممکن نباشد و برای نمونه در وقف‌نامه ذکر شده که از راه زراعت بهره‌برداری شود و در حال حاضر روی جهاتی چنین امری امکان ندارد، آیا تبدیل زراعت به احداث ساختمان در آن هرچند فروش بخشی از آن را لازم داشته باشد تا با بهای آن ساختمان در قسمت دیگری ایجاد شود و یا اجاره دادن آن مانند اراضی آستانه‌ی مقدسه که متولی به اشخاص اجاره می‌دهد که ساختمان کنند و مال الاجاره‌ی زمین را بپردازند جایز است یا نه؟

ج - فروش آن را تا قابل استفاده است اجازه نمی‌دهم ولیکن اجاره دادن زمین به اشخاص جهت ساختمان و صرف مال الاجاره‌ی آن در جهت وقف مانعی ندارد.



س ۳۱۷۱ - باغچه‌ای در جنب مسجد جامع به مساحت یک هزار و پانصد متر مربع متعلق به مسجد و وقف است و در سال مقدار مختصری درآمد دارد، آیا می‌توان شصت متر مربع آن را جهت ساختمان اتاق برای آسیاب برقی به کسی اجاره داد

و مبلغ اجاره‌ی آن را هزینه‌ی ساخت مسجد نمود یا نه؟

ج - اگر باغچه را وقف نموده باشند که خود باغچه مثلا صحن و یا از مرافق مسجد باشد، اجاره دادن آن جایز نیست و لکن اگر وقف مطلق برای مسجد باشد که هر طور صلاح شد قرار دهند و یا آن که وقف شده باشد که منافع آن صرف مسجد شود، اجاره دادن آن مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۳۱۷۲ - سال‌های پیش ساختمانی به نام تکیه ساخته شده بود و در آنجا عزاداری می‌نمودند و شخص دیگری آن تکیه را خراب کرد و قسمتی از اراضی اطراف را بر آن اضافه نموده و ساختمان جدیدی به نام مسجد بر آن بنا نهاد که سال‌هاست مردم در آن نماز جماعت می‌خوانند و عزاداری می‌نمایند، آیا این کار جایز بوده است؟ آیا می‌شود آن را خراب کرد و جزو قبرستان قرار داد یا نه؟

ج - مقداری که به عنوان تکیه وقف بوده حکم مسجد بر آن مرتب نمی‌شود و اما مقداری که اضافه شده در صورتی که مانعی از وقف نداشته، حکم مسجد بر آن مترتب است و خراب نمودن و تغییر آن جایز نیست.

□ □ □ □

س ۳۱۷۳ - در روستایی قریب یکصد سال پیش شخصی بانی مسجدی شده و مقداری زمین کنار آن به نام حریم باقی گذاشته که نزدیک به یک صد زرع یا بیش‌تر می‌باشد و تاکنون نفعی از آن زمین عاید مسجد نشده، آیا می‌توان بخشی از آن زمین را جزو مسجد نمود و بقیه‌ی آن را به صورت تبرعی یا از وجوه زکات دو باب دکان به نفع مسجد ساخت و آن را اجاره داد تا عواید آن صرف روشنایی و یا تعمیر مسجد شود یا خیر؟

ج - در فرض مسأله، اگر فعلا مسجد محتاج به حریم نباشد و بخواهند نصف آن را دکان بنمایند و اجاره بدهند که منافع آن صرف مسجد بشود و



نصف دیگر را جزو مسجد کنند، اشکال ندارد و مجازند ولی اگر بخواهند دکان‌ها ملک خودشان باشد، اجازه نمی‌دهم.



س ۳۱۷۴ - قبرستانی است عمومی ولی نمی‌دانیم وقف بوده یا غیر وقف و مردگان زیادی در آنجا دفن شده‌اند اما در حال حاضر ساختمان شده، حال پرسش این است که عبور کردن در آنجا و انجام دیگر کارها در آن چه حکمی دارد؟  
ج - کارهایی که در موقع قبرستان بودن از عبور و مانند آن جایز بوده، فعلاً هم جایز است.



س ۳۱۷۵ - مسجدی خراب شده و می‌خواهند آن را از نو بنا کنند، اما نهر آبی پشت مسجد است که یک متر و نیم از دیوار مسجد فاصله دارد و پهنای دیوار مسجد نیز دو متر و نیم می‌باشد، آیا می‌شود یک متر و نیم از دیوار مسجد را گرفت و به ضمیمه‌ی یک متر و نیمی که با نهر آب فاصله دارد، چند مغازه ساخت که باعث استحکام مسجد شود و استفاده و اجاره‌ی آن هزینه‌ی مسجد شود یا نه؟  
«گلبایگانی»: جایز نیست، بنا بر احتیاط.



«نکونام»: چون این کار زمینه‌ای برای استحکام مسجد و رونق آن است اشکال ندارد.



س ۳۱۷۶ - استفاده از حصیر کهنه‌ی مسجد برای پوشاندن بام مستراح همان مسجد جایز است یا نه؟

ج - در صورتی که به نحوی کهنه شده باشد که برای مسجد مصرف نشود، اشکال ندارد.



س ۳۱۷۷ - مقداری مشاع از مزرعه‌ای وقف عزاداری حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام بوده، شخصی تمام مزرعه را به ثبت داده و آن را تصرف کرده و فروخته و در حال حاضر جزو شهر است و نیاز لازم به مسجد دارند، آیا جایز است در زمین مزبور مسجدی تأسیس کرد یا نه؟

ج - اگر در آن قطعه زمین که می‌خواهند مسجد بنا کنند سهمی وقف آن قطعه را از متولی شرعی اجاره نمایند و مال الاجاره را صرف عزاداری آن حضرت کنند، بنای مسجد در آن مانعی ندارد.



س ۳۱۷۸ - قبرستانی است که وقف بودن آن معلوم نیست و در آن مسجد بزرگی بوده و خراب شده و در حال حاضر مسجد کوچکی باقی است، آیا می‌شود بدون آن که نبش قبر شود مسجد بزرگی در آن ساخت یا نه؟

ج - اعاده‌ی مسجد اول که بزرگ بوده بی‌اشکال است؛ هرچند مستلزم نبش قبری باشد که از راه جهل به حرمت دفن در مسجد دفن شده است، ولی اجازه نمی‌دهم قبرستان را مسجد کنند.



س ۳۱۷۹ - در قریه‌ای از توابع آمل مازندران معدن خاک سفیدی بوده و مالک آن را جهت تعمیر منازل برای اهالی آن قریه وقف نموده و در جوار آن زمین، زمین کشاورزی است که موقوفه‌ی حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام است، در حال حاضر، معدن اولی تمام شده و اهالی از خاک زمین موقوفه استفاده می‌نمایند؛ به طوری که آن را از قابل کشت بودن و از انتفاع ساقط نموده‌اند، آیا در این صورت می‌شود این زمین را با زمین مزروعی دیگر مبادله کرد یا اجاره داد یا نه؟

ج - تبدیل وقف مادام که فی حد نفسه از انتفاع ساقط نشده جایز نیست و غصب غاصب مجوز بیع نمی‌شود.



س ۳۱۸۰ - در زمینی که ملک شخصی است از قدیم درخت توتی به منظور استفاده‌ی عموم مردم نشانده شده و اگر مالک بخواهد زمین را بفروشد، با وجود این درخت کم‌تر مشتری رغبت به خرید آن دارد، آیا راهی برای انداختن درخت و قرار دادن امر خیری دیگر به جای آن وجود دارد یا نه؟

ج - انداختن درخت مذکور اگر وقف نباشد مانع ندارد و اگر وقف باشد، تبدیل و تغییر آن جایز نیست و در این فرض، زمین را بفروشد به شرط آن که درخت به حال خود باقی باشد.



س ۳۱۸۱ - مقداری ظرف مس که وقف بر حسینیه است در اثر کهنگی و بعضی نیز بر اثر سنگینی وزن مورد استفاده نیست، آیا تبدیل و تعویض آن به مس جدید جایز است یا خیر؟ البته، این تبدیل مستلزم نقص وزن مس می‌شود؛ زیرا مس‌های وقتی کهنه را به قیمت کم‌تر می‌خرند و مس‌های جدید را به قیمت بیش‌تر می‌فروشند، آیا این معامله جایز است یا خیر؟

ج - در صورتی که مورد استفاده نباشد و معطل بماند، فروش و تبدیل آن‌ها جایز است.



س ۳۱۸۲ - زمینی متصل به مسجد است و مشهور است که در گذشته انبار موقوفه بوده، آیا می‌توان زمین مزبور را جزو مسجد نمود یا نه؟

ج - اگر فعلاً بلا معارض است و وقفیت سابق هم معلوم نیست و یا بر فرضی که وقف بوده فعلاً مصرف ندارد یا معلوم نیست مصرف چه بوده، مجازید مسجد را توسعه بدهید.



س ۳۱۸۳ - قطعه زمینی موقوفه است که با کوچه‌ای باریک از آن رفت و آمد می‌شود و با وضع فعلی و نحوه‌ی کشاورزی و حمل و نقل و وسایل روز بسیار مشکل بلکه متعذر است و توسعه‌ی کوچه‌ی یاد شده به نفع زمین مزبور است و از طرفی نیز در یکی از دو طرف کوچه‌ی مزبور قطعه زمینی است که متعلق به شخص دیگر است، آیا جایز است به امتداد کوچه از آن قطعه زمین دیگری مقداری را جزو آن قرار داده و کوچه را توسعه داد و در مقابل به همین مقدار از زمین موقوفه به زمین آن شخص افزود یا نه؟

ج - اجازه‌ی فروش نمی‌دهم، لکن می‌توانید مقدار زمین موقوفه را اجاره بدهید به مدت طولانی و وجه اجاره‌ی آن را به ازای زمین کوچه بدهید که راه توسعه پیدا کند.



س ۳۱۸۴ - این جانبان در چند سال پیش قطعه زمینی در ساحل دریای خزر مجاور راه شوسه خریداری و جهت قبرستان وقف نمودیم و چند نفر نیز تاکنون در آن دفن شده‌اند، اینک این قطعه زمین در معرض تلف حتمی واقع شده؛ یعنی گروهی از طبقات به اصطلاح ممتاز مملکت در مسجورت آن ویلاها و ساختمان‌های مخصوصی بنا کرده و زمین موقوفه را از استفاده در جهت وقف ممنوع نموده‌اند و به وسایلی در امحای وقف می‌کوشند و چنانچه آن را تبدیل نماییم، از بین رفتن آن حتمی است، در این صورت تبدیل آن به بیع و خریداری زمین دیگر جهت قبرستان جایز است یا نه؟

ج - در صورت قطع به تلف، تبدیل آن به نحو مذکور مانعی ندارد.



س ۳۱۸۵ - در بعضی مناطق قبرهایی وجود دارد که مردم می‌گویند مقبره‌ی امامزاده است و زمین‌هایی نیز وقف امامزاده می‌نمایند و معمولاً مردگان خود را در اطراف مقبره‌ی امامزاده دفن می‌کنند و در جنب امامزاده محلی را به نام مسجد ساخته‌اند، حال اگر بدون این که قبری نبش شود مسجد را توسعه بدهند، آیا قسمت توسعه یافته حکم مسجد را دارد یا نه؟

ج - زمین‌های مذکور اگر وقف برای دفن اموات باشد، مسجد نمی‌شود و اگر وقف برای حواجج امامزاده باشد که یکی از حواجج هم مسجد جنب امامزاده است، مسجد بنمایند صحیح است و توسعه‌ی مسجد نیز اشکال ندارد؛ به شرط آن که نبش قبر نشود و حکم مسجد را دارد.



س ۳۱۸۶ - زمینی برای یخچال و تهیه‌ی یخ از آن جا وقف شده و تمام مردم از آن استفاده می‌کردند و وقف نیز عام بوده و در حال حاضر استفاده‌ای از آن نمی‌شود، آیا فروختن آن جایز است یا نه؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، اگر از معرض انتفاع برای یخ بالمره ساقط شده، ممکن است آن را اجاره دهند و مال‌الاجاره‌ی آن را به افراد بی‌بضاعت بدهند که یخ بخرند.



«نکونام»: از آن‌جا که موضوع آن منتفی شده است، فروش آن اشکال ندارد و لازم نیست بهای آن به مصرف خرید یخ برای فقیران برسد بلکه اگر به فقیران داده شود تا آن را در هزینه‌های خود مصرف کنند بسنده است.



س ۳۱۸۷ - آیا بنا کردن مسجد در زمینی که برای قبرستان وقف شده جایز است یا نه و در صورتی که در زمین مزبور مسجد بنا نمودند، نماز خواندن در آن چه حکمی دارد؟

ج - زمین که وقف قبرستان باشد مسجد نمی‌شود؛ ولی نماز خواندن در آن جایز است.



س ۳۱۸۸ - مسجدی حیاط مختصری دارد و در وسط آن حوضی ساخته شده که محل استفاده‌ی مردم است و می‌خواهند حیاط مسجد را حسینیه و وضوخانه درست کنند، در این صورت می‌شود آن حوض را تغییر داد یا خیر؟

ج - تغییر حیاط و حوض به وضوخانه یا حسینیه خلاف شرع است. «الوقوف علی حسب ما یوقفها أهلها».



س ۳۱۸۹ - یک باب آب انبار وقف عمومی واقع در بازارچه‌ی شهرری به جهت وجود آب لوله‌کشی بی استفاده مانده، آیا جایز است کسی آن جا را محل کسب خود قرار دهد یا نه؟ در صورتی که موقعیت محلی ایجاب کند در آن جا مسجدی ساخته شود، آیا این کار جایز است؟

«گلیایگانی»: لوله‌کشی سبب خروج آب انبار از معرضیت انتفاع نمی‌شود. ممکن است از همان آب لوله‌کشی برای تابستان آن را پر کنند تا مردم از آب خنک آن استفاده نمایند. به هر صورت مادام که به نحوی از انجا انتفاع از آن ممکن است، تبدیل آن جایز نیست.



«نکونام»: چون آب انبار در این زمان بهره‌برداری معقولی ندارد می‌شود آن

را برای کار خیری مصرف نمود و در صورتی که ساخت مسجد در آن مکان مناسب باشد، چنانچه وقف مسجد شود بهتر است.



س ۳۱۹۰ - زمینی به مساحت حدود یک هزار و ششصد متر به منظور قبرستان وقف گردیده و چهارصد متر از آن را به غسل‌خانه اختصاص داده‌اند و مدتی نیز از آن استفاده شده، ولی از بقیه‌ی زمین مزبور در خصوص قبرستان استفاده نشده؛ زیرا گورستان بزرگی از طرف اهالی و شهرداری برای تمام بخش و اهالی احداث گردیده و زمین مزبور برای همیشه فاقد استفاده‌ی مورد نظر واقف گردیده از این رو چون قبرستان عمومی شهر در حدود ده هکتار است و به تأسیسات بسیاری نیاز دارد، آیا می‌شود این زمین تحت نظر یکی از روحانیان محل جهت تبدیل به احسن به فروش رسانده شود و هزینه‌ی تکمیل قبرستان عمومی گردد؟

ج - در صورتی که زمین مذکور به هیچ نحو برای واقف و موقوف علیهم فایده نداشته باشد، مجازند بفروشند و قیمت آن را به مصارف قبرستان دیگر برسانند.



س ۳۱۹۱ - زمینی کنار مسجد است که حوض مسجد وسط آن قرار دارد، آیا می‌شود آن زمین را که وقف مسجد است به مغازه تبدیل نمود تا اجاره‌ی آن برای مسجد هزینه شود؟ البته، امکان دارد در تبدیل آن حوض واقع در زمین مذکور از بین برود.

ج - تبدیل وقف جایز نیست.



س ۳۱۹۲ - مسجد جامع شهری دو طبقه‌ی تحتانی و فوقانی دارد ولی کاملاً نمی‌توان تعیین نمود که بانی سابق آن دو نفر بوده یا یک نفر و فقط معلوم است که منحصر به اجداد طایفه‌ای مخصوص است و در یک تخته فرش آن نوشته شده مخصوص طبقه‌ی فوقانی و چون مسجد مذکور از سنگ و خشت و چوب ساخته شده و قدیمی است، عده‌ای از مردمان نیکوکار تصمیم دارند وجهی جمع آوری نمایند و مسجد نامبرده را به سبک جدید در آورده و تبدیل به احسن نمایند، در این صورت آیا می‌شود طبقه‌ی تحتانی آن مسجد را پر کرده و آن را به صورت طبقه‌ای فوقانی بنا نمود یا نه؟

ج - اجازه نمی‌دهم تحتانی را پر کنند؛ ولی جایز است هر دو را توسعه دهند؛ هم تحتانی و هم فوقانی و به طرز جدید بسازند.



#### □ تولیت وقف

س ۳۱۹۳ - شخصی ملکی را وقف و تولیت آن را به این شرح در وقف‌نامه ذکر می‌نماید: «تولیت آن مادام‌العمر مفوض است به شخص واقف و بعد از فوت او با اکبر و ارشد اولاد ذکور او نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن و اگر در بعضی از طبقات اولاد ذکور نباشد، تولیت با اصلح و اتقی از اناث همان طبقه می‌باشد نسلاً بعد نسل و هرگاه طبقات از اناث و ذکور منقرض شد، تولیت با پنج نفر از صلحای بلد می‌باشد که منافع عین موقوفه را برداشته و همه ساله به شرحی که ذکر شد به مصرف برسانند با نظارت یک‌دیگر الی آن ینقرضوا»، حال شخص واقف دارای سه فرزند پسر است و فرزند بزرگ وی تولیت ملک را عهده‌دار شده اما چنانچه وی با داشتن دو فرزند پسر بمیرد، آیا با توجه به مضمون وقف‌نامه، تولیت ملک به برادر بزرگ وی می‌رسد یا به فرزند بزرگ خود؟

ج - به نظر حقیر ظاهر عبارت «نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن» آن است که



تا یک نفر از اولاد ذکور واقف حیات دارد، به اولاد اولاد نمی‌رسد و هم‌چنین در طبقات بعد الاقرب فالاقرب به واقف مقدم هستند و تا عمو حیات دارد، تولیت به برادرزاده نمی‌رسد. والله العالم.



س ۳۱۹۴ - شخصی مسجدی ساخته و تولیت آن را تا خود زنده است بر عهده‌ی خویش و سپس با یکی از خویشاوندان معین و سپس با امام جماعت مسجد قرار داده، در این صورت آیا می‌تواند تولیت را تغییر داده و با وجودی که خود زنده است آن را به امام راتب مسجد واگذار کند یا نه؟

ج - به نظر حقیر قرار دادن متولی برای آن معنا ندارد؛ نه واقف متولی آن است نه غیر او. بلی، اگر واقف بخواهد رقباتی را هم برای مسجد وقف نماید می‌تواند در ضمن عقد وقف، تولیت آن رقبات را با خود یا دیگری قرار دهد و الا بعد از تمام شدن عقد و تحقق وقفیت، واقف هم مانند دیگران اجنبی از وقف می‌شود و نیز چنان‌چه در ضمن عقد وقف، تولیت را برای خود یا دیگری قرار داد، بعداً حق عزل و نصب ندارد؛ مگر این که در ضمن عقد وقف برای خود شرط عزل و نصب متولی راهم‌نموده‌باشد.



س ۳۱۹۵ - در موقوفه‌هایی که تولیت آن با حاکم شرع یا منصوب از جانب اوست، هرگاه حاکم شرع یا منصوب او نباشد یا دسترسی به آن ممکن نباشد، چه باید کرد؟

ج - در مورد سؤال، تولیت با عدول مؤمنین است و در صورت نبودن عدول، تولیت با مؤمنین موثق و امین است.



س ۳۱۹۶ - در مواردی که واقف برای موقوفه متولی قرار نداده، امر آن با حاکم شرع است، اما پرسش این است در صورتی که متولی آن غیر اهل باشد یا بعدها از شایستگی اداره‌ی آن خارج شود و برای نمونه، تولیت را با عادل از فرزندان خود قرار داده و در بین آن‌ها عادل وجود ندارد یا عادل بوده و بعد فاسق شده، تکلیف چیست؟

ج - مورد سؤال مثل موردی است که متولی تعیین نکرده باشد و اختیار آن با حاکم شرع است.



س ۳۱۹۷ - شخصی که از طرف حاکم شرع متولی موقوفه نشده ولی مردم او را امین می‌دانند و موقوفات خود را به او واگذار نموده‌اند، آیا وی حق تصرف در موقوفات را دارد یا نه؟

ج - شخص مذکور اگر از طرف متولی شرعی وکالت داشته باشد تا حدی که متولی اختیار دارد و به وکیل اختیار داده، می‌تواند دخالت نماید و زاید بر آن جایز نیست.



س ۳۱۹۸ - آیا ولایت فقیه در وقف عام مانند مسجد از امور عامه‌ی ثابت است، چنانچه مرحوم سید محمد کاظم قدس سره در جلد دوم عروه چنین نظری دارد یا نه؟

ج - مسجد اگر موقوفاتی داشته باشد که متولی ندارد، ولایت حاکم شرع در آن موقوفات ثابت است.



س ۳۱۹۹ - در وقف نامه‌ای آمده که تولیت با اعلم و اوثق و ازهد فرزندان باشد و نوهی دختری صاحب شرایط یاد شده است و نزدیک چهل سال است که تولیت وقف در اختیار وی بوده و در این مدت بر آن مواظبت و جمع آوری نموده و درآمد آن را به مصرف عزاداری رسانده است، در حال حاضر نبیره‌ی پسری واقف ادعای تولیت می‌نماید اما دارای شرایط تولیت نیست، ولی نوهی دختری عالم محل که اهالی در حل و فصل اختلافات و سایر امور شرعی به او مراجعه می‌نمایند، صاحب شرایط آن است، در این صورت، کدام یک از آنان برتری دارند؟

ج - صورت وقف‌نامه دیده شد. عبارت: «تولیت با اولاد مطلق است؛ چه آن فرزند از نسل ذکور باشد و چه از نسل اناث»، علی‌هذا، هر کدام از اولاد که واجد شرایط مقرر در وقف‌نامه باشد، تولیت با اوست؛ نوه و نبیره‌ی دختری باشد یا پسری.



س ۳۲۰۰ - اگر واقف تولیت وقف یا نظارت آن را برای خود قرار دهد، آیا لازم است عادل باشد یا خیر؟

ج - لازم نیست، بلکه اگر برای دیگری هم قرار دهد لازم نیست عادل باشد. بلی، معتبر است امین و دارای کفایت باشد. پس متولی قرار دادن شخص خاین که اطمینانی به او نیست و همین‌طور کسی که کفایت برای سرپرستی امور وقف را ندارد جایز نیست و مخصوصاً در وقف بر جهات و مصالح عمومی.



س ۳۲۰۱ - این جانب چند جلد کتاب موقوفه در اختیار دارم که تولیت آن به موجب وصیت آبا و اجداد به بنده واگذار شده و مضمون وقف نامه چنین است: «وقف شرعی نمود این کتب را بر کافه‌ی علما اثنی عشریه و تولیت آن را در دست علمای این ناحیه قرار داد» و در حال حاضر این کتاب‌ها در آن محل مورد نیاز نیست و استفاده‌ای از آن نمی‌شود، آیا می‌توان این کتاب‌ها را به قم انتقال داد و در یکی از کتابخانه‌های آن گذارد و تولیت آن را به مانند شما واگذار نمود یا خیر؟

ج - تولیت وقف قابل تفویض به غیر نیست. بلی، متولی می‌تواند اگر شرط مباشرت خودش در وقف نشده باشد، دیگری را که امین باشد وکیل نماید و در اصل مسأله هم اگر کتاب‌ها مورد انتفاع در محل نیست و محل اقرب از قم که انتفاع از آن ممکن است نباشد، به هر کدام از کتابخانه‌های قم که بیش‌تر مورد مراجعه باشد و قبول کنند، به عنوان امانت بدهید که هر وقت در محل مورد انتفاع است استرداد شود.



س ۳۲۰۲ - شخصی ملکی را وقف کرده است و در هنگام اجرای صیغه وقف تولیت موقوفه را برای خودش مادام الحیات قرار داده است و پس از فوت امر تولیت را برای شخص دیگری نسلی بعد از نسل دیگر قرار داده است و پس از گذشت سه سال افرادی مغرض واقف را فریب داده و گول زده‌اند و برای کوتاه کردن دست متولی بعد از فوت واقف یک وصیت‌نامه در دفتر یکی از سردفترهای درباری تنظیم و تولیت بعد از فوت را از جانب واقف به دیگری واگذار می‌نماید، آیا این عمل خلاف شرع از جانب واقف هست یا نیست، به‌طور کلی متولی در امور

موقوفات از جانب واقف بعد از اجرای صیغه و تعیین متولی بدون تقصیر قابل عزل و نصب هست یا نیست؟

ج - از خصوص مورد سؤال اطلاع ندارم. به طور کلی اختیار جعل تولیت به دست واقف است، ولی بعد از آن که شخص را معین نمود، جایز نیست او را از تولیت عزل نماید؛ مگر آن که بفهمد که شرایط تولیت را ندارد که در این صورت خود به خود منعزل می شود.



س ۳۲۰۳ - زمینی وقف شده و متولی شرعی آن بزرگ ترین فرزند پسر واقف هر نسل بعد از دیگری قرار داده شده تا وی عواید آن را هزینه عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در ایام محرم نماید، در این صورت آیا متولی می تواند حق تولیت خود را در مقابل گرفتن پولی برای همیشه به یکی از نزدیکان خود غیر از فرزندان واقف انتقال دهد یا نه تا تولیت آن با شخص دوم باشد و متولی نخست حقی در آن نداشته باشد؟

ج - در فرض سؤال، واگذار نمودن متولی شرعی منصوص تولیت خود را به غیر جایز نیست؛ خواه مجانی باشد یا غیر مجانی و با این عمل، دیگری دارای تولیت نمی شود و تصرفات او در موقوفه جایز نیست. بلی، متولی شرعی جایز است دیگری را از طرف خود برای انجام اعمال موقوفه وکیل نماید.



س ۳۲۰۴ - وقفی است که متولی آن را به این جانب واگذار کرده که اجاره آن را گرفته و به مصرف کسانی که برای آنان وقف شده است برسانم، هم اینک از طرفی به جهت پیری قدرت بر این کار ندارم و از طرف دیگر اگر آن را تحویل

متولی بدهم می‌دانم که به آن عمل نخواهد کرد، وظیفه‌ی من در این میان چیست؟ هم‌چنین موقوفه‌ی دیگری است که متولی آن عدول مؤمنان می‌باشند و چند سال است که در دست این‌جانب است ولی اکنون به خاطر سال‌خوردگی نمی‌توانم آن را اداره کنم و هیچ یک از عدول مؤمنان محل آن را نمی‌پذیرند، در این صورت، تکلیف چیست؟

ج - در هر دو مسأله، چنان‌چه ممکن است شخص امین و فعالی را وکیل نمایید که امور هر دو موقوفه را انجام دهد و در صورتی که تعیین وکیل برای شما میسر نباشد، به حاکم شرع تفویض نمایید.

□ □ □ □

س ۳۲۰۵ - هرگاه واقف تا زمانی که زنده است تولیت موقوفه را به خود اختصاص دهد و در متن صیغه‌ی وقف حق تولیت خود را چندین برابر اجرت المثل قرار دهد و برای نمونه بگوید نه‌دهم کل منافع وقف حق تولیت من است، آیا این وقف باطل است یا خیر؟

«گلبایگانی»: وقف مذکور در مورد سؤال خالی از اشکال نیست.

\* \* \*

«نکونام»: وقف درست است ولی حق تولیت لزوم اجرایی ندارد و نباید از وقف به گونه‌ی غیر معقول استفاده شود؛ چنانچه در مورد پرسش این‌گونه است.

□ □ □ □

س ۳۲۰۶ - هرگاه واقف مقدار معینی از منافع وقف را برای متولی قرار دهد که اجرت او محسوب می‌شود و آن مقدار کم‌تر از اجرت المثل باشد، آیا برای متولی جایز است به مقدار اجرت المثل از آن بردارد یا نه؟

ج - جایز نیست. بلی، اگر واقف مقدار معینی را ذکر نکند، متولی حق دارد به مقدار اجرت المثل بردارد.

□ □ □ □

س ۳۲۰۷ - کسی متولی آب یا زمینی است که باید در موارد معین هزینه شود و اگر خلاف آن عمل کند و آن را در موارد معین شده به مصرف نرساند و کسی قدرت داشته باشد آن را از دست او بگیرد و در جای خود هزینه کند، آیا جایز است یا نه؟

ج - متولی اگر خاین باشد، باید حاکم شرع ضمّ امین نماید و اگر قبول ضمّ امین نکند، حاکم باید او را برکنار نماید و شخص امینی را متصدی نماید که عمل به وقف نماید.



س ۳۲۰۸ - تولیت زمین‌های موقوفه‌ای برای فرزند بزرگ‌تر هر نسلی بعد از هر نسل دیگر است و حال متولی به خاطر ضعف و ناتوانی انجام کارهای مربوطه برای وی مشقت دارد، در این صورت آیا می‌تواند زمین‌ها را به عالم محل یا به کسی دیگر که مورد اطمینان وی باشد واگذار کند یا نه؟

ج - نمی‌تواند؛ مگر این که در تولیتی که واقف به او داده چنین اختیاری را برای او قرار داده باشد. بلی، می‌تواند دیگری را برای انجام کارهای مربوط به موقوفه وکیل نماید؛ مگر این که شرط مباشرت شده باشد.



س ۳۲۰۹ - هرگاه کسی تولیت وقف را برای دیگری قرار دهد، آیا قبول آن بر وی واجب است یا خیر؟

ج - واجب نیست؛ اگرچه در موقع وقف نمودن و جعل تولیت حاضر نباشد و بعد از موت واقف، خبر به او برسد.



س ۳۲۱۰- هرگاه واقف تولیت وقف را برای اشخاصی به نحو ترتیب قرار دهد؛ مثلاً بگوید تولیت با زید باشد و پس از او با عمر و پس از او با بکر و زید و عمرو آن را قبول کنند، آیا لازم است بکر نیز آن را بپذیرد یا خیر؟

ج- قبول تولیت بر بکر لازم نیست و اگر قبول نکند، موقوفه بدون متولی منصوب محسوب می شود.



س ۳۲۱۱- موقوفه‌ای است که در وقف‌نامه‌ی آن نوشته شده: «در هیچ عصری از اعصار قضات و مجتهدین احکام و عرف به هیچ وجه دخل و تصرف در عین و منافع موقوفات نمایند و محاسبه‌ی متولی نکنند»، در صورتی که احتمال سوء استفاده در آن قوی است و سازمان اوقاف که می‌خواهد حساب آن را رسیدگی نماید، متولی به استناد جمله‌ی مندرج در وقف‌نامه از ارایه‌ی صورت حساب شانه خالی می‌کند و اظهار می‌دارد هیچ کس حتی مجتهدان و مراجع حکومت اسلامی حق محاسبه‌ی این جانب را ندارد و مایل است به رویه‌ی قبلی ادامه دهد و این سازمان پیش از رسیدگی به دفاتر و حساب‌ها نمی‌تواند اظهار نظر قطعی نماید، حال اتباع از قید مزبور که در وقف‌نامه آمده مشروعیت و لزوم دارد یا خیر و هم‌چنین حکم درباره‌ی سایر متولیان‌ی که حاضر به رعایت وقف نیستند چیست؟

ج- در صورتی که از طرف موقوف علیهم نزد حاکم شرع شکایتی بشود و مدعی خیانت متولی باشند، رسیدگی به دعوا، مزاحمت متولی نیست. بلی، بعد از رسیدگی با فرض عدم ثبوت خیانت کسی حق ممانعت از تصدی او و دخالت در کار او ندارد.





س ۳۲۱۲ - شخصی وقف نامه‌ای از او باقی مانده و عین عبارت وقف نامه چنین است که تولیت با فرزند صلبی خود باشد و بعد از وفات وی به اعلم و اعدل پسران متولی که نسل نخست آن بر نسل بعد مقدم است برسد و چنانچه پسری نباشد، تولیت آن به اعلم و اعدل دختران متولی می‌رسد و بطن اعلی مقدم بر بطن بعد است و چنانچه هیچ یک از آنان نباشند، به عدول مؤمنان واگذار می‌گردد، حال منظور از این که بطن اعلا مقدم بر بطن اسفل است چیست؟

ج - اولاد بلا واسطه نسبت به اولاد خودشان بطن اعلی و اول و اولاد اولاد نسبت به اولاد خودشان و هر طبقه نسبت به مابعد خود بطن اعلی و طبقه‌ی بعدی اسفل محسوب می‌شود و چنانچه یک نفر از اولاد ذکور از بطن اول موجود باشد، نوبت به بطن بعدی نمی‌رسد.



س ۳۲۱۳ - در صورتی که بطن اعلی دو شرط اعدل و اعلم را نداشته باشد، آیا بطن اسفل می‌تواند تولیت آن را داشته باشد یا نه؟

ج - اگر یک نفر از اولاد ذکور بطن اول موجود باشد، تولیت به او می‌رسد؛ مگر این که مجنون و مانند آن باشد که در این صورت تولیت منتقل به بطن بعدی می‌شود.



س ۳۲۱۴ - یک قطعه زمین را جهت سکونت طلاب علوم دینی از املاک شخصی خود وقف نموده و در وقف نامه شخصی را بعد از فوت خود به عنوان متولی تعیین نمودم و ساختمان این زمین هنوز به اتمام نرسیده و محل به تصرف طلاب در نیامده و به عللی می‌خواهم متولی را معزول و به جای نامبرده شخص دیگری را به عنوان متولی انتخاب نمایم. در وقف نامه از لحاظ قانونی قید شده که

ساختمان به تصرف طلاب درآمده، آیا انجام این عمل و این حق برای این جانب هست یا خیر؟

ج - در مورد سؤال، در صورتی که متولی مذکور هیچ دخالتی تاکنون در عمل ساختمان موقوفه نداشته و به تصرف او داده نشده، واقف می تواند او را عزل و دیگری را منصوب نماید.

□ □ □ □

## احکام وقف

س ۳۲۱۵ - دهکده‌ای است که زمانی آرامنه در آن جاسکونت داشته‌اند، حال مدت هفت سال است که اهالی آن مسلمان نشین شده ولی مسجدی ندارد، اهالی ده می‌خواهند کلیسا را مسجد نمایند و چون ساختن مسجد برای ایشان مقدور نیست، آیا اجازه می‌فرمایید کلیسا را به مسجد تبدیل نمایند یا نه؟

«گلیپایگانی»: بلی، جایز است مکان مزبور را مسجد قرار دهند و احکام مسجد بر آن مترتب می‌شود و هر جا که نجاست آن مشکوک باشد؛ مثل سقف یا دیوار، محکوم به طهارت است و هر جا که مقطوع باشد، احتیاط لازم آن است که قبلاً تطهیر کنند و اگر خاک زمین نجس باشد، بردارند و به جای آن خاک پاک بریزند.

\* \* \*

«نکونام»: این کار جایز است و اگر به صورت یقینی می‌دانند بخشی از آن نجس شده است، باید آن را پاک کنند.

□ □ □ □

س ۳۲۱۶ - احیا کردن و کشت و زراعت در زمین مخروبه‌ای که در آن آثار قبور مسلمین است، جایز است یا نه؟

ج - هیچ گونه تصرف در زمین وقف بر قبرستان جایز نیست و حرام

است؛ خواه مستلزم نبش باشد یا نباشد و نبش قبور مسلمین هم حرام است؛ اگرچه زمین مباح باشد.



س ۳۲۱۷ - در برخی از روستاها مرسوم است که شب تاسوعا زنان به طوری که کسی نفهمد یکی از استکان‌های مسجد یا نعلبکی را به منزل می‌برند و در سال دیگر، اگر حاجت شرعی و نیت آن‌ها برآورده شد، آن استکان را با شش استکان دیگر به مسجد می‌آورند و از این نظر در مسجد استکان زیادی جمع شده، در این صورت آیا می‌شود کسی که از اول قصد بردن استکان را داشته باشد نیت کند به جای استکان، اسباب و وسایل دیگری خریداری نماید یا نه و نیز جایز است ظرف‌های مسجد و یا چراغ‌های هدیه شده به مسجد را در مجالس عمومی دیگر استفاده کرد یا نه؟

ج - استکانی که وقف برای مسجد است جایز نیست به منزل ببرند و اما بردن اشیایی که متعلق به مسجد است به مجالس عمومی دیگر، موقوف به نظر واقفین آن‌هاست.



س ۳۲۱۸ - خرید و فروش سرقفلی مغازه‌هایی که ملک آن وقفی است و در اختیار سازمان اوقاف قرار گرفته، جایز است یا نه؟

ج - در فرض سؤال مذکور، متولی شرعی وقف باید رعایت مصلحت وقف را بنماید، اگر مصلحت وقف اقتضای گرفتن سرقفلی داشته باشد، باید بگیرد و اگر گرفتن سرقفلی موجب مفسده باشد، نباید بگیرد و در غیر این صورت، مخیر است؛ ولی اگر سرقفلی به نحو شرعی گرفته شود، از منافع وقف است و باید به مصرف وقف برسد و متولی نمی‌تواند خود مصرف کند.



س ۳۲۱۹ - ملکی و آب آن در حدود ۱۳۰ سال پیش وقف شده و بنده هیچ گونه اطلاعی از وقف بودن آن نداشتم و فقط شایعاتی در مورد آن بود تا این که پدرم مریض شد و هنگامی که وصیت می کرد سؤال کردم جوابی نداد و در اثر بی اطلاعی بعد از فوت پدرم این ملک به فرزندان منتقل شد و درآمد آن تا چهار سال تقسیم گردید و در سال پنجم وقف نامه ای دیده شد و همان سال طبق وقف نامه عمل شد، حال پرسش های زیر درباره ی آن مطرح است:

(۱) آیا درآمد این چهار سال را باید پرداخت یا نه و در صورتی که برخی بر ادای آن توانایی نداشته باشند، تکلیف چیست؟

(۲) با درآمد جزئی که پدرم از راه دیگر داشته و درآمد عمده از همین ملک وقفی بوده و وسایلی مانند یخچال، قالی و ماشین خریداری شده، حال تکلیف این وسایل چیست؟

(۳) اطلاع دارم که پدرم به این وقف نامه عمل نکرده، البته چند روزی در اوایل روضه خوانی می کرد و آن نیز قطع شد، اما نمی دانم که او از این وقف نامه اطلاع داشته یا نه، تکلیف ما در رابطه با مدت زمانی که پدرمان به این وقف نامه عمل نکرده، چیست؟

ج ۱- اگر زمین و آب وقف بوده، اجرت المثل زمین و آب را به مصرف موقوفه برسانید و فرقی بین اطلاع و عدم اطلاع نیست و در صورت نداشتن نیز ذمه ی شما مشغول است.

۲- آن چه خریده شده، ملک خود ایشان است. فقط قیمت آن چه را که از وقف مصرف شده، مدیون است.

۳- نظر به این که وقف عام می باشد، اگر احتمال عقلایی می دهید که در جای دیگر درآمد موقوفه را به مصرف عزاداری رسانده باشند، اشتغال ذمه ی آن مرحوم معلوم نیست و اگر اطمینان دارید به مصرف رسانده، به مقدار متیقن از ترکه ی ایشان باید بردارید و به مصرف عزاداری برسانید.

س ۳۲۲۰ - آیا از درآمد این ملک وقفی می‌شود خرج مستضعفان یا حمام، آب انبار، منزل یا مسجد کرد یا نه؟

ج - باید طبق وقف‌نامه، صرف عزاداری شود.

□ □ □ □

س ۳۲۲۱ - به طوری که در وقف‌نامه قید شده، تولیت این ملک بعد از من به پسر بزرگ‌تر یا هر کدام که عادل‌تر باشند می‌رسد، حال در صورتی که آنان نابالغ باشند، حق تولیت به چه کسی می‌رسد؟

ج - اگر اولاد کبیری نباشد، حاکم شرع جامع شرایط می‌تواند موقتا فردی را تعیین نماید که متصدی امور موقوفه باشد تا وقتی که صغیر کبیر شود.

□ □ □ □

س ۳۲۲۲ - باغی است که زمین آن وقف نبوده اما به علت نداشتن آب کافی از آب وقفی آبیاری می‌شده و از هنگام دیده شدن وقف‌نامه، آب آن نیز قطع شده، آیا می‌شود آن را از آب وقفی آبیاری کرد و این باغ را مشروب نمود یا خیر؟

ج - جایز است، اما قیمت آب وقفی را در مدتی که قبلا مصرف نموده ضامن می‌باشد و منافع زمین برای مالکین می‌باشد.

□ □ □ □

س ۳۲۲۳ - زمینی است که وقف نبوده و مدت‌ها از آب وقفی آبیاری می‌شده و هم‌اکنون درخت‌های میوه‌ی این زمین بیست ساله است و این زمین به فروش می‌رسد، آیا پول این زمین اشکال ندارد؟

ج - قیمت آب مصرف شده را بپردازند تا به مصرف وقف برسد و معامله اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۳۲۲۴ - آیا می‌شود زمین وقف را برای ساخت راه واگذار کرد یا نه؟

ج - اگر راه مورد احتیاج خود زمین وقفی باشد؛ به طوری که اگر راه نداشته

باشد، منفعتی نخواهد داشت، به قدر ضرورت مانعی ندارد؛ اما برای سایر جهات نمی شود زمین موقوفه را راه نمود.



س ۳۲۲۵ - ملک وقفی را رژیم سابق به ما به مبلغ معینی اجاره داده و ما در این ملک با نظر متولی آن روز یک چاه نیم عمیق حفر نموده ایم که مبلغ دویست و بیست هزار تومان هزینه داشته اما درآمد آن مبلغ چهل هزار تومان می باشد، آیا می توان هزینه ای که برای آب این زمین شده را از سهم آن برداریم یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، اگر با متولی شرعی قرارداد کرده باشید، باید مطابق قرارداد عمل شود و اگر با متولی شرعی قرارداد نکرده باشید و فقط با اوقاف سابق قرارداد شده، در این صورت، اگر اعیانی از مال شما موجود باشد؛ مثل موتور چاه و امثال آن، ملک خود شماست و بقیه ی مخارجی که برای ملک شده، حق مطالبه ندارید و اجرت المثل مدتی که در تصرف شما بوده باید بپردازید. والله العالم.



س ۳۲۲۶ - زمین بایری که فقط اسم آن موقوفه بوده اما هیچ فایده ای نداده است را با هزینه ی شخصی که زیاد نیز می باشد به صورت زمین کشاورزی درآمده، آیا این زمین هم چنان موقوفه است یا خیر و پولی که هزینه ی آن شده چگونه جبران شود؟

ج - اگر زمین مزبور حریم ملک موقوفه بوده، با آباد نمودن آن مالک آن نمی شوید و حق مطالبه ی مخارج ندارید.



س ۳۲۲۷ - پدرم یک باب ساختمان با زمین زیر بنای آن را وقف حضرت سید الشهدا علیه السلام نموده و آن را در اختیار این جانب گذاشته و من در آن خانه چندین

سال زندگی کرده‌ام و در هر سال در ایام عاشورا اجاره‌ی آن را هزینه کرده‌ام و ساختمان مذکور به علت گلی بودن دیوارهای آن در شرف خراب شدن بود و خطر جانی داشت و من با اجازه‌ی پدرم که واقف این خانه است، آن را خراب کردم و با شرط این که به ساختمان جدیدی که می‌سازم اجاره ندهم و تنها زمین موقوفه‌ی آن اجاره باشد، آن را بازسازی کردم و مصالح ساختمان موقوفه‌ی پیش را به علت قابل استفاده نبودن به کار نبردم و چوب‌های آن در طبخ طعام جهت اطعام سوگواری امام حسین علیه السلام مصرف شده است و علامت روی ساختمان موقوفه باقی است و در کناری جمع شده است اما واقف می‌گوید برای ساختمان جدید باید اجاره بدهی، حال آیا برای این ساختمان که همه‌ی آن را از پول خود ساختم باید اجاره بدهم یا خیر؟

ج - در فرض مسأله، اگر متولی شرعی صلاح وقف را در آن دانسته که اجازه‌ی بنا برای خود شما بدهد و با اجازه‌ی متولی بنا را ساخته‌اید، متولی حق اجرت بنا را ندارد، لکن اجرت المثل زمین را باید بدهید و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.

□ □ □ □

س ۳۲۲۸ - برخی از اماکن بابل و بیش تر اماکن عمومی یک منطقه موقوفه است اما از چگونگی وقف اطلاعی در دست نیست و تحقیق در این زمینه مشکل است و با این که تبدیل به احسن شده، انجام غسل و اعمال عبادی در آن چه حکمی دارد؟

ج - با عدم علم به غصب بودن، تصرفات در آن جایز است و مجازید و تحقیق لازم نیست.

□ □ □ □

س ۳۲۲۹ - چون قبرستان این ده پر شده، قطعه باغی در کنار قبرستان خریداری شده و مالک آن اجازه داده ولی مقداری از ملک این ده وقف است و ما نمی‌دانیم چه



نوع وقفی است؛ خاص است یا عام و آیا ملک باغ هم جزو موقوفه است یا نه، و بر فرض که جزو موقوفه باشد، وظیفه‌ی شرعی اهالی چیست؟

ج - در فرض مرقوم که مالک زمین رضایت داده است، اشکالی در قرار دادن آن زمین برای قبرستان نیست و نسبت به مقداری که احتمال دارد وقف باشد مجازند آن مقدار را به مدت طولانی اجاره نمایند برای قبرستان و همه ساله مال الاجاره را با نظر حاکم شرع به مصارفی که محتمل است زمین برای آن وقف شده باشد برسانند. والله العالم.



س ۳۲۳۰ - در حسینیه‌ای که آن جناب در سال‌های گذشته امر به تجدید بنای آن فرمودید، علاوه بر سالن قبلی که مدتی است مورد استفاده می‌باشد سالن دیگری با توافق اهالی و جمع آوری نذوراتی به نام حضرت ابوالفضل علیه السلام در قسمتی از زمین حسینیه مقابل سالن قبلی در دو طبقه به شکل آبرومندی ساخته شده، اکنون عده‌ای از مردم محل و جمعی از فرهنگیان خواستار در اختیار گرفتن طبقه‌ی فوقانی این سالن به عنوان کتابخانه شده‌اند و با توجه به این که جنب حسینیه از چند سال پیش مخزنی به عنوان کتابخانه دایر و مورد استفاده می‌باشد و کنار آن مخزن انباری وجود دارد که با تجدید بنا به اضافه‌ی مخزن قبلی کتابخانه می‌توان جدای از حسینیه دایر نمود، آیا نوسازی کتابخانه‌ی قبلی یا استفاده از سالن جدید حضرت ابوالفضل علیه السلام به عنوان کتابخانه جایز است یا خیر؟

ج - تغییر عنوان ساختمان مرقوم از عنوانی که اهالی برای آن وجوه پرداخته‌اند جایز نیست ولی مطالعه‌ی کتاب‌های دینی؛ به طوری که مانع از استفاده از آن در جهتی که برای آن ساخته شده است نباشد، اشکال ندارد.



س ۳۲۳۱ - زمینی کنار امام‌زاده قرار دارد که قبرستان عمومی بوده و در حدود بیست و پنج سال است که مرده‌ای در آن جا دفن نشده و از نظر قانون دولتی نیز

ممنوع می‌باشد؛ چون در منطقه‌ی مسکونی قرار دارد، حال آیا جایز است در آن زمین عده‌ای از مستضعفان به کاسبی اشتغال ورزند و اجاره جهت آن امام‌زاده بپردازند یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، صرف نشستن بر زمین قبرستان و کاسبی کردن عیبی ندارد، ولی اگر در قبرستان تصرفاتی بنمایند که منافی با دفن اموات باشد، جایز نیست و اگر کسی در آن جا برای خود حق اختصاصی قرار دهد، لغو و بی‌اثر است.



س ۳۲۳۲ - بعضی از مغازه‌هایی که جزو موقوفات آستانه‌ی مقدسه می‌باشد متولی به مستأجر سه ساله اجاره داده و در سند اجاره شرط شده که مستأجر به هیچ وجه حق انتقال آن به غیر را ندارد؛ اما مستأجر در میان مدت اجاره برای اعراض از حق خود نسبت به ادامه‌ی مدت اجاره به نفع شخص خاص تحت عنوان خرید و فروش سرقفلی با مبلغی معین با آن شخص معامله نموده و شرط می‌کنند که نزد متولی حاضر تا مستأجر اعلام اعراض نموده و بعد از سه هم خوردن معامله نسبت به وی، متولی موقوفه را به شخص دوم اجاره دهد، آیا این گونه معامله صحیح است یا خیر؟ در این فرض، بنا بر نادرستی آن یا این که شرط شده باشد که مستأجر حتی حق این گونه از معامله را نیز ندارد، آیا معامله با اجازه‌ی بعدی متولی تصحیح می‌شود یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، اگر مستأجر اول اجاره‌ی مزبوره را با متولی شرعی اقاله کرده باشند و اقاله نیز به مصلحت موقوفه باشد، اجاره‌ی دوم صحیح است و اگر نبوده و بقیه‌ی مدت را به دیگری انتقال داده، در مفروض سؤال، اجاره فضولی و باطل است و در صورتی که متولی شرعی امضا کند و به مصلحت وقف باشد، صحیح است و اما پولی که مستأجر اولی از دوم گرفته، اگر پول را به مستأجر تملیک کرده که او اجاره را اقاله کند تا

مستأجر دوم آن را اجاره نماید، پول را مالک می‌شود و در غیر این صورت، پول را مالک نیست. والله العالم.



س ۳۲۳۳ - این جانب به‌طور ناچار مقداری از زمین قبرستان را که سه در نه می‌باشد گرفته و جزو مغازه‌ی نجاری نموده‌ام و همین مقدار از زمین خود را در کنار دیگر قبرستان برای قبرستان داده‌ام، آیا این کار جایز است و نمازی که در آن خانه می‌شود چه حکمی دارد؟

ج - در فرض سؤال، چنان‌چه زمین قبرستان وقف باشد، تبدیل آن با زمین دیگر جایز نیست و نماز در آن هم برای غاصب محل اشکال است.



س ۳۲۳۴ - در برخی از مساجد مشاهده می‌شود که واقف آن مسجد نام خود را در آن مسجد؛ به‌ویژه در بالای محراب بر روی کاشی حک نموده، آیا این عمل از نظر شرعی صحیح است یا خیر؟ با توجه به این که در اسلام انجام امور خیر باید برای خدا باشد، آیا این عمل تظاهر و ریا هست یا خیر؟ و اگر تشخیص داده شود که این عمل (نوشتن نام واقف در بالای محراب) از نظر شرعی مورد اشکال هست، آیا برداشتن آن کاشی‌ها و گذاشتن آیه‌ای از قرآن به‌جای آن از نظر شرعی درست است یا خیر؟

ج - ثبت نام واقف در بنای مسجد دلیل بر تظاهر و ریا نیست و تصرف در بنای مسجد تصرف در وقف است و حرام است.



س ۳۲۳۵ - این جانبان یک باب مغازه که از موقوفات مسجد حضرت صاحب الزمان علیه السلام است برای شغل خیاطی اجاره نموده‌ایم؛ در حالی که ساختمانی مخروبه و فاقد استفاده بوده و طی مدتی با زحمات و هزینه‌هایی آن را به صورت قابل سکونت در آورده‌ایم و با اعتماد به قول و تعهد لفظی که متولی

مسجد به ما داده که از این ساختمان تا زنده‌اید می‌توانید بهره‌برداری کنید و هر زمان که خواستید آن را تخلیه کنید و ما رضایت شما را تحصیل خواهیم نمود و به این امید مدت یک سال وقت گذاشته و با پرداخت عوارض صنفی و بیمه و دیگر هزینه‌های قانونی که در رژیم قبل رایج بود، پروانه‌ی کسب برای آن گرفتیم به امید این که دو خانواده بدین وسیله امرار معاش نماییم و اکنون هر محل دیگری را که بخواهیم برای این شغل بگیریم باید مبلغ هنگفتی جهت سرقفلی پرداخت نماییم، به علاوه خسارات وارده‌ی دیگر و بیکاری طولانی تا دوباره به شغل خود باز گردیم و حال که انقلاب صورت گرفته، هیأت مدیره‌ی مسجد تحت عنوان این که به این ساختمان برای کمیته نیاز داریم، تصمیم به تخلیه‌ی آن گرفته و با مراجعه به دادگاه، کمیته‌ی مرکزی تهران طبق مفاد قانون نظام گذشته و نظریه‌ی قاضی حقوقی دادگاه به نفع این‌جانبان رأی داده که نمی‌توانند شما را اخراج کنند تا این که رضایت شما را حاصل نمایند، ولی با این وجود باز می‌خواهیم نظر مبارکتان را نسبت به این مسأله مرقوم فرمایید؟

ج - در صورتی که شرط و تعهد مزبور در ضمن عقد لازم باشد و به مصلحت موقوفه نیز باشد، لازم است متولی شرعی بر طبق آن عمل کند ولیکن اگر مطابق مصلحت موقوفه نباشد یا در ضمن عقد لازم شرط نکرده باشند، عمل به آن لازم نیست؛ بلکه اگر خلاف مصلحت وقف باشد، شرط باطل است و عمل به آن جایز نیست.



س ۳۲۳۶ - زمین موقوفه‌ای است که این‌جانب تولیت شرعی آن را بر عهده دارم و این زمین را به شخصی اجاره داده‌ام و او در آن با اذن من خانه ساخته است، اینک وی قصد دارد هوایی آن را که متعلق به اوست بفروشد، آیا زمین موقوفه از بهای هوایی آن سهمی دارد یا خیر؟

ج - اگر در عقد اجاره مدت معین شده و نسبت به ساختمان که در آن بنا

می شود قرارداد خاص نشده باشد، ساختمان ملک مستأجر است، ولی در آخر مدت نمی تواند به عنوان مالکیت آن، متولی شرعی وقف را ملزم به تجدید اجاره نماید و زمین موقوفه سهمی از بهای هوایی آن را ندارد.



س ۳۲۳۷ - زمین موقوفه ای که واقف و متولی شرعی آن فوت کرده اند در معرض تلف واقع شده و یکی از وارثان واقف به منظور حفظ آن زمین از تلف، آن را به ثبت رساند و چون اگر می گفت که زمین وقف است اداره ای اوقاف ممکن بود آن را بگیرد، در دفتر ثبت اسناد آن را به عنوان ملک خود و بقیه ی ورثه به ثبت رسانیده تا پس از آن به وظیفه ی شرعی خود عمل کنند، اما بعد از آن بعضی از وارثان با این که می دانستند وقف است آن را به عنوان ملک تصرف کردند و مورد وقف را رعایت نکردند، حال وظیفه ی این شخص که این زمین را به منظور حفظ از تلف ثبت کرد و بقیه ی ورثه آن را تصرف کردند چیست، آیا ضامن است یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر اقدام بر ثبت به منظور حفظ موقوفه از تلف بوده، اقدام کننده بر ثبت ضمانتی ندارد و کسانی که تصرف عدوانی نموده اند، غاصب و ضامن هستند.



س ۳۲۳۸ - هرگاه کسی چیزی را برای کسی یا برای جهتی وقف کند و در ضمن شرط نماید که اگر خود نیاز پیدا کنم، به خودم باز گردد، آیا چنین وقفی صحیح است یا خیر؟

«گلپایگانی»: اقوی صحت وقف به نحو مذکور است؛ پس هر وقت محتاج شد، وقفیت از بین می رود و این وقف داخل در وقف منقطع الآخر است و چنانچه واقف بعد از عروض حاجت بمیرد، ارث است و به ورثه

می‌رسد و اگر قبل از عروض حاجت بمیرد، بر وقفیت باقی است و به ورثه مربوط نیست.

\* \* \*

«نکونام»: وقف یاد شده درست است.

□ □ □ □

س ۳۲۳۹ - کسی زمین وقفی را از دیگری خریداری نموده و خاک آن زمین را برای ساخت آجر بر می‌دارد و بعضی از مردم از موضوع وقف آگاه و برخی بی‌خبرند و آجر آن را می‌خرند، آیا خرید آن آجرها جایز است یا نه و در صورت عدم جواز اگر اشخاص آگاهی آن آجرها را خریده و سپس پشیمان شده باشند و فروشنده آن را پس نگیرد، آیا خریداران می‌توانند آجرها را به مصارف خیر عمومی برسانند یا نه؟

ج - در فرض مسأله، واجب است وجه آجرها را با نظر متولی شرعی به مصرف همان وقف برسانند و اگر متولی ندارد یا خاین است، با نظر حاکم شرع به مصرف برسانند.

□ □ □ □

س ۳۲۴۰ - شخصی ملکی را وقف می‌کند که مال الاجاره و منافع آن را به مصرف خیری برسانند و در هنگام وقف اجاره‌ی آن هزار تومان بوده ولی متولی در آن نهال‌های میوه نشانده و اجاره‌ی آن ده برابر شده است، در این صورت متولی باید همان هزار تومان را هزینه کند یا درآمد فعلی آن را؟

ج - اگر متولی درخت را به قصد خودش غرس کرده، میوه مال خود اوست، لکن باید اجرت المثل زمین را به مصرف برساند و اگر درخت را برای موقوفه غرس کرده، بعد از حق تولیت تمام منافع را باید در مصارف موقوفه مصرف کند.

□ □ □ □

س ۳۲۴۱ - حمامی است که کسی از چگونگی بنا و بانی آن اطلاع ندارد ولی اهالی محل یک نفر حمامی را برای تامین نیازها و اداره‌ی آن معین می‌کردند و هر خانواده‌ای در هر سال، مبلغ معینی به او می‌داد و از حمام استفاده می‌کرد اما در حال حاضر، حمام را به اجاره داده‌اند، آیا می‌توان مال الاجاره را بعد از مخارج تعمیر حمام در امور خیر محل مانند مخارج مسجد و روضه‌خوانی و امام جماعت مسجد مصرف نمایند یا خیر؟

ج - در فرض مسأله، ظاهر آن است که حمام مذکور وقف مسلمین است و مورد احتیاج و ابتلای آن‌هاست و از این جهت اجاره دادن صحیح نیست. بلی، اگر مسلمین حاضر شوند جهت اداره‌ی آن مبلغی وجه به حمامی بدهند و حمامی ملتزم شود که اگر اهالی او را اختیار کنند برای اداره‌ی حمام مبلغی جهت مسجد یا امور خیریه بدهد، اشکال ندارد، ولی عنوان اجاره باطل است.



س ۳۲۴۲ - قناتی است مخصوص به دو باب حمام که بر عموم اهالی قریه وقف است و چند باغچه‌ی خصوصی در اطراف حمام از فاضلاب همان قنات مشروب می‌گردیده و در اثر خشک‌سالی آب قنات کم شده و در نتیجه در مسیر راه کثیف می‌شود و وارد آب انبار حمام می‌گردد، عده‌ای از اهالی روستا وجهی جمع آوری نموده تا دهنه‌ی قنات تا آب انبار حمام را لوله‌کشی کنند و برخی که منزل آنان نزدیک به مسیر لوله‌کشی است برای برداشتن آب، شیری به لوله وصل نموده و از آن استفاده می‌کنند اما بعضی از کسانی که برای لوله‌کشی پول داده‌اند، اظهار نارضایتی می‌نمایند، در این صورت آیا می‌توان از آب شیرهای نصب شده به لوله استفاده نمود و غسل کرد یا خیر؟

ج - در فرض مسأله، تصرف در آب برخلاف قرارداد واقف جایز نیست و تصرف در لوله موقوف به اذن صاحبان آب است و اگر لوله هم وقف شده، حکم خود آب بر آن جاری است.



س ۳۲۴۳ - آیا انجام شبیه‌خوانی در باغچه‌ی مسجد جایز است یا نه؟  
ج - در ملک موقوفه باید تصرف بر خلاف نکنند.

□ □ □ □

س ۳۲۴۴ - زمینی جهت قبرستان وقف شده و در دو ثلث آن مردگانی دفن شده و یک سوم آن خالی است و در حال حاضر از دفن مردگان منصرف شده‌اند و زمین دیگری اختیار کرده‌اند، در این صورت آیا می‌شود از خاک این زمین خشت بزنند و برای ساختمان مسجد به کار ببرند یا نه؟

ج - محل اشکال است. برای مسجد از محلی خاک بردارند که مورد شبهه نباشد.

□ □ □ □

س ۳۲۴۵ - آبی که از زمین موقوفه به واسطه‌ی حفر چاه بیرون آمده و به وسیله‌ی لوله در دسترس اهالی شهری گذاشته شده و مردم آن شهر می‌توانند از این آب هر گونه استفاده‌ای مانند ساخت وضو یا غسل بنمایند و زمین مذکور بر طلاب و دیگران وقف می‌باشد، تکلیف اهالی را نسبت به این آب بیان فرمایید؟

ج - چنانچه بعضی از مؤمنین زمین مذکور را از متولی شرعی اجاره نمایند و آب آن را در اختیار مسلمانان قرار دهند و مال الاجاره آن را به متولی برسانند تا به مصرفی که در وقف‌نامه معین شده برسد، اشکالی ندارد.

□ □ □ □

س ۳۲۴۶ - ملک مغازه‌ای وقفی است و در اختیار سازمان اوقاف می‌باشد، اداره‌ی اوقاف نیز طبق مالک‌های عادی اجاره‌ی ماهانه و هنگام فروش سرقفلی مغازه مبلغی به عنوان رضایت ارباب از مستأجر می‌گیرد، آیا این برنامه که در رژیم سابق و دولت فعلی اجرا می‌شود مطابق شرع است یا نه و آیا باید به حاکم شرع رجوع شود یا لازم نیست؟

ج - برای مغازه‌های موقوفه مثل مغازه‌های ملکی متولی شرعی می‌تواند



سرقفلی بگیرد. البته، به نفع جهت وقف و غیر متولی نمی تواند ملک وقفی را اجاره داده یا برای آن سرقفلی بگیرد.



س ۳۲۴۷ - چندی است که تعدادی از افراد علاقمند به امام حسین علیه السلام اقدام به تأسیس هیأت نموده اند و برای گردهمایی و عزاداری وسایل لازم را با پرداخت مبالغی توسط اعضا خریداری نموده و به صورت وقف از آن نگه داری و استفاده می کنند، اکنون اعضایی که جهت تأسیس این هیأت مبلغی پرداخته اند درصدد استرداد وجه خود می باشند و پرداخت آن مستلزم فروش لوازم و اثاثیه هیأت می باشد و آن ها نیز به صورت وقف درآمده، آیا فروش لوازم مربوطه و استرداد پول اعضا واجب می باشد یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، آن چه وقف شده قابل فروش نیست و دهندگان وجه حق استرداد آن را ندارند.



س ۳۲۴۸ - باغی است بدون آب و مالک باغ برای آبیاری باغ از آب شش دانگ استفاده می کرده و یک دانگ از این شش دانگ وقف بوده و کسی از این موضوع اطلاع نداشته، مدتی که از آب وقفی برای آبیاری این باغ استفاده شده است چه حکمی دارد؟

ج - قیمت آب وقفی را که صاحب باغ به باغ مذکور داده ضامن است و باید به اجازه ی متولی شرعی به مصارف شرعی وقف برسد.



س ۳۲۴۹ - زمین هایی است که وقف بر حضرت سید الشهداء علیه السلام است و کسی یاد ندارد که در آن زمین ها زراعت شده باشد و در اداره ی ثبت نیز به اسم وقف ثبت شده و در حال حاضر زمین های یاد شده بدون استفاده می باشد و هیچ گونه چیزی که دلالت بر تصرف بنماید در آن نیست، آیا می توان آن را ساختمان نمود و به

اجاره داد و مال الاجاره‌ی آن را به مصرف حضرت سید الشهداء علیه السلام رساند یا خیر؟

ج - حقیر از وضع زمین‌های مزبور اطلاع ندارم. به نحو کلی، اگر مشهور به وقفیت باشد، باید با آن معامله‌ی وقفیت نمود و مراعات احتمال وقف بودن به این است که به قیمت عادلانه زمین‌های مزبور را با اذن متولی شرعی برای ساختمان اجاره نمایید و مال الاجاره را همه ساله به مصرف حضرت سید الشهداء علیه السلام برسانید.



س ۳۲۵۰ - در رساله است که اجرت گرفتن برای گرفتن مسایل واجب جایز نیست، در این صورت اگر کسی ملک وقفی گذاشته باشد که هر ساله درآمد آن را به یک نفر از اهل علم بدهند که در ایام محرم یا ماه رمضان بالای منبر فقط برای مردم مسأله بگویند، آیا جایز است از اجاره‌ی ملک وقفی به این عنوان اجرت گرفت یا جایز نیست؟

ج - در فرض سؤال، مسأله‌گو موقوف علیه وقف است و مبلغی که به او داده می‌شود به عنوان اجرت نیست و اشکال ندارد.



س ۳۲۵۱ - شخصی زمینی ملکی خود را به کشاورزی اجاره داده و وی در آن چند اصله درخت نشانده و آن را برای مورد خاصی وقف کرده است و مالک بعد از مدتی زمین را به دیگری فروخته، آیا مالک دوم می‌تواند این درخت‌ها را از بین ببرد؛ چرا که راضی نیست در ملک وی مال موقوفه باشد یا نه؟

ج - اگر زارع بدون اذن مالک زمین درخت‌های مذکوره را در آن غرس نموده و بعد هم مالک زمین وقف آن را امضا نکرده باشد، مالک فعلی می‌تواند آن‌ها را از زمین بکند.



س ۳۲۵۲ - ملکی از موقوفه در دست دارم که چندین سال است از آن استفاده می‌نمایم و وجه آن را به مصرف عزاداری می‌رسانم، حال گفته می‌شود نهالی که خود در کنار جوی آب کاشته‌اید به موقوفه ارتباطی ندارد؛ زیرا شما اجاره می‌دهید و از این رو درختی را که در گذشته کنار ملک بوده انداخته‌ام و به مصرف موقوفه رسانده‌ام و از جای درختی که از ریشه کنده شده، دوباره نهالی به وجود آمده، آیا این نهال مربوط به زمین موقوفه است یا نه؟

ج - نهالی که از درخت موقوفه روییده یا از درخت موقوفه بریده و کاشته‌اید، ملک موقوفه است و اگر نهال از خودتان باشد و کاشته‌اید، ملک شماست.



س ۳۲۵۳ - زمینی است که وقف حضرت امام حسین علیه السلام شده و شخصی با جهل به مسأله، زمین موقوفه را تصرف نموده و از خاک آن زمین مقداری خشت برای ساختمان شخصی خود درست کرده و بعد متوجه شده که این گونه تصرفات در زمین موقوفه جایز نیست، حال تکلیف وی چیست؟

ج - واجب است قیمت خشت‌هایی که از آن درست کرده‌اند بدهند به متولی شرعی آن زمین موقوفه که در جهت وقف مصرف شود و چنانچه با این تصرف در زمین وقف عیبی به هم رسیده باشد، جای آن را از خاک مشابه آن پر کنند که عیب آن برطرف شود.



س ۳۲۵۴ - ملکی وقف شده و واقف معین کرده که مبلغ پنج تومان از درآمد آن در سوگواری حضرت سیدالشهدا علیه السلام و دیگر مخارج لازم هزینه شود و تاریخ وقف آن سال ۱۳۲۹ قمری بوده اما در حال حاضر سال ۱۳۵۹ قمری است، و چگونه مبلغ مورد نظر واقف محاسبه شود؟

ج - اگر به این نحو مقرر کرده که از عواید آن پنج تومان صرف سوگواری حضرت سیدالشهدا علیه السلام شود و برای بقیه‌ی عواید مصارف دیگر معین

نموده است، نسبت این پنج تومان را با مجموع درآمد وقف در حین وقف ملاحظه کنید و به آن نسبت از عواید فعلی به مصرف سوگواری برسانید.

□ □ □ □

س ۳۲۵۵ - آیا درخت غیر میوه‌داری که در صحن مسجد نشانده شده و سبب خرابی مسجد می‌شود را می‌شود قطع نمود یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر درخت مزبور وقف یا ملک کسی نیست؛ بلکه مباح است، قطع آن جایز است و اما اگر ملک کسی باشد، موقوف به اذن مالک است و اگر وقف باشد، برای استفاده از سایه‌ی آن و مسجد بعد از آن احداث شده باشد، خرابی مسجد را تعمیر کنند.

□ □ □ □

س ۳۲۵۶ - زمین موقوفه‌ای در کنار مسجدی بوده و مقدار چهار متر از آن زمین را جهت توسعه‌ی مسجد جزو مسجد نموده‌اند، آیا در این صورت می‌شود در آن مسجد نماز خواند یا نه و به‌طور کلی می‌شود زمین مذکور را جهت وسعت مسجد تصرف کرد یا خیر؟

ج - هرگونه تصرف در زمین موقوفه موقوفه موقوفه به اذن متولی شرعی آن است و در مورد سؤال، اگر متولی شرعی صلاح بداند جایز است آن را برای مسجد اجاره دهد، مال الاجاره‌ی آن را همه ساله به مصرف وقف برساند.

□ □ □ □

س ۳۲۵۷ - زمینی برای مدرسه و وقف طلاب علوم دینی بوده و در اثر خرابی مدتی است که محل فاضلاب حمام شده، در این صورت آیا جایز است آن را بفروشند و در آن حمامی بنا کنند یا آن را جزو حریم مسجد نموده و بعدها در صورت امکان در آن مدرسه بنا شود؟

ج - حقیر اجازه‌ی فروش و تبدیل نمی‌دهم و خوب است مؤمنین همت نمایند و آن‌جا را مدرسه‌ی علمیه بسازند.

□ □ □ □

س ۳۲۵۸ - شخصی محلی را وقف نموده که نصف درآمد سالیانه آن هزینهی مخارج امام جماعت مسجدی شود و نصف دیگر مصرف هزینهی طلاب علوم دینی همان مسجد گردد و در صورتی که مدرسه فاقد طلبه باشد و متولی نیز به عدالت امام جماعت مسجد ایمان نداشته باشد، وظیفهی او در مصرف درآمد موقوفه چیست؟

ج - لازم نیست متولی علم به عدالت امام جماعت داشته باشد. همین اندازه که امام جماعت حاضر در مسجد می شود و اقامه‌ی جماعت می نماید و جمعی به او اقتدا می کنند، در استحقاق درآمد وقف کفایت می کند و اما نسبت به طلاب، چنانچه اشخاصی هستند در مدرسه که مشغول درس باشند، هرچند دروس ابتدایی و مقدماتی باشد، کفایت می کند در جواز دادن درآمد موقوفه به آنها و اگر هیچ طلب و محصل ندارد، متولی سعی و کوشش کند که چند نفری را برای تحصیل فراهم کند که در مدرسه مشغول تحصیل شوند.



س ۳۲۵۹ - اراضی وسیعی است که یک چهارم تمام آن وقف است ولی متولی آن معلوم نیست و سه چهارم آن آزاد و متعلق به مالک عمده و خرده است و چندین روستا، باغ، مسجد و حمام در آن احداث شده و از طرفی مشمول اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی گردیده، در این صورت تکلیف مؤمنان و نماز خوانان اعم از اهالی آن روستا و عابرابانی که در حمام غسل می کنند و در مسجد نماز می خوانند چیست؟

ج - در فرض سؤال که زمین مزبور مشترک است بین وقف و ملک طلق، هرگونه تصرف در آن موقوف است به اذن متولی شرعی و مالکین آن.



س ۳۲۶۰ - زمینی از پدرم به عنوان ارث به من رسیده، برخی می‌گویند این زمین وقف فرزندان است و عده‌ای نیز می‌گویند که وقف نمی‌باشد و زمین‌های کنار آن ساختمان شده و در آن سکونت دارند، حال تصرفات بنده در این زمین جایز است و آیا می‌توانم آن را بفروشم و از پول آن ساختمانی خریداری کنم یا در آن زمین ساختمانی بسازم یا خیر؟

ج - از موضوع شخصی اطلاع ندارم. به علمای محل که اطلاع دارند مراجعه نمایید تا راهنمایی کنند و در صورتی که معلوم شود وقف است، باید آن زمین را با اجرت‌المثل آن در مدتی که در تصرف شما بوده به متولی شرعی آن برسانید تا به مصرف وقف برساند و سهم الارث خود را از غیر این زمین می‌توانید از بقیه‌ی ورثه مطالبه نمایید.



س ۳۲۶۱ - شخصی عواید ملک معینی را با حقوق معین به طور محدود در زمان سابق وقف کرده و برای نمونه حقوق امام جماعت، مدرسان، خادم، هزینه‌ی روشنایی و روضه‌خوانی را مشخص کرده و دیگر عواید را برای هزینه‌ی تعمیر و ضروریات گذاشته است اما حقوق معین آن روز با هزینه‌های امروز تناسبی ندارد و شاید کسی حاضر نباشد با آن پول خدمت کند، در این صورت آیا از مقدار درآمد افزوده به عنوان قید ضروریات که واقف در وقف‌نامه از آن ذکر کرده به نسبت حقوق کسانی که برای آنان وقف شده می‌توان اضافه نمود یا خیر؟

ج - در فرض مسأله، اگر ممکن است نسبت ده تومان امام جماعت به مجموع عواید موقوفه در زمان را تعیین کنند و فعلاً به همان نسبت به او بدهند؛ مثلاً اگر ده تومان عشر عواید بوده، فعلاً هم عشر عواید را بدهند و مابقی مصارف به همین نسبت. بلی، مثل خادم را زاید بر اجرت متعارف ندهند.



س ۳۲۶۲ - دو مسجد نزدیک هم واقع شده و در قدیم چنین بوده که فرش‌های یکی از این دو مسجد را در مسجد دیگر مورد استفاده قرار می‌داده‌اند؛ یعنی به جهت بزرگی مسجد در فصل زمستان برای اقامه‌ی جماعت و گفتن مسأله‌ی شرعی هر دو مسجد از عین فرش‌ها استفاده می‌نموده‌اند، آیا باز جایز است به همان شیوه عمل شود یا خیر؟

ج - به نحوی که در قدیم الایام سیره بر استفاده از فرش‌های مرقوم بوده، فعلا عمل کنند؛ مگر آن که خلاف آن معلوم باشد.



س ۳۲۶۳ - شخصی ملکی را وقف نمود و قید نمود که متولی وقف درآمد حاصل از موقوفه را پس از مخارج عمران موقوفه و دستمزد متولی هزینه‌ی روشنایی حرم حضرت معصومه علیها السلام نماید، آیا متولی وقف باید آن وجه را فقط به عنوان روشنایی تحویل متولی آستانه نماید یا این که باید خود آن را به مصرف روشنایی حضرت برساند؟

ج - اگر وقف به ترتیب خاصی معین نشده باشد، متولی وقف می‌تواند شخصا آن را به مصرف روشنایی آستانه‌ی مقدسه برساند؛ مگر آن که برخلاف وضع و تنظیم آستانه باشد که در این صورت، اذن متولی آستانه نیز لازم است.



س ۳۲۶۴ - اگر مسجدی دارای چند در باشد و درهای آن را برای گرم شدن مسجد تا چند روز ببندند و از یک در عبور کنند، آیا این کار جایز است یا نه؟

ج - اگر موجب زحمت نمازگزاران نباشد، مانعی ندارد؛ مگر آن که موانع خارجی در بین باشد؛ از قبیل مزاحمت زن و مرد.



س ۳۲۶۵ - دولت زمینی موقوفه را تصرف کرده و در آن ساختمان دانشگاه، مسجد و حمام ایجاد کرده است و کارگرانی در آن جا مشغول کار هستند، آیا برای آنان جایز است از مسجد و حمام استفاده کنند یا نه؟

ج - در صورتی که از متولی شرعی آن اجاره نموده باشند و مال الاجاره‌ی آن را مطابق قرارداد بپردازند، مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۳۲۶۶ - فرش‌هایی وقف روضه‌خوانی حضرت سیدالشهدا علیه السلام شده و در ایام عزاداری در مسجد پهن می‌شود و شب‌ها روضه‌خوانی می‌شود، در این صورت آیا نماز خواندن روی فرش‌ها در ساعتی که روضه‌خوانی است و وقت‌های دیگر که روضه‌ای خوانده نمی‌شود جایز است یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر محل مخصوصی در ایام عزاداری برای فرش‌ها تعیین نشده، پهن کردن آن‌ها در مسجد در ایام عزاداری بی‌اشکال است و چه در ساعت روضه‌خوانی و چه در غیر آن ساعت، نماز خواندن روی آن‌ها مانع ندارد؛ ولی در غیر ایام روضه‌خوانی نمی‌شود روی آن‌ها نماز خواند.

□ □ □ □

س ۳۲۶۷ - میان مردم شایع است که زمینی برای حسینیه وقف شده و از قدیم دفن مردگان اهالی آن قریه در زمین مذکور معمول است، در این صورت آیا دفن مردگان در آن جایز است یا نه و اگر جایز باشد، بالا آوردن سطح قبر با آهن و سیمان از سطح زمین مذکور به مقدار یک متر چه حکمی دارد؟

ج - در مفروض سؤال که از قدیم دفن اموات در آن جا معمول بوده، اشکالی ندارد و لکن تصرفاتی که منافات با انتفاع از آن به عنوان حسینیه داشته باشد جایز نیست.

□ □ □ □



س ۳۲۶۸ - شخصی ساختمانی درست نموده و از حیاط آن خاک برداری کرده و چون حیاط گود شده، آن را از خاک قبرستان پر نموده و بعد آن ساختمان را به دیگری فروخته ولی خریدار پس از انجام معامله در شک است و نمی‌داند چه مقدار خاک در حیاط ریخته، آیا این امر اشکال شرعی دارد یا خیر؟

ج - اگر زمین قبرستان مباح بوده، بر خریدار چیزی نیست و اگر وقف بوده، لازم است هر قدر که یقین دارد از آن خاک در منزل ریخته شده، به محل خودش برگرداند.



س ۳۲۶۹ - کسی زمین موقوفه‌ای را در گذشته از متولی اجاره نموده و در آن درخت نشانده و در زمان حاضر اجاره‌ی این زمین در صورتی که به صورت باغ باشد، برای نمونه سالی دوهزار تومان است؛ اما اگر مستأجر نهال‌ها را بردارد، متولی می‌تواند زمین را جهت ساخت خانه به مبلغ بیست هزار تومان اجاره دهد، آیا در صورتی که مدت اجاره‌ی زمین منقضی شده باشد، متولی می‌تواند مستأجر را وادار کند که نهال‌ها را بردارد یا باید همان اجاره‌ی اندک را بگیرد و مستأجر نیز اجاره‌ای بیش از آن نمی‌دهد.

هم‌چنین اگر درآمد موقوفه از مصرف تعیین شده از طرف واقف زیاد بیاید، متولی مقدار افزوده را در چه راهی مصرف نماید و برای نمونه، اگر واقف گفته باشد اجاره‌ی وقف را در دهه‌ی عاشورا روضه بگیرند، درآمد آن بسیار بیش از هزینه‌ی روضه‌خوانی است و مقدار افزوده را باید در چه راهی هزینه نمود؟ اگر زمینی جزو مرافق مدرسه‌ی علمیه باشد که طلاب از آن استفاده می‌کرده‌اند و سپس غاصبی آن را تبدیل به گاراژ نموده و اجاره نیز می‌داده، آیا اجاره به ذمه‌ی غاصب تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج ۱- در فرض سؤال، متولی شرعی می‌تواند از مستأجر پس از انقضای مدت اجاره بخواهد که اجاره را زیاد کند یا نهال‌های خود را از زمین مزبور بیرون آورد.

۲- در فرض سؤال باید تمام درآمد در دهه‌ی عاشورا صرف روضه‌خوانی شود؛ اگرچه به کثرت مجالس و اطعام مستمعین و دادن وجه بیش‌تر به روضه‌خوان‌ها باشد.

۳- آن‌چه جزو مرافق مدرسه بوده، فعلاً هم شرعاً ملحق به مدرسه و جزو مرافق مدرسه است و اجاره دادن آن خلاف شرع است و مبالغی را که غاصب بابت اجاره‌ی آن تا به حال گرفته باید به مستأجرین برگرداند و اگر به آن‌ها دسترسی ندارد، به عنوان مظالم از جانب آن‌ها به مجتهد بدهد و از معصیتی که کرده نیز توبه کند و از خدای متعال طلب مغفرت نماید و اگر مرافق وقف شده که طلاب از اجاره‌ی آن استفاده کنند، باید اجاره‌هایی را که گرفته به طلاب همان مدرسه بدهد. والله العالم.



س ۳۲۷۰ - استفاده از خاک قبرستانی که وقف بودن آن معلوم نیست چه حکمی دارد؟

ج - جایز نیست. بلی، اگر زمین مباحی باشد که مردم در آن زمین اموات خود را دفن می‌کنند، برداشتن خاک از محلی که در آن قبر نباشد، مانعی ندارد و در قبور تصرف ننمایند.



س ۳۲۷۱ - برای توسعه‌ی مسجد از کوره‌ی آجرپزی محل چندین هزار آجر خریداری کردم و بعد دانسته شد که زمین کوره‌ی مزبور وقف یکی از مساجد کرمان است که به صورت عدوانی تصرف شده و در حال حاضر نیز در تصرف اوقاف است و پیش از تصرف اوقاف آجرهای مورد نیاز خریداری و به مصرف مسجد رسیده، بنابراین، تکلیف ما در این مورد چیست؟

ج - باید آجرهای مذکوره از متولی وقف اگر متولی منصوص دارد و الا از مجتهد جامع الشرایط خریداری شود و قیمت آن به مصرف مسجدی که زمین مرقوم برای آن وقف شده برسد.



س ۳۲۷۲ - زمینی کشاورزی است که وقف شده و طرفی از آن به رودخانه محدود است و از این رو قابل استفاده نیست و شخصی می‌خواهد مسیر آب قناتی را که در کنار رودخانه دارد از زیر همین اراضی موقوفه که غیر قابل استفاده است عبور دهد و در سطح زمین تصرفی نمی‌کند و در عین حال پولی نیز بابت آن می‌دهد، در این صورت آیا گرفتن این پول جایز است؟

ج - در صورتی که مضر به وقف نباشد، محل مذکور را جهت انتفاع آب بردن اجاره بدهید و همه ساله مال الاجاره را به مصرف وقف برسانید و پس از انقضای مدت، تجدید اجاره نمایید و اجاره‌نامه‌ی رسمی بگیرید که وقف از بین نرود.



س ۳۲۷۳ - حوض مسجد یا مدرسه در صورتی که معلوم نباشد وقف عام است یا خاص چنانچه غیر طلبه و غیر کسانی که در آن مسجد نماز می‌خوانند از آن حوض وضو بسازند و نخواهند در آنجا نماز بخوانند، چه حکمی دارد؟

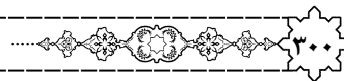
«گلبایگانی»: در صورتی که مزاحم حق نمازگزاران مسجد و ساکنین مدرسه نباشد، بعید نیست جواز آن؛ مگر آن که احراز شود که منع از دیگران در وقف قید شده.



«نکونام»: اشکال ندارد.



س ۳۲۷۴ - شخصی یک قطعه زمین بدون آب را که نزد جمعی از مردم معروف به موقوفه‌ی حضرت سیدالشهدا علیه السلام است به نام ملک خود به ثبت داده و درختکاری کرده و نصف آن را یکی از فرزندانش خریداری نموده و مبلغی نیز هزینه کرده و بعد از خریداری عده‌ای از معتمدان گفته‌اند زمین باغ موقوفه است و پدرش تا حین وفات منکر بوده اما موقع وفات سخن آنان را قبول کرده و چون



اجاره‌ی این قسمت زمین در هر دو سال پنجاه من گندم بوده معادل مقدار مزبور را به مصرف هزینه‌ی سوگواری می‌رساند، در حال حاضر تکلیف وی نسبت به مصرف خود و وارثان و نقل و انتقال زمین و درختان چیست؟

ج - در فرض سؤال، اشجار ملک غارس است و اصل ملک را اگر می‌داند موقوفه است، باید به مقدار اجرت المثل سابق با اذن متولی شرعی به مصرف موقوفه برساند؛ پس اگر آن چه مصرف نموده کم‌تر از اجرت المثل سابق بوده، باید بقیه را هم به مصرف برساند و در آینده از متولی اجاره نماید و اگر متولی ندارد، تولیت با حاکم شرع است و در هر حال لازم است وقف را به ثبت اوقاف برساند که محفوظ بماند.



س ۳۲۷۵ - درختی وقف شده در زمین موقوفه کاشته شده و شاخه‌ی آن داخل در ملک دیگری شده و او می‌خواهد در ملک خود خانه بسازد و عرف محل نیز چنین است که هر شاخه‌ای از ملک همسایه داخل در ملک همسایه‌ی دیگر شود، وی حق منع ندارد، در این صورت آیا وی می‌تواند شاخه‌ی درخت وقف را قطع کند یا نه؟

ج - در فرض مسأله، اگر حقی از صاحب درخت بر صاحب ملک معلوم نباشد، صاحب ملک می‌تواند به صاحب درخت یا به متولی وقف بگوید آن مقدار از شاخه که در ملک من آمده قطع کن و اگر قطع نکرد، خودش حق دارد قطع نماید و فرق بین وقف و غیر وقف نیست و عرف محل در این مورد موجب تغییر حکم شرع نیست.



س ۳۲۷۶ - یک جلد قرآن کریم وقف بر محل معینی شده ولی چون در آن محل قرآن‌های بسیاری است، از این قرآن هیچ استفاده‌ای نمی‌شود، آیا در این صورت

انتقال آن به جای دیگری جایز است یا نه؟

ج - در صورتی که هیچ مورد استفاده نمی باشد، ببرند محل دیگر که از آن استفاده شود، اشکالی ندارد.



س ۳۲۷۷ - ۱) مرحوم پدرم در حدود سیصد متر مربع زمین وقف کرده و متولی آن را صالح ترین فرزند خود قرار داده و در متن وقف نامه شرط کرده است که هرگاه درخت در ملک مزبور خشک شد یا لازم شد استفاده شود، اختیار آن با متولی می باشد، آیا متولی می تواند در ملک مزبور مقدار شصت متر مربع ساختمان برای سکونت خود بسازد یا خیر؟ در ضمن متولی در روستای مذکور فاقد خانه ی مسکونی می باشد.

۲) واقف در متن وقف نامه در مورد این ملک از مال الاجاره ی آن تصریح نموده است که مبلغ یک تومان صرف ذکر مصیبت شود و در سطر ۱۲ همین وقف نامه تصریح نموده که تتمه ی آن حق تولیت متولی می باشد و با توجه به آن آیا از اجاره ی ملک مزبور همان مبلغ یک تومان باید صرف ذکر مصیبت شود یا این که باید اجاره ی آن به قیمت عادلانه ی روز تعیین و صرف ذکر مصیبت شود؟

۳) چون این ملک در جهت رودخانه قرار دارد، هر ساله سیل به آن خساراتی وارد می آورد و تاکنون متولی آن را جبران می کرده است، آیا متولی می تواند خسارات وارده را از اجاره کم کند یا خیر؟

ج ۱) مال الاجاره ی زمینی را که متولی آن را ساختمان می کند با نظر اهل خبره معین کنند و هر سال به مصرف وقف برسانند، مانعی ندارد.

۲) باید مال الاجاره ی ملک مزبور در زمانی که وقف شد معین شود و نسبت یک تومان با مجموع مال الاجاره ملاحظه شود و همان نسبت در مصرف عواید و مال الاجاره ی فعلی مراعات شود؛ مثلاً اگر مال الاجاره ی ملک در زمان وقف دوازده ریال بوده، فعلاً باید پنج ششم مال الاجاره

صرف اقامه‌ی عزا شود و یک ششم باقی حق التولیه‌ی متولی است.  
 (۳) چنانچه متولی خسارات وارده را تبرعا جبران نموده، حق کسر نمودن از مال الاجاره را ندارد؛ ولی اگر به قصد این که طلب خود را از عواید وقف بردارد خرج کرده، می‌تواند خرجی را که جهت وقف نموده از مال الاجاره کسر کند.



س ۳۲۷۸ - زمین‌های موقوفه‌ای در مسیر خیابان واقع شده و پیش از این به صورت محوطه و دارای دیوار بوده است، در این صورت آیا برای عابرنانی که از آن عبور می‌کنند اشکالی هست و یا چون عبور آنان دخالتی در تصرف اولی نداشته؛ عبور از آن مانند گذر از زمین‌های مباح بدون مانع است؟

«گلبایگانی»: با علم به وقف بودن و مغضوب بودن فعلی، احتیاط ترک عبور است و در صورت اضطرار، مال الاجاره‌ی عبور را در مدت هر سال به ذمه بگیرند و با اذن متولی شرعی به مصرف وقف برسانند و در صورت جهل به مصرف، در مطلق خیرات صرف نمایند.



«نکونام»: اگر در طرح گسترش و نوسازی کوچه و خیابان‌های شهر و روستا بخشی از موقوفه در طرح کوچه و خیابان قرار گیرد به گونه‌ای که دیگر نتوان از آن استفاده کرد، برای عابران احکام وقف را ندارد و اجاره‌ی آن بر عهده‌ی نهاد تصمیم‌گیر در این زمینه است.



س ۳۲۷۹ - شخصی در زمین‌هایی که وقف عام است و پیش از این باغ یا زمین کشاورزی بوده با اجازه و اجاره‌ی متصدیان موقوفه و یا با اجازه‌ی اداره‌ی اوقاف محلی، بنای مسکونی احداث نموده و مدت اجاره را نود سال قرار داده تا برای نمونه هر سال چهار تومان به متصدیان موقوفه بپردازد و در راه معین شده

از ناحیه‌ی واقف هزینه شود و هم‌اکنون مدت بیست سال گذشته و قیمت همه‌ی اجناس به چند برابر افزایش یافته و اداره‌ی مرکزی اوقاف نیز مدت اجاره را بیش از ده سال باطل می‌داند، در این صورت، آیا تجدید اجاره با امتناع مستأجر که فقط همان سالی چهل تومان را می‌خواهد بدهد، غصب شمرده می‌شود یا خیر؟ «گلپایگانی»: از موضوع شخصی اطلاع ندارم. به‌طور کلی در مثل مورد سؤال، چنان‌چه از متولی شرعی اجاره شده و متولی هنگام اجاره دادن صلاح وقف را در نظر گرفته، اجاره‌ی مزبوره صحیح است؛ ولی ترقی فاحش مال الاجاره بعد از گذشتن مدتی از زمان اجاره بعید نیست کاشف از غبن در اجاره‌ی وقف باشد؛ لذا احتیاط این است که اجاره فسخ و طبق معمول زمان اجاره تنظیم شود.

\* \* \*

«نکونام»: ترقی قیمت چنان‌چه بسیار چشم‌گیر باشد، غبن در اجاره‌ی وقف است و باید اجاره فسخ شود و اجاره بر اساس قیمت معمول و روز قرارداد شود.

□ □ □ □

س ۳۲۸۰ - شخصی ملک وقفی را اجاره داده و شخص دیگری آن را بیش از این مبلغ اجاره می‌کند، در این صورت آیا می‌توان اجاره را فسخ کرد و آن را به وی اجاره داد یا نه؟

ج - اگر موجر، متولی شرعی ملک موقوفه یا وکیل از جانب او بوده است و در حال انشای عقد اجاره اجرت المثل موقوفه مطابق اجرت المسمی بوده است؛ به‌طوری که اجاره غبنیه نبوده است و اختیار فسخ هم برای حفظ قرار نداده است، نمی‌تواند اجاره را فسخ کند و الا می‌تواند و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.

□ □ □ □

س ۳۲۸۱ - هرگاه کسی درخت میوه یا برای نمونه گوسفند باردار را وقف کند، آیا میوه‌ای که در حال وقف نمودن بر درخت موجود است و هم‌چنین جنینی که در گوسفند در حال وقف موجود است، حکم وقف را دارد یا نه؟

ج - حکم وقف را ندارد و به ملک واقف باقی است. بلی، در پشمی که در حال وقف بر گوسفند است و همین‌طور در شیری که در همان حال در پستان اوست، مراعات احتیاط ترک نشود.

□ □ □ □

#### □ وجوب حفظ وقف

س ۳۲۸۲ - شخصی ملک موقوفه‌ای در دست داشته که با نظر یکی از آقایان اهل علم آن روز در اجاره‌ی او بوده ولی شخص مستأجر پس از مدتی برای این که ملک به نام اوقاف آن زمان ثبت نشود، آن را به نام خود ثبت داده، حال یکی از وارثان آن شخص ملک را در اختیار دارد و آن را در مورد وقف به کار نمی‌برد، در این صورت آیا وارثان دیگر؛ اعم از دختر یا پسر، می‌توانند نسبت به سهم خود از ملک مذکور متصرف شوند به شرط آن که با اجازه‌ی حاکم شرع و نظریه‌ی اهل محل ملک را اجاره نمایند و مال الاجاره را خود به مصرف منظور برسانند و آیا می‌توانند ملک مورد بحث را به نام وقف ثبت نمایند مشروط بر این که وجه اجاره به مصرف منظور برسد و یا ورثه ملک را به نسبت بین خود تقسیم نمایند؟

ج - امر موقوفه اگر متولی خاص دارد مربوط به اوست و الا با فقیه جامع شرایط است و ثبت دادن موقوفه به اسم خود به عنوان ملکیت که مستلزم از بین رفتن موقوفه باشد ولو در اعقاب آتیه، جایز نیست.

□ □ □ □

س ۳۲۸۳ - زمین‌هایی است که وقف شده و به منظور مصون ماندن از تصرف غاصبان، سند آن به نام متولی ثبت شده و اگر متولی به وقف بودن آن اقرار کند،



امکان دارد اوقاف شاه آن را تصرف کند و اگر به اسم متولی باقی باشد، ممکن است وارثان بعد از مرگ وی آن را به مصرف مورد وقف نرسانند، در این صورت وظیفه‌ی متولی چیست؟

ج - به هر نحوی که موقوفه بهتر حفظ شود، آن طور عمل کنند.



س ۳۲۸۴ - زمینی است که وقف شده و دارای درآمد است، آیا می‌شود آن را تغییر داد؛ به گونه‌ای که همه‌ی درآمد آن از بین برود یا خیر و اگر کسی این عمل را مرتکب شد، باز داشتن او بر متولی یا کسانی که بر آنان وقف شده و یا مسلمین واجب است یا خیر؟

ج - در فرض مذکور، تغییر جایز نیست و بر متولی با تمکن واجب است منع نماید و آن را به صورت اولی برگرداند و موقوف علیهم هم می‌توانند جلوگیری کنند؛ بلکه از باب نهی از منکر بر سایرین نیز با تحقق شرایط نهی از منکر، ممانعت واجب است.



س ۳۲۸۵ - دودانگ ملک وقف است که مدتی است کشت نشده و به صورت بایر باقی مانده، آیا متولی اصلی که طبق وقف‌نامه مشخص شده می‌تواند نسبت به آباد کردن آن اقدام کند و اگر افرادی به عنوان آباد کردن ملک وقفی که بایر شده تصرف کنند، متولی شرعا مسؤول است یا خیر؟

ج - در صورت مفروضه، متولی مسؤول است، باید موقوفه را حفظ کند یا خود آباد نماید یا اجاره دهد تا آباد کنند.



س ۳۲۸۶ - متصدیان یا متولیان که املاک موقوفه‌ای را تحت تصرف داشته‌اند و دولت سابق از آن‌ها خلع ید نموده و به زارعان فروخته آیا در حال حاضر که دولت اسلامی است حق دارند به خریداران مراجعه نموده و آنان را راضی نمایند که در مورد ملک مانند قبل از فروش، خود را مستأجر بشناسند و سالیانه

اجاره‌ی عادلانه را بپردازند که به مصرف کسانی که بر آنان وقف شده برسد و اگر فردی راضی نشود، متولی یا متصدی می‌تواند او را به محضر شرع یا عرف برده و حاضر به تمکین نماید یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، متولی شرعی باید در صورت تمکن ملک را از خریدار پس بگیرد و اگرچه با مراجعه به محاکم شرعیه باشد و در صورتی که ممکن نباشد، عمل نمودن به نحو مرقوم در سؤال مانع ندارد، بلکه لازم است.



#### □ خارج شدن مورد وقف از بهره‌برداری

س ۳۲۸۷ - خانه‌ای وقف فرزندان پسر است و کسی از آنان در آن شهر نیست و خانه در شرف خرابی است و قدرت بر تعمیر آن نیز نمی‌باشد، آیا در این صورت فروش آن جایز است یا نه؟

ج - در فرض مسأله، اگر معلوم باشد که در صورت عدم فروش خراب می‌شود به نحوی که به کلی از حیز انتفاع ساقط می‌شود یا به قدری انتفاع آن کم می‌شود که در حکم عدم می‌باشد، فروش آن با اذن متولی شرعی و موقوف علیهم جایز است؛ لکن واجب است به پول آن، محلی بخرند نظیر همان، و وقف نمایند بر همان موقوف علیهم با همان شرایط که موقوفه‌ی اول دارا بود.



س ۳۲۸۸ - نخلی وقف عام است واقف آن فوت نموده و در حال حاضر آن نخل در اثر مرور زمان پیر و بی‌ثمر شده، آیا جایز است آن را فروخت و بهای آن را به فقیران داد و از جای آن استفاده نمود یا نه؟

ج - در صورتی که نخله در معرض تلف باشد، مجازند بفروشند و به پول آن، نخله‌ی جوان بخرند و به جای آن وقف عام نمایند.



س ۳۲۸۹ - خانه‌ای است که یک اتاق آن مخصوص روضه‌خوانی بوده و بعد از چند سال مخروبه شده و صاحب خانه آن را فروخته ولی اتاقی که مخصوص روضه‌خوانی بوده را نفروخته و به حال خود باقی است اما مخروبه شده و فقط سنگ و زمین آن باقی است و استفاده‌ای از آن نمی‌شود، در این صورت آیا می‌شود آن را فروخت و وجه آن را به مصرف روضه‌خوانی تکیه رساند یا نه؟

ج - اتاق اگر وقف باشد تا استفاده از آن ممکن است ولو به اجاره دادن طویل‌المدت و صرف مال‌الاجاره را در روضه‌خوانی، آن را نفروشد و اگر به هیچ وجه قابل استفاده نباشد، بفروشند و در مکان دیگر اتاق بخرند و وقف نمایند و اگر از ابتدا وقف نشده و فقط برای روضه‌خوانی کنار گذاشته شده، فروش آن بدون شرط جایز است.



س ۳۲۹۰ - چند عدد سماور در زمان گذشته وقف بر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام شده و در حال حاضر بر اثر کثرت جمعیت و کوچک بودن سماورهای یاد شده، از آن استفاده‌ای نمی‌شود، آیا می‌شود آن را فروخت و به جای آن سماور بزرگ‌تری خرید یا نه؟

ج - با فرض آن که از حیز انتفاع ساقط شده، جایز است متولی آن‌ها را بفروشد و تبدیل به بهتر و بزرگ‌تر نماید و مجاز است.



س ۳۲۹۱ - زمینی کشاورزی وقف شده و به سبب توسعه‌ی شهر در وسط ساختمان‌ها واقع شده و بهای آن افزایش چشمگیری پیدا کرده و عواید کنونی آن بسیار ناچیز است و به تدریج، این استفاده‌ی ناچیز آن نیز از بین می‌رود و اگر این زمین فروخته شود و به قیمت آن در جای دیگری ملکی یا باغی خریداری شود، شاید دست‌کم هشتاد برابر عاید فعلی درآمد داشته باشد، آیا با این شرایط می‌توان آن را فروخت و ملک دیگری خریداری نمود یا نه؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاع ندارم. به طور کلی، اگر زمین برای زراعت

قابل انتفاع نباشد، مانع ندارد که با اجازه‌ی متولی شرعی آن را برای مصرف قابل انتفاع اجاره دهند و اگر اجاره دادن آن بلا فایده است، جایز است آن را بفروشند با اجازه‌ی متولی و در جای دیگر زمینی خریداری و مانند زمین قبلی وقف نمایند و مدارک و اسناد برای وقف آن تنظیم نمایند که وقف از بین نرود.



س ۳۲۹۲- در روستایی درخت گردویی هست که وقف بر مسجد روستا شده ولی به‌طور کلی خشک شده و فایده‌ای ندارد اما چوب آن را می‌خرند و اگر به فروش نرسد در اندک مدتی از بین می‌رود، در این صورت آیا می‌شود آن را با حضور عدول مؤمنان فروخت و آیا می‌توان بهای آن را در توسعه یا تعمیر مسجد هزینه نمود یا باید درخت گردوی دیگری خریداری و به‌جای آن وقف شود؟

ج - در فرض سوال، فروش و مصرف آن در تعمیر و توسعه‌ی مسجد جایز است و غرس درخت گردوی دیگر در محل آن یا خرید درخت گردوی دیگر نیز ظاهراً مانعی ندارد، بلکه احوط است.



س ۳۲۹۳- عین و منفعت ملکی وقف شده و تولیت آن با اشخاص معینی از وارثان است و اکنون آن ملک به‌طور غیر اختیاری به فروش رسیده و وجه آن موجود می‌باشد، در این صورت تکلیف متولی نسبت به آن وجه چیست؟ آیا وی می‌تواند عین آن پول را به مصرف کسانی که برای آنان وقف شده برساند و یا لازم است از آن پول ملکی بخرد و آن را به صورت مشابه وقف نماید؟

ج - اگر فروش وقف شرعاً جایز بوده، باید ثمن آن صرف خرید رقبه‌ی دیگر شود که وقف گردد و اگر جایز نبوده، وقف به وقفیت خود باقی است و ملک خریدار نمی‌شود.



س ۳۲۹۴ - چند سال پیش شخصی نصف ماده گاو خود را وقف حضرت ابوالفضل علیه السلام نموده و اکنون تعداد گاوها زیاد شده و نگاهداری آنها از حیث تأمین مخارج مشکل است، در این صورت آیا می‌توان گاوها را به فروش رساند و از قیمت آن طرف‌های مورد نیاز جهت مجالس عزاداری و سوگواری خریداری نمود یا نه و هم‌چنین آیا می‌شود بهای آن را برای بنای سقاخانه هزینه کرد یا نه؟ ج - برای حفظ گاوها می‌تواند بعضی از آنها را بفروشد و خرج بقیه نماید و اگر امکان ندارد، بفروشد و به همان مصرفی که گاوها را برای آن وقف کرده برساند.



س ۳۲۹۵ - زمینی کشاورزی است که از آب باران مشروب می‌شود و شخصی حاضر شده که این ملک را با ملک دیگری که دارای درخت است و وسعت و موقعیت بهتری دارد معامله نماید تا از این زمین برای قبرستان استفاده شود، در این صورت آیا می‌شود این ملک را به فروش رساند و در برابر ملک یاد شده را خرید و آن را وقف نمود یا نه؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاعی ندارم. به‌طور کلی اگر وقف شده و قبض هم به عمل آمده باشد، فروش آن جایز نیست؛ مگر در بعضی موارد که در محل خود ذکر شده، ولی اگر چنین معامله‌ای واقع شده و شما شک در صحت آن داشته باشید، بیع آنها محمول بر صحت است تا خلاف آن معلوم شود.



س ۳۲۹۶ - شخصی متولی زمینی وقفی بوده و پس از فوت وی، پسر او در آن زمین باغی درست نموده و مورد استفاده‌ی او بوده است تا آن که قانون اصلاحات ارضی به وجود آمد و وی زمین مزبور را فروخت که تا پانزده سال هر سال مبلغی معین بگیرد، آیا خرید این موقوفه جایز بوده است؟ هم‌چنین

خریدار املاک دیگری نیز دارد و درآمد آن با این زمین مخلوط شده، حال چگونه باید آن را حلال نماید؟

ج - در فرض سؤال، خرید و فروش زمین وقف باطل است و هرگونه تصرف در آن بدون مجوز شرعی حرام است و اجرت المثل موقوفه را در این مدت که در تصرف او بوده ضامن است و باید به متولی شرعی آن بپردازد که به مصرف وقف برساند و اگر متولی صلاح بداند، جایز است به او اجاره بدهد تا همه ساله مال الاجاره‌ی آن به مصرف وقف برسد.



س ۳۲۹۷ - چند عدد ظرف مسی وقف حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام است و در مدت چهل سال که وقف شده استفاده‌ای از آن نشده و نیازی به آن نیست، آیا می‌توان آن را فروخت و چیزهایی که مورد نیاز است خریداری نمایند و یا آن را در تعمیر حسینیه هزینه نمود یا نه؟

«گلپایگانی»: حقیر اجازه‌ی فروش ملک موقوفه را نمی‌دهم؛ لکن اگر متولی شرعی صلاح بداند جایز است آن ظروف را اجاره دهد و همه ساله مال الاجاره‌ی آن را وصول نموده به مصرف وقف برساند. البته، باید مدرک معتبر و شهود زیاد باشد که موجب تضييع وقف نشود.



«نکونام»: چون در این زمان استفاده‌ی معقولی ندارد فروش و تبدیل آن اشکال ندارد.



س ۳۲۹۸ - در اطراف کلیسای مسیحیان مقدار زمینی است که در زمان گذشته بر اساس مذهب آنان وقف بر کلیسا شده ولی در زمان حاضر پاپ اعظم اجازه داده آن را بفروشند، آیا مسلمانان می‌توانند از این زمین‌ها خریداری کنند یا نه و در صورت جواز، آیا مشروط به شرطی است یا خیر؟

ج - با فرض آن که خودشان فتوا به جواز داده‌اند و به مذهب خودشان

خرید و فروش آن جایز است، خرید مسلم از آن‌ها بی اشکال است و شرطی هم ندارد؛ جز آن که اگر آن را از مسلم خریده‌اند و موقع خرید از مسلم خمس آن را نداده باشند، باید فعلاً بدهند و اگر آن‌ها ندهند، مسلم که بخرد باید خمس آن را بپردازد.



س ۳۲۹۹ - دو قطعه زمین وقف فرزندان است و مالکان فعلی آن غیر از کشت دیم که در دو سال یک مرتبه صورت می‌گیرد و در اثر خشک‌سالی این منطقه ممکن است چهار سالی یک مرتبه عواید اندکی آن هم به وسیله‌ی اجاره دادن به دست بیاورند، استفاده‌ی دیگری از موقوفه نمی‌برند، آیا مالکان می‌توانند این قطعه زمین را بفروشند و در برابر، موتور آبی برای قطعه‌ی دیگر خریداری کنند و از انواع محصولات آن نفع کلی ببرند یا نه؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، فروش آن جایز نیست.



«نکونام»: فروش آن اشکال ندارد.



س ۳۳۰۰ - کاروان‌سرای در کنار روستایی قرار دارد و گفته می‌شود در زمان قدیم که رفت و آمد مردم و حمل و نقل کالاها به وسیله‌ی حیوانات بوده، شخصی آن را برای استفاده‌ی مسافران در آن محل ساخته ولی وقف‌نامه‌ای از آن در دست نیست اما مشهور است که موقوفه است و سپس به مرور زمان که مردم از وجود چنین مکان‌هایی بی‌نیاز شده‌اند از بین رفته و خراب شده و اکنون جز آثاری از آن چیزی باقی نمانده و به هیچ وجه استفاده‌ای از آن نمی‌شود، آیا در این صورت می‌شود زمین مزبور را فروخت و در محل دیگر خانه‌ای برای استفاده‌ی غریبان و فقیران ساخت یا نه و نیز این کاروان‌سرا موقوفاتی داشته و چون منافع

آن مصرفی نداشته، همچنان جمع شده و موجود است، حال آن را باید در چه راهی مصرف کرد؟

ج - در فرض مسأله، اگر ممکن است همان محل را تعمیر نموده و مسافری از آن استفاده نمایند و فروش آن در این صورت جایز نیست و اگر قابل استفاده در جهت منظورهی واقف نیست، جایز است بفروشند و در محل دیگری جهت مسافری ساختمان تهیه نمایند که اقرب به نظر واقف باشد و در صورتی که ورثه‌ی واقف معلوم باشند، در فروش از آنها استجازه نمایند و اما منافع موقوفات آن، اگر ممکن است، در تعمیر و ساختمان باید مصرف نمایند و با عدم امکان، در چیزی که اقرب به نظر واقف است صرف شود و از ورثه‌ی واقف نیز احتیاطاً استیدان نمایند و الا با اذن حاکم شرع صرف کنند.



س ۳۳۰۱ - دیگری وقف حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام شده تا در آن غذا طبخ شود و به عزاداران آن حضرت داده شود، حال اگر سوراخ شود و نشود در آن غذا درست کرد، آیا می‌توان آن را با دیگ سالم عوض کرد یا فروخت و در برابر آن دیگ سالمی خرید یا نه؟

ج - در صورتی که به جهت سوراخ شدن قابل استفاده نیست و متبرعی هم که آن را اصلاح کند نباشد، جایز است بفروشند و تبدیل به دیگ صحیح نمایند.



س ۳۳۰۲ - شخصی دارای دو سهم ملک بوده و به تدریج این دو سهم را فروخته به این ترتیب که سهمی را به شخصی و نیم سهم را به شخص دیگر و پس از آن نیم سهم آخر را به فرد سومی فروخته و بعد از چند سال برای مشتری سوم ثابت شده که مالک اول، نیم سهم از آن املاک را وقف نموده بوده و با این وجود



فروخته شده و در وقف نامه نیز حدود ملک تعیین نشده و مشاع بوده، حال وظیفه‌ی مشتری درباره‌ی نیم سهمی که از آن خریده چیست؟

ج - در صورتی که معلوم شود که نیم سهم مشاع وقف است، با تحقق شرایط صحت وقف، بیع یک سهم و بیع نیم سهم که قبلاً فروخته؛ اگر به نحو مشاع فروخته، صحیح است و بیع نیم سهم اخیر باطل است.



س ۳۳۰۳ - زمینی است که چند نفر در آن شرکت دارند و بخشی از آن وقف حضرت سید الشهدا علیه السلام است و قسمتی از این زمین زیر کوه و بلندی واقع شده که قابل کشت نیست و استفاده‌ای ندارد و تنها برای ساخت منزل کاربرد دارد و شریکان از متولی وقف خواسته‌اند که چون اهالی محل به ساختمان نیاز دارند و ما قسمت خود را می‌فروشیم، شما نیز باید قسمت خود را بفروشید و یا آن را تقسیم کنید و احتمال می‌رود که بر طبق قانون دولتی، این زمین در معرض خطر باشد و به جای آن از بین برود، در این صورت آیا جایز است قسمت وقف را بفروشند و به جای آن فرش یا درخت یا چیز دیگری بگیرند یا نه؟ اگرچه ممکن است قسمت وقف مجزا شود و اجاره داده شود اما به لحاظ آن که در معرض خطر است و به تصرف دولت درآید، ممکن است برخی آن را اجاره ندهند؟

ج - در فرض مرقوم، فروش و تبدیل وقف جایز نیست؛ ولی اجاره‌ی آن با اذن متولی شرعی و مصلحت وقف جایز است.



س ۳۳۰۴ - درخت توتی است سرکوجه که برای چندین سال است وقف بوده و در حال حاضر مزاحم رفت و آمد عابران است، آیا می‌توان آن را قطع کنند و قیمت آن را به مصرف امور خیر برسانند یا نه؟

ج - تغییر وقف جایز نیست. چنانچه بعضی از شاخه‌های آن مزاحم عابرین است، رفع مزاحمت به قطع آن شاخه‌ها جایز است.



س ۳۳۰۵ - در محلی حمامی وقف بر عموم شده و چون حمام مذکور خزانه‌ای بوده و بهداشتی نمی‌باشد، از طرف مسؤلان امر استفاده از آن ممنوع شده و از این جهت دو حمام مردانه و زنانه در دست ساختمان و در شرف اتمام است و حمام قدیمی متروک و معطل مانده و احتمال نمی‌رود که در مکان آن حمام جدیدی بنا شود، آیا می‌توان مکان آن را فروخت و چه کسی باید متصدی فروش شود؟ آیا عدول مؤمنان می‌توانند مباشر فروش آن شوند یا نه و پس از فروش وجه آن را در چه راهی باید هزینه کرد؟

ج - در فرض سؤال، اگر حمام مزبور مخروبه شده و از ارتفاع بالمره ساقط شده، در صورتی که ممکن است زمین آن را اجاره دهند و مال الاجاره‌ی آن را به مصرف حمام‌های موقوفه‌ی عمومی برسانند و اگر اجاره‌ی آن هم ممکن نیست، چنانچه در محل، فقیه جامع‌الشرایط یا مأذون از قبل او نیست، عدول مؤمنین بفروشد و ثمن آن را صرف ساختمان یا تعمیر حمام موقوفه‌ی عمومی دیگری بنمایند.



س ۳۳۰۶ - آیا وارثان می‌توانند آب انباری که در محل مورد استفاده و نیاز مردم نیست و وقف‌نامه‌ای نیز ندارد را بفروشند یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر آب انبار وقف بوده و محتمل باشد که بعداً مورد استفاده قرار بگیرد، فروش آن جایز نیست؛ هرچند وقف‌نامه نداشته باشد و در نزاع موضوعی، محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است.



س ۳۳۰۷ - عده‌ای از اهل تهران و ورامین پارچه‌هایی نذر کرده و به حساب حضرت امام حسین و حضرت ابوالفضل علیه‌السلام در مکانی مخصوص جمع‌آوری می‌کنند ولی مصرف آن را تعیین ننموده‌اند و این موضوع برای اهالی موجب شبهه گشته و هم‌چنان پارچه‌ها روی هم انباشته شده و در دهه‌ی اول تنها برای شبیه‌خوانی

آن هم از بخش اندکی از آن استفاده می‌شود، در این صورت آیا می‌شود آن را فروخت و به هزینه‌ی روضه‌خوانی رساند یا نه؟

ج - با فرض این که اشیای مذکوره مورد انتفاع نیست و در معرض تلف باشد، فروش و صرف بهای آن در روضه‌خوانی و تبلیغات به قصد حضرت سیدالشهدا و حضرت ابوالفضل علیهما السلام جایز است.



س ۳۳۰۸ - در این محل قلیانی که دارای کوزه‌ی چینی و سرقلیان چینی است جهت مجالس روضه‌خوانی وقف شده و در حال حاضر مصرف آن کم است، آیا می‌توان آن را به فروش رساند و برای مسجد فرش تهیه کرد یا خیر؟

ج - در فرض مسأله، مادامی که برای جهت موقوفه مورد استفاده باشد، فروش آن جایز نیست و اگر به کلی مورد استفاده نباشد یا به حدی کم باشد که استفاده از آن در حکم عدم باشد، فروش آن جایز است و فرش برای مجالس روضه‌خوانی تهیه کنند که اقرب به غرض واقف است.



س ۳۳۰۹ - حمامی است قدیمی که عواید آن وقف روضه‌خوانی حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام بوده و در حال حاضر مخروبه شده ولی زمین و مصالحی مانند سنگ و آجر دارد، حال باید آن را چگونه به مصرف رساند؟ البته، گفته می‌شود سه دانگ از زمین حمام وقف و سه دانگ دیگر ملک طلق است.

ج - اگر مایوس باشند که حمام مورد استفاده واقع شود، نسبت به سه دانگ وقف نیز جایز است زمین و مصالح آن را بفروشند و قیمت آن را به مصرف حمام وقفی دیگر برسانند ولو در غیر این محل باشد.



س ۳۳۱۰ - زنی در حیات شوهر خود آب و ملکی را وقف نموده که برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مجلس عزاداری برپا شود و قید کرده که اگر وی به آن نیازمند

شد، آن را بفروشد و زندگی خود را اداره نماید و از آن مدت یا چندی بعد تا به حال، از درآمد آن، سالی یک مجلس روضه نیز خوانده شده ولی در وقف نامه این قید ذکر نشده و حال شوهر وی فوت نموده و واقف نیز در نهایت فقر و تنگ دستی به سر می برد، در این صورت آیا این زن می تواند آب و ملک مزبور را بفروشد یا نه؟

ج - در فرض مسأله، اگر صاحب ملک بینة و بین الله می داند که وقف مطلق نکرده، ظاهر آن است که فعلا می تواند بفروشد، لکن احتیاط، طریق نجات است.



س ۳۳۱۱ - حمامی در دست بازسازی است و مقداری خاک از قطعه زمینی جهت مصرف حمام برداشته اند، در این صورت آیا می شود خاک کهنه و قدیمی را به جای خاک های برداشته شده ریخت؛ چرا که برای زمین مفید است؟  
ج - اگر خاک های کهنه قابل مصرف نباشند، می توانند به قیمت عادله بفروشند و خاک تازه خریداری نمایند.



س ۳۳۱۲ - در ابهر حمامی است قدیمی که قدمت آن به پانصد سال می رسد و نظر به این که مالک معلومی ندارد، شهرداری آن را به ثبت داده و اخیراً چون خریداران زیادی پیدا کرده، از طرف شهرداری توقیف شده و در نتیجه به عنوان مزایده به معرض فروش گذاشته شده، جمعی از اهالی و جهی تهیه و حمام مزبور را خریداری و پس از کوبیدن و تخریب آن، حمام جدیدی در آن مکان احداث نموده اند و چون مالک آن ناشناخته است، غسل و دیگر تصرفات اهالی نیاز به اجازه و تصحیح دارد، خواهشمند است اجازه ی استفاده از آن را صادر فرمایید؟  
ج - ظاهر آن است که این گونه حمام ها وقف بوده و به فروش شهرداری از وقف بودن خارج نمی شود و زمین آن به وقفیت سابق باقی است. غسل

و سایر تصرفات در آن برای مردم جایز است و اگر معلوم باشد که مجهول المالک است، مسلمین مجازند در غسل و سایر تصرفات و برای صاحب آن طلب مغفرت نمایند.



س ۳۳۱۳ - قطعه زمین شالیزاری که چهار سال آباد و مورد استفاده بوده و چهار سال نیز بایر و غیر مورد استفاده می‌باشد، بر اساس شهرت محلی و گفته‌های پیرمردان وقف مسجدی است و در سال‌های گذشته مورد استفاده بوده و درآمد آن کم و بیش در مورد وقف هزینه شده و اکنون مدت بیست سال است که به سبب نبودن آب از حیز انتفاع افتاده و به صورت بایر درآمد و بدیهی است در این مدت نفعی برای مورد وقف نداشته و سال گذشته شرکت تعاونی ملی مرکبات رامسر به مناسبت نزدیکی مکانی محل کار آنان، تمام زمین‌های هر چهار طرف این قطعه زمین را خریداری نموده و در نتیجه زمین مزبور در آینده بدون استفاده می‌ماند، در این صورت آیا متولی می‌تواند این قطعه زمین را به شرکت فروخته و بهای آن را به عنوان سهام برای جهت وقف بردارد و آن را در مورد وقف هزینه نماید یا آن که به جای این قطعه زمین موقوفه که به شرکت فروخته شده، زمین دیگری را خریداری نموده و برای مسجد وقف کند یا نه؟

ج - در فرض مسأله، در صورتی که ممکن باشد، زمین مذکور را اجاره بدهند و مال الاجاره را به مصرف موقوفه برسانند، و در صورتی که اجاره ممکن نباشد و در معرض سقوط از انتفاع همیشگی باشد، مجازند بفروشند و در عوض آن زمین، چیز دیگری بخرند و وقف کنند که منافع آن به مصرف همین موقوفه برسد.



س ۳۳۱۴ - روستایی است که به صورت وقف در دست کشاورزان به عنوان مناصفه کاری بوده و نصف منافع را به مصرف مورد نظر واقف می‌رسانده‌اند،

هم اینک صورت وقف گذشته را به هم زده و شش دانگ روستا را به مردم اجاره داده‌اند و به هر فردی مقداری زمین واگذار شده، آیا می‌شود زمین‌های واگذار شده را به فروش رساند یا آن را به دیگری واگذار کرد و برای آن حق اولویت گرفت یا خانه‌ی مسکونی در آن ساخت یا نه؟

ج - خرید و فروش وقف در غیر مواردی که فقیهان رضوان الله علیهم تعیین فرموده‌اند جایز نیست و هرگونه تصرف در موقوفه موقوفه به اذن متولی شرعی است و با نبودن متولی منصوص، منوط به اذن مجتهد جامع شرایط است.



س ۳۳۱۵ - هرگاه متولی وقف، علم یا اطمینان داشته باشد که اگر عین موقوفه فروخته نشود، از بین می‌رود و به طور کلی غیر قابل استفاده و بهره‌وری می‌شود و یا اگر هم نفعی داشته باشد، به قدری جزئی است که مثل معدوم است، چه باید انجام دهد؟

ج - در فرض سؤال، فروش آن جایز است و تفاوتی ندارد که منشأ خرابی موقوفه اختلاف موقوف علیهم باشد یا چیزی دیگر.



س ۳۳۱۶ - ملکی برای حضرت سیدالشهدا علیه السلام وقف بوده و چند دست مورد معامله قرار گرفته و منتقل شده و خریداران آن را به نام خود ثبت کرده‌اند و در آن ساختمان ساخته‌اند و سپس مشتریان متوجه شده‌اند که زمین‌های خریداری شده موقوفه بوده و معامله‌ی آنان باطل است و تصرفات ایشان در آن ساختمان‌ها جایز نیست، آیا راهی دارد که تصرفات و عبادات آن‌ها در آن ساختمان‌ها مباح و صحیح باشد یا نه؟ البته واقف و متولی آن هیچ یک زنده نیستند.

ج - در صورتی که از متولی شرعی اجاره شود و مال الاجاره به مصرف

برسد، اشکال ندارد و عبادت صحیح است و اگر متولی منصوص نباشد، تولیت با حاکم شرع جامع شرایط است.



س ۳۳۱۷ - درخت‌های گردوی موقوفه خشک شده و به فروش رسیده ولی پول آن مختصر و قابل تبدیل به عین دیگری نیست، آیا جایز است وجه آن در مخارج لازم کسانی که برای آنان وقف شده هزینه شود؟

ج - اگر ممکن است نهال گردو غرس نمایند و یا درخت گردو بخرند و وقف نمایند و یا عین دیگری بخرند و وقف نمایند و اگر به این نحو هم ممکن نیست، به هر طوری که اقرب به نظر واقف باشد صرف نمایند.



س ۳۳۱۸ - چند تخت فرش برای مسجدی خریداری و وقف شده و پس از چندی کهنه و فرسوده گردیده و قیمت آن کاهش یافته، آیا می‌توان آن را فروخت و فرش‌هایی مشابه به جای آن خریداری نمود یا نه؟

ج - در صورتی که در معرض سقوط از قیمت و تلف عرفی باشد، فروش آن جایز است.



س ۳۳۱۹ - کسی یک رشته آب مربوط به زمین‌های موقوفه را جهت محفوظ ماندن از تصرف غاصبان به نام خود ثبت داده و بعد آن را به مبلغ دو هزار تومان فروخته و وجه آن را تحویل گرفته است، حال این مبلغ را به چه مصرفی برساند و تکلیف این مشتری که آن آب و ملک را خریده چیست؟

ج - در فرض سؤال، معامله باطل است و خریدار باید عین موقوفه را به متولی منصوص بدهد و اگر متولی منصوص ندارد، به حاکم شرع بدهد و وجه آن را از فروشنده بگیرد و نیز خریدار باید اجرت المثل مدتی را که موقوفه در دست او بوده به حاکم شرع بدهد.



س ۳۳۲۰ - کشاورزی از مال خود برای خانه‌ی مسکونی و ملکی که وقف حضرت سیدالشهدا علیه السلام بوده هزینه نموده و خانه را تعمیر کرده و سپس آن را به شخص دیگری فروخته و خریدار دوم آن را به شخص دیگری فروخته، آیا معامله‌ی آن خانه و تصرف در آن جایز است یا خیر؟

ج - از خصوصیات موقوفه اطلاع ندارم. به طور کلی اگر خانه‌ی مورد سؤال وقف بوده، خرید و فروش آن جایز نیست و هر کس هم در مقابل آن پولی بدهد، مالک آن نمی‌شود و اگر متولی منصوص برای موقوفه باشد و متولی منافع خانه را به شخص خاصی واگذار کرده باشد به شرط آن که کشاورز موقوفه باشد، آن شخص حق انتفاع از آن خانه را دارد تا وقتی که زمین موقوفه را کشت کند و اگر برخلاف شرط عمل کند، حق انتفاع از خانه را ندارد. بلی، اگر کشاورز مخارجی برای تعمیر خانه متحمل شده با اذن متولی شرعی، در صورتی که خانه را واگذار نماید حق دارد مخارج مزبوره را از متولی وقف و درآمد آن بگیرد و اگر در خصوصیات آن نزاع باشد، محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است.



س ۳۳۲۱ - مقداری زمین وقف بر فرزندان پسر است و در قطعه‌ای از آن مکینه‌ی آبی گذاشته شده و در آن درخت کاشته شده، اکنون مکینه شکسته و درخت‌ها خشکیده شده، در این صورت آیا می‌توان قطعه‌ای از زمین را بفروشد و با بهای آن مکینه بخرند تا درخت‌ها خشک نشود یا خیر؟

ج - راجع به موقوفه اگر به غیر این نحو نمی‌شود از آن انتفاع شود، با اجازه و صلاح دید متولی شرعی یا موقوف علیهم جایز است به نحو مذکور عمل نمایند.





س ۳۳۲۲ - قطعه زمینی است که در آن چند نخله خرما بوده و صاحب زمین آن را برای دو مسجد وقف کرده و هم‌اکنون مقداری از آن زمین در خیابان افتاده و نخله‌ی خرما که در آن هست به خوبی ثمر نمی‌دهد و اگر این مقدار از آن به فروش نرسد، همه‌ی آن از بین می‌رود، آیا می‌شود این قطعه زمین را به صورت چند دکان در آورد و آن را برای مسجد اجاره داد و مقداری از این زمین نیز برای احداث چند مغازه به فروش برسد یا نه و متولی آن نیز بنده هستیم؟

ج - در فرض سؤال، اگر نخل‌ها وقف باشد، اجازه‌ی تبدیل نمی‌دهم؛ مگر آن که به کلی بی‌فایده و در حکم تلف باشد که در این صورت مجازند بفروشند و قیمت آن را به مصرف تعمیر دکاکین برسانند و وقف نمایند و مع ذلک، اگر به ثمن و نخل‌ها در محل دیگر نخل بخرند و وقف نمایند، اقرب به غرض واقف است و در صورتی که انتفاع از وقف موقوف بر فروش بعضی باشد، مجازند اقل ما یمكن از نخل‌ها را بفروشند.



س ۳۳۲۳ - زمینی موقوفه که در زمان قدیم قابل کشت بوده ولی هم‌اینک اطراف آن خانه گردیده و این زمین راه عبور آن گردیده و تنها در ساخت خانه کاربرد دارد و در ضمن حسینیه‌ای است که بسیار مخروبه می‌باشد، آیا می‌توان این زمین را به فروش رساند و آن را هزینه‌ی حسینیه نمود؟ البته، موقوفه مربوط به حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است.

ج - در فرض سؤال که استفاده از زمین مزبور فقط از طریق ساختن خانه میسر است، با اجازه‌ی متولی شرعی زمین‌ها را برای خانه‌سازی اجاره داده و وجه اجاره را طبق وقف‌نامه به مصرف برسانند و فروختن آن جهت صرف در حسینیه جایز نیست.



س ۳۳۲۴ - حمامی در زمان طاغوت در زمین موقوفه‌ی حضرت سید الشهدا علیه السلام ساخته شده و دولت طاغوت اجازه‌ی آن را داده تا زمینی دیگر به جای آن داده شود، هم‌اینک این زمین دارای درختان بسیاری است، حال با توجه به این که غیر از این حمام، حمام دیگری وجود ندارد و اهالی محل فقیر می‌باشند، هر دو زمین به صورت اول مشکل است، در این صورت، وظیفه‌ی اهالی نسبت به این حمام چیست؟

ج - معاوضه‌ی زمین وقفی با اجازه‌ی طاغوت صحیح نیست و زمین وقفی که حمام در آن بنا شده به وقفیت خود باقی است و باید زمین حمام از متولی شرعی وقت اجاره شود و مال الاجاره‌اش در مصارفی که در وقف‌نامه‌ی زمین معین شده، همه ساله خرج شود.



س ۳۳۲۵ - شخصی بیست سال پیش پنج شعیر ملک به مبلغ یک‌هزار تومان خریداری کرده و حال پس از بیست سال وقف‌نامه‌ای از وارثان فروشنده به مشتری رسیده و هم‌چنین اهالی محل اظهار می‌دارند که این زمین وقف است و نوه‌ی واقف آن را فروخته ولی در دفتر ثبت اسناد ثبت نشده و وقف‌نامه‌ای که به دست مشتری رسیده عادی است و به گفته‌ی اهالی مورد وقف نیز روضه‌خوانی بوده و مشتری نیز چند سال روضه‌خوانی کرده، اما حال تکلیف وی چیست؟ شایان ذکر است مبلغی برای آبادی این ملک هزینه شده و قیمت ملک تاکنون دو برابر شده است؟

ج - با فرض وقف بودن، معامله باطل، و واجب است تحویل متولی شرعی بدهد و اجرت المثل این مدت را نیز ضامن است که باید به متولی شرعی بدهد تا به مصرف وقف برساند و پولی که به فروشنده داده، حق دارد مطالبه نماید و نسبت به مقداری که برای مجلس روضه مصرف نموده، اگر به مقتضای وقف شرعاً مجاز بوده است، می‌تواند از اجرت

المثل آن محسوب نماید و اگر شرعا جایز نبوده، ضامن است و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۳۳۲۶ - منزلی که موقوفه بوده خریده بودم و شما فرمودید جایز نیست این جانب منزل را پس دادم، اما مبلغی در آن منزل هزینه کرده‌ام و برای نمونه، کنتور برق و چوب برای سقف و خرج کارگر و امثال آن آیا می‌توانم به اندازه خرجی که کرده‌ام پس بگیریم یا نه.

ج - اگر عین مال موجود است می‌تواند بردارد یا به دیگری بفروشد و اگر بخواهد به خود وقف بفروشد باید به اذن متولی شرعی باشد و مخارجی که کرده و عینش موجود نیست حق ندارد.



س ۳۳۲۷ - شخصی دو قطعه باغ انگور در چند سال قبل وقف نموده است که محصول آن را در راه خیر بدهند و بعد از فوت وی فرد دیگری آن را اداره می‌کرد اما در حال حاضر باغ مذکور را رها نموده و در شرف خرابی است، در این صورت فروش باغ جایز است یا نه؟

ج - در فرض سؤال شخص امینی را اجیر کنند و مقداری از عوائد باغ یا همه‌ی آن را به او بدهند تا باغ را آباد کنند و پس از آبادی، سهمیه‌ی واقف را به مصرف معین شده برسانند و تا ممکن می‌شود نمی‌توانند آن را بفروشند و اگر به هیچ وجه نگه‌داری از آن ممکن نباشد، مجازند بفروشند و به مصرف خیرات واقف برسانند.



س ۳۳۲۸ - به شهادت عده‌ای از مؤمنان و مشاهده‌ی آثار قبر در یکی از روستاهای گیلان، قبرستانی است که به مدت چهل سال پیش در آن قبرستان انواع درخت میوه مانند پرتقال غرس نموده‌اند و تا حال استمرار دارد. البته، تصرف قبرستان

عدوانی و در رابطه با قدرتمندانی بوده که در ادارات دولتی زمان طاغوت بوده، آیا می‌شود بعد از گذشت سی سال در قبرستان متروک مزبور ساختمان احداث نمود یا خیر؟

ج - اگر عدوانی بودن تصرف متصرف فعلی در آن به نحو شرعی ثابت و احراز شود؛ مثل این که زمین قبرستان وقف باشد و بدون مجوز شرعی تملک کرده باشد، غصب است و باید از ید غاصب انتزاع شود و چنانچه مورد نیاز دفن اموات باشد، درخت‌ها قلع و به صاحبش رد شود و زمین قبرستان جهت دفن اموات در اختیار مؤمنین قرار بگیرد و اگر در معرض انتفاع برای دفن اموات نباشد، متولی موقوفه اگر متولی داشته باشد و الا مجتهد جامع الشرایط یا مأذون از قبل او می‌تواند زمین را به غارس یا دیگری بفروشد و زمین دیگری محل مناسب برای قبرستان خریداری نماید، و اگر معلوم نباشد که تصرف عدوانی است؛ مثل این که موات بودن زمین محتمل باشد و پس از مخروبه و متروک شدن قبرستان آن را احیا کرده یا این که مدعی بلامعارض باشد که از مجتهد جامع الشرایط خریداری کرده و صحت ادعایش محتمل باشد یا دلیلی شرعی معارض با «ید» او نباشد، جایز نیست از او گرفته شود و کیف کان، شهرت وقف در اثبات آن کافی است.



س ۳۳۲۹ - خانه‌ای جهت امام راتب مسجد به صورت تبرعی و یا از سهم مبارک امام علیه السلام بنا و وقف شده ولی چون خانه در محلی واقع شده که مناسب با امام جماعت نیست و واقف نیز زنده است، در این صورت آیا وی می‌تواند آن خانه را بفروشد و در جای دیگر برای امام راتب خانه‌ای بخرد و آن را وقف کند یا نه؟

ج - در صورتی که وقف صحیحاً واقع شده باشد و به قبض متولی یا

موقوف علیهم داده شده باشد، تغییر آن جایز نیست و تبدیل به احسن را حقیر اجازه نمی‌دهم.



س ۳۳۳۰ - باغی است که منافع ابدی آن بر اقامه‌ی مجلس عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام وقف است و برخی از درختان آن از محصول و عواید دیگر درختان مانع است و متولی آن می‌خواهد چند اصل درخت گردو که در واقع مانع از محصول و عواید مهم آن باغ است و باعث ضرر موقوفه می‌شود قطع کند و بفروشد یا خیر و در صورت اجازه‌ی وجه آن به چه مصرفی برسد مرقوم فرمایید؟

ج - با فرض آن که باغ مشجر وقف شده درخت گردو از اعیان موقوفه است و جایز نیست برای ازدیاد منافع زمین درخت را قطع نمود. بلی، در موقعی که خود درخت در معرض تلف باشد و در نظر عرف از انتفاع ساقط شود، جایز است فروش آن و پول آن را به مصرف درخت گردو برسانند که به جای آن‌ها غرس نمایند و وقف کنند.



س ۳۳۳۱ - اگر واقف در وقف خود شرط کند که هرگاه هزینه‌های موقوفه زیاد شود، می‌توان عین موقوفه را فروخت، آیا این شرط صحیح است و چنانچه هزینه‌های وقف زیاد شود، فروش آن جایز است یا خیر؟

ج - بلی، شرط مذکور صحیح است و موقعی که مخارج آن زیاد شود، فروش آن جایز است.



س ۳۳۳۲ - پنج قطعه زمین وقف حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است و هر سال برای کشت گندم آماده می‌شود و در شب‌های ماه مبارک رمضان از عواید آن افطاری می‌دهند ولی فقط شنیده شده که این زمین‌ها وقف است و قباله و مدرکی در

میان نیست که معلوم شود که چگونه وقف شده، اما به طور مسلم وقف حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است و پیرمردان محل چنین می گویند و چون همسایه های آن زمین فضله های مرغ و کود گوسفند بر زمین های موقوفه می ریزند، عواید آن بسیار اندک است، در این صورت آیا متصدی می تواند این زمین ها را اجاره بدهد تا در آن خانه بسازند و مال الاجاره ی آن را اخذ نموده و به مصرف وقف برساند و یا زمین ها را به فروش رسانده و آن را تبدیل به احسن نماید؟

ج - در فرض مسأله، اجازه ی فروش نمی دهم و اگر در وقف قید نشده که باید زراعت بشود، جایز است در صورت صرفه ی وقف با اجازه ی متولی اجاره داده شود که خانه بسازند و مال الاجاره را به مصرف موقوفه برسانند و در مصرف همان طریقی که سال های قبل معمول بوده، فعلا هم معمول شود.



س ۳۳۳۳ - هرگاه بخشی از موقوفه ای به طوری خراب شود که مجوز فروش آن باشد و قسمت دیگر آن؛ هرچند برای زیاد شدن منفعت، به تعمیر نیاز داشته باشد، آیا جایز است بهای بخش تخریب شده را صرف تعمیر قسمت دیگر نمود یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، چنانچه ممکن باشد قسمت خراب را تبدیل به ملک دیگری کنند و آن را وقف نمایند و اگر ممکن نیست، صرف ثمن قسمت خراب شده در تعمیر قسمت دیگر مانع ندارد.



س ۳۳۳۴ - عده ای از متصرفان و زارعان املاک موقوفه که در زمان رژیم سابق از طرف اداره ی به اصطلاح اصلاحات ارضی زمان سابق زمین های کشاورزی موقوفه به آن ها فروخته شده اظهار داشته اند چنانچه رأی کتبی مبارک به آن ها

ارایه شود، به آن حکم شرعی عمل می‌نمایند. ان شاء الله امید است با ارایه‌ی آن استیفای حقوق عین و منفعت املاک موقوفه بشود.

ج - بیع موقوفه از طرف اداره‌ی اصلاحات ارضی رژیم سابق باطل بوده و بر زارعین لازم است که فعلا اراضی موقوفه را از متولی شرعی آن اجاره نمایند و مال الاجاره را همه ساله به متولی شرعی پردازند که به مصرف وقف برساند.



#### □ افزایش وقف

س ۳۳۲۵ - مرتع و زمینی است که مقداری از آن موقوفه است و مقدار آن با توجه به وقف‌نامه معلوم گردیده و تولیت آن نیز در متن وقف‌نامه آمده و نظر به این که مقداری از همین زمین و مرتع محل سکونت اشخاص گردیده، آیا می‌توان مقدار موقوفه را با نظر اهل خبره و عدول مؤمنان جدا و معین نمود؟

ج - افزایش وقف مشاع با اذن متولی شرعی و سایر شرکا جایز است و با لحاظ تساوی و تعدیل سهام و با وجود متولی شرعی منصوص، احتیاج به اذن حاکم شرع نیست.



س ۳۳۳۶ - هفت برادر املاک خود را به‌طور مشاع وقف بر فرزندان پسر خود نموده‌اند که هر یک نسلی بعد از دیگر از درآمد آن زمین استفاده نمایند، پس از فوت واقفان فرزندان آنها املاک موقوفه‌ی مشاعی را میان خود به هفت سهم تقسیم نموده‌اند، آیا تقسیم آن جایز است یا خیر؟

ج - تقسیم به این نحو که ترازی حاصل شود، هر یک از قسمتی از موقوفه انتفاع ببرند، اشکال ندارد؛ ولی تقسیم به این نحو که قسمت هر یک ملک او باشد و بعد هم به اولاد ارشد او برسد، جایز نیست.



س ۳۳۳۷- هرگاه عین موقوفه مشاع باشد و وقف و کسانى که برای آنان وقف شده متعدد باشند و برای نمونه، خانه‌ای مشترک میان دو نفر است و هر کدام سهم خود را وقف بر فرزندان نموده‌اند، آیا تقسیم آن جایز است یا نه؟

ج- بلی، جایز است؛ بلکه بعید نیست در صورتی هم که وقف و موقوفه علیه متعدد است ولی واقف یکی است؛ مثل این که کسی وقف کند نصف خانه‌اش را به نحو مشاع بر مسجدی و نصف دیگر آن را بر زیارتگاهی، تقسیم آن جایز باشد.



س ۳۳۳۸- شخصی ملک وقفی را به مبلغ معینی اجاره داده است و شخص دیگری بیش از آن اجاره می‌نماید، آیا موجر می‌تواند اجاره را فسخ کند و آن را به فرد دوم اجاره دهد یا نه؟

ج- اگر موجر متولی شرعی ملک موقوفه یا وکیل از جانب او بوده است و در حال انشای صیغه‌ی اجاره، اجرت المثل ملک موقوفه مطابق اجرت المسمی بوده است؛ به طوری که اجاره غبنیه نبوده و اختیار فسخ هم برای خود قرار نداده، نمی‌تواند اجاره را فسخ کند و الا می‌تواند و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۳۳۳۹- کسی خانه‌ای دارد که سه دانگ آن وقف و سه دانگ آن آزاد است، نظر به این که شش دانگ خانه مشاع است، کارشناس خبره آن را تفکیک نموده و سه دانگ آن مرغوب و سه دانگ دیگر غیر مرغوب است، آیا می‌شود سه دانگ غیر مرغوب را به عنوان وقف قرار داد یا باید طرف مرغوب را به عنوان وقف بشناسد؟

ج- اگر قسمت مرغوب را وقف قرار دهد، بی‌اشکال است و هم‌چنین اگر



افراز به نحوی باشد که هر دو قسمت مساوی باشند نیز بی اشکال است و وقف قرار دادن قسمت غیر مرغوب خالی از اشکال نیست.



#### □ وقف مشاع

س ۳۳۴۰ - شخصی که قطعه زمینی را به گونه‌ی مشاع مالک است، بدون اذن مالکان دیگر آن را برای ساخت مسجد وقف نموده و مالکان دیگر به آن وقف راضی نیستند، آیا چنین وقفی صحیح است یا خیر و آیا وقف نسبت به سهم مشاع واقف، منجز شده است یا نه؟

ج - از زمین مورد سؤال اطلاع ندارم. به طور کلی وقف مشاع صحیح است و مالک می‌تواند سهم مشاع خود را وقف نماید و اگر شریک راضی به وقف سهم خود نباشد، می‌تواند با متولی وقف سهم خود را افزای نماید و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است و در مورد سؤال، اگر واقف مزبور تمام ملک را وقف نموده باشد، وقف فقط نسبت به سهم خودش صحیح است و نسبت به سهم دیگران باطل است.



#### □ راه ثبوت وقف

س ۳۳۴۱ - زمینی است که در میان مردم به وقف بودن مشهور است و در اداره‌ی اوقاف نیز ثبت شده و چون تولیت آن ناشناخته است، اهالی محل شخصی را به عنوان معتمد معرفی نموده‌اند و چند سال است که وی به وقف عمل نموده اما گاه از مردم شنیده می‌شود که این ملک وقف شرعی نیست و چون این ملک در اوقاف به عنوان وقف ثبت شده، بر فرض که متصدی مزبور از آن رفع ید نماید، به تصرف وارثان مالک اول نمی‌رسد، در این صورت، وظیفه‌ی متصدی چیست؟

ج - در فرض مسأله، اگر ملک مدتی در دست متصدی وقف بوده و به

عنوان موقوفه در آن تصرف می‌کرده، با احتمال وقف بودن محکوم به وقفیت است و اگر متصرف سابق بر ید متصدی معلوم باشد و به غیر شرعی هم نبوده و مدعی ملک بلامعارض باشد، محکوم به ملکیت است و اگر مدعی ملک با مدعی وقفیت هر دو موجود است، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۳۳۴۲ - هرگاه قرآن یا کتابی در دست کسی باشد و او ادعای ملکیت نماید، در صورتی که بر آن کتاب یا قرآن نوشته شده باشد که وقف است، آیا با آن نوشته وقف بودن آن ثابت می‌شود یا نه؟

ج - در مورد سؤال، وقفیت ثابت نمی‌شود و خرید و فروش آن جایز است. بلی ظاهر این است که وجود آن نوشته نقص حساب می‌شود؛ پس اگر بر مشتری مخفی بوده و بعد مطلع شده، اختیار فسخ دارد.



س ۳۳۴۳ - چنانچه در میان اموال میت کاغذی به خط وی به دست آید که در آن نوشته شده فلان ملک من وقف است و قبض و اقباض آن نیز واقع شده، آیا وقف بودن آن ثابت می‌شود یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، به مجرد این نوشته، وقفیت ثابت نمی‌شود؛ چون احتمال می‌رود که نوشته باشد برای این که بعداً آن را وقف کند. بلی، هرگاه از ورقه‌ی مذکوره اطمینان به وقفیت حاصل شود، وقفیت ثابت می‌شود.



س ۳۳۴۴ - وقف بودن چیزی چگونه ثابت می‌شود؟

ج - ثابت می‌شود به شیاعی که موجب علم یا اطمینان باشد و به اقرار کسی که موقوفه در دست اوست و به این که موقوفه در تصرف وقف باشد به

این که هر کسی در آن تصرف می‌کند، معامله‌ی وقف با آن می‌نماید؛ بدون این که معارضی در بین باشد، مادامی که خلاف آن ثابت نشود و همین‌طور شهادت دو مرد عادل بر وقفیت.

□ □ □ □



## حبس ملک

س ۳۳۴۵ - تفاوت میان وقف و حبس چیست؟

ج - وقف موجب زوال مالکیت واقف است؛ به طوری که دیگر عین موقوفه ارث برده نمی شود، ولی در حبس عین به ملکیت حابس باقی است و ارث برده می شود و تمام تصرفاتی که منافات با استیفای غرضی که برای آن حبس شده نداشته باشد، برای حابس جایز است. بلی، اگر حبس همیشگی باشد؛ مانند وقف، موجب زوال ملکیت است.



س ۳۳۴۶ - شخصی ملکی را وقف نموده و برای درآمد ملک موقوفه مصارفی معین نموده و تا زمانی که زنده بوده به عنوان متولی در ملک موقوفه مداخله می نموده و درآمد آن را به مصارفی که مقرر داشته می رسانیده و بعد از مرگ او نیز وصی او متولی وقف شده و درآمد آن را به مصارف معین شده می رساند و واقف چون شنیده بوده که وقف عبارت است از حبس اصل و رها کردن منفعت، ملک موقوفه را حبس دائم نموده و نه موقوفه‌ی دائمی، آیا این ملک وقف است یا خیر و متولی در عمل خود مجاز بوده یا نه؟

ج - با فرض آن که وقف کرده باشد و خود او هم متولی بوده و عمل به وقف هم نموده، فعلاً ملک مزبور وقف است و بر فرض که به عنوان

حبس هم صیغه خوانده باشد، حبس ابد اگر برای سبیل خیری باشد که صلاحیت داشته در حکم وقف است و ارث برده نمی شود و الی الابد باید منافع آن به مصرفی که حابس مقرر داشته صرف شود و با وقف فرق ندارد و این در صورتی است که گفته نشود حبس ابد عین وقف است و الا ممکن است گفته شود حبس ابد وقف است؛ چنان که فرموده اند.

□ □ □ □

س ۳۳۴۷- اگر کسی بگوید فلان ملک را برای نمونه تا یک سال وقف نمودم، آیا صحیح است یا نه؟

ج - به عنوان وقف صحیح نیست ولی به عنوان حبس صحیح است؛ مگر این که دانسته شود که خصوص وقف بودن را قصد نموده که در این صورت به عنوان حبس هم صحیح نیست.

□ □ □ □

س ۳۳۴۸- زمینی را وقف موقت کرده اند که منافع آن را در روضه خوانی حضرت سیدالشهدا علیه السلام هزینه نمایند و واقف اجازه داده بعد از مدتی زمین را بفروشند و هم چنین در آن مورد مصرف نمایند، آیا این وقف صحیح است و می شود آن را به فروش برسانند یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، زمین مذکور محکوم به حبس است؛ نه وقف و فروش آن بعد از انقضای مدت معینه مانع ندارد؛ مگر این که علم حاصل شود که منظور صاحب زمین وقف بوده نه حبس که در این صورت وقف باطل است و قهرا در این صورت هم فروش آن اشکال ندارد، ولیکن اگر صاحب زمین فوت نموده باشد، در فرض اول که حبس است قیمت زمین جزو ثلث است و باید صرف روضه خوانی شود و در فرض دوم که وقف کردن باشد - که باطل بوده - متعلق به ورثه است و نمی توان آن را در روضه

خوانی صرف نمود؛ مگر این که ورثه اجازه دهند و اگر در بین آن‌ها صغیری باشد، باید سهم او را برای خودش نگاه دارند.

□ □ □ □

س ۳۳۴۹ - شخصی ملکی را تا پنجاه سال برای فرزندان پسر خود حبس می‌نماید و بعضی از فرزندان او در خلال روزهای حبس ملک می‌میرند، آیا فرزندان آنان به جای پدر از مال محبوس سهم می‌برند یا فقط فرزندان حابس سهم می‌باشند و فرزندان آن‌ها سهمی ندارند؟

ج - اگر عبارت حبس همان است که در سؤال مرقوم شده، منافع محبوس اختصاص به اولاد ذکور بلاواسطه دارد و اولاد اولاد محروم است.

□ □ □ □

س ۳۳۵۰ - دو قطعه باغ به مدت پنجاه سال حبس موقت بوده و مدت آن سپری شده، آیا ورثه می‌توانند آن را در میان خود تقسیم کنند، و آیا فرزندان دختر نیز سهم هستند یا خیر؟

ج - از موضوع شخصی اطلاع ندارم. عین محبوسه ملک ورثه است و بعد از تمام شدن مدت حبس بین ورثه کما فرض الله تقسیم می‌شود.

□ □ □ □

س ۳۳۵۱ - کسی دو قطعه زمین خود را حبس مؤبد نموده تا متولی در آمد آن را هر ساله در مطلق خیرات به مصرف برساند، حال مدت پنج سال است که در آن از طرف دولت حمام بهداشتی تأسیس شده و معتمدان محل به صورت ظاهر آن را تحویل گرفته‌اند، در این صورت آیا می‌شود در ملک حبسی حمام ایجاد نمایند یا خیر و غسل‌های واجب و مستحب در آن مکان چه حکمی دارد، و آیا متولی می‌تواند خاک آن مکان را به فروش برساند یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، چنانچه زمین حبس شده به مدت طولیلی جهت ساختن حمام استیجار شده و مال الاجاره به نحو معمول و به نظر خبره‌ی

امین معین شده و یا اگر به نحو مذکور اجاره نشده، فعلا جهت حمام از متولی شرعی آن اجاره نمایند به مدت طولانی و اجرت آن را به نظر خبره‌ی امین تعیین و به مصرف شرعی و معین از طرف حابس برسانند و اجاره‌ی سابق را یعنی از حین ساختن حمام نیز بدهند اشکال ندارد و در غیر این صورت، جایز نیست و غسل در آن باطل است و متولی حق فروش خاک ملک محبوسه را ندارد؛ مگر آن که زیادی باشد؛ به طوری که انتفاع از ملک حبس شده موقوف باشد به برداشتن خاک اضافه که در این صورت به همان مقدار مانعی ندارد.



س ۳۳۵۲ - بر طبق وصیت شخصی، ملکی تا مدت چهل سال حبس شده که درآمد آن در روضه‌خوانی و امور خیر هزینه شود و در آن ملک درخت گردویی است که سهمی از آن به طور مشاع حبس نیست و ملک مالک دیگر است و وصی حابس با مالک دیگر به جهت پوچ شدن درخت گردو آن را فروخته‌اند و این در حالی است که بیست سال از زمان حبس می‌گذرد و هنوز بیست سال دیگر باقی است، وصی مقدار درآمدی که متعلق به حبس است را در چه راهی هزینه کند؟ ج - با فرض آن که درخت مرقوم ثمر نداشته، وجه مذکور به ورثه‌ی مووسی می‌رسد.



### دیگر مسایل وقف

س ۳۳۵۳ - بیرقی در محل به نام علم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است که مردم به عقیده‌ی خود پول‌هایی به نام آن حضرت می‌دهند، حال این پول را در چه راهی می‌توان هزینه نمود؟ آیا می‌شود از این پول مجلس روضه‌خوانی تشکیل داد و



یا آن را به فقیران محل پرداخت و یا در امور خیر دیگر مصرف نمود یا نه و برای این بیرق اتاقی به نام اتاق علم ساخته‌اند و از پول‌های یاد شده برای آن فرش خریداری کرده‌اند و نیز در کنار آن مسجدی است، آیا می‌شود گاه که جمعیت مسجد زیاد می‌شود، فرش این اتاق را در مسجد فرش کرد و بر آن نماز خواند یا نه؟

ج - در فرض مسأله، اگر اشخاصی که پول را می‌دهند منظور خاصی در نظر نگرفته باشند؛ بلکه به جهت اخلاص به حضرت ابوالفضل علیه السلام وجه را به متصدیان می‌دهند که هر نحو صلاح می‌دانند در راه آن بزرگوار مصرف نمایند، در این صورت متصدیان در هر امر خیری که صلاح بدانند در راه آن حضرت مصرف نمایند اشکالی ندارد و اگر منظور خاصی در نظر دارند، به همان منظور مصرف شود و فرش را اگر وقف اتاق نکرده‌اند؛ چنانچه بعضی اوقات به مسجد ببرند و روی آن نماز بخوانند، اشکالی ندارد و اگر وقف آن محل نموده‌اند، به غیر آن محل نبرند.



س ۳۳۵۴ - چند سال پیش جمعی از مؤمنان مسجدی بنا نموده‌اند که هنوز باقی است و مورد استفاده‌ی عموم مردم می‌باشد و هیچ‌گونه اثر خرابی در آن مشاهده نمی‌شود و شاید تا ده یا پانزده سال دیگر نیز مورد استفاده باشد، اینک جمعی در نظر دارند این مسجد را خراب نموده و آن را به شیوه‌ی جدید بسازند، آیا کار آنان جایز است یا نه؟

ج - تخریب مسجد جهت توسعه در صورت حاجت جایز است و بدون جهت جایز نیست.



س ۳۳۵۵ - مسجدی کوچک و کم وسعت است که در کنار آن حسینیه‌ای قرار دارد، آیا می‌شود آن را جزو مسجد نمود تا مسجد توسعه یابد یا نه؟  
ج - جایی که به عنوان حسینیه وقف شده، مسجد نمی‌شود ولی تعمیر آن و نماز خواندن در آن با عدم مزاحمت از عزاداری اشکال ندارد.



س ۳۳۵۶ - در محل ما حمام خزینه‌ای قدیمی هست که آب آن از قنات محل تأمین می‌شود و چندی است که حمام دوشی در کنار آن احداث شده و چون هنوز چاه آن آب ندارد، برای آن از قنات آب برده می‌شود، البته مصرف آب حمام جدید چون دوشی است بیش‌تر است، حال اگر مالکان قنات به آن راضی نباشند، غسل و دیگر تصرفات مردم در آن چه حکمی دارد؟

ج - در فرض سؤال، به مقداری که از قدیم در حمام مزبور از آب قنات استفاده می‌کرده‌اند، فعلاً نیز حق استفاده دارند و استفاده‌ی زاید بر آن مقدر موقوف بر رضایت مالکین است.



س ۳۳۵۷ - باغی است که برای عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام وقف شده، ولی چون هنوز میوه‌دار نشده و به برخی از هزینه‌ها مانند سم‌پاشی برای دفع آفات و شخم نیاز دارد، آیا می‌شود از سهم مبارک امام علیه السلام برای آن هزینه نمود تا به میوه بنشیند یا نه؟  
ج - حقیر اجازه نمی‌دهم.



س ۳۳۵۸ - بلندگویی از سهم مبارک امام علیه السلام برای مسجدی خریده شده که برای این روستا کوچک است، اگر مسجد بزرگی ساخته شود، آیا جایز است بلندگو را در مسجد جدید بیاورند یا خیر؟ شایان ذکر است کسی که آن را خریده نمی‌داند این بلندگو وقف خاص است یا عام.

ج - به هر نحوی که از فقیه اذن گرفته شده، به همان نحو عمل شود.



س ۳۳۵۹ - آیا به گندم، جو و کشمش به عمل آمده از زمینی وقفی که برای درآمد آن موردی خاص معین شده، زکات تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج - در وقف بر جهات زکات واجب نیست؛ اما در وقف بر اشخاص مخصوصه مثل اولاد، سهم زراعت هر کدام از آنها که به حد نصاب برسد، لازم است زکات آن را بدهند.



س ۳۳۶۰ - کسی محلی را از یک سوم اموال خود وقف نموده و در زمان تنظیم وصیت‌نامه تذکر داده که من به کم‌تر از یک سوم دارایی وصیت نموده‌ام و پس از چند سال محل وقف شده دارای ترقی قیمت شد، در این صورت آیا ارزش یک سوم مال از زمان احتساب شخص واقف معیار قرار می‌گیرد یا قیمت فعلی آن؟

ج - در فرض سؤال که موصی در حال حیات به عنوان ثلث خود محلی را وقف نموده، اگر به قبض متولی یا موقوف‌علیهم داده باشد، وقف لازم و باید مطابق آن عمل شود؛ هرچند به واسطه‌ی ارتفاع قیمت بیش‌تر از ثلث باشد و غیر از کسانی که واقف، متولی موقوفه قرار داده، حق تصرف در آن ندارند و اگر وصیت نموده که بعد از موت او آن‌جا را وقف کنند، میزان ثلث ترکه و ارزش آن حین فوت موصی است.



س ۳۳۶۱ - شخصی زمین وقف بر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را به مدت پنجاه سال اجاره می‌دهد، آیا با مرگ موجر که متولی وقف بوده، اجاره باطل می‌شود یا نه؟

ج - احتیاط آن است که با متولی بعدی اجاره را تجدید نمایند.



س ۳۳۶۲ - دفن کاغذهای قرآن و کتاب‌های موقوفه‌ای که مورد استفاده نیست، جایز است یا خیر؟

«گلبایگانی»: برای حفظ از هتک مانعی ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: برای مانع شدن از هتک، لازم است این کار یا مشابه آن انجام شود.

□ □ □ □

س ۳۳۶۳ - آیا زمین‌های مواتی که در اطراف دهکده است و به گفته‌ی اهالی ده جزو زمین‌های شش دانگی است را می‌شود فروخت و به مصرف کارهای محل مانند استخراج آب و اصلاح جوی و بهداشت کوچه‌ها رساند یا نه؟ البته، سهم ایتام و موقوفه نیز جزو سهام هست ولی برای همه‌ی طبقات از هر لحاظ منفعت دارد.  
ج - با رضایت اهل ده و اذن متولی اوقاف و ولی صغیر با صرفه‌ی اوقاف و صغار مانعی ندارد که در اراضی موات تصرف نمایند و وجهی جهت عمران مجموع ده بدهند.

□ □ □ □

س ۳۳۶۴ - باغی از زمین‌های خالص است که وقف و مقداری از درخت‌های آن خشک شده، حال آیا واقف می‌تواند به‌جای درخت‌های خشک شده درخت تازه بنشانند یا نه؟

ج - اگر از اول حق داشته؛ به این معنا که اگر متعارف بوده درخت را وقف نمایند و مالک با اطلاع ممانعت نمی‌کرده، فعلاً نیز می‌توانند در جای درخت خشک شده درخت تازه بنشانند و وقف کنند ولی اگر از اول چنین حقی را نداشته‌اند و متعارف نبوده، جایز نیست.

□ □ □ □

س ۳۳۶۵ - در شهرستان آباده مسجدی است که قسمتی از آن را شهرداری به عنوان خیابان تصرف نموده و در حال حاضر مختصر زمینی به عرض تقریبی بیست سانت و طول سی متر کنار خیابان باقی مانده که در مجاورت منزل شخصی قرار دارد و چنانچه به این شخص اجازه داده شود در زمین مذکور تصرف نموده و درب خانه‌ی خود را از آنجا باز کند مبلغی در حدود سه هزار تومان می‌پردازد که مصرف تعمیر مسجد مذکور که در آن طرف خیابان است بشود، آیا چنین کاری جایز است؟

«گلپایگانی»: حقیر اجازه نمی‌دهم مسجد معبر شود و مسجد به خراب شدن از مسجد بودن خارج نمی‌شود و جمیع احکام مسجد بر آن مترتب است.

\* \* \*

«نکونام»: اگر مسجدی در طرح گسترش و نوسازی کوچه و خیابان‌های شهر و روستا قرار گیرد و معبر نمودن آن ضروری باشد؛ چنانچه دیگر نتوان مسجدی را در آنجا ساخت، احکام مسجد را ندارد.

□ □ □ □

س ۳۳۶۶ - مبلغی پول جهت توسعه‌ی مسجد جمع شده و با آن برای مسجد زمینی خریده‌اند که پیش از این قبرستان بوده است، آیا در چنین مکانی می‌توان مسجد، مدرسه یا حسینیه ساخت و این در حالی است که میان صاحبان پول اختلاف است؟

ج - اگر زمین وقف برای قبرستان بوده، خرید و فروش آن جایز نیست و لکن اگر زمین مباحی بوده که مردم در آنجا مرده دفن می‌کرده‌اند؛ چنانچه ساختن مسجد یا حسینیه موجب نبش قبر شود جایز نیست و الا مانعی ندارد و از جهت پول جمع‌آوری شده موقوف به اذن صاحبان پول است.

□ □ □ □

س ۳۳۶۷ - حمامی خزانه‌ای بوده که تبدیل به حمام دوش گردیده و در کنار نهر آب عمومی واقع است و از آن مشروب می‌شده ولی در حال حاضر چون کمبود آب است و از طرفی حمام دوش بیش‌تر از حمام گذشته آب مصرف می‌کند، اهالی محل از آن اظهار کراهت می‌کنند، آیا اهالی می‌توانند مانع از مشوب شدن حمام با این آب شوند یا نه؟

ج - نسبت به مقدار زاید بر معمول سابق باید رضایت صاحبان آب را تحصیل کنند.



س ۳۳۶۸ - مسجدی است که ایوان مسقفی دارد، آیا می‌توان آن را جزو مسجد قرار داد و بر فرض جواز، آیا ایوان نیز حکم مسجد را دارد یا نه؟

ج - در صورتی که مسجد بهتر از اول شود و صدق کند که مسجد معمورتر از سابق شده، جایز است و اگر ایوان هم برای نمازگزاران در آن وقف شده، جزو مسجد است و جمیع احکام مسجد بر آن مترتب است.



س ۳۳۶۹ - زمینی در گذشته قبرستان بوده و معلوم نیست که وقف این کار شده یا نه، و در حال حاضر این قبرستان به مغازه تبدیل شده، آیا استفاده از آن مغازه جایز است؟

ج - اگر وقف بودن آن معلوم نباشد و معروف به وقفیت هم نیست، به ملکیت مالک باقی است و استفاده از مغازه‌ها بدون اذن مالک جایز نیست و اگر وقف هم باشد، تصرف در آن جایز نمی‌باشد.



س ۳۳۷۰ - شخصی اعیانی خانه‌ی خود را که عرصه‌ی آن موقوفه‌ی آستان قدس رضوی است وقف بنای مسجد نموده و نظر واقف و متولی این بوده که چون بنای فعلی آن قابل استفاده نیست، آن را خراب کنند و آن را به صورت مسجد

بسازند و نیز اجازه‌ی فروش آن را به متولی داده که اگر خواسته باشد، آن را بفروشد و زمین دیگری بخرد و در آن مسجد بسازد و بعد از مرگ واقف به عنوان مسجد، دیوار آن بالا آمده و چند نفر نیز در آن نماز خوانده‌اند و جوهی نیز جمع‌آوری شده تا مسجد را تکمیل نمایند، اما وارثان وی از آن جلوگیری می‌نمایند، آیا این وقف صحیح است یا نه؟

ج - در فرض سؤال، وقف با خصوصیاتی که برای آن ذکر شده باطل است.



س ۳۳۷۱ - در روستایی امام‌زاده‌ای هست که به واسطه‌ی ظهور کرامات مورد توجه است و به همین جهت عده‌ای از مناطق دور به آن‌جا آمده و مقداری اسکناس، نقره و اجناس دیگر در صندوق امام‌زاده ریخته‌اند و متولی مخصوص نیز ندارد و پول‌ها نزد شخص امینی محفوظ و مضبوط است و البته امام‌زاده دارای بقعه‌ی مختصری است و احتیاج شدید به تعمیر و بنای صندوق قبر دارد، آیا می‌توان پول‌های جمع شده را به مصرف بنا و دیگر نیازهای آن برسد یا نه؟

ج - با فرض آن که دهندگان وجوه رضایت دارند که به مصرف تعمیر بقعه‌ی امام‌زاده برسد؛ چنان‌چه ظاهر حال هم چنین است، صرف آن وجوه در تعمیرات لازم امام‌زاده مانعی ندارد.



س ۳۳۷۲ - آیا کشاورز و متولی از درخت‌های طبیعی که در زمین‌های وقف می‌روید، سهمی می‌برند یا تمامی آن باید در مورد وقف هزینه شود؟

ج - مال وقف است؛ مگر آن که محتاج به تربیت و اصلاح باشد و در مقابل آن زحمت، متولی شرعی سهمی از خود درخت به زارع واگذار نماید و هم چنین متولی سهمی ندارد؛ مگر آن که خود واقف سهمی برای او در موقوفه قرار داده باشد که امثال این قبیل چیزها را نیز شامل شود.



س ۳۳۷۳ - مسجدی است که سقف آن شکسته و خراب شده و از این رو آن را آجرپوش نموده‌اند و در نتیجه خاک‌های سقف از مصرف مسجد زیاد آمده و مزاحم افرادی است که می‌خواهند به آن وارد شوند، آیا ممکن است خاک‌ها را در جای دیگر به مصرف برسانند یا باز حکم مسجد را دارد و نباید آن را نجس نمود؟

«گلبایگانی»: جایز است آن را بیرون بریزند و احتیاط آن است که ابتداءً در محلی نریزند که مورد هتک واقع شود.

\* \* \*

«نکونام»: جایز است و چنانچه به گونه‌ای است که دیگر نمی‌توان در مسجدی از آن استفاده کرد، حکم مسجد را ندارد.

□ □ □ □

س ۳۳۷۴ - در بعضی از شهرستان‌ها مسجدی ساخته‌اند و گوشه‌ای از آن یا جایی که وصل به مسجد است دو طبقه است و طبقه‌ی فوقانی را مخصوص زن‌ها قرار داده‌اند، آیا در این صورت حکم مسجد را دارد یا نه، ولی چیزی در دست نیست که فهمیده شود واقف آن را به زن‌ها اختصاص داده باشد، آیا باید زن‌ها را به مسجد راه نداد یا نه؟

ج - جواز اختصاص وقف مسجد یا مکان مخصوصی از مسجد به زنان مشکل؛ بلکه ممنوع است و همچنین منع زنان از آمدن به مسجد وجه شرعی ندارد، بلی اگر قبلاً مردان در مسجد جا بگیرند، زنان نمی‌توانند آن‌ها را بلند کنند.

□ □ □ □

س ۳۳۷۵ - در روستایی اطراف شهر رشت قطعاتی از زمین است که مردگان در آن جا دفن می‌شوند و جهت عزاداری خاندان عصمت و طهارت تکیه‌ای در هر قطعه ساخته شده و درخت‌هایی نیز در آن است که مالک معینی ندارد و از



سیره‌ی مسلمین و گواهی معمران این گمان به دست می‌آید که درخت‌ها را غرس نموده‌اند تا از چوب آن در مصالح عموم مسلمین مانند ساختن تکیه، مسجد و پل استفاده شود، آیا می‌توان بدون اجازه‌ی حاکم شرع از آن درخت‌ها استفاده کرد یا نه؟

ج - اگر وقف باشد و مصرف معلومی نداشته باشد یا وقفیت آن‌ها محرز نباشد و کسی مدعی ملکیت آن‌ها نیست، صرف آن‌ها در مسجد و هم‌چنین تکیه و پل در صورتی که احتمال داده شود آن‌ها هم جزو مصارف است، مانعی ندارد و چنان‌چه وقفیت محرز باشد، اجازه‌ی حاکم شرع لازم است.



س ۳۳۷۶ - کسی در صحن عتیق حضرت معصومه علیها السلام مدفون شده و پس از مرگ او فرزندان وی همه در جای دیگر دفن شده‌اند و به علت کهنگی و اندراس قبر در صحن عتیق و از بین رفتن استخوان‌های فرد دفن شده در آن و با اجازه‌ی نوه‌های پسری، دختر شخص یاد شده در قبر وی دفن شده است، اما در حال حاضر نوه‌ها مدعی هستند که در آن قبر شریک هستند، آیا ادعای آن‌ها صحیح است یا نه؟

ج - قبور صحن ملک کسی نیست که دعوی شرکت در آن بشود و مادامی که بدن میتی که مدفون است خاک نشده، کسی حق نیش آن را ندارد و بعد از خاک شدن، به فرض اولویت، دختر که وارث او بوده، اولی و احق است و اگر نزاع موضوعی باشد، مرافعه‌ی شرعی لازم است.



س ۳۳۷۷ - زمینی کشاورزی وقف شده تا منافع آن به مصرف تعزیه‌ی حضرت سیدالشهدا علیه السلام برسد و در حال حاضر اطراف آن زمین ساختمان‌هایی ساخته شده و کشاورزی کردن در آن موجب ضرر دیگران می‌شود، آیا می‌توان آن را اجاره

داد تا در آن ساختمان ایجاد شود و البته هنوز امکان کشاورزی در آن هست و در صورتی که جایز باشد، چگونه باید آن را اجاره داد؟

ج - در صورتی که متولی شرعی اجازه بدهد و مصلحت وقف باشد، مانعی ندارد و اجاره‌نامه طوری تنظیم شود که وقف محفوظ و در هر چند سال یک بار اختیار تجدید باشد که اگر اجاره ترقی کرد، بتوانند مال الاجاره را اضافه نمایند و مقدار مال الاجاره باید به ارزش روز باشد.



س ۳۳۷۸ - زمینی که نخل‌های فراوانی داشته وقف بوده و شخصی به زور آن را تصرف کرده و به نام خود به ثبت رسانده و سپس آن را به دیگری فروخته، حال وظیفه‌ی شخصی که موقوفه را خریده چیست و اگر خریدار زمین به دستور وقف عمل نکرد و از درآمد ملک موقوفه چیزهایی خریده تا آن را به فروش برساند، خریدن آن چه حکمی دارد؟

ج - با علم به وقف بودن، باید زمین به متولی شرعی واگذار شود یا از او اجاره کند و مال الاجاره را به مصرف وقف برساند و آن‌چه از اعیان موقوفه باشد، خرید آن جایز نیست و اگر زراعت کند، مال زارع است؛ هرچند غاصب باشد و چنان‌چه از محصول زراعت که مال خود اوست اشیایی بخرد، فروختن و خریدن آن اشیا اشکال ندارد، لکن تمام تصرفات او در زمین مذکور حرام و اجرت المثل زمین را مدیون است.



س ۳۳۷۹ - زمینی است که وقف مسجد شده و از ساختمان مسجد اضافه بوده و جزو متعلقات مسجد است، آیا می‌شود در آن آب انبار ساخت که هم برای مسجد لازم است و هم اهالی اطراف مسجد از آب آن استفاده نمایند یا نه؟

ج - اگر در زمین مذکور حوض یا منبع برای خود مسجد بسازند، اشکال

ندارد؛ لکن اگر بخواهند برای محل، آب انبار بسازند، اجاره بنمایند و وجه آن را به مصرف تعمیرات مسجد برسانند.



س ۳۳۸۰ - هرگاه کسی ملکی را بر کسانی وقف کند که با مرگ از بین می‌روند و برای نمونه فقط بر طبقه‌ی اول از فرزندان خود وقف نماید و مصرفی برای وقف پس از انقراض آنان ذکر نشود، آیا این وقف صحیح است یا خیر و بر فرض درستی آن، بعد از انقراض طبقه‌ی نخست حکم عین موقوفه چیست؟

ج - در مورد سؤال، وقف صحیح است و بعد از انقراض موقوف علیهم عین موقوفه به خود واقف یا ورثه‌ی او برمی‌گردد و ملک آن‌ها می‌شود و این را اصطلاحاً وقف منقطع الاخر گویند و منظور از ورثه، وراثت حین موت واقف است؛ نه وراثت موقع انقراض موقوف علیهم.



س ۳۳۸۱ - هرگاه کسی بگوید این ملک را وقف کردم اما ابتدای وقف را اول ذی‌حجه قرار دادم و تا آن هنگام سه ماه به ذی‌حجه مانده، آیا وقف صحیح است یا خیر؟

ج - در مورد سؤال، وقف باطل است و این را وقف منقطع الاول گویند.



س ۳۳۸۲ - اگر کسی بگوید این ملک را بر فرزندان زید و پس از انقراض آن‌ها بر فرزندان عمر و پس از انقراض آن‌ها بر فرزندان بکر وقف نمودم، چنانچه فرزندان عمر و صلاحیت آن را نداشته باشند که جزو کسانی باشند که وقف برای آنان است و برای نمونه، کافر حربی یا مرتد فطری باشند، آیا این وقف نسبت به فرزندان زید و بکر نیز باطل است یا خیر؟

ج - در مورد سؤال، وقف نسبت به اولاد زید صحیح و نسبت به اولاد بکر باطل است و این را وقف منقطع الوسط گویند.



س ۳۳۸۳ - درآمد روستایی وقف تأمین هزینه‌های عزاداری در روضه‌خوانی خامس آل عبا؛ حضرت سید الشهداء علیه السلام در خانه معلوم و معینی شده، آیا واقف یا متولی و یا متولیان بعدی می‌توانند تمام یا قسمتی از خانه‌ی مزبور را به فرزندان یا نزدیکان خود یا دیگر افراد ببخشند و یا در مورد خانه‌ی مزبور معامله‌ای انجام دهند یا نه؛ چرا که چه بسا ممکن است بلکه یقینی است که صاحبان و مالکان بعدی به متولیان اجازه برگزاری مراسم روضه‌خوانی در آن خانه و اجرای مفاد وقف‌نامه را نخواهند داد؟

ج - در فرض سؤال، چنانچه خانه‌ای که واقف معین کرده که در آن روضه‌خوانی شود ملک خود او بوده، وقف مذکور صحیح است و باید روضه‌خوانی در همین خانه واقع شود و اگر واقف یا متولی شرعی بخواهد تمام یا قسمتی از آن را به کسی ببخشد یا روی آن معامله انجام دهد، مانع ندارد؛ لکن باید شرط کند که در آن طبق نظر واقف روضه‌خوانی شود و اگر طرف نپذیرد، نباید ببخشد و معامله نیز نکند.



س ۳۳۸۴ - مسجدی ساخته شده که بعضی از مصالح و سنگ و آجرهایی که در ساختمان آن به کار رفته نجس بوده و نماز نیز در آن خوانده شده، آیا مسجد بودن بر آن صدق می‌کند و نماز خواندن در آن جایز است یا نه؟

ج - عنوان مسجدیت محقق است و نماز خواندن در آن هم صحیح است و محل نجس را باید تطهیر کرد و چنانچه تطهیر باطن آن ممکن نباشد، تطهیر ظاهر آن ترک نشود.



س ۳۳۸۵ - شخصی زمینی را برای مسجد وقف نموده و گوشه‌ای از این زمین میان خیابان واقع شده، آیا جایز است آن مقدار زمینی که در خیابان واقع شده را فروخت و پول آن را در مسجد هزینه کرد یا نه؟

ج - زمین مذکور را اگر وقف مسجد کرده و به قبض هم داده و نماز در آن

خوانده‌اند، قابل فروش نیست و جزو خیابان هم باشد، مسجد است و اگر واگذار نموده که بعد مسجد کنند و در آن نماز خوانده نشده و عنوان مسجدیت پیدا نکرده، وقفیت محقق نشده و به ملکیت مالک باقی است.



س ۳۳۸۶ - شخصی بده کار است و می‌خواهد سه دانگ از اعیان منزل خود را که عرصه‌ی آن وقف است را با همان شرایطی که در قرارداد قید شده به دیگری واگذار نماید و یا صلح حقوقی بنماید، آیا این کار اشکالی دارد؟  
ج - اگر در قراردادی که بین او و متولی شرعی وقف شده تملیک آن به غیر ممنوع نشده باشد، جایز است.



س ۳۳۸۷ - ساخت و تفکیک زمین‌های موقوفه برای اجاره دادن متوقف بر این است که در اداره‌ی ثبت به اسم متولی معرفی شود و تفکیک سند و صدور سند مالکیت مستلزم مخارجی است؛ بنابراین آیا متولی می‌تواند هزینه‌های آن را از زمین‌ها برداشت نماید یا نه؟

ج - اگر مخارج مزبوره برای خصوص موقوفه باشد و راهی برای تفکیک جز طریق مذکور نباشد، برداشت مخارج از مال الاجاره مانع ندارد.



س ۳۳۸۸ - زمین وقفی است که تا به حال برای کشاورزی به اجاره داده شده اما اگر در حال حاضر به ساختمان مسکونی یا تجاری تبدیل گردد و اجاره داده شود، منفعت آن بیش‌تر است، آیا چنین کاری جایز است یا نه؟

ج - در مورد سؤال که از قبیل وقف منفعت است، با فرض این که تبدیل به ساختمان نفعش بیش‌تر است؛ چنانچه متولی شرعی صلاح بدانند و مصلحت موقوفه باشد، باید عمل کند.



س ۳۳۸۹ - آیا متولی چند موقوفه می‌تواند از مازاد درآمد یک موقوفه با فرض این که نیت واقف را برابر جعل وی انجام داده برای عمران موقوفه‌ی دیگر که تحت تولیت خود اوست و رو به خرابی است یا نیاز به تعمیر دارد به عنوان وام مصرف نموده و سپس از محل درآمد موقوفه‌ی بازسازی شده وام را بازپرداخت نماید؟ هم‌چنین، بر فرض صحت این کار، آیا می‌تواند افزوده بر اصل این وام، برای انجام استحبایی که در ادای قرض‌الحسنه منظور شده، از محل درآمد موقوفه‌ی دوم رقمی را نیز افزون بر آن به موقوفه‌ی اول باز پس دهد؟

ج - قرض دادن درآمد موقوفه جایز نیست و درآمد هر موقوفه باید به مصرف معین از طرف واقف برسد و جواب سؤال دوم از این جواب معلوم می‌شود.



س ۳۳۹۰ - دو نفر از مستأجران موقوفات آستانه‌ی مقدسه با تنظیم سند رسمی متعهد شده‌اند که هر مقدار اعیانی در مورد اجاره‌ی خود احداث کنند، متعلق به موقوفه بوده و به اعیانی احداثی حقی و ادعایی نداشته باشند و در ضمن عقد دیگری که لازم بوده وکالت بدون عزل داده‌اند که صیغه‌ی وقف آن اجرا و قبض و اقباض شود، اینک، آن زمین به هزینه‌ی آن دو تجدید ساختمان شده، آیا موقوفه می‌تواند اجاره محل را اعم از عرصه و اعیان از مستأجران دریافت نماید یا خیر؟

ج - صحت این نحو وکالت مورد اشکال است. در فرض سؤال، چنانچه متولی بعد از انجام ساختمان جدید از آن‌ها وکالت بگیرد و ساختمان را وقف نماید و قبض و اقباض انجام شود، وقف تمام و متولی حق دارد اجاره‌ی عرصه و اعیان را از مستأجر بگیرد.



س ۳۳۹۱ - درختان موقوفه‌ای که باید عواید آن شب‌های جمعه صرف اطعام مؤمنان شود اما به سبب خشکسالی و نبود آب قطع شده، اگر در جای آن درخت دیگری کاشته شود، آیا حکم وقف را دارد یا خیر؟ و در صورتی که از جای آن درخت بروید، حکم آن چگونه است؟

ج - اگر زمین وقف نشده باشد، هرگاه مالک در محل درخت وقفی، درخت جدیدی بنشاناند، وقف نیست ولی جوانه‌های درخت وقفی محکوم به وقف است.



س ۳۳۹۲ - اگر کسی توابع ملک وقف که موات است و عرف آن را از خود آن ملک می‌داند احیا نماید، آیا ملک وقف است یا ملک احیا کننده و بر فرض، چنان که متولی وقف بگوید شما آن را احیا کنید و نصف از شما و نصف مال من، آیا صحیح است یا خیر؟

ج - توابع زمین وقفی به اندازه‌ی مایحتاج آن از زمین موات در حکم وقف است و کسی حق ندارد آن را برای خود یا دیگری احیا کند و متولی شرعی حق واگذاری مورد وقف را به دیگری ندارد.



س ۳۳۹۳ - اگر شخصی مالی را به دیگری صلح کند و شرط نماید که آن را بعد از من برای امور خیر وقف کن، چه حکمی دارد؟  
ج - اشکالی ندارد.



س ۳۳۹۴ - پولی در مجلس عمومی جمع آوری گردیده و نام فقیری نیز برده نشده و فقط به طور کلی اعلام شده که جهت شخص فقیری مقداری پول لازم است و صاحبان پول نیز به طور کامل معلوم نیستند و فقیر منظور فوت می‌نماید از شاهد و از شاهد حال برمی‌آید که صاحبان پول رضایت دارند که آن پول به فقیر

دیگری داده شود، حال آیا پول به وی داده شود یا به وارث آن فقیر که از نظر مالی در تنگناست؟

ج - وجه مذکور از شخص متوفی به عنوان ارث به ورثه‌اش نمی‌رسد و باید به فقیر داده شود؛ چه از ورثه باشد چه از غیر آن.

□ □ □ □

س ۳۳۹۵ - مبلغی به عنوان صدقه برای شخص فقیری جمع آوری شده و سپس معلوم شده که فقیر پیش از جمع آوری پول درگذشته است، آیا می‌شود وجه جمع آوری شده را هزینه‌ی بنایی مسجدی که نیاز دارد نمود یا خیر؟

ج - با رضایت صاحبان پول مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۳۳۹۶ - شخصی زمینی را به دیگری تملیک نموده که در آن بلا عوض کارخانه‌ی برق تأسیس نماید و با آمدن برق سراسری، موضوع کارخانه منتفی و جمع آوری شده، آیا شخص واگذار کننده حق رجوع به زمین فوق را دارد یا زمین ملک شخص دوم است؟

ج - در فرض سؤال، تملیک کننده‌ی زمین حق رجوع به آن را ندارد.

□ □ □ □

س ۳۳۹۷ - آیا امکان دارد که پیغمبران خدا از پدر و مادر کافر و مشرک به وجود آیند یا نه و آیا صحیح است که حضرت رسول اکرم ﷺ همیشه موحد بوده و اگر چنین بوده طبق چه قانون و شریعتی عمل می‌نموده و آیا برای هیچ بتی قربانی نکرده است؟

ج - پدر و مادر انبیا، موحد و خداپرست بوده‌اند و در هیچ زمانی حضرت رسول اکرم ﷺ بت پرست نبوده و برای بت، قربانی نکرده و خداپرست و موحد بوده و در این که پیش از بعثت به چه شریعتی عمل می‌نموده؛ اگرچه بین شیعه و سنی اختلافی است، لیکن حق همان است که مرحوم



مجلسی رحمته الله علیه فرموده که به طریق وحی و الهام خداوند به شریعت و تکلیف خود عمل می کرده و این مطلب، از آیات و اخبار استفاده می شود.



س ۳۳۹۸ - در منتهی الآمال در فضیلت زیارت امام هشتم علیه السلام نقل شده که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «هر کس امام رضا علیه السلام را زیارت کند و به حق او عارف باشد، حق تعالی مزد آنان را که پیش از فتح مکه در راه خدا جان داده اند را به او عطا کند»، عارف به حق آن حضرت به چه کسی می گویند؟

ج - کسی است که معرفت داشته باشد که آن حضرت، امام است و عمل به فرمایشات او واجب است.



س ۳۳۹۹ - از حضرت امام رضا علیه السلام نقل است که فرموده اند: «زود باشد که کشته شوم و کنار هارون الرشید دفن گردم و خداوند خاک مرا محل رفت و آمد شیعیان و دوستان بفرماید»، شیعیان و دوستان چه کسانی هستند؟

ج - شیعیان کسانی هستند که عقیده به امامت ائمه ی اطهار علیهم السلام داشته و در کردار و گفتار خود پیرو آن بزرگواران باشند.



س ۳۴۰۰ - تناسخ روح درست است یا نه؟

ج - باطل است.



س ۳۴۰۱ - آیا قرآن کریم به وسیله کسی نوشته شده یا این که به صورت نوشته نازل شده و در فرض نخست، چه کسی آن را نوشته است؟

ج - توسط نویسندگان وحی که در رأس آنان حضرت امیرالمؤمنین؛ علی علیه السلام بوده نوشته شده است.



س ۳۴۰۲ - آیا حضرت علی علیه السلام به مکتب رفته یا این که علم الهی داشته است؟

ج - آن حضرت به مکتب نرفته اند و علوم ایشان به افاضه و الهام الهی بوده و از خدمت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز مستفیض بوده اند، ولی استفاضه و استفاده‌ی ایشان مانند سایر اصحاب به نحو عادی نبوده است.

□ □ □ □

مسأله ۳۴۰۳ - تحصیل اعتقاد به اصول دین و مبانی اسلام بر هر مسلمان

واجب است.

□ □ □ □

## کفارات

### □ اقسام کفارات

س ۳۴۰۴ - کفاره بر چند قسم است؟

ج - کفارات بر چهار قسم است: مرتبه، مخیره، کفاراتی که هم مرتبه هستند و هم مخیره، کفاره‌ی جمع.

□ □ □ □

س ۳۴۰۵ - موارد هر یک از اقسام کفاره را بیان فرمایید؟

«گلبیگانی»: کفارات مرتبه در سه مورد است: مورد اول، کفاره‌ی ظهار؛ و مورد دوم، قتل خطایی که در این دو مورد عتق رقبه واجب است و اگر از عتق رقبه عاجز باشد (کما این که در زمان فعلی رقبه‌ای نیست تا آزاد کنند) باید دو ماه پشت سرهم روزه بگیرد و اگر از روزه گرفتن هم عاجز باشد، باید شصت مسکین را طعام دهد؛ و مورد سوم کفاره‌ی مرتبه، کفاره‌ی افطار قضای روزه‌ی ماه رمضان در بعد از ظهر است که ابتدا باید ده مسکین را طعام دهد و اگر از طعام ده مسکین عاجز باشد، باید سه روز روزه بگیرد.

و کفارات مخیره در پنج مورد است: اول، کفاره‌ی افطار روزه‌ی ماه رمضان به یکی از اسبابی که موجب کفاره است که در باب صوم در رسایل عملیه

ذکر شده؛ دوم، حنث نذر؛ سوم، حنث عهد؛ چهارم، بریدن زن موی خود را در مصیبت؛ پنجم، افساد اعتکاف واجب بنا بر اقوی، اگرچه مراعات ترتیب در کفاره‌ی افساد اعتکاف احوط است.

و کفاراتی که ترتیب و تخییر، هر دو باید در آن‌ها مراعات شود در چهار مورد است: اول، کفاره‌ی حنث یمین؛ دوم، کفاره‌ی کندن زن موی خود را در مصیبت؛ سوم، خراش دادن زن، صورت خود را در مصیبت؛ چهارم، پاره کردن مرد لباس خود را در مرگ اولاد و زوجه‌ی خود که در این چهار مورد ابتدا مخیر است بین عتق رقبه و اطعام ده مسکین و پوشاندن آن‌ها و اگر از این‌ها عاجز باشد، باید سه روز روزه بگیرد. و کفاره‌ی جمع در دو مورد است: اول، کشتن مؤمن عمدا و ظلما؛ دوم، افطار به حرام در ماه رمضان.

\* \* \*

«نکونام»: کفاره‌ی اعتکاف ترتیبی نیست.

□ □ □ □

مسأله ۳۴۰۶- در بریدن و قیچی کردن زن موی خود را در مصیبت فرقی نمی‌کند که تمام موی خود را ببرد و یا بعض آن را؛ به طوری که صدق کند که موی خود را در مصیبت بریده است؛ چنانچه فرقی نیست بین این که در مصیبت شوهرش، موی خود را ببرد و یا در مصیبت غیر شوهر و هم چنین فرق نمی‌کند که آن غیر شوهر از لحاظ نسبت، قریب به زن باشد و یا بعید.

□ □ □ □

س ۳۴۰۷- آیا تراشیدن سر و یا سوزاندن آن برای زن حکم بریدن را دارد یا خیر؟ ج- تراشیدن و سوزاندن موی، حکم بریدن را ندارد؛ اگرچه احتیاط خوب است.

□ □ □ □

مسئله ۳۴۰۸ - در خراش صورت که کفاره دارد، معتبر نیست که تمام صورت را خراش دهد؛ بلکه مسمای خراش صورت برای ثبوت کفاره کافی است. بلی، معتبر است که در اثر خدش و خراش، خون بیاید و خراش غیر صورت مانند بدن، حکم خراش صورت را ندارد؛ اگرچه موجب آمدن خون شود.

□ □ □ □

س ۳۴۰۹ - گفته می‌شود اگر مرد لباس خود را در مصیبت فرزند پاره کند، باید کفاره بپردازد، آیا در این جهت میان فرزند پسر و دختر تفاوتی هست یا خیر؟  
ج - در این حکم فرقی بین اولاد ذکور و اناث نیست.

□ □ □ □

س ۳۴۱۰ - در حکم مذکور، آیا فرزندان فرزند نیز حکم فرزند بدون واسطه را دارند؛ اگرچه فرزند دختر باشند یا خیر؟  
«گلبایگانی»: بلی، بنا بر احتیاط واجب.

\* \* \*

«نکونام»: فرزندان فرزند؛ هرچند فرزند دختر باشند، در حکم فرزند بی‌واسطه هستند.

□ □ □ □

س ۳۴۱۱ - آیا خراش صورت در مصیبت همسر غیر دایمی حکم همسر دایمی را دارد یا خیر؟

ج - بعید نیست؛ مخصوصاً اگر مدت طولانی باشد.

□ □ □ □

□ بسنده بودن پرداخت پول به مسکین در کفاره

س ۳۴۱۲ - کسی که روزه‌ی ماه مبارک رمضان را بدون عذر شرعی باطل نموده، اگر بخواهد به عنوان کفاره برای هر روز شصت فقیر را اطعام نماید، آیا می‌تواند

قیمت آن را حساب نموده و پول به فقیر بدهد؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، کفاره، اطعام شصت مسکین یا دادن شصت مد طعام به شصت مسکین است و دادن پول کفایت نمی‌کند.

\* \* \*

«نکونام»: در پرداخت کفاره‌ی روزه‌ی ماه رمضان، می‌توان به قدر اطعام شصت مسکین یا به قدر شصت مد طعام، پول آن را حساب نمود و به شصت مسکین یا حتی به یک نفر از آنان داد.

□ □ □ □

#### □ کفایت فقیر واحد در پرداخت کفاری نقدی

س ۳۴۱۳ - اگر فقیر، افراد تحت تکفل داشته باشد، آیا می‌شود به تعداد این افراد، کفاره‌ی یک یا چند روز را به فقیر پرداخت نماید یا فقط کفاره‌ی یک روز را می‌شود به فقیر داد؟

«گلبایگانی»: می‌شود به عدد افرادی که نان‌خور و واجب‌النفقه‌ی او هستند، به هر یک ده سیر گندم یا آرد داد.

\* \* \*

«نکونام»: لازم نیست کفاره، گندم یا آرد باشد، بلکه می‌توان پول آن را حساب کرد. هم‌چنین می‌توان همه‌ی آن را به یک فقیر داد.

□ □ □ □

#### □ پرداخت پول به جای طعام

س ۳۴۱۴ - آیا به جای کفاره‌ی شکستن نذر، یمین و عهد می‌شود پول داد یا در هر سه صورت باید طعام داده شود و آیا همه‌ی یک کفاره را می‌شود به فقیر واحد داد یا نه؟

«گلبایگانی»: در کفاره‌ای که اطعام دارد؛ مثل کفاره‌ی نذر و یمین، باید فقیر را سیر کند یا به هر فقیر یک مد طعام بدهد و هم‌چنین در کسوه که کفاره‌ی

یمین است، باید لباس بدهد و کافی نیست دادن قیمت و جایز نیست تمام آن را به یک فقیر دادن، بلکه لازم است تقسیط. بلی، از دو کفاره می توان از هر یک، یک مد به یک فقیر داد.

\* \* \*

«نکونام»: در کفاره‌هایی مانند شکستن نذر، عهد و قسم، به جای اطعام یا دادن مدّ طعام می توان پول و هزینه‌ی آن را داد و هم چنین می توان همه یا بسیاری از آن را به یک فقیر داد. به طور کلی، تبدیل طعام به پول یا جمع‌سازی آن با پول در این‌گونه موارد - اطعام یا دادن مدّ طعام - اشکال ندارد و ظاهر دلیل، مربوط به زمانی است که مصرف معقول کفاره به آن شکل - اطعام یا دادن مدّ طعام - بوده است و تبدیل و جمع‌سازی مناسب نداشته است؛ بنابراین، خصوصیتی در نوع و کیفیت مصرف آن نیست، بلکه لزوم تنها نسبت به حد و میزان مشخص مجموع کیفیت آن به شکل روی هم رفته مطرح است.

□ □ □ □

#### □ روا بودن انجام معامله بر کفاره‌ی گرفته شده

س ۳۴۱۵ - در کفاراتی که مکلف طعام را به فقیر تملیک می کند آیا لازم است فقیر آن را در خوراک خود مصرف نماید یا می تواند آن را به دیگری بفروشد و یا هبه کند؟

«گلبایگانی»: فقیر بعد از تملک طعام می تواند آن را بفروشد و یا هبه کند و یا به مصرف دیگر غیر از اکل برساند.

\* \* \*

«نکونام»: فقیر در صورت گرفتن کفاره باید وصف فقر را داشته باشد و بعد از گرفتن - خواه فقیر باشد یا نباشد - دیگر منعی در جهت مصرف یا فروش آن ندارد.

□ □ □ □

### □ پرداخت وجه طعام در کفاره

س ۳۴۱۶ - اطعام به مساکین چگونه انجام می‌شود؟ آیا باید آن را فقط به مسکین طعام داد یا ممکن است گندم یا وجه آن را نیز پرداخت نمود؟  
«گلبایگانی»: باید یا به آن‌ها طعام بخوراند یا گندم و مانند آن به آن‌ها بدهد.

\* \* \*

«نکونام»: در پرداخت کفاره، تنها اطعام یا دادن گندم و مانند آن لازم نیست، بلکه می‌توان به صورت تبدیلی عمل نمود و وجه آن را پرداخت کرد.

□ □ □ □

### □ عدم لزوم تعدد کفاره بر تعدد افطار

س ۳۴۱۷ - آیا تکرار در افطار کردن در یک روز سبب تکرار کفاره می‌شود یا خیر؟  
«گلبایگانی»: اگر افطار به خوردن و آشامیدن و امثال این‌ها باشد و افطار به غذا یا آب حرام نباشد، یک کفاره؛ مثل این که شصت مسکین را اطعام کند کافی است و اما اگر به جماع در روز؛ هرچند با حللیه‌ی خود باشد، بنا بر احتیاط لازم باید به عدد جماع، کفاره تکرار شود.

\* \* \*

«نکونام»: بعد از افطار روزه به جماع اول و تحقق وجوب کفاره، دیگر موضوع افطار منتفی است و با تعدد جماع، تعدد کفاره واجب نیست.

□ □ □ □

### □ لزوم اجازهی حاکم شرع در مَصَارِفِ مَظَالِمِ

س ۳۴۱۸ - آیا مظالم و کفاره را می‌توان به فرزند فرزند خود در صورتی که در عسرت و تنگ‌دستی باشد بدون اجازهی حاکم شرع داد یا نیاز به اجازه است و اگر کسی را که به او بده کار است می‌شناسد ولی قدرت نداشته باشد که مال را به او برساند، تکلیف چیست؟

«گلبایگانی»: اگر مظالم عباد و کفاره را به اولاد و اولاد اولاد خود بدهد برای



غیر نفقات واجبه اشکال ندارد و احوط آن است که با اجازه‌ی حاکم شرع باشد و اگر صاحب مال معلوم باشد و قدرت ایصال نداشته باشد، تسلیم حاکم شرع کند که او به تکلیف خود عمل نماید.

\* \* \*

«نکونام»: مظالم باید به حاکم شرع داده شود یا با اجازه‌ی او مصرف گردد. هم‌چنین است در مورد مالی که دسترسی به صاحب آن نیست.

□ □ □ □

س ۳۴۱۹ - کفاره‌ی یمین که پوشاندن ده مسکین است، آیا صغیر و بالغ بودن فقیران در آن یکسان است و حتی کودک شیرخوار را نیز شامل می‌شود یا نه؟  
«گلبایگانی»: اقوی کفایت پوشانیدن رضیع است در کفاره؛ لکن احوط پوشاندن کبار است.

\* \* \*

«نکونام»: در این زمینه میان کودکان و بزرگسالان تفاوتی نیست.

□ □ □ □

#### □ کفایت پول بدل از بدهی کفاره

س ۳۴۲۰ - در کفاره‌ی ماه مبارک رمضان که باید نان خریده شود، آیا گیرنده‌ی کفاره باید هر روز مقداری از آن را نان خالص بخرد یا می‌تواند گوشت، پنیر و سایر خوراکی‌ها را از آن پول تهیه نماید و با نان بخورد؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، باید گیرنده‌ی وجه به وکالت از دهنده‌ی پول، نان یا گندم برای صاحب وجه بخرد و بعد از طرف او برای هر روز یک مد به خود تملیک نماید و بعد از تملک می‌تواند آن را بفروشد و در پول آن هر گونه تصرفی بنماید.

\* \* \*

«نکونام»: نیازی به هیچ یک از این کارها - خرید نان یا گندم به وکالت از

صاحب وجه و تملیک آن برای خود به صورت روز به روز و غیر آن نیست - و صاحب وجه می تواند بدهی کفاره خود را تبدیل به پول کند و در یک مرتبه به یک فقیر بدهد و نیازی به وکالت یا مصرف روز به روز نیز نمی باشد.



#### □ کفایت پرداخت نقدی کفاره به صورت یک مرتبه

س ۳۴۲۱ - کسی به سبب ناآگاهی از مسایل شرعی کفاره‌ی مد چندین سال روزه‌ی خود را به جای نان و گندم و برنج همه ساله به طور نقدی به درماندگان و بینوایان پرداخت می نموده، حال متوجه شده که کفاره‌ی مد روزه ناشی از بیماری، نان یا گندم و مانند آن است و یا باید طرف را وکیل کند که نان و گندم بخرد در صورتی که فقط پول آن را محاسبه و پرداخت کرده، در حال حاضر که متوجه مسأله شده چه باید بکند؟

«گلبایگانی»: باید مجدداً کفاره را از گندم یا نان بپردازد.



«نکونام»: پرداخت دوباره‌ی کفاره از گندم یا نان لازم نیست و همان پرداخت نقدی قبل در یک مرتبه کفایت می کند.



س ۳۴۲۲ - کسانی که روزه‌ی ماه مبارک رمضان را در اثر بیماری یا عارضه‌ی دیگری افطار و تا رمضان آینده قدرت روزه گرفتن را ندارند و یا دارند و در انجام آن مسامحه می نمایند و بایستی کفاره بدهند، آیا می توانند پس از ماه رمضان کفاره را بدهند یا باید صبر کنند تا ماه رمضان آینده کفاره بدهند؟

ج - در فرض مذکور که روزه را با عذر افطار کرده، باید صبر کند تا ماه مبارک بعد، اگر قضای آن را در این بین نگرفت، آن وقت کفاره جهت ترک و تأخیر لازم است.



س ۳۴۲۳ - پی در پی بودن دو ماه روزه در کفاره به چه معناست؟

ج - در تتابع شهرین کفایت می‌کند که تمام ماه اول و یک روز از ماه دوم متتابعاً انجام شود.



س ۳۴۲۴ - در روزهایی که لازم است پی در پی روزه بگیرد، چنانچه با عذر افطار کند، آیا تتابع آن از بین می‌رود و واجب است دوباره روزه‌ی دو ماه را شروع نماید یا خیر؟

ج - اگر افطار بدون عذر باشد، مضر به تتابع است؛ ولی اگر به جهت عذری باشد مانند اکراه و یا اضطرار و یا عروض مرض و یا حیض و نفاس، مضر به تتابع نیست و از جمله اعدار است سفری که در اثنا به جهت ضرورتی واقع شود نه سفر اختیاری که آن مضر به تتابع است و از جمله اعدار است نسیان نیت صوم تا موقعی که وقت نیت فوت شود به این که نسیان تا بعد از زوال ادامه پیدا کند و هم چنین است حکم اگر صوم دیگری بی اختیار متخلل شود؛ مثل این که نسیان کند و صوم دیگری را نیت کند و بعد از زوال متذکر شود و از جمله اعدار است موردی که قبل از وجوب صوم شهرین نذر کرده؛ مثلاً هر پنجشنبه روزه بگیرد که در این صورت، تخلل صوم نذری روز پنجشنبه مضر به تتابع نیست.



س ۳۴۲۵ - اگر در دو ماه پی در پی روزه گرفتن را از وسط ماه شروع کند و هر دو ماه و یا یکی از آنها کم‌تر از سی روز باشد، تکلیف چیست؟

ج - در فرض سؤال، تکمیل ماه اول از ماه دوم و تکمیل ماه دوم از ماه سوم کافی است؛ اعم از این که هر دو ماه تمام باشند و یا هر دو ناقص و یا مختلفین.





## موارد وجوب کفاره

### □ پرداخت کفاره به قدر امکان یا استغفار

س ۳۴۲۶- این جانب زنی هستم که از نه سالگی که روزه بر من واجب شده است مدت چند سالی روزه‌ام را در پنهانی خورده‌ام و در آن موقع از وضع ابطال روزه آگاه نبودم، حال که متوجه شده‌ام تکلیف من چیست؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، قضای روزه‌هایی که در زمان بلوغ افطار نموده‌اید باید بگیرید و برای هر روز باید کفاره بدهید که اطعام شصت مسکین یا دو ماه روزه یا یک بنده آزاد کردن است و روزه‌هایی را که در ایام عادت خود خورده‌اید، قضا دارد و کفاره ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: اگر کسی نتواند کفاره‌ی همه‌ی روزه‌ها را بجا آورد، به هر اندازه که می‌تواند باید آن را بجا آورد یا استغفار نماید.

□ □ □ □

س ۳۴۲۷- کسی که در ابتدای تکلیف، روزه‌های خود را در پنهانی افطار می‌کرده و به روزه‌داری تظاهر می‌نموده، آیا تکلیف او دادن کفاره است یا خیر؟  
ج- در فرض سؤال، با علم به وجوب روزه بر او، روزه‌هایی که خورده، قضا و کفاره دارد.

□ □ □ □

س ۳۴۲۸ - آیا مکلفی که هنوز رشد عقلی ندارد جاهل قاصر شمرده می‌شود و از دادن کفاره معاف است یا نه؟

ج - علم به وجوب روزه و حرمت افطار کافی در وجوب قضا و کفاره است و جاهل قاصر محسوب نمی‌شود.

□ □ □ □

س ۳۴۲۹ - اگر زن لباس خود را در مصیبت پاره کند، آیا کفاره دارد یا خیر؟  
ج - پاره کردن زن لباس خود را در مصیبت، کفاره ندارد؛ اگرچه در مصیبت شوهر و یا اولاد خود باشد.

□ □ □ □

س ۳۴۳۰ - اگر مرد در مصیبت در صورت خود، خراش یا خدش ایجاد کند و هم‌چنین موی خود را قیچی کند یا ببرد، آیا کفاره دارد یا خیر؟  
ج - کفاره ندارد.

□ □ □ □

س ۳۴۳۱ - گفته شده اگر مرد لباس خود را در مصیبت همسر و فرزند پاره کند، کفاره دارد، آیا پاره کردن لباس در مصیبت غیر آنان نیز کفاره دارد یا خیر؟  
ج - در فرض سؤال، کفاره ندارد.

□ □ □ □

س ۳۴۳۲ - بیماری به گفته‌ی پزشک روزه نگرفته است و بعد از چند سال دانسته که روزه برای وی ضرر نداشته و پزشک در تجویز افطار خطا کرده، آیا لازم است کفاره بپردازد یا نه؟

ج - کفاره واجب نیست، لکن قضای آن را بجا آورد.

□ □ □ □

س ۳۴۳۳ - در كفاره‌ی جمع، اگر مكلف برخی از موارد آن مانند عتق رقبه را نتواند انجام دهد، آیا تكلیف نسبت به بقیه‌ی خصال و موارد آن نیز ساقط است یا نه؟  
«گلبایگانی»: نسبت به معسور تكلیف ساقط است، ولی میسور را باید انجام بدهد.

\* \* \*

«نکونام»: بقیه را در حد امکان و توانایی متعارف انجام دهد.

